دکتر محمدحسن خانی

سازمان های بین المللی

از نظریه تا عمل

گذشته، حال و آینده

بسم الله الرحمن الرحيم

سازمان‌های بین‌المللی
از نظریه تا عمل

(گذشته، حال و آینده)

دکتر محمد حسن‌خانی

انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)

سرشناسه: خانی، محمد حسن.
عنوان و پدیدآور: سازمانهای بین المللی از نظریه تا عمل (گذشته، حال و آینده)/
محمد حسن خانی،
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۵ .
مشخصات ظاهری: ۴۰۲ ص.: مصور، عکس، نمودار.
شابک: ۴-۳۳-۷۷۴۶-۹۶۴
یادداشت: فیپا
یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: International organizations from teory to practice.(past,)present, and future
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: سازمانهای بین المللی.
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق(ع)
رده بندی کنگره: ۲س۲خ/jz۲۸۳۹
رده بندی دیویی: ۳۴۱/۲
شماره کتابخانه ملی: ۳۱۵۸-۸۵م

سازمانهای بین المللی از نظریه تا عمل

تالیف: محمد حسن خانی
انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)
چاپ اول – ۱۳۸۵
۱۰۰۰ نسخه
۳۵,۰۰۰ ریال
شابک ۴- ۳۳-۷۷۴۶-۹۶۴
آماده سازی و ویراستاری محتوایی: ابراهیم حقیقی
چاپ و صحافی: طوبی

تهران ـ بزرگراه شهید چمران ـ پل مدیریت ـ صندوق پستی ۱۵۹ـ۱۴۶۵۵
تلفن ۸۸۳۷۰۱۴۲ دور نگار : ۸۸۰۹۴۹۱۵

تقدیم به:

احمد صادقی و علی امراللهی پورشیرازی که همراهان و مشوقان من در اولین گام‌های دانش‌اندوزیم بودند. «روانشان شاد باد»

فهرست مطالب

پیشگفتار

مبحث سازمان‌های بین‌المللی یکی از زیر شاخه‌ها و زیر مجموعه‌های علم روابط بین‌الملل به‌شمار می‌رود ودر حوزه مباحث مربوط به حقوق بین‌الملل، علوم سیاسی، و اقتصاد بین‌الملل نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ازاین‌رو به دست دادن شناختی واقعی، همه جانبه، و فراگیر از ماهیت و نقش این سازمان‌ها در جهان کنونی، هم در حوزه سیاست نظری و مباحث آکادمیک، و هم در حوزه سیاست عملی ضرورتی حتمی تلقی می‌شود.

مبانی نظری ضرورت نهاد "سازمان‌های بین‌المللی" در نظام بین‌الملل، تاریخچه تشکیل و روند تکاملی این سازمان‌ها در طول تاریخ و به‌ویژه در قرون هجدهم، نوزدهم، و بیستم میلادی و بالاخره ارزیابی جایگاه و نقش آنها در نظام بین‌الملل در عصر حاضر از مهم‌ترین محورهای مباحث مربوط به سازمان‌های بین‌المللی هستند که همگی بطور جامع در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

گرچه در تحریر این اثر سعی شده است تا مباحث مربوط به سازمان‌های بین‌المللی به‌طور عام به بحث گذارده شود، اما با این همه، نگرش و دیدگاه غالب در پژوهش، گردآوری، و تحریر فصول مختلف این اثر، نگرشی سیاسی _ تاریخی با تاکید بر نقش این نهاد در روابط بین‌الملل بوده است و بالطبع مخاطبان اصلی این کتاب دانشجویان و پژوهشگران رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، و حقوق بین‌الملل خواهند بود.

در این اثر تلاش شده است تا ضمن تبیین نقش و جایگاه اساسی سازمان‌های بین‌المللی در نظام معاصر بین‌الملل، کارکرد آنها، و نیز ریشه یابی دلایل کامیابی و ناکامی

آنها به‌طور دقیق و علمی تجزیه و تحلیل شود.

از آنجا که سازمان ملل‌متحد مهم‌ترین، کامل‌ترین و برجسته‌ترین نمونه و نیز بارزترین و عینی‌ترین مصداق ایده سازمان‌های بین‌المللی در جهان خارج است، ازاین‌رو بخش عمده‌ای از مباحث این کتاب به تشریح و توصیف ساختار سازمان ملل، و نیز کالبدشکافی فنی، و تجزیه و تحلیل دقیق و علمی عملکرد آن اختصاص داده شده است. از همین روست که تمرکز و تاکید ویژه‌ای بر دو رکن اصلی آن یعنی مجمع عمومی و شورای امنیت شده است.

با عنایت به اینکه یکی از دغدغه‌های اصلی مولف این اثر، پاسخگویی به نیاز دانشجویان و گردآوری و در اختیار گذاردن اثری جامع در مقیاس یک دایره المعارف کوچک در مبحث سازمان‌های بین‌المللی بوده است، از این روسعی و تلاش گرانی به‌عمل آمده تا مجموعه‌ای غنی و جامع از ضمائم شامل متون انگلیسی و فارسی از اسناد، میثاق‌ها، کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌ها، در کنار عکس‌ها و تصاویر امکنه تاریخی و شخصیت‌های سیاسی دخیل و تأثیر گذار بر روند تأسیس و توسعه پدیده سازمان‌های بین‌المللی به مخاطبان این اثر عرضه گردد.

مولف، ضمن پاسداشت و ارج گذاردن به زحمات تمامی اساتید و پژوهشگرانی که تاکنون موجد و مولد آثار گرانقدری در این زمینه بوده‌اند، امیدوار است اثر حاضر گام کوچک دیگری در این مسیر باشد. ضمن آنکه به نواقص و کاستی‌های احتمالی موجود در آن نیز اذعان دارد و از دیدگاه‌های سازنده اصحاب اندیشه در رفع این کاستی‌ها استقبال می‌کند.

نگارنده لازم می داند تا مراتب سپاس و قدردانی خود را از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)، دفتر نشر دانشگاه، کارکنان محترم کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه و نیز اعضای هیئت علمی و کارمندان دانشکدهٔ معارف اسلامی و علوم سیاسی اعلام دارد.

نگارنده همچنین مراتب تشکر خود را از جناب آقای ابراهیم حقیقی که زحمت ویراستاری محتوایی متن را با حوصله و دقت بسیار به انجام رساندند ابراز می‌دارد.

محمدحسن خانی

پاییز ۸۵

فصل اوّل:

نظریه‌ها و رویکردها در باب فلسفه تأسیس و کارویژه‌های سازمان‌های بین‌المللی

۱) تعریف سازمان

یک سازمان هنگامی پدید می‌آید که مجموعه‌ای از عوامل به‌منظور هماهنگ کردن فعالیت‌های یک گروه و در راستای تامین اهداف و منافع معین و مشخصی به‌کار گرفته شوند. بر این اساس، مولفه‌های دخیل در تأسیس و تشکیل یک سازمان عبارتند از:

۱. وجود گروه یا گروه‌هایی از افراد یا جوامع

۲. وجود هدف یا اهدافی مشترک میان این افراد یا جوامع

۳. وجود عزم و اراده مشترک میان این جمع به‌منظور نیل به هدف یا اهداف مذکور

۴. وجود مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و رویّه‌ها که چگونگی عملکرد و سازوکار تعامل میان اعضای این مجموعه را مشخص کرده باشد.[۱]

بحث درباره سازمان به‌طور عام، معمولاً تداعی کننده نوعی رابطه و هماهنگی میان طرف‌های گوناگون به‌منظور دستیابی به مقصودی عقلایی است. **تالکوت پارسونز**[(۱)] در اثر خود با عنوان **ساختار و فرایند در جوامع مدرن** نگاه جالب توجه و قابل تاملی به پدیده "سازمان" دارد. بر خلاف سایرین، وی از زاویه‌ای کاملا متفاوت به "سازمان‌ها" می‌نگرد و به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازد. نظریه **پارسونز** بر این پایه استوار است که اصولاً تمامی نظام‌های اجتماعی بایستی قادر به حل چهار مسئله اساسی باشند. وی این چهار مسئله را

---

1. Talcot Parsons

چنین برمی‌شمارد:

۱. تطابق با محیط

۲. نیل به هدف

۳. جای دادن واحدهای زیر مجموعه در قالب نظام‌های بزرگتر و کلان تر

۴. نگاهداری و حفظ الگوهای ارزشی در طول زمان.[۲]

سی آرچر[۱] و **دوورگر**[۲] از دیگر صاحب نظران در این حوزه مطالعاتی هستند. ایشان سازمان‌ها را به مثابه نهادهایی می‌دانند که در آنها تلاش‌های جمعی شکل می‌گیرند و فعالیت‌های سازماندهی شده در سطوح فرافردی و اجتماعی به منصه ظهور می‌رسند. به عقیده آنها، این روند در مراحل بدوی از طریق سنت‌های اجتماعی ودر مراحل بعدی براساس حقوق وقانون شکل می‌گیرد.[۳]

۲) دیدگاه‌های گوناگون دربارهٔ سازمان‌های بین‌المللی

اینیس ال. کلاود[۳] از نظریه پردازان معاصر، دیدگاه تازه‌ای را در باب سازمان‌های بین‌المللی مطرح ساخته و معتقد است سازمان‌های بین‌المللی در حقیقت ماحصل و دستاورد روندی هستند که وی آن را روند "سازماندهی و ساماندهی بین‌المللی" می‌نامد. بنا به تعریف وی، سازماندهی بین‌المللی عبارت از جریانی است که طی آن دولت‌ها به تأسیس و توسعه ساختارها و سازوکارهای نوعی از نهادهای بین‌المللی با کارکرد مستمر مبادرت می‌ورزند. وی این اقدام دولت‌ها را برخاسته از نیاز آنها به سازماندهی جنبه‌های گوناگون روابط‌شان با یکدیگر ارزیابی می‌کند.[۴]

با این حال برخی دیگر از نظریه پردازان سازمان‌های بین‌المللی برای آنکه تعریف دقیق،

---

1. C. Archer

2. Duverger

3. Inis L. Claude, Jr

جامع و مانعی از سازمان‌های بین‌المللی به‌دست دهند، کوشیده‌اند تا وجه اشتراک و افتراق سازمان‌های بین‌المللی با سایر پدیده‌ها و مفاهیم مشابه را تبیین کنند. **پیتمن پاتر**[1] ازجمله این افراد است که در کتاب خود به توضیح اختلاف میان سازمان‌های بین‌المللی و آنچه که وی آن را **تعامل بین‌المللی**[2] می‌نامد، پرداخته است. وی معتقد است تعامل بین‌المللی مفهومی بسیار عام بوده و دربرگیرنده تمامی وجوه و جوانب روابط میان ملل و دول جهان است. این در حالی است که به باور وی سازمان‌های بین‌المللی تنها ناظر به حوزه‌هایی خاص از این روابط هستند . او حوزه‌های حقوقی و سیاسی را در زمره مواردی می‌داند که سازمان‌های بین‌المللی در این حوزه‌ها کارکردی ویژه دارند. [۵]

نکته دیگری که در این مجال باید بدان پرداخت، وجه تمایز میان حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی است. حقوق بین‌الملل عبارت است از برخی قوانین، مقررات و اصول مجرد که روی کاغذ به تحریر درآمده و از سوی برخی کشورها مورد توافق قرار گرفته و به امضا رسیده است. این قوانین و مقررات به منظور تسهیل و قانونمند ساختن روابط میان کشورها وضع شده است.

به‌عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل، قوانین، عرف‌ها، و اصولی را پایه‌ریزی می‌کند و ارائه می‌دهد که بر مبنای آنها " تعامل بین‌المللی" شکل می‌گیرد. سازمان‌های بین‌المللی در این منظر نهادهائی هستند که وظیفه و رسالت تدوین، تنظیم و اجرای این روند را بر عهده دارند. پیتمن پاتر رابطه بین این سه مفهوم را بدین‌گونه بیان می‌کند که برای به جریان‌افتادن تعامل بین‌المللی ما نیازمند حقوق بین‌الملل هستیم و برای تدوین و اجرای حقوق بین‌الملل جامعه جهانی به تأسیس و کارکرد سازمان‌های بین‌المللی نیاز دارد.[۶] براساس این تعریف، هدف نهایی سازمان‌های بین‌المللی کمک به تحقق تعامل بین‌المللی به بهترین شکل و با موثرترین روش است.

بحث و جدل درخصوص تعیین حدود و ثغور سازمان‌های بین‌المللی برخی دیگر از

1. Pitman Potter
2. International Intercourse

صاحب‌نظران این حوزه ازجمله جکابسون[1] را بر آن داشته است تا تمایز میان سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های فراملی[2] را نیز مورد مداقه قرار دهد. وی نهادهای مذهبی با ماهیت فراملی نظیر کلیسای کاتولیک رم، یا شرکت‌های معظم چندملیتی نظیر رویال داچ شل را در زمره سازمان‌های فراملی قلمداد می‌کند.[۷]

یکی دیگر از مواردی که ذکر آن در بخش تعاریف ضروری است، تمایز میان سازمان‌های بین‌المللی دولتی و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی است. در تعریفی ساده، سازمان‌های بین‌المللی دولتی به آن دسته سازمان هائی گفته می‌شود که با موافقت و قرارداد میان دولت‌ها تأسیس می‌شود و اعضای آنها اعضای رسمی و حقوق بگیر دولت‌های متبوع خود هستند. در مقابل، سازمان‌هایی که بدین‌گونه تأسیس نشوند و تحت نظر و امر دولت‌ها نباشند، سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی تلقی می‌شوند. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی همواره به نحوی از انحاء تحت نفوذ و فشار دولت‌ها هستند. این امر به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به نحو بازرتری مشهود است؛ به گونه‌ای که در بسیاری از این کشورها نظارت شدید و دقیقی از سوی دولت‌ها بر چگونگی کارکرد وتعامل این سازمان‌ها با خارج از کشور وجود دارد و اعضای آنها نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با اعمال نظر دولت‌ها تعیین می‌شوند. در فصل ششم از کتاب حاضر بحث مفصّل‌تری در باب سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی ارائه خواهد شد و آنگاه به‌طور اجمالی مثال‌ها و مواردی از این نهادها را برای نمونه مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

۳) ایده سازمان‌های بین‌المللی در قرون ۱۷و۱۸ میلادی

اراسموس[3]، **سالی**[4] و **کروس**[5] در زمره پیشتازان ایده صلح جهانی و سازمان‌های

1. H. K. Jacobson
2. Transnational Organizations
3. Erasmus
4. D. Sully
5. E. Cruce

بین‌المللی در قرون ۱۷و۱۸ میلادی در اروپا بودند. **اراسموس** در کتاب خود به نام **"دادخواهی برای صلح"** کوشید تا راه‌های دستیابی به صلحی جهانی را مورد ارزیابی قرار دهد و در این راستا اشاراتی به لزوم تأسیس نوعی سازمان و نهاد بین‌المللی داشت. پس از وی، **سالی** نیز ایده کم و بیش مشابهی را مطرح کرد. **سالی** بر این باور بود که پدیده جنگ در اروپا را می‌توان از راه ایجاد نوعی اتحاد فراگیر میان قدرت‌های بزرگ اروپایی ریشه کن کرد. راهکار مورد نظر **سالی** ایجاد اتحادیه‌ای بر اساس برابری حقوق تمامی اعضا بود. همین ایده بعدها اساس و بنیان ایده "طرح بزرگ " از سوی **هنری چهارم**، پادشاه فرانسه گردید.[۸]

امریک کروس از دیگر پیشتازان ایده نهاد سازمان‌های بین‌المللی بود. ایده **کروس** در مقایسه با سایر طرح‌های مشابه، دو ویژگی تازه و مهم داشت. نخست آنکه طرح وی برای نخستین بار و بر خلاف سایر طرح‌ها به اروپا محدود نمی‌شد. طرح مشخص وی تأسیس یک لیگ جهانی برای پاسخگویی به مسائل و مشکلات کل نظام بین‌الملل بود که اکثر کشورهای جهان ازجمله امپراطوری‌های عثمانی، چین و ایران را نیز شامل شد. ویژگی دوم طرح وی عنایت و توجه خاص او به عوامل و شاخصه‌های تجاری و اقتصادی درخصوص نهاد سازمان‌های بین‌المللی بود. پیشنهاد مشخص وی در این خصوص را می‌توان همکاری‌های بازرگانی و اصل تجارت آزاد به‌عنوان راهکاری عمده برای پیشبرد جامعه بین‌الملل به‌سوی همزیستی مسالمت‌آمیز و تأسیس نهاد سازمان‌های بین‌المللی دانست.[۹]

یکی دیگر از اندیشمندان قرن هفدهم که نقش عمده‌ای در ابداع، بسط و توسعه ایده سازمان‌های بین‌المللی ایفا کرد، **هوگو گراسیوس**[1] هلندی بود. وی در اثر مشهور خود به نام **حقوق جنگ و صلح**، فصل جدیدی را در حقوق بین‌الملل و روند توسعه و تکامل ایده سازمان‌های بین‌المللی گشود. شاید از همین روست که وی را پدر علم حقوق بین‌الملل نام نهاده‌اند. **گروسیوس** درکتاب خود، به‌طور مشخص از ایده برگزاری کنفرانس‌ها و یاری جستن از حکمیت و راه‌های دیگر برای جلوگیری از جنگ و برقراری

---

1. Huig van Groot, (Hugo Grotius)

صلح سخن می‌گوید. راهکارهای مورد اشاره او بعدها پایه و اساس تحولات نوین و پایدار در حوزه حقوق بین‌الملل شد.[۱۰]

ویلیام پن[۱] متفکر انگلیسی از دیگر اندیشمندانی بود که آرا و اندیشه‌های وی در سال‌های پایانی قرن هفدهم مورد توجه قرار گرفت. وی در کتاب مشهور خود به نام **مقاله‌ای در باب حال و آینده صلح**[۲] که در سال ۱۶۹۳ منتشر شد، به طرح تفصیلی اندیشه‌های خود پرداخت. ایده **ویلیام پن** که بعدها به نام "رژیم اروپایی" مورد توجه سایر متفکران و سیاستمداران قرار گرفت، مبتنی بر تشکیل فدارسیونی اروپایی بود که هسته اصلی آن را یک پارلمان اروپایی تشکیل می‌داد.

اهداف و محورهای عمده طرح **پن** عبارت بود از: جلوگیری از خونریزی بیشتر ابنای بشر، تجدید اعتبار مسیحیت، جلوگیری از خرابی‌های جنگ، و ترویج دوستی و مودت بیشتر میان پادشاهان و شاهزادگان اروپایی. عقاید و نظریه‌های **پن** بعدها سنگ بنای تأسیس نهضت‌ها و حرکت‌هایی نظیر کویکرها[۳] شد که تحقق صلح بین‌المللی را از طریق نوعی جنبش و نهضت جمعی دنبال می‌کردند.[۱۱]

"طرحی برای صلح دائمی"[۴] اثر **سنت پییر**[۵] که در سال ۱۷۱۲ منتشر شد گام بلند دیگری بود به‌سوی تأسیس سازمان و نهادی بین‌المللی در اروپا برای حفظ صلح و امنیت جهانی. **سنت پییر** در اثر خود، پیشنهاد تأسیس یک سنای اروپایی متشکل از ۲۴ عضو را ارائه داد. این نهاد، وظیفه اقدام علیه هرگونه تهدید بر ضد کشورهای عضو را برعهده داشت. به‌عبارت دیگر، سنای مورد نظر سنت پییر به منزله نوعی شورای امنیت بود که در قالب سازمانی بین‌المللی و اروپایی عمل می‌کرد؛ شورایی که کار حفظ و حراست از صلح در اروپا را بر عهده می‌گرفت.

---

1. William Penn
2. Essay Towards the Present and Future Peace
3. Quakers
4. Project for a Perpetual Peace
5. Abbe Saint Pierre

حدود چهار دهه بعد، در سال ۱۷۶۱، **ژان ژاک روسو**[۱] اثر بر جسته خود با عنوان **صلح پایدار**[۲] را منتشر کرد. در طول چهار دهه‌ای که میان انتشار اثر سنت پییر و روسو فاصله بود، ملاقات‌های متعددی میان این دو صورت گرفت و بسیاری از مورخان، «صلح پایدار» روسو را حاصل مذاکرات و مباحثات علمی **روسو** با سنت پییر می‌دانند. طرح اصولی روسو در کتاب «صلح پایدار» مبتنی بر تأسیس کنگره‌ای دایمی بود. این کنگره از نمایندگان کشورهای مختلف تشکیل می‌شد که با هدف اقدام مشترک علیه هرگونه خطری که صلح و امنیت اروپا را تهدید می‌کرد، تأسیس می‌گردید.[۱۲] در کمتر از دو دهه و در روند تکاملی سازمان‌های بین‌المللی، متفکر شهیر انگلیسی، **جرمی بنتهام**[۳] اثر خود با عنوان **دیوان بین‌المللی** را منتشر ساخت. ایده اصلی بنتهام در این اثر، تأسیس رژیم مشترکی بود که مبتنی بر نفع عمومی و سود مشترک همه اعضاء بنا نهاده شده باشد.

آخرین حلقه از زنجیره متفکرانی که تا قبل از سال ۱۸۱۵ و تشکیل کنگره وین به نوعی به بسط و توسعه مفهوم و ایده سازمان‌های بین‌المللی کمک کردند، **ایمانوئل کانت**[۴] را دربردارد. کانت در کتاب خود با عنوان **بسوی صلح دائمی**[۵] وضع موجود در قاره اروپای آن زمان را وضعیتی هرج ومرج گونه توصیف کرده است که در آن، موازنه قوا شانسی برای موفقیت ندارد. دو مورد از پیشنهادهای مشخص و صریح **کانت** برای مقابله با وضع موجود از این قرار بود:

۱ـ هیچ معاهده و پیمانی میان کشورها نبایستی شامل فصل یا بند محرمانه‌ای باشد.

۲ـ ارتش‌های کشورها از حال آماده باش خارج شوند.

وی همچنین براین عقیده بود که روابط میان ملت‌ها بایستی در قالب فدارسیونی از دول آزاد تعریف شود. این امر در کنار آنچه وی آن را مقتضیات تعاملات تجاری و بازرگانی

---

1. Jean Jacques Rousseau
2. A Lasting Peace
3. Jeremy Bentham
4. Immanuel Kant
5. Towards Perpetual Peace

بین کشورها می‌نامید، در نهایت می‌توانست به استقرار صلحی جهانی بینجامد.

۴) دیدگاه‌ها و رویکردهای معاصر درخصوص سازمان‌های بین‌المللی

الف. اردوگاه واقع‌گراها و آرمان‌گراها

در پاسخ به منازعات وستیزه های مستمر میان واحدهای سیاسی، از دولت شهرهای یونان باستان گرفته تا دولت ـ ملت‌های نظام نوین بین‌الملل، دو رویکرد واقع‌گرایی[1] و آرمان‌گرایی[2] همواره در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. اختلاف این دو رویکرد نه‌تنها در چگونگی نگرش آنها به صورت مسئله، بلکه به عمق تجزیه و تحلیل آنها درخصوص طبیعت نظام بین‌الملل تسری پیدا می‌کند. واقع‌گراها تنازع، رقابت و خشونت را جزء لاینفک و طبیعی نظام بین‌الملل می‌دانند و در نتیجه ضرورت و فایده عملی چندانی برای ایجاد نهادهایی بین‌المللی برای ریشه کردن این خصلت و ویژگی قائل نیستند.

از دیدگاه واقع‌گرایان، تأسیس نهادهای بین‌المللی نمی‌تواند به بهبود شرایط و اوضاع نظام بین‌الملل کمک چندان موثری کند. به گمان این گروه از نظریه‌پردازان، طبیعت بشر و واقعیت‌های جامعه بین‌المللی دقیقاً اقتضای همان شرایطی را دارد که تاریخ بشر آن را نشان داده و جنگ و خونریزی همواره جزئی از این تاریخ بوده است.

با وجود نگاه بدبینانه و منفی واقع‌گرایان به ابعاد تأثیرگذاری سازوکار سازمان‌های بین‌المللی بر لایه‌های عمیق ساختار سیاست بین‌الملل، معتقدان به این رویکرد اما یکسره منکر کارکرد این نهاد در سطوح معین و حوزه‌های محدودی از روابط بین‌الملل نیستند. شاید بتوان همین مشخصه را وجه تمایز میان واقع‌گرایان و نئولیبرالیسم ـ تا آنجا که به

1. Realism
2. Idealism

دیدگاهشان درخصوص سازمان‌های بین‌المللی مربوط می‌شود ـ دانست.

از سوی دیگر، آرمان‌گراها، منازعه میان واحدهای نظام بین‌الملل را پدیده‌ای طبیعی و غیرقابل اجتناب نمی‌دانند. به نظر این گروه، منازعه و جنگ میان اجزای نظام بین‌الملل بدون شک قابل کنترل، کاهش وحتی قابل ریشه کنی است، به شرط آن‌که برای این کار ترتیبات و تمهیدات سیاسی مقتضی اندیشیده و به‌کار بسته شود. دو دیدگاه مورد اشاره، در مبحث سازمان‌های بین‌المللی دارای اهمیتی فوق‌العاده هستند، چرا که این دو دیدگاه در حقیقت مرکز ثقل آرای متفاوت و رویکردهای متضاد درخصوص سازمان‌های بین‌المللی و جایگاه این سازمان‌ها در نظام بین‌الملل و کارکرد آنها در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شوند.

ب. ایده امنیت جمعی و سازمان‌های بین‌المللی

امنیت جمعی[1] تا آنجا که به حفظ و نگهداری صلح و امنیت بین‌الملل مربوط می‌شود، یکی از مفاهیم بنیادین مرتبط با تأسیس و عملکرد سازمان‌های بین‌المللی است. موضوع اصلی مفهوم امنیت جمعی عبارت است از سازماندهی، اقدام و مسئولیت جمعی از سوی همه یا مجموعه‌ای از دولت‌ها در مقابله و رویارویی با خطراتی که نظم جهانی را تهدید می‌کند. از این منظر، امنیت جمعی به‌عنوان سازوکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌عقیده بسیاری از صاحب نظران، در نظریه سازمان‌های بین‌المللی با گرایش صلح و امنیت بین‌المللی "امنیت جمعی" نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

وجود قدرتی تعیین کننده و قوی که پشتوانه‌ای قابل اعتماد و قابل اتکا محسوب شود، از ضروری‌ترین لوازم برای موفقیت عملی ایده امنیت جمعی به‌شمار می‌رود. فراهم‌شدن سطحی قابل قبول از اجماع نظر و وجود اراده سیاسی میان کشورهای عضو، در کنار معیاری معین با تعریفی مشخص از مفهوم "تجاوز" از دیگر پیش شرط‌های کار آمدی و موفقیت نظام امنیت جمعی است.

---

1. Collective Security

نکته قابل توجه در اینجا، وجود تشابهات سه‌گانه فوق الذکر میان ایده امنیت جمعی از یک‌سو و پدیده سازمان‌های بین‌المللی از سوی دیگر است. پیش شرط‌هایی که کسب آنها برای موفقیت هر دو پدیده اهمیتی فوق‌العاده دارد.

برتراند راسل(۱) ازجمله اندیشمندانی است که در کتاب خود به نام **"کدام راه بسوی صلح"**(۲) تاکید خاصی بر نقش امنیت جمعی در حراست از صلح بین‌المللی دارد. به‌عقیده وی، امنیت جمعی برای موفقیت خود نیازمند نوعی نیروی نظامی بین‌المللی است که تحت امر فرماندهی بین‌المللی به ایفای نقش بپردازد.[۱۳]

ایده **"حکومت جهانی"**(۳)، از دیگر مفاهیمی بود که به‌منظور یافتن راه حلی مطلوب برای خاتمه دادن به رقابت‌ها و جنگ‌های پایان ناپذیر میان دولت‌ها از سوی بسیاری از متفکران مطرح شد. این ایده، بر پایه یک رکن اصلی بنا شده بود. رکن و فرضیه اصلی این رویکرد بر این پایه استوار بود که در نظر گرفتن منافع جهانی یعنی منافع تمامی مردم جهان به جای منافع یک ملت یا دولت خاص تنها راه حل اساسی برای ایجاد صلح پایدار در جهان به‌شمار می‌رود. بر این اساس، مهم‌ترین وظیفه "حکومت جهانی" به‌اجرا درآوردن حقوق بین‌الملل به گونه‌ای است که بر مبنای آن از تضییع حقوق ملت‌ها جلوگیری شود و اختلافات میان آنها از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل گردد. ایده حکومت جهانی گرچه از همان آغاز طرحی آرمانگرایانه به شمار می‌رفت که شانسی برای موفقیت عملی نداشت، اما از سوی بسیاری از صاحبنظران به‌عنوان نوعی کانال و سازوکاری مطلوب برای رسیدن به ایده سازمان‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت.

در طیف مقابلِ طرفداران ایده حکومت جهانی، دیدگاه ملی‌گرایان افراطی قرار دارد که با هرگونه سازمان و نهاد فراملی که تضعیف نقش دولت‌های ملی را به دنبال داشته باشد، به‌شدت مخالفت می‌کنند. از دیدگاه این گروه، حکومت جهانی تنها یک رویاست که هیچ‌گاه در تاریخ بشر به‌وقوع نپیوسته است ودر آینده نیز هرگز محقق نخواهد شد. این

1. Bertrand Russell
2. Which Way to Peace?
3. World Government

نگاه بدبینانه از سوی ملی‌گرایان افراطی، در ابعادی کوچک‌تر متوجه سازمان‌های بین‌المللی نیز شده و تأثیرات بازدارنده و منفی به‌سزایی را بر روند تکاملی ایده سازمان‌های بین‌المللی برجای نهاده است، به‌طوری‌که بسیاری از صاحب‌نظران، ازجمله **گودسپید**[1] ملی‌گرایی افراطی را دشمن اصلی و شماره یک ایده سازمان‌های بین‌المللی دانسته‌اند. ۱۴

طرفداران جهان‌گرایی بر این باورند که نظام بین‌الملل بایستی به‌سوی ایجاد دولتی جهانی حرکت کند و نظامی پدید آورد که در آن به همه ملل جهان به عنوان هویتی واحد نگریسته شود؛ به‌گونه‌ای که منافع هر یک از واحدها مساوی منافع سایرین انگاشته شود و هر تهدیدی که متوجه یکی از آنها شود تهدیدی علیه همه آنها تلقی گردد. با توصیف فوق‌الذکر و در حالی‌که ملی گرایان افراطی و جهان وطن‌های آرمانگرا دو سر یک طیف افراطی در نظام بین‌الملل را تشکیل می‌دهند، طرفداران ایده سازمان‌های بین‌المللی مکانی میانه در وسط این دو طیف را به خود اختصاص داده‌اند. به عقیده این گروه "سازمان‌های بین‌المللی" می‌توانند خلاء موجود میان این دو طیف افراطی را پر کنند و همانند پلی میان پدیده دولت- ملت و منافع ملی دولت‌ها از یک سو، و منافع مشترک جهانی و میراث مشترک بشری از سوی دیگر عمل نمایند و به عنوان مرجعی مورد قبول و احترام جهانی برای حل و فصل منازعات و نیز ارتقای سطح همکاری و تعامل میان ملت‌ها منشاء اثر باشند.

وقوع دو جنگ جهانی در نیمه نخست قرن بیستم و پس از آن پدیده جنگ سرد، همگی نشان از دوران جدیدی در روابط بین‌الملل داشت. مهم‌ترین مشخصه این دوران نضج‌گرفتن نظریات مطرح شده از سوی متفکرانی چون **هانس جی، مورگانتا**[2]،**ای. اچ. کار**[3]، و **جی. شوارتزنبرگر**[4] بود. این نظریات همگی متاثر از این باور بودند که تعامل واقعی در روابط میان دولت‌ها بر پایه‌هایی بنا شده است که به لحاظ ماهیت متفاوت و

---

1. S. Goodspeed
2. H. J. Morgentha
3. E. H. Carr
4. G. Schwarzenberger

غیرقابل سازش با رویای همکاری مسالمت‌آمیز دولت‌ها برای تشکیل دولتی جهانی است. به‌عبارت دیگر، نظریه‌پردازان فوق‌الذکر این واقعیت را به روشنی آشکار ساختند که **قدرت**، هسته مرکزی و خمیرمایه اصلی روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. از نظر ایشان، به‌کارگیری قدرت نه تنها تبیین‌کننده معادلات پیچیده در روابط بین‌الملل، که روشنگر و تبیین‌کننده همه پیچیدگی‌های موجود در رفتارهای انسانی به‌شمار می‌رود. از این رو، برای پی‌ریزی و ایجاد هرگونه نظم ونسقی در نظام بین‌الملل، قدرت حرف اول و آخر را خواهد زد. دیدگاه فوق الذکر در حقیقت شاه‌بیت رویکرد واقع‌گرایان در تبیین و تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. همین دیدگاه بود که رفته رفته شالوده رویکرد واقع‌گرایانه نسبت به جایگاه و کارکرد سازمان‌های بین‌المللی در نظام بین‌الملل را نیز بنیان نهاد.[۱۵]

ج. رویکرد رفتارگرایان و کارکردگرایان نسبت به سازمان‌های بین‌المللی

در واکنش به دیدگاه و مکتب واقع‌گرایان، رویکرد دیگری به‌وجود آمد که در ادبیات روابط بین‌الملل از آن با عنوان رفتارگرایی[(۱)] یاد می‌شود. رفتارگرایان، منازعات بین‌المللی را در چارچوب پدیده‌ای که ریشه در رفتار آدمی دارد و نیز به‌نوعی با سایر رفتارها، عمل‌ها، و واکنش‌های بشری هم نسخ است، مورد ارزیابی و ملاحظه قرار می‌دهند.

ازاین‌رو رفتارگرایان معتقدند که می‌توان این شاخه و این حوزه از رفتارهای بشری را نیز مثل سایر موارد، مطالعه وتجزیه و تحلیل علمی کرد. از دیدگاه رفتارگرایان، یکی از دلایل اصلی برای بروز منازعات بین‌المللی و وقوع جنگ‌ها "فقدان نوعی مفاهمه و درک مطلوب میان دولت‌ها و نیز ناکامی در برقراری ارتباط موثر و منطقی میان کشورهای طرف منازعه است."[۱۶] از این روست که نگاه رفتارگرایان به پدیده سازمان‌های بین‌المللی، به‌عنوان نهادی که می‌تواند رسالت فوق الذکر را بردوش بکشد، نگاهی مثبت و خوش‌بینانه

---

1. Behaviorism

است.

کارکردگرایی[1] نیز از دیگر رویکردهای قابل توجه در مطالعه سازمان‌های بین‌المللی به‌شمار می‌رود. **دیوید مارتین**[2] در کتاب خود با عنوان **سیستم صلح کارآمد**[3] نظریه‌ای را مطرح کرده است که شاید از مشخص‌ترین نظریات مطرح شده از سوی کارکردگرایان در حوزه مطالعات سازمان‌های بین‌المللی باشد. وی مدعی است که کارکردگرایی بهترین راه و سازوکار به‌سوی صلحی پایدار در نظام بین‌الملل است.[17] نظریه اصلی کارکردگرایان در این خصوص، براساس این باور پایه‌ریزی شده است که عوامل و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در زمره مهم‌ترین علل بروز جنگ میان ملل به‌شمار می‌روند و ازاین‌رو تضمین و تامین سطح مطلوبی از شرایط اجتماعی و اقتصادی، مهم‌ترین کارکرد یک نظام جمعی است که در نهایت صلح وامنیت بین‌المللی را به‌دنبال خواهد آورد.

آن دسته ازطرفداران ایده سازمان‌های بین‌المللی که از منظر کارکردگرایی به نظام بین‌الملل می‌نگرند، براین اعتقادند که نوع بشر اصولا رفتاری مبتنی بر خردگرایی و عقل‌گرایِی سود محور دارد. همین ویژگی است که نسل بشر را قادر می‌سازد تا مزایا و مواهب هماهنگی، تعاون و همکاری را در زندگی اجتماعی ـ چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی ـ تشخیص دهد. این تشخیص خود نقطه عزیمت جوامع بشری به سمت همکاری بین‌المللی وتحکیم مبانی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی تلقی می‌شود. رویکرد کارکردگرایان درخصوص سازمان‌های بین‌المللی البته با انتقادهایی نیز روبه‌رو ست. ازجمله منتقدان این دیدگاه، **انیس کلاود** است. وی، در مهم‌ترین نقد خود نسبت به این نظریه، مفروض اصلی آن مبنی‌بر خردمحوربودن رفتار آدمی را زیر سوال می‌برد.[18]

کلاود البته در جای دیگر، با مستنداتی متفاوت، به تبیین ضرورت و کارکرد سازمان‌های بین‌المللی از دیدگاهی که نزدیک به دیدگاه نوکارکردگرایی است، می‌پردازد. وی خصایص و ویژگی‌های عمده سازمان‌های بین‌المللی را در قالب مواردی همچون حل و فصل

---

1. Functionalism
2. David Martin
3. A Working Peace System

صلح‌آمیز منازعات، امنیت جمعی، خلع سلاح، مناظره، و گفتگوی فراگیر بر می‌شمارد و آنها را در زمره کارویژه‌های حیاتی و اصلی نهاد "سازمان‌های بین‌المللی" به‌شمار می‌آورد که بر مبنای آنها این نهاد می‌تواند صلح وامنیت بین‌المللی را در عمل تضمین کند.[۱۹] وی سپس در چاپ سوم کتاب خود، عنصر دیگری با عنوان "دیپلماسی باز دارنده" را نیز به کارویژه‌های سازمان‌های بین‌المللی می‌افزاید.

۵) ساختار سازمان‌های بین‌المللی

در هر سازمانی، الگوی روابط میان زیرمجموعه‌ها و اعضاء و نیز نسبتی که میان تک تک آنها وجود دارد، ساختار آن سازمان را تشکیل می‌دهد. یکی از اهداف اصلی طراحی ساختار مناسب برای یک سازمان، نوعی تقسیم کار وتعیین وظایف با هدف کارآمدی بیشتر سازمان است. این کارآمدی، بعدها خود را در میزان کامیابی سازمان در نیل به اهداف و مقاصد مورد نظر، نشان می‌دهد.

در تعریفی جزئی‌تر و دقیق‌تر ساختار یک سازمان بیانگر نوع چیدمان، شرح وظایف، حوزه مسئولیت‌ها، واهداف مطلوب آن سازمان است. ساختار، همچنین چگونگی و سازوکار تعامل میان نهادها و زیرمجموعه‌های سازمان را تبیین می‌کند. از آنجا که سازمان‌ها متشکل از جزء جزء، و فرد فردِ اعضای خود هستند، از این‌رو این اجزا و افراد بخشی بنیادی و حیاتی از هر سازمان را تشکیل می‌دهند و در حقیقت رفتار تک تک این اعضاء و اجزاست که در نهایت رفتار سازمانی را شکل می‌بخشد.

نکته مهم و قابل توجه در این راستا، چگونگی تبدیل رفتار از سطح فردی به سطح گروهی و سازمانی است. اگر چنانچه این روند تبدیل در بستری منطقی رخ دهد، آنچه در نهایت حاصل می‌شود، تبلور خواست‌ها و اهداف اجزاء در قالب اراده‌ای جمعی و سپس توسل به اقدام جمعی برای تحقق آن اهداف است. نوع و چگونگی تعامل میان جزء و کل در این مجموعه، تأثیر به‌سزایی بر چگونگی عملکرد نهایی سازمان خواهد داشت. یکی دیگر از نکات مهم و قابل بحث در اینجا، جایگاه عوامل محیطی در ساختار سازمان‌ها و

نقش این عوامل در کارکرد آنهاست.

هر سازمانی، چه ماهیت سیاسی یا حقوقی داشته و چه برای نیل به اهداف اقتصادی یا فرهنگی بنا شده باشد، ناگزیر از ادامه حیات در یک محیط گسترده‌تر بیرونی است. به‌عبارت دیگر، هر سازمانی با همه زیرمجموعه‌ها و اجزای خود، درنهایت بخشی از یک دستگاه بزرگ‌تر محسوب می‌شود که ناگزیر از حرکت و عمل در محدوده آن است. این محیط بیرونی یا دستگاه کلان، به اَنحای گوناگون، سازمان و عملکرد آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هرگونه تصمیمی که در سازمان گرفته شود، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر و نفوذ این محیط بیرونی قرار می‌گیرد.[۲۰]

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان چنین جمع بندی کرد که اجزاء، ساختاری که به اجزا شکل و نظم می‌بخشد، و بالاخره محیط بیرونی، در زمره مهم‌ترین عوامل و متغیرهایی هستند که کارایی سازمان را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهند. برخی از صاحب نظران سازمان‌های بین‌المللی شاخص‌ها و عوامل دیگری را نیز به فهرست بالا اضافه می‌کنند. **ایوان لارد**[(1)] ازجمله این افراد است که در کتاب خود با عنوان **انواع جامعه بین‌المللی** مواردی نظیر ایدئولوژی، نخبگان، انگیزه، ابزار، هنجارها، و نهادها را در زمره این عوامل می‌داند. **ایوان لارد**، نهادهای مورد نظر خود را به دو دسته مختلف تقسیم می‌کند. وی نوع اول را نهادهایی عملکردی نظیر دیپلماسی می‌داند و قسم دوم را نهادهایی اندام گونه نظیر سازمان ملل‌متحد ذکر می‌کند.[۲۱] در فصول بعدی و به هنگام بحث تفصیلی درباره سازمان ملل‌متحد، نقش عوامل فوق‌الذکر در چگونگی عملکرد سازمان به‌طور دقیق تجزیه وتحلیل خواهد شد.

۶) سازمان‌های بین‌المللی و سیاست خارجی

میان سازمان‌های بین‌المللی وسیاست خارجی رابطه‌ای دو طرفه و تعامل دو جانبه وجود دارد. سیاست خارجی در حقیقت مجرایی است که کشورها از طریق آن با بقیه اجزای نظام

---

1. E. Luard,

بین‌الملل به‌طور عام و با سازمان‌های بین‌المللی به‌طور خاص به تعامل و دادوستد می‌پردازند.

از یک سو سازمان‌های بین‌المللی تأثیرات چشمگیر و مهمی را بر محتوای، نوع، روش سیاستگذاری، و روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی کشورها بر جای می‌گذارند و از سوی دیگر، سیاست خارجی یک کشور یا مجموعه‌ای از کشورها می‌تواند تأثیرات شگرف و تعیین‌کننده‌ای بر نحوهٔ رویکرد سازمان‌های بین‌المللی نسبت به مسائل نظام بین‌الملل و نیز روند تصمیم‌گیری در این سازمان‌ها داشته باشد. به عبارت ساده‌تر می‌توان چنین گفت که سیاست خارجی کشورهای ضعیف همواره به شدت متاثر از سازمان‌های بین‌المللی بوده و سازمان‌های بین‌المللی همواره تحت تأثیر سیاست خارجی کشورهای قدرتمند قرارداشته است. از این روست که به دست دادن شناختی همه جانبه، عمیق و منطبق بر واقعیات نسبت به سازمان‌های بین‌المللی ضرورتی انکارناپذیر برای کشورهای در حال‌توسعه به شمار می‌رود.

در حقیقت تنها در پرتو چنین درک و شناخت واقع بینانه‌ای است که این کشورها قادر خواهند بود تا آسیب پذیری خود از حضور در این عرصه را به حداقل برسانند و گام‌هایی جدی در راستای حفظ و تامین منافع ملی خود در عرصه نظام بین‌الملل بردارند. تا آنجا که به کشورهای قدرتمند و بزرگ و تعامل آنها با سازمان‌های بین‌المللی مربوط می‌شود، در تقابل میان منافع این کشورها با سازمان‌های بین‌المللی دو حالت متصور است. حالت اول اینکه این کشورها تن دادن به لوازم حضور و عضویت در آن سازمان‌ها را در تعارض مطلق با منافع خود بدانند و از این رواز پیوستن و حضور در آنها اجتناب ورزند و راهِ خود را بروند. در رویارویی با جامعه ملل، به عنوان اولین و مهم‌ترین سازمان بین‌المللی در نوع خود، برخی از کشورها و قدرت‌های بزرگ آن عصر این راه را در پیش‌گرفتند.

حالت دوم این است که این کشورها به دلایل گوناگون تصمیم به پیوستن به این سازمان‌ها بگیرند و تامین منافع ملی خود را در گرو حضور فعال در این سازمان‌ها ارزیابی کنند. کاملاً روشن است که در چنین انتخابی پیش‌فرض این کشورها مبتنی بر این اصل بوده است که بدین طریق و با حضور در این عرصه آنها قادرخواهند بود تا به گونه‌ای بهتر

و موثرتر به دفاع از مصالح و منافع خود در ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی بپردازند.

حضورِ قدرت‌های بزرگ در سازمان‌های بین‌المللی در عمل مترادف با تلاش همه جانبه، بی‌وقفه، و آشکارِ آنها برای تامین منافع خود، و تا حد امکان تأثیرگذاری و نفوذ بر روند تصمیم‌گیری در این سازمان هاست. همین واقعیت است که سازمان‌های بین‌المللی را در بسیاری از اوقات به صحنه نبرد در حوزه‌های سیاسی- اقتصادی میان خود قدرت‌های بزرگ از یک سو، و میان آنها با کشورهای کوچک‌تر از سوی دیگر تبدیل می‌کنند.[۲۲] در فصول بعدی، چند نمونه ملموس و مورد تاریخی از چگونگی این نبرد دیپلماتیک در عرصه سازمان‌های بین‌المللی ذیل مباحث مربوط به سازمان‌هایی همچون جامعه ملل و سازمان ملل‌متحد ارائه خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

1. P. M. Blan, In Kuper A., and Kuper, J.,(eds.), *The Social Science Encyclopaedia,* (London: Routledge & Kengan Poul, 1985), p. 297.
2. T. Parsons, *Structure and Process in Modern Societies,* (Glencoe: Free Press, 1960), p. 16.
3. Duverger, *The Study of Politics,* (London: Nelson, 1972), P. 68. cited in: C. Archer, *International Organisations,* (London: George Allen & Unwin, 1983), p.2.
4. I. Claude, International Organisation, In: *International Encyclopaedia of the Social Science,*(ed.) by David L. Sills, (New York: The Macmillan Company & The Free Press, 1968), vol. 8, p33.
5. B. Pitman. Potter, *An Introduction to the Study of International Organisation,* (London: G. Bell & Sons Ltd. 1928.), pp. 4-10.
6. ibid.p.5.
7. H. K. Jacobson, Networks of Interdependence: International Organisation and the Global Political System, (New York: Knopf, 1984), pp. 5-6.
8. H. Scupin, "Historical Movement towards Peace, in: Bernhardt (ed.), *Encyclopaedia of Public International Law,* vol. 4 (Amsterdam: North-Holland Pub., 1981), p. 80.
9. Emeric Cruce, The New Cyneas, ed. and trans.,Thomas Willing Balch (Philadelphia: Allen, Lane and Scott, 1909), p. 85-86.
10. R. Jones and S. S. Sherman, *The League of Nations From Idea to Reality.* (London: Sir Isaac Pitman & Son Ltd, 1927), p.46.
11. Ibid.

12. Ibid, p. 49.
13. B. Russel, *Which Way to Peace?* (London: Michael Joseph Ltd, 1936), PP. 69-70.
14. S. S. Goodspeed, *The Nature and Function of International Organisation,* (New York: Oxford University Press, 1967), pp.16-17.
۱۵. برای مطالعه بیشتر در باب واقع‌گرایی، جهان گرایی و جهانی شدن نگاه کنید به:
Ralph, Pettman, *World Politics: Rationalism and Beyond*, (London: Palgrave, 2001), pp.120-128.
16. F. S. Northedge, and M. D. Donelan, *International Disputes: The Political Aspects,* (London: European Publication, 1971) P. 12.
17. D. Martin, *A Working Peace System,* (Chicago: Quad Rangle, 1966), PP. 10-17.
18. Inis L. Claude, Jr. , Swords into Plowshares: The Problems and Progress of International Organisation,(New York: Random House, 1964) p 197.
19. Inis L. Claude, Ibid.
20. L. J. Mullins, *Management and organisation behaviour,* (London: Pitman Pub, 1985), P. 3.
21. E. Luard, *Types of International Society,* (New York: Free Press, 1976), p.67.
۲۲. برای مطالعه بیشتر در باب چگونگی رابطه میان سیاست خارجی و منافع مشترک نگاه کنید به:
Helene Sjursen, *Understanding the Common Foreign and Security Policy,* In: Understanding the European Union's External Relations, ed. By Michele Knodtand and Sebastian Princen, (London: Routledge, 2003), pp. 36-51.

فصل دوم:

تاریخچه و روند تکاملی سازمان‌های بین‌المللی

(از یونان باستان تا پایان قرن نوزدهم میلادی)

۱) سازمان‌های بین‌المللی، نهادی همزادِ نخستین تمدن‌های بشری

از آغازین دوره‌های زندگی انسان روی زمین و از بدو پیدایش نخستین تمدن‌های بشری، صلح، امنیت‌و رفاه از اساسی‌ترین دغدغه‌های خاطر بشر به شمار می‌رفته‌اند. اگرچه معانی و تعاریف این سه مفهوم و نیز برداشت‌های جوامع بشری از این مفاهیم در طول تاریخ دچار تحول و دگرگونی شده، اما با این همه، مخرج‌مشترک همه این برداشت‌ها و تعاریف را می‌توان در این عبارت خلاصه کرد که "زندگی در محیطی فارغ از تهدید و ناامنی و در جوّی سرشار از آرامش و رفاه نسبی" همیشه آرزوی دیرینهٔ بشر بوده است. در نخستین دوره‌های تکامل بشری و هنگامی که انسان در جنگل‌ها، غارها یا صحراها زندگی می‌کرد، حیوانات درنده و بلایای طبیعی در زمره اصلی‌ترین دشمنان وی به شمار می‌رفتند. امّا خوشبختانه بشر توانست در سایهٔ قدرت تفکر خود بر این همه فایق آید و محیط اطراف خود را آن طور که مایل‌است، سروسامان دهد.

با این همه، این تمامی داستان نبود؛ چرا که به زودی *بشر اجتماعی* دریافت که خطر بزرگ‌تر برای صلح، امنیت و رفاه او در میان همنوعان خود او نهفته است. خطری که خود را به صورت *اصطکاک منافع* و تلاش برای *تامین منافع* بیشتر نشان می‌داد. نوع تعامل میان جوامع بدوی مبیُن این واقعیت بود که همکاری و تعاون در کنار رقابت و اصطکاکِ منافع، بنیادی‌ترین مولفه‌های شکل دهنده روابط میان ابنای بشر و جوامع بشری خواهد بود. به

عبارت دیگر، ردّپایِ دو اصل *همکاری و رقابت*[1] به عنوان اصولی بنیادین در روند زندگی اجتماعی بشر که نوعی پارادوکس اساسی نیز در آن وجود دارد، از دوران‌های نخستین تمدّن بشری تا به امروز و در نخستین سال‌های قرن ۲۱ به خوبی مشهود است.

کشمکش و جنگ میان دوقبیله برای تصرف کشتزارهای حاصلخیز مجاور، یا تلاش یک قوم برای تثبیت استیلای سیاسی‌خود بر قوم دیگر به منظور تسری دادن و جاری ساختن قوانین و هنجارهای خود برحوزه‌های درگیر با قوم دیگر، به همان اندازه با اصل **رقابت** قابل توجیه و تفسیر است که اختلافات ارضی ومرزی میان دولت- ملت‌ها در قرن بیستم. رقابت‌های اقتصادی و اختلافات تجاری میان آمریکا، چین، ژاپن واتحادیهٔ اروپا در نخستین دههٔ قرن بیست و یکم را نیز می‌توان در همین چارچوب با نظایری مشابه در دوران باستان قیاس کرد. در همین راستا، استنباط انسان بدوی از مزایا و فواید تعاون و همکاری برای تسلط بر طبیعت یا غلبه بسر دشمنان مشترک، همان اندازه بر اساس اصل تعاون و همکاری قابل درک است که امضای توافقنامه‌های تجاری و تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی از سوی دولت‌های ملی در عصر حاضر.

به هر حال اگر ما این بحث غالب دانشمندان جامعه‌شناسی وانسان‌شناسی که انسان را موجودی فطرتاً اجتماعی می‌دانند بپذیریم، این امر که انسان ناگزیر از زندگی با همنوعان خود و در قالب واحدهای اجتماعی است امری بدیهی‌جلوه خواهد کرد و این بدان معناست که تن دادن به زندگی اجتماعی و لوازم آن نه از سرانتخاب بلکه نوعی "باید" و "اجبار" برای نسل بشر به شمار می‌آید.

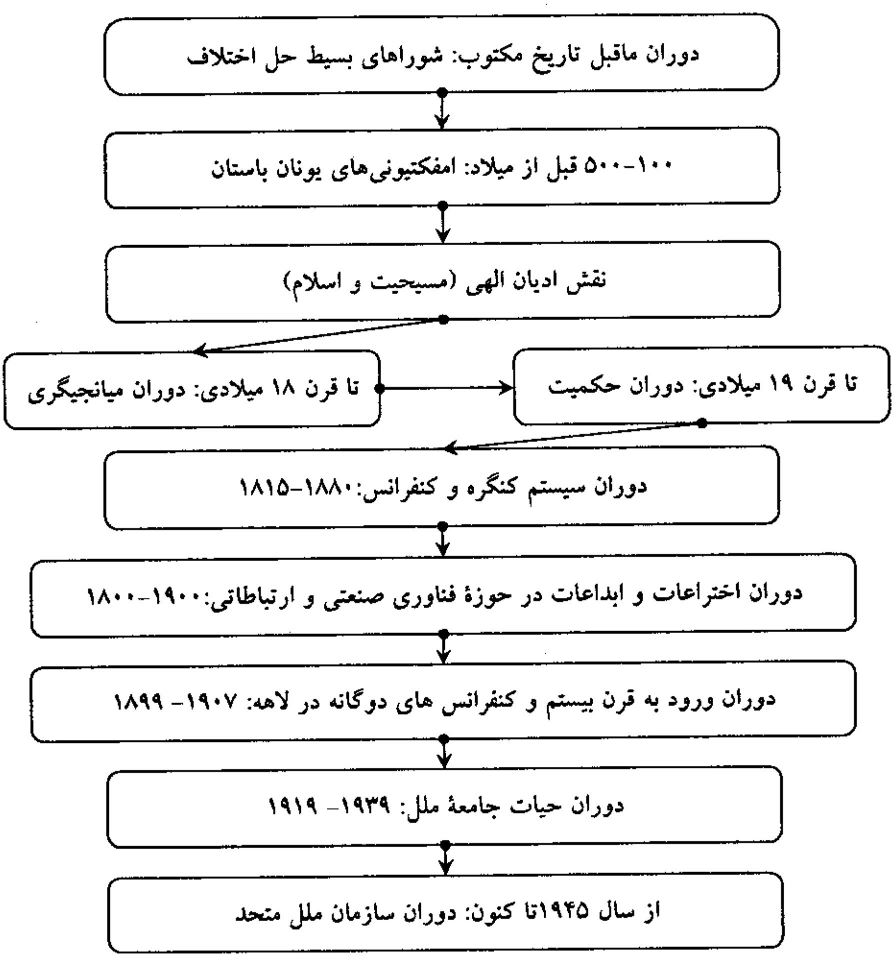
به هر روی تن دادن بشر به زندگی‌اجتماعی و ملزومات آن، چه از سر اجبار و چه از سر انتخاب، نه تنها برای برآوردن حاجات ونیازهای اساسی او بلکه برای برخورداری وی از کمک، همیاری وهمکاری دیگر همنوعانش برای نیل به‌صلح، امنیت و رفاه بیشتر تلقی می‌شود. آنچه در آغاز، مجموعه‌ای بسیار ساده و بسیط[2] در قالب یک خانواده یا قبیله با خودکفایی نسبی در زمینه رفع احتیاجات افراد خود به نظر می‌رسید، رفته رفته به مجموعه‌ای پیچیده‌تر با روابط سازمان‌یافته‌تر و نقش‌های تخصصی‌تر برای اعضای آن تبدیل شد.

---

1. Co-operation and Competition
2. Primitive

این پیچیدگی به نوبه خود نیازها و مقتضیات جدیدتری را فرا روی این جوامع قرار داد. تأسیس نهادهایی جدید و متفاوت برای پاسخ به این نیازهای جدید و متنوع یکی از راه‌های رویارویی با شرایط تازه بود. سازمان‌های بین‌المللی در بسیط‌ترین شکل خود پاسخی به این نیازها بودند که در قالب نهادهایی میان‌گروهی شکل گرفتند و به مرور زمان کامل‌تر شدند.

نمودار روند تکاملی بسط و توسعه ایدهٔ سازمان‌های بین‌المللی در طول تاریخ



۲) جوامع امفکتیونی یونان باستان

از نظر بسیاری از صاحبنظران مبحث سازمان‌های بین‌المللی، جوامع امفکتیونی یونان[1] در زمرهٔ اولین نهادهایی به شمار می‌روند که کم و بیش مشخصاتی شبیه مشخصات سازمان‌های بین‌المللی معاصر داشته‌اند. اصول و قوانین حاکم بر چنین سازمان‌ها و نهادهای بسیطی بیشتر پدید آمده از سنت‌ها و عرف همان جوامع بوده است. با تجربهٔ نخستین فواید همکاری جمعی و نیز با عینی‌تر شدن دستاوردهای چنین نهادهایی با کارکردهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی در شکل ابتدایی خود، جوامع آن روزگار در یونان باستان به فکر گسترش هر چه بیشتر این نهادها برآمدند.

در این روند و به موازات به هم پیوستن قبایل‌و دهکده‌ها و شکل‌گیری تدریجی شهرها و دولت- شهرها، سازمان‌ها و نهادهای فراقبیله‌ای و فراشهری نیز رفته رفته شکل‌پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تری به خود گرفتند وکارکردهای متفاوت‌تر و پیچیده‌تری را از خود نشان دادند. دیدگاه‌های **جکوتا هاکس**[2] و **لئونارد وولی**[3] در کتاب **تاریخ نوع بشر** در این باره خواندنی است:

> **"انسان اولیّه که در نوعی انزوای نسبی زندگی می‌کرد هنگامی که به دیگر همنوعانش پیوست تا دهکده‌ای را به وجود آورد، آنگاه بود که به نیاز مبرم برای همکاری و رقابت پی برد و از همان آغاز بر منافع بسیار این امر آگاه بود"**[1].

در هر صورت، بسیاری از صاحبنظران، جوامع امفیکتیونی یونان باستان را نخستین و درعین‌حال پیشرفته‌ترین شکل یک سازمان بین‌المللی در تمدن باستان به شمار می‌آورند. این جوامع در حقیقت عبارت بودند از اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و شوراهایی که سه هدف اساسی را دنبال می‌کردند:

---

1. Greek Amphictionies
2. J. Hawkes
3. Sir L Woolley

۱) تسهیل در برقراری و گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی میان دولت ــ شهرهای یونان باستان

۲) پاسداری و تضمین امنیّت اقوام و جوامعی که عضویت آنها را پذیرفته بودند.

۳) نگاهداشت روابط صلح‌آمیز و حسنه میان اعضاء و تلاش برای حلّ و فصل صلح‌آمیز منازعات‌و درگیری‌ها درصورت بروز.

در نگاهی مختصر می‌توان به این نکته پی برد که اهداف و کارکرد جوامع امفکتیونی کم‌وبیش همان چیزی است که امروزه البته به نحو پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تر در منشور سازمان‌های بین‌المللی معاصر به چشم می‌خورد.

۳) نقش ادیان الهی

ادیان و مذاهب از دیدگاه بسیاری از نویسندگان و مورخان همواره منشاء و عامل جنگ‌ها ومنازعات مستمر وگاه طولانی به شمار آمده‌اند. تاریخ تحولات اروپا در قرون متمادی، به ویژه قرن هفدهم و به خصوص جنگ‌های سی ساله (۱۶۴۸–۱۶۱۸) مصداق مورد اشاره این دسته از نویسندگان است. با وجود آنچه گفته شد، در همین ادیان الهی ازجمله اسلام و مسیحیت، قوانین، راهکارها، سنت‌ها، و تمهیدات گوناگونی در راستای حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات، و نیز قانونمند ساختن و محدود کردن جنگ‌ها اندیشیده شده و ارائه گردیده است. نکته حائز اهمیت آنکه بسیاری از این قوانین، راهکارها، و سنت‌ها بعدها در طول تاریخ دستمایه اصول کلی و ضوابط ماندگار در معاهدات و سازمان‌های بین‌المللی گردیده است.

آیین مسیحیت، که دینی الهی و با اهداف صلح‌جویانه انسانی است، تأثیرات به سزایی در روند تکاملی تشکیل نهادها و جنبش‌هایی داشته است که به منظور ایجاد وترویج صلح در طول هزاره اول میلادی تأسیس‌گردیده‌اند. مفهوم یا سنت **جنگ عادلانه**[1] در این راستا از موارد جالب توجهی است که نقش‌مهّمی را در قانونمند کردن جنگ‌ها ونیز در محدود

---

1. Just War

ساختن دامنه جنگ افروزی‌ها ایفا کرده است.

صلح خدا(یی)[1] از دیگر مفاهیم یا سنت‌های مهم در آیین مسیحیت بود که نقش تعیین کننده‌ای درمحدود کردن زمان و مکان وقوع جنگ‌ها و کمک به برقرای آتش‌بس و در نهایت صلح میان طرف‌های درگیر در جنگ به عهده داشته است.

این سنّت در طول قرن‌های دهم و یازدهم از سوی بسیاری ازکشورهای اروپایی پذیرفته شد و تا حدودی نیز به اجرا درآمد. تحریم و تقبیح جنگ در زمان‌های مشخصی ازسال جزو مهم‌ترین موارد از این سنت بود که تا قرن‌های بعدی نیز ادامه یافت. شایان ذکر است که هردو مفهوم فوق الذکر در حوزه تمدن اسلامی به شکل قابل ملاحظه ای بسط یافتند. ممنوعیت جنگ در ماه‌های حرامِ چهارگانه، و سفارش به قبول وساطت و میانجیگری در جنگ‌ها و منازعات از مصادیق بارز این امر به‌شمار می‌روند. جلوه‌های دیگری از این پدیده در قالب احکام ویژه ای که شریعت اسلامی برای جنگ در چارچوب حقوق و قوانین اسلامی بیان نموده، قابل مشاهده و ارزیابی است. قوانین و مقررات مربوط به نحوه رفتار با اسرای جنگی، در امان بودن زنان و کودکان، وممنوعیت ضربه زدن به طبیعت و آلوده ساختن محیط زیست ازجمله دیگر موارد در این زمینه به شمار می‌روند که بعدها همگی به نوعی در دستورکار سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی قرار گرفتند.

۴) میانجیگری و حکمیّت

میانجیگری[2] **و حکمیت**[3]، دو پدیدهٔ مهمی هستند که نقشی بسیار تعیین کننده در پایان دادن به بسیاری از جنگ‌ها و برقراری صلح در نیمهٔ دوم هزارهٔ دوّم میلادی در روابط بین‌الملل بر عهده داشته‌اند. بسیاری ازدانشمندانِ تاریخ روابط بین‌الملل، قرن هجدهم را دوران **میانجیگری** و قرن نوزدهم را دوران **حکمیّت** در روابط بین‌الملل خوانده‌اند. در اینجا

---

1. Truce of God
2. Mediation
3. Arbitration

لازم است تا به سه مفهوم **مساعی جمیله**، **میانجیگری**، و **حکمیت** اشاره مختصری شود و تعریف هر یک به اختصار بیان گردد.

مساعی جمیله[۱] به تلاش‌های طرف سوم در پایان دادن به منازعه میان دو کشور گفته می‌شود که طی آن، او می‌کوشد تا بدون درگیری مستقیم در اختلاف میان طرفین، و صرفاً از طریق ارائه پیشنهادهای قابل قبول برای طرفین منازعه و زمینه‌سازی برای کنارآمدن طرف‌های درگیر، به تشویق و ترغیب آنها برای مذاکره به منظور حلّ اختلافاتشان بپردازد. در مساعی جمیله فرد سوّم از هرگونه اظهار نظر و ارائه هرگونه قضاوت و داوری پرهیز می‌کند.

اما در **میانجیگری**، فرد سوم یک قدم فراتر می‌رود و خود وارد روند حل و فصل منازعه می‌شود و برای حلّ اختلاف به ارائه ابتکار و راهکار می‌پردازد. میانجی[۲] در این حالت میکوشد تا با طرف‌های درگیر ملاقات کند، در مذاکرات میان آنها به‌طور مستقیم حضور یابد و با ارائه پیشنهادهای گوناگون آنها را به مصالحه فرا خواند.

اما **حکمیت** در واقع جدّی‌ترین نوع درگیر شدن در روند حل اختلاف میان طرفین منازعه است که در آن حَکَم [۳] که از سوی طرف‌های درگیر برگزیده و صلاحیتش به رسمیت شناخته می‌شود، در مقام داوری و قضاوت می‌نشیند و با داشتن صلاحیت‌ها و اختیارات بسیار بیشتری نسبت به دو مورد پیشین، به حل و فصل منازعه همت می‌گمارد. به عبارت روشن‌تر در حکمیّت، حَکَم صلاحیت و نقش تصمیم‌گیری را دارد، در حالی که میانجی‌گر تنها نقش تسهیل کننده را در حلّ اختلاف ایفا می‌کند، ولی‌تصمیم گیرنده نیست.

"پیتمَن پاتِر"[۴] در کتاب معروف خود به نام **"مقدمه‌ای بر مطالعه سازمان بین‌المللی"** در تبیین این سه مفهوم چنین می‌گوید:

"مساعی جمیله تنها به فراهم کردن یک مکان ملاقات محدود می‌شود که

---

1. Good Offices
2. Mediator
3. Arbitrator
4. B. Pitman. Potter

نمایندگان طرف‌های درگیر بتوانند در آنجا با یکدیگر دیدار کنند و به گفتگو بنشینند. چنین ملاقاتی می‌تواند زیر نظر طرف سوم صورت پذیرد، طرف سومی که از هرگونه اظهار نظر و توصیه خودداری خواهد کرد. در حالی‌که در میانجیگری، طرف سوم یا میانجی خود نیز درگیر مذاکرات می‌شود و طی گفتگو و مباحثه با طرف‌های منازعه می‌کوشد تا به آنها در یافتن راه حلی قابل قبول کمک کند. امّا حکمیّت در تعریفی مشخص عبارت است از حلّ و فصل منازعه از طریق قضاتی که از سوی طرف‌های درگیر برگزیده می‌شوند."[۲]

این در حالی‌ست که **پی.اِچ.گالیور**[(۱)] با نگاهی کم و بیش مشابه، نظر خود را در این خصوص با برشمردن نقاط اشتراک و افتراق میان حکمیت و میانجیگری ابراز می‌دارد. وی می‌گوید، وجه مشترک این دو در این است که در هر دو مورد ما شاهد مداخله یک طرف سوم هستیم. با این تفاوت که در حکمیت طرف سوم با اتخاذ تصمیم برای طرفین منازعه، به آنها کمک می‌کند، در حالی‌که میانجیگر به آنها کمک می‌کند تا خود تصمیم بگیرند.[۳]

ازجمله مهم‌ترین موارد حکمیت و میانجیگری در دو قرن ۱۸ و ۱۹ می‌توان به موارد زیر اشاره‌کرد:

- میانجیگری فرانسه و روسیه میان ماریا ترسا و فردریک دوم در سال ۱۷۷۹.
- میانجیگری بریتانیا و فرانسه میان روسیه و عثمانی در سال ۱۷۹۱.
- رأی کمیسیون حکمیّت ژنو در سال ۱۸۷۲ درخصوص منازعه میان آمریکا و بریتانیا.
- داوری کمیسیون حکمیت ژنو درخصوص منازعه میان ایالات متحده آمریکا و بریتانیا بر سر مسئله آلاباما در سال ۱۸۷۲.
- حکمیّت فرانسه میان پرتغال و بریتانیا در سال ۱۸۷۵.[۴]

---

1. P.H. Gulliver

۵) نظام کنگره و کنفرانس

نظام کنگره و کنفرانس[۱] در حقیقت آخرین حلقه از سلسله حلقه‌های تکاملی سازمان‌های بین‌المللی در قرن نوزدهم به شمار می‌رود. نظام کنگره و کنفرانس در کنار حکمیت و میانجیگری، رویه‌ها و روندهایی بودند که درنهایت در آغاز قرن بیستم به شکل‌گیری نهاد "سازمان‌های بین‌المللی" منجر شدند. نظام بین‌المللی حاکم بر قرن ۱۹ تابعی از نظام کنگره و کنفرانس بود که به دنبال‌کنگره وین در سال ۱۸۱۵ به وجود آمد و توانست ابرقدرت‌های آن زمان یعنی بریتانیا، فرانسه،روسیه، اتریش و پروس را زیر یک سقف گردهم آورد.

مهم‌ترین دستاوردی که نظام کنگره وکنفرانس برای پدیدهٔ سازمان‌های بین‌المللی دربرداشت، جا افتادن و به رسمیت شناخته شدن این‌واقعیت بود که کشورهای مختلف با منافع گوناگون و گاه متضاد قادرند تا در ابعاد بین‌المللی و در چارچوب اقدامی **جمعی** با هم به همکاری متقابل بپردازند. این نظام تا سال ۱۸۵۲ در قالب کنسرت اروپا[۲] و پس از آن در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ درقالب کنفرانس‌های لاهه[۳] به حیات خود ادامه داد و پس از جنگ جهانی اوّل و با تولد جامعه ملل، جای خود را به این سازمان داد. نظام کنگره وکنفرانس را می‌توان به مثابه حلقه اتصال دو مرحله متفاوت در روند تکاملی سازمان‌های بین‌المللی تلقی کرد؛ مرحله‌ای که طی آن سازمان‌های بین‌المللی از یک ایده، رویه و سنت به نوعی نهاد تبدیل شدند.

۶) عوامل بازرگانی و ارتباطاتی

عوامل بازرگانی و ارتباطاتی[۴] در حقیقت شاخصه‌های تسریع کننده و شتاب دهنده در روند تشکیل و توسعه سازمان‌های بین‌المللی به شمار می‌روند. به موازات انقلاب صنعتی

---

1. Conference and Congress System
2. Concert of Europe
3. Heague Conferences
4. Commercial and Communicational Factors

در اروپا و آشکار شدن تأثیرات آن در روابط میان کشورها، نیازی جدّی برای تدوین قوانین و مقرّرات جدید درزمینه‌هایی از قبیل حمل و نقل، تجارت و ارتباطات احساس می‌شد؛ به‌طوری‌که این قوانین بتواند روابط تجاری میان دولت‌ها، کمپانی‌های دولتی و نیز بخش خصوصیِ کشورهای مختلف را تسهیل کند.

ظهور ابزارهای نوین ارتباطاتی از قبیل پست، تلگراف و بعدها تلفن،ونیز راه‌آهن، کشتیرانیِ رودخانه‌ای و بین‌المللی و بعدها هوانوردی، همه و همه نشانگر این واقعیت بود که جامعهٔ بشری با سرعتی‌روزافزون به سوی **"وابستگی متقابل"**[1] پیش می‌رود و این وابستگی متقابل به یقین نیازمند نهادها، موسسات و سازمان‌های **فراملی** و بین‌المللیِ کارآمدی بود که بتواند این نوع جدید از ارتباط میان کشورها را تسهیل کند و قوانین و مقررات لازم را در این خصوص وضع نماید. تأسیس و گسترش سازمان‌ها و نهادهای جدید بین‌المللی در حقیقت پاسخ به این نیاز مبرم بود.

اتحادیه بین‌المللی تلگراف[2] و اتحادیه جهانی پُست[3] که به ترتیب در سال‌های ۱۸۶۵ و ۱۸۷۴ تأسیس شدند، دو مثال و نمونهٔ روشن از چگونگی تأثیر عوامل ارتباطاتی و تجاری بر روند تشکیل سازمان‌های بین‌المللی هستند.

1. Interdependence
2. International Telegraphic Union (1865)
3. International post Union (1874)

پی‌نوشت‌ها

1. J. Hawkes and Sir L Woolley, *History of Mankind; Cultural and Scientific Development,* vol. 1, (Prehistory and Beginning of Civilisation) (London: George Allen & Unwin Ltd, 1963), p. 467.
2. B. Pitman. Potter, *An Introduction to the Study of International Organisation,* (London: G. Bell & Sons Ltd. 1928.), PP. 146-159.
3. P.H. Gulliver, *Arbitration and Mediation*, In A. Kuper and J. Kuper,(eds.), The Social Science Encyclopedia, (London: Routledge & Kengan Poul, 1985), p. 3.

۴. برا ی اطلاع بیشتر در باره این موارد رجوع کنید به:
R. Jones and S. S. Sherman, *The League of Nations From Idea to Reality,* (London: Sir Isaac Pitman & Son Ltd, 1927)

فصل سوم:

سازمان‌های بین‌المللی و گذار به عصر مدرن

۱) کنفرانس‌های لاهه و ورود به قرن بیستم

در ۲۴ اوت ۱۸۹۸ نیکلای دوم، امپراطور روسیه، پیشنهاد تشکیل کنفرانسی بین‌المللی را ارائه داد تا درآن، دو موضوع اساسی به بحث گذارده شود. نخستین این موضوعات، خلع‌سلاح و دیگری پیدا کردن راهی برای حل و فصل صلح‌آمیز منازعات بین‌المللی بود.

در حدودِ یک سال بعد، در ۱۸ مه ۱۸۹۹، یعنی آخرین سال قرن نوزدهم میلادی، نمایندگان ۲۶ کشور جهان در شهر لاهه هلند گردهم آمدند تا درخصوص مواردفوق به بحث وتبادل نظر بپردازند. کنفرانس ۱۸۹۹ لاهه اولین تجربه و اولین نمونه از نوع خود در قالب کنفرانسی بین‌المللی با این ابعاد به‌شمار می‌آمد واین امر فی‌نفسه دستاوردی ارزشمند به شمار می‌رفت.

پیشنهاد مشخص روس‌ها به کشورهای شرکت کننده درخصوص خلع سلاح این بود که این کشورها توافق یا به عبارتی تعهد کنند تا بنیه و ذخایر تسلیحاتیشان در حد موجود ثابت بماند. این پیشنهاد با مخالفت بسیاری از کشورها روبه‌رو شد و در برابر، شرکت‌کنندگان در کنفرانس در یکی از بندهای قطعنامه نهایی خود به‌طور مبهمی از کشورهای جهان خواستند تا بودجه نظامی خود را به نفع "رفاه نوع بشر" محدود سازند.[1]

کنفرانس ۱۸۹۹ لاهه گرچه به تمامی اهداف خود نایل نیامد، اما در عین حال به دستاوردهای مهمی دست یافت. ازجمله مهم‌ترین این دستاوردها، کنوانسیون‌های متعددی بود که در خلال کنفرانس به تصویب کشورهای شرکت کننده رسید. این کنوانسیون‌ها

بعدها تأثیرات چشمگیری بر حقوق بین‌الملل، به‌ویژه حقوق جنگ و مقررات ناظر برعملکرد سازمان‌های بین‌المللی برجای گذارد. دستاورد مهم دیگر این کنفرانس، قانونمندکردن و نهادینه ساختن دو سنت حکمیت و داوری در حقوق بین‌الملل و تأسیس **دیوان دایمی داوری** در لاهه بود.

پس از کنفرانس ۱۸۹۹، دومین کنفرانس بین‌المللی از این نوع در اکتبر۱۹۰۷ با هدف پی‌گیری مصوّبات کنفرانس ۱۸۹۹ در لاهه تشکیل شد. در این کنفرانس که‌چهل و چهار کشور جهان در آن شرکت داشتند. کنوانسیون‌های جدیدی به تصویب رسید و بسیاری ازموارد مربوط به رویهٔ حاکم بر تصمیم‌گیری در سازمان‌های بین‌المللی با تصویب شرکت‌کنندگان به‌اجرا درآمد.

یکی از ویژگی‌های این کنفرانس این بود که در مقایسه با کنفرانس نخست، جنبهٔ بین‌المللی و جهانی‌تری به خود گرفت و منحصر به تعداد محدودی از کشورهای اروپایی نبود. رویّه و عملکرد این کنفرانس از بسیاری جهات شبیه رویهٔ کنونی در مجمع عمومی سازمان ملل بود و قوانینی نظیر «یک ملّت یک رأی» و اخذ تصمیمات با رأی‌اکثریت[1] ازجمله مواردی بود که برای نخستین بار در این کنفرانس نهادینه شد.

با پایان دوّمین کنفرانس لاهه در سال ۱۹۰۷، مقرّر شد تا سوّمین کنفرانس از این نوع نیز در سال۱۹۱۴ برگزار شود. این امر با برافروخته شدن آتش جنگ جهانی اول هرگز محقّق نشد و این بار این فرماندهان نظامی و سربازان کشورهای عضو بودند که به‌جای سیاستمداران و دیپلمات‌ها، آن هم نه بر سر میز مذاکره بلکه در میادین نبرد به ملاقات یکدیگر می‌رفتند. ترور شاهزاده فردیناند [2]ولیعهد امپراطوری اتریش- مجارستان از سوی دانشجویی بوسنیایی در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ درسارایوو به مثابه جرقّه‌ای بود که شعله‌های بزرگترین جنگ جهانی تا آن زمان را شعله‌ور ساخت.

به‌دنبال یک ماه مانورهای دیپلماتیک و تعیین ضرب‌الاجل‌های متعدّد، سرانجام در ۲۸ ژولای ۱۹۱۴ امپراطوری‌اتریش- مجارستان به صربستان اعلان جنگ داد و در فاصلهٔ چند

1. One nation one vote and voting by majoity rule
2. Prince Ferdinand

روز سایر کشورهای اروپایی نیز وارد جنگ شدند و این گونه بود که یکی از تاریک‌ترین و خونبارترین مقاطع تاریخ بشری رقم‌خورد. در طول چهارسال جنگ بی‌وقفه، بیش از ۸ میلیون نفر جان خود را از دست دادند و متجاوز از ۲۰ میلیون نفر مصدوم شدند و نزدیک به ۲۶۹ میلیارد دلار خسارت مالی به کشورهای درگیر وارد آمد.

دردهای ناشی از صدمات جنگ، متفکّران و سیاستمدارن غربی را بر آن داشت تا جدّی‌تر از گذشته به علل و عوامل بروز جنگ بیندیشند و سازوکارهایی را طرّاحی کنند که از بروز جنگ دیگری جلوگیری نماید یا در صورت وقوع بتواند ابعاد آن را محدود سازد. به‌عبارت دیگر، اندیشه تأسیس نوعی مرکز، نهاد یا سازمان بین‌المللی برای نیل به این مقصود، مهم‌ترین درسی بود که از جنگ جهانی اول گرفته شد. این احساس نیاز مشترک به لزوم تأسیس چنین نهادی که وظیفهٔ حراست و پاسداری از صلح جهانی را بر عهده داشته‌باشد، در سال‌های پایانی جنگ جهانی اوّل در بسیاری از کشورها به چشم می‌خورد.

۲) کنفرانس صلح ورسای و تأسیس جامعه ملل

در خلال سال‌هایی که جنگ جهانی اول در جریان بود، سیاستمداران، دیپلمات‌ها، و متفکران کشورهای مختلف سرگرم مطالعه و پژوهش برای یافتن فرمولی بودند که براساس آن بتوان از وقوع مجدد چنین تراژدی غم انگیزی جلوگیری کرد. بر اساس همین مطالعات بود که در سال‌های پایانی جنگ، پیشنهادهای متنوع و گوناگونی از سوی شخصیت‌ها، گروه‌ها و دولت‌های مختلف در این خصوص ارائه شد.

مخرج مشترک تمامی این طرح‌ها و ابتکارات، **"لزوم تأسیس و تشکیل سازمان و نهادی بین‌المللی"** بود که وظیفه خطیر پاسداری و نگاهبانی از صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده بگیرد. بیشترین و وسیع‌ترین مطالعات در این زمینه در کشورهای آمریکا، بریتانیا، و فرانسه صورت گرفت. در بریتانیا، کمیته‌ای متشکل از دیپلمات‌ها، مورخان، و حقوقدانان این کشور تشکیل شد که ریاست آن را یک استاد حقوق بین‌الملل و قاضی بریتانیایی به‌نام

لرد فیلی‌مور[۱] برعهده داشت.

از سوی دیگر فرانسوی‌ها مطالعات و پژوهش‌های خود درخصوص چگونگی تأسیس نهادی بین‌المللی برای حفظ صلح جهانی را در قالب کمیسیونی وزارتی با ریاست لیون بورژوا[۲] دنبال می‌کردند. اهتمام اصلی گروه فرانسوی، تمرکز بر یافتن نظام‌های موثر تحریم و مجازات به منظور ضمانت اجرای مصوبات و تصمیمات سازمان موردنظر بود.

با این همه، بیشترین و جدی‌ترین تلاش‌ها در این خصوص در ایالات متحده آمریکا در حال وقوع بود. در آمریکا از سال ۱۹۱۵، یعنی یک سال پس از شعله ور شدن آتش جنگ جهانی اول، مجامع و بنیادهای متعدد دولتی و غیردولتی‌ای تأسیس شده بود که همگی به نوعی درباره چگونگی ایجاد نهادی بین‌المللی برای حراست و پاسداری از صلح و امنیت جهانی به پژوهش، مطالعه و ارائه راهکار می‌پرداختند. یکی از مشهورترین و مهم‌ترین این مجامع"، اتحاد برای پیشبرد و تقویت صلح "[۳] بود که در ژوئن ۱۹۱۵در فیلادلفیا تأسیس شده بود. گرچه رئیس جمهوری اسبق آمریکا، ویلیام هاوارد تافت، ازجمله رهبران اصلی این نهضت به شمار می‌رفت، اما **وودرو ویلسون**[۴] رئیس جمهور وقت آمریکا در آغاز تمایل چندانی به پیوستن به این جمع و اعمال حمایت رسمی و دولتی از آن را نداشت.

با این همه تنها یک سال بعد، در مه ۱۹۱۶، وی نخستین سخنرانی خود را در جمع اعضای لیگ ایراد کرد و بدین‌وسیله کم کم به جمع هواداران آن پیوست. به نظر بسیاری از تحلیلگران و مورخان، شرکت در جلسات لیگ و همراهی با اهداف و آرمان‌های موسسان آن، بعدها بیشترین تأثیر را در ابتکارات و پیشنهادهای ویلسون در این خصوص بر جای گذارد. البته این نکته را هم نبایستی از خاطر دور داشت که طرح نهایی ویلسون درخصوص تأسیس جامعه ملل تا حد زیادی نیز متأثر از پیشنهادهای کمیته بریتانیایی لرد فیلی‌مور بود.[۲]

---

1. Lord Philimore
2. Leon Bourgeois
3. League to Enforce Peace
4. Woodrow Wilson

در ژانویه ۱۹۱۷، ویلسون طی نطقی، برای نخستین‌بار به‌طور شفاف و رسمی نظر خود مبنی بر تأسیس "جامعه صلح"با سازوکاری مبتنی بر "نیروی **جمعی**" را اعلام کرد. یک‌سال بعد ویلسون در سخنرانی خود خطاب به کنگره، همین ایده را به‌صورت پخته‌تر و نهایی شده و در قالب چهاردهمین ماده از اعلامیه مشهور چهارده ماده‌ای خود به مردم آمریکا و جهانیان اعلام داشت.[۳]

در هر صورت، ویلسون در دسامبر ۱۹۱۸، یعنی درست یک ماه پس از اعلام آتش‌بس و قبل از آغاز کار کنفرانس صلح، با دستی پر واشنگتن را به قصد پاریس ترک کرد. وی در طول این یک ماه در سفری اروپایی به پایتخت‌های مهم اروپا رفت و در همه شهرها، هم وی و هم طرح جنجالی وی با استقبال گرم دولت‌ها و ملت‌های اروپایی روبه‌رو شد. درنتیجه این تمهیدات بود که سرانجام کنفرانس صلح در ۱۸ ژانویه ۱۹۱۹ در پاریس کار خود را آغاز کرد. در نخستین روزهای فعالیت کنفرانس و به درخواست و پافشاری آمریکا و بریتانیا طرح تأسیس جامعه ملل در دستور کار کنفرانس قرار گرفت و مقرر شد تا توافقات مربوط به تشکیل این سازمان جهانی در زمره مجموعه معاهدات صلح پاریس منظور گردد.

به همین منظور، کمیسیونی ویژه مامور شد تا کار روی مواد و بندهای اساسنامه لیگ یا همان میثاق جامعه ملل را آغاز کند و آن را برای امضای نهایی اعضا آماده سازد. این کمیسیون متشکل از هیئتی نوزده نفره بود که با رهبری شخص وودرو ویلسون کار می‌کرد.

سرانجام در ۲۸ آوریل ۱۹۱۹ با تصویب نهایی اساسنامه جامعه در کنفرانس پاریس، تأسیس جامعه ملل به مثابه اولین سازمان بین‌المللی از نوع خود به جهانیان اعلام شد. شایان ذکر است که ایران در ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ به شکل رسمی به عضویت لیگ درآمد.

۳) مروری بر میثاق و ساختار جامعه ملل

با وجود همه نواقص و کاستی‌های موجود در میثاق جامعه ملل، شاید یکی از وجوه اهمیت آن در این نکته نهفته باشد که این میثاق اولین متنی بود که دولت‌ها و ملت‌های

گوناگون توانستند برای نخستین بار و در مقیاسی جهانی به مثابه سند و میثاقی بین‌المللی به امضا برسانند. گرچه همان‌گونه که بسیاری از منتقدان جامعه ملل به‌درستی اظهار داشته‌اند، میثاق جامعه ملل اساساً با هدف تامین ملاحظات دول پیروز در جنگ جهانی اول و حفظ صلح در راستای تامین منافع این دول به تحریر در آمد، با این همه و با وجود نارسایی‌ها وتبعیض‌های موجود در آن، این میثاق دست‌کم از یک جنبه، پدیده‌ای جدید و بی‌نظیر به‌شمار می‌رفت.

این برای اولین بار بود که کشورهای ضعیف و کوچک، ازجمله مستعمرات و مستملکاتی که تا قبل از این هیچ‌گاه در نظام بین‌الملل به بازی گرفته نمی‌شدند، اکنون براساس متن رسمی و بین‌المللی شئون وحقوقی کم و بیش برابر با قدرت‌های بزرگ به دست می‌آورند. این کشورها همچنین دارای حق استقلال کامل می‌شدند و یک رأی آنها در مجمع عمومیِ لیگ همان ارزش و اعتباری را داشت که رأی دولت‌های بزرگ وقت از آن برخوردار بود. به تعبیر **هربرت جورج ولز**[1]، نویسنده انگلیسی، جامعه ملل "سازمانی بود که جهان برای عضویت کشورها، مستعمره‌ها، و مستملکات کشف کرده بود."[۴]

میثاق جامعه ملل مشتمل بر یک مقدمه و بیست و شش اصل بود. مقدمه میثاق با تاکید بر لزوم تعاون و همکاریِ بین‌المللی برای تضمین صلح و امنیت جهانی چهار دلیل اساسی را برای تشکیل جامعه ملل ذکر می‌کند. بر این اساس قبول التزاماتی برای احتراز از جنگ، علنی کردن روابط بین‌المللی و بر پا داشتن آن براساس عدالت و شرافت، رعایت کامل مقررات حقوق بین‌الملل به مثابه محور اصلی رفتار دولت‌ها، و بالاخره تحکیم مبانی عدالت و حفظ اصول آن پیش‌شرط‌های هرگونه همکاری بین‌المللی در چارچوب اصول مندرج در میثاق جامعه ملل تلقی می‌شد.

بر اساس اصل یکم میثاق، دو دسته از کشورها در زمره اعضای اصلی جامعه ملل محسوب می‌شدند. دسته اول عبارت بودند از کشورهایی که در قالب شرکت کنندگان در کنفرانس صلح پاریس، اعضای اصلی و بنیانگذار جامعه ملل به شمار می‌رفتند و امضای

1. H. G. Wales

آنها در ضمیمه تعهدنامه به ثبت رسیده بود. دسته دوم دولی بودند که اسامی آنها در ضمیمه قرارداد ذکر شده بود و می‌بایست معاهدات کنفرانس صلح پاریس و میثاق را بدون قید و شرط قبول کنند و طی دو ماه آن را به دبیرخانه لیگ اعلام نمایند[۵].

بنابراین اصل، دولت‌هایی که اسم آنها در ضمیمه ذکر نشده بود می‌توانستند با رأی موافق دو سوم اعضای مجمع عمومی و به شرط سپردن تعهدات و تضمین‌های اطمینان‌بخش درخصوص تعهد خود به معاهدات کنفرانس صلح و اصول میثاق، به جامعه ملل ملحق شوند. اصل یکم میثاق همچنین سازوکار خروج اعضای جامعه از آن را نیز پیش‌بینی کرده و آن را مشروط به اعلام قصد خروج، از دو سال قبل از سوی دولت مربوط نموده است.

اصل دوم میثاق به‌طور خلاصه ساختار تشکیلاتی جامعه را بیان می‌کند. بر اساس این اصل، جامعه از یک مجمع عمومی، یک شورای اجرایی، و یک دبیرخانه دایمی تشکیل شده است. اصل سوم به ترکیب مجمع عمومی اشاره دارد و آن را مرکب از نمایندگان تمامی اعضای جامعه ملل می‌داند که در مواقع معین یا هر زمان دیگری که شرایط اقتضا کند، تشکیل جلسه می‌دهد. براساس این اصل، هر یک از اعضا حد اکثر سه نفر نماینده در مجمع خواهد داشت، ولی هر عضو تنها دارای یک رأی خواهد بود.

اصل چهارم مباحث مربوط به شورا را بیان می‌کند و اظهار می‌دارد اعضای شورا را پنج دولت بزرگ (بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، و آمریکا) همراه با چهار کشور دیگر به انتخاب مجمع عمومی تشکیل می‌دهند. بر اساس این اصل، دولت‌های پنجگانهٔ مذکور عضویت دایمی در شورا خواهند داشت و شمار اعضای غیردایم از چهار به هر تعدادی که مجمع صلاح بداند، قابل افزایش است. شایان ذکر است که این امر در سال‌های بعد به وقوع پیوست و مجمع، اعضای غیر دائم شورا را از چهار عضو به نه(۹) عضو افزایش داد.

بعدها در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۶ دو کرسی غیردایم دیگر نیز به این تعداد افزوده شد و شورا دارای یازده کرسی غیردایم گردید. همچنین کرسی دائم آمریکا نیز به دنبال موافقت‌نکردن سنا با پیوستن این کشور به جامعه ملل، در سال ۱۹۲۶ به آلمان واگذار شد. بعدها با پیوستن اتحاد جماهیر شوروی به جامعه در سال ۱۹۳۴، به این کشور نیز کرسی

دائم در شورا اعطا شد.

ازجمله نکات قابل ذکر درخصوص رویه کار مجمع عمومی و شورای اجرایی، حوزه اختیارات و صلاحیت‌های هر کدام است. اختیارات و صلاحیت‌های هر کدام از این ارگانها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول اختیارات و صلاحیت‌های مشترک میان مجمع و شوراست که عبارت بودند از:

- حفظ صلح و امنیت بین‌المللی
- احاله و ارائه موارد مقتضی به دیوان دادگستری بین‌المللی و درخواست نظر مشورتی دیوان

دسته دوم اختیارات و صلاحیت‌هایی بودند که مجمع و شورا بایستی با کمک و جلب نظر یکدیگر درخصوص آنها عمل می‌نمودند. این موارد عبارت بودند از:

- تعیین دبیر کل جامعه
- افزایش تعداد اعضای شورا
- انتخاب قضات دیوان دادگستری بین‌المللی
- اصلاح میثاق جامعه ملل

دسته سوم عبارت بود از آن دسته اختیارات و صلاحیت‌هایی که خاص و ویژه هر کدام از دو رکن(شورا یا مجمع) محسوب می‌شد. بر این اساس، اختیارات اختصاصی و ویژه مجمع عبارت بودند از:

- تصمیم‌گیری درخصوص پذیرش الحاق اعضای جدید به جامعه ملل
- انتخاب اعضای غیر دائم شورا
- مسائل مربوط به بودجه جامعه
- تجدید نظر در معاهدات مربوط

مهم‌ترین اختیارات و صلاحیت‌های اختصاصی شورا نیز عبارتند از:

- طرح محدود کردن سلاح‌های نظامی و کاهش زرادخانه تسلیحاتی اعضا
- رسیدگی به اختلافات و منازعات بین‌المللی
- حل و فصل اختلافات بین‌المللی از راه‌های سیاسی
- اعمال تنبیهات مقتضی در مورد اعضای خاطی ازجمله تصمیم‌گیری درخصوص اخراج اعضای خاطی[۶]

اصل ششم به **دبیرخانه دائمی** لیگ اشاره دارد و آن را مرکب از یک دبیر کل و کارمندان وی می‌داند. دبیرکل هم عنوان ریاست کارمندان دبیرخانه و هم عنوان سخنگو و نماینده رسمی جامعه ملل را دارا بود. وی وظیفه ایجاد هماهنگی‌های لازم میان ارکان جامعه را بر عهده داشت و برای حسن اجرای وظائف محوله می‌توانست معاونانی را برای خود برگزیند.[۷]

بعد از **اریک دراموند**[۱] که تا سال ۱۹۳۲ در مقام دبیر کل جامعه ملل به انجام وظیفه مقام مشغول بود، **ژوزف اونول**[۲]، و **شون لستر**[۳] به ترتیب از سال ۱۹۳۲ تا سال ۱۹۴۰ و از سال ۱۹۴۰ تا سال ۱۹۴۶ یعنی تا زمان انحلال رسمی لیگ، این مقام را برعهده داشتند. بر اساس اصل ششم میثاق، همچنین تامین مخارج و هزینه‌های دبیرخانه بر عهده اعضای جامعه است. اصل هفتم، شهر **ژنو در سوئیس** را مقر دایمی جامعه ملل ذکر می‌کند و این اختیار را به شورا می‌دهد تا در موارد مقتضی درخصوص تغییر مقر جامعه تصمیم‌گیری کند.[۸]

اصول هشتم تا بیستمِ میثاق، مهمترین اصول این سند بین‌المللی به‌شمار می‌روند. این اصول و مواد که در حقیقت بازتاب ذهنیت نویسندگان میثاق از شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل در سال‌های پایانی جنگ جهانی اول است، به‌نوعی بیانگر راهکارهای موردنظر آنها برای حفظ صلح و امنیت جهانی در آن دوره زمانی نیز به‌شمار می‌رود.

اصل هشتم میثاق ضمن اشاره به لزوم کاهش سلاح‌های نظامی به‌منظور حفظ صلح، در

---

1. Eric Drummond
2. Joseph Avenol
3. Sean Lester

قالب عبارتی مبهم و نارسا، بر هماهنگی این کاهش با امنیت ملی و تعهدات بین‌المللی کشورها تاکید دارد. بندهای دوم و سوم از این اصل، شورای اجرایی را مامور تهیه طرح‌هایی برای این مهم می‌کند و اشعار می‌دارد که این طرح‌ها هر ده سال یکبار بایستی ارزیابی شوند. بند ششم این اصل آشکارا به لزوم وجود نوعی شفافیت و پرهیز از مخفی‌کاری درخصوص طرح‌های نظامی وتسلیحاتی اشاره می‌کند و اشعار می‌دارد که اعضای جامعه موظفند که تمام اطلاعات مربوط به نوع سلاح‌ها و طرح‌های نظامیِ زمینی و دریایی و کیفیت آن صنایعی را که ممکن است برای جنگ استفاده شوند، بی‌پرده با یکدیگر در میان بگذارند.

اصل دهم میثاق که می‌توان آن را به نوعی یکی از مهم‌ترین اصول میثاق جامعه ملل به حساب آورد، به تمامیت ارضی و استقلال کشورهای عضو جامعه اشاره دارد و اعضای جامعه را ملزم و متعهد می‌کند تا به تمامیت ارضی و استقلال یکدیگر احترام بگذارند و درقبال هرگونه تجاوز خارجی به دفاع از آن برخیزند. ماده یازدهم پا را از این فراتر می‌نهد و به روشنی اعلام می‌دارد که هرگونه جنگ یا تهدید به جنگ که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم یک کشور عضو جامعه را در معرض تهدید قرار دهد، به کل جامعه مربوط می‌شود و جامعه موظف است برای دفاع از حریم صلح جهانی در چنین مواردی به هر اقدام لازم دست بزند.

با وجود لحن صریح و جذابی که در نگاه اول در این فراز از متن میثاق به چشم می‌خورد، کلی‌گویی و ابهاماتی که در این دو اصل و اصول بعدی در بیان سازوکارهای عملی کردن این اصول وجود دارد، آنها را در عمل از حیّز انتفاع ساقط کرده و این پدیده‌ای است که بعدها از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران یکی از علل بنیادی ضعف و ناکامی جامعه ملل برشمرده است. اصول دوازدهم تا پانزدهم میثاق به نقش داوری و لزوم رجوع به داوری در حل و فصل منازعات و اختلافات میان اعضا اشاره دارد.

بندهای چهارگانه ماده سیزدهم چگونگی ارجاع اختلافات از سوی اعضا به مراجع داوری ازجمله دیوان دادگستری بین‌المللی را بیان می‌دارد. ماده چهاردهم، شورای اجرایی

را موظف می‌کند تا طرحی را برای تأسیس دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی[1] تهیه کند.

بنابراین اصل، دیوان برای رسیدگی به هر اختلاف بین‌المللی که طرفین دعوی آن را بدان ارجاع کنند صلاحیت دارد. در پیگیری همین اصل بود که در ژوئن ۱۹۲۰ کمیته‌ای مامور تهیه اساسنامه دیوان دایمی دادگستری شد. نتیجه تلاش‌های این کمیته در شانزده دسامبر ۱۹۲۰ در قالب اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی به تصویب جامعه ملل رسید.

گرچه دیوان به‌طور رسمی به عنوان یکی از ارکان جامعه ملل به حساب نمی‌آمد و اعضای جامعه به‌طور خودکار امضا کنندهٔ اساسنامه آن تلقی نمی‌شوند و بایستی آن را به‌طور مستقل به امضا و تصویب می‌رساندند، اما با این همه ارتباط نزدیک و تنگاتنگی میان دیوان و جامعه برقرار بود و دیوان در طول سال‌های متمادی به مثابه یک رکن غیر رسمی جامعه عمل می‌کرد. دیوان، نخستین نشست خود را در ژانویه ۱۹۲۲ در لاهه برگزار کرد و تا سال ۱۹۴۰ سی و دو رأی و بیست و هفت نظر مشورتی صادر نمود.

ماده بیستمِ میثاق، مقررات و مواد میثاق را ناسخ تمامی معاهدات یا موافقتنامه‌های دوجانبه‌ای می‌داند که با مدلول مواد میثاق مباینت دارد. بر اساس بند دوم از این ماده، هرگاه یکی از اعضای جامعه پیش از ورود به جامعه تعهداتی مخالف با مقررات میثاق را تقبل کرده باشد، مکلف است بی‌درنگ برای خلاصی از آن پیمان، اقدامات لازم را انجام دهد.

ماده بیست و دوم میثاق به‌طور مشروح به بیان نظام قیمومت، اهداف آن، و نحوه اجرای آن می‌پردازد. این اصل با ادعای اینکه یکی از دغدغه‌های جامعه ملل تضمین سعادت و ترقی اقوام و ملل مستعمره است، بهترین راه تحقق این امر را "واگذاری قیمومت این اقوام به کشورهای متمدن" ذکر می‌کند تا " در پرتو منابع ثروت و تجربه و موقعیت جغرافیایی خویش این وظیفه را به انجام رسانند".[۹]

ماده بیست و سوم میثاق، بازتاب ملاحظات و دیدگاه‌های امضا کنندگان میثاق درخصوص حقوق بشر به‌ویژه حقوق زنان و کودکان است. براساس بندهای ششگانه این

1. The Permanent Court of International Justice

اصل، کشورهای عضو جامعه متعهد می‌شوند تا با بومیان تحت سلطه خویش رفتاری عادلانه داشته باشند.

این کشورها همچنین می‌بایست برای کار مردان و زنان و کودکان در قلمرو خویش وضعی عادلانه و مطابق با شأن و منزلت انسانی پدید آورند و برای مبارزه با امراض و پیشگیری از آن، اقدامات لازم را به‌عمل آورند. میثاق، سپس در ماده بیست و پنجم خود، به نقش سازمان‌های صلیب سرخ در این خصوص اشاره دارد و بر آن تاکید می‌کند.

و بالاخره ماده بیست و ششم با بیان اینکه هرگونه اصلاح، و جرح و تعدیلِ اصول میثاق تنها پس از تصویب اکثریت اعضا پذیرفته خواهد بود، این حق را به هر یک از اعضای جامعه می‌دهد که از پذیرفتن اصلاحات خودداری کند، ولی بلافاصله تصریح می‌دارد که اگر چنین کند از عضویت جامعه خارج می‌شود.

جامعه ملل که به‌طور رسمی از ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ قدم به عرصه وجود نهاده بود، با شروع جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۳۹ در عمل به پایان حیات سیاسی خود رسید. بااین‌وجود، انحلال رسمی جامعه در ۱۸ آوریل ۱۹۴۶ و در خلال بیست و یکمین و آخرین نشست مجمع عمومی آن اعلام شد. جامعه ملل در طول این سال‌ها حیات پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشت و با وجود دستاوردهای متعدد، ناکامی‌های تلخ و بزرگی را هم تجربه کرد. مهم‌ترین این ناکامی‌ها را می‌توان در مواردی نظیر ناتوانایی جامعه در جلب اعتماد واقعی کشورها و نیز ناتوانی این سازمان در انجام اقدامات عملی در رویارویی با کشورهایی برشمرد که مفاد میثاق، آن را زیر پا گذاشتند. نفس وقوع حوادثی که منجر به شعله ور شدن آتش جنگ جهانی دوم گردید، خود بزرگترین دلیل بر این ناکامی به‌شمار می‌رود.

در تجزیه و تحلیل علل و عوامل این ناکامی، دلایل متعدد و گوناگونی اقامه شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- حضور نداشتن ایالات متحده آمریکا درجامعه ملل به دلیل مخالفت سنای این کشور با پیوستن آمریکا به این سازمان بین‌المللی. این نکته اساسی را نباید از یاد برد که غیبت آمریکا در جامعه ملل به مثابه کشوری که خود نقش عمده‌ای در تأسیس آن

داشت، ضربه‌ای سنگین بر وجهه، اعتبار، و توانایی جامعه ملل در سال‌های بعد وارد کرد.

- وجود نارسایی‌ها، نواقص و تا حدودی تضادهای موجود در میثاق و ساختار جامعه ملل و پیش‌بینی نکردن نوعی نظام ضمانت اجرایی موثر برای تصمیمات شورا.
- شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر نظام بین‌الملل در دهه‌های بیستم و سی‌ام میلادی و رقابت میان قدرت‌های اروپایی که این عامل سوم را بایستی بیشتر در زمره علل و عوامل خارج از چارچوب جامعه ملل ارزیابی کرد.

به هر حال، در جمع‌بندی کلی و با نگاهی تحلیلی می‌توان چنین اظهار داشت که مواد و اصول میثاق جامعه ملل به نحو غیرقابل انکاری متضمن تامین منافع و مصالح قدرت‌های بزرگ و دول فاتح جنگ جهانی اول بود. ملحوظ کردن متن میثاق در قالب یکی از اجزای مجموعه معاهدات کنفرانس صلح پاریس، و ظهور کمرنگ مواد مربوط به مسائل حقوق بشر و مشکلات کشورهای کوچک خود دلیل محکمی بر این مدعاست که جامعه ملل بیشتر به مثابه یکی از سازوکارهای مورد نظر قدرت‌های فاتح به منظور ترسیم ترتیبات سیاسی- امنیتی در جهانِ پس از جنگ مد نظر بود تا سازمانی برای پاسداری از صلح و عدالت بین‌المللی.

پی‌نوشت‌ها

1. International Law Dictionary, Robert L. Bledose & Boleslaw A Bokzek, (Oxford: 1987, Clio Press), p. 217.

2. Bennet, A.L., International Organizations: Principles and Issuues, (NewYork: PrenticHall,1988) p. 22.

۳. شخصیت و زندگی توماس وودرو ویلسون از جهاتی جالب توجه و قابل مطالعه است؛ چرا که وی نخستین رئیس جمهور ایالات متحده بود که آمریکایی ها را از لاک انزواگرایی در قاره آمریکا بیرون آورد و با طرح ایده های جذاب، نگاه جهانیان را به خود جلب کرد. وی در سال ۱۸۵۶ دیده به جهان گشود و تا سال ۱۹۱۰ که قدم بـه دنیـای سیاسـت گـذارد، عمـدتاً چهـره‌ای آکادمیـک و دانشگاهی به‌شمار می‌آمد. ویلسون پژوهشگر و استاد برجسته علم حقوق و حقوق اساسـی بـود و علاوه بر تالیف کتب بسیاری در حوزه سیاست و تاریخ آمریکا به ریاست دانـشگاه پرینـستون نیـز رسیده بود. ویلسون در سال ۱۹۱۰ فرماندار ایالت نیوجرسی شد و در سال ۱۹۱۳ پس از نامزدی از سوی حزب دمکرات، در مقام بیست و سومین رئیس جمهوری ایـالات متحـده آمریکـا وارد کـاخ سفید شد. ویلسون در سال ۱۹۱۹ با طرح چهارده ماده‌ای خود شهرتی عالمگیر پیدا کرد و بـالاخره در سال ۱۹۲۴ دیده از جهان فرو بست.

۴. جورج ولز، هربرت، کلیات تاریخ: دورنمایی از تاریخ زندگی آدمی از آغـاز تـا ۱۹۶۰ مـیلادی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش، ۱۳۶۶.ص.۱۳۶.

۵. کشورهائی که بر این اساس در زمره اعضای اولیه جامعه ملل محسوب می‌شدند، عبارت بودنـد از چهل و دو کشور: آرژانتین، استرالیا، بلژیک، بولیوی، برزیل، کانادا، شیلی، چـین، کلمبیـا، کوبـا، چکسلواکی، دانمارک، السالوادر، فرانسه، یونان، گواتمالا، هـائیتی، هنـدوراس، هنـد، ایتالیـا، ژاپـن، لیبریا، هلند، نیوزلند، نیکاراگوا، نروژ، پاناما، پاراگوئه، ایران، پرو، لهستان، پرتغـال، رومـانی، سـیام، اسپانیا، سوئد، سوئیس، آفریقای جنوبی، بریتانیا، اروگوئه، ونزوئلا، و یوگسلاوی.

۶. شورا در طول حیات جامعه ملل تنها یک‌بار از این حق خود استفاده و آن اخراج اتحاد جمـاهیر شوروی پس از حمله این کشور به فنلاند در سال ۱۹۳۹ بود.

۷. کولییار، سی. آلبر، سازمان‌های بین‌المللی از آغاز تا امروز، ترجمه هدایت الله فلسفی، تهران: ۱۳۷۱، نشر فاخته، ص ۸۷

۸ جامعه ملل جلسات اولیه خود را به طور موقت در لندن برگزار می‌کرد تا اینکه در اول نوامبر ۱۹۲۰ اولین نشست خود را در محل مقر دایمی خود در ژنو برگزار نمود.

۹. برای اطلاع بیشتر از مفاد بندهای نه گانه ماده بیست و دوم در خصوص نظام قیمومت به متن کامل میثاق جامعه ملل که در بخش ضمایم کتاب آورده شده است مراجعه کنید.

فصل چهارم:

سازمان ملل‌متحد

منشور، ارکان اصلی، ساختار و کارکرد

۱) ساختار، ارکان، اهداف و وظایف

اکنون که پیشینه تاریخی و مباحث نظری درخصوص سازمان‌های بین‌المللی به بحث گذارده شد، نوبت به مطالعه و بررسی مهم‌ترین مثال و الگوی تحقق یافته از ایده سازمان‌های بین‌المللی در تاریخ روابط بین‌الملل یعنی سازمان ملل‌متحد می‌رسد. در این فصل سعی خواهد شد تا به تفصیل و با نگاهی توصیفی- تحلیلی درخصوص ابعاد گوناگون سازمان ملل‌متحد بحث شود.

منشور ملل‌متحد میثاقی جهانی و آرمانی

" ما مردم ملل‌متحد باتصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ .... و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر، حیثیت و ارزش شخصیت انسانی، و تساوی حقوق مرد و زن و همچنین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ و ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت .... و برای نیل به این اهداف به رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یکدیگر با روحیهٔ حسن همجواری و متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی برای پیشبرد ترقی اجتماعی و اقتصادی تمام ملل، مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی کنیم.... و در نتیجه دولت‌های متبوع ما از سوی نمایندگان خود که در شهر سانفرانسیسکو گرد آمده‌اند و اختیارات تام آنان ابراز و صحت و اعتبار آن محرز شناخته شده است، نسبت به این منشور ملل‌متحد موافقت حاصل کرده‌اند و بدین وسیله سازمانی بین‌المللی که ملل‌متحد خوانده می‌شود، تأسیس می‌نمایند."

با این عبارات زیبا، آرمانی، و تحسین برانگیز در مقدمه، منشور سازمان ملل‌متحد که ماندگارترین سند و میثاق بین‌المللی به شمار می‌رود، تولد مهم‌ترین و جامع‌ترین سازمان بین‌المللی در تاریخ مکتوب بشر را اعلام و چشم انداز آینده نظام بین‌الملل را برای مردم آرزومند صلح، امنیت، عدالت، و آزادی در سراسر جهان ترسیم کرد.

براساس منشور، سازمان ملل دارای شش ارگان و رکن اصلی و تعدادی آژانس وابسته و تخصصی است. نهادهای شش‌گانه اصلی سازمان ملل‌متحد از این قرارند:

الف- مجمع عمومی

ب- شورای امنیت

ج- شورای اجتماعی و اقتصادی

د- شورای قیمومت

هـ- دیوان دادگستری بین‌المللی

و- دبیرخانه

فصل اول و دوم منشور به ترتیب مقاصد و اهداف سازمان ملل و شرایط عضویت در آن را بیان می‌دارند. منشور ملل‌متحد مقاصد سازمان ملل‌متحد را به این ترتیب بر می‌شمارد:[1]

- حفظ صلح و امنیت بین‌المللی
- توسعه روابط دوستانه میان ملل جهان بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل
- حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا بشر دوستانه و نیز در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است
- فراهم ساختن مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملت‌ها برای دستیابی به این هدف‌های مشترک معمول می‌دارند.

ماده دوم منشور ضمن تاکید بر اصل تساوی حاکمیت تمامی اعضا از آنها می‌خواهد تا اختلافات خود را با شیوه‌های مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت

به خطر نیفتد، حل کنند. این ماده به صراحت از اعضا می‌خواهد تا از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی و استقلال کشورها خودداری نمایند.

براساس منشور، اعضای اصلی سازمان ملل‌متحد کشورهایی هستند که در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت نمایند یا پیش‌تر اعلامیه ملل‌متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ را امضا کرده باشند و با امضای منشور براساس ماده ۱۱۰ آن را به تصویب برسانند.[۲] ماده چهارم منشور ضمن استقبال از پیوستن اعضای جدید به سازمان، قبول آن را منوط به توصیه شورای امنیت و تصویب مجمع عمومی می‌داند. ماده ششم نیز اخراج هر عضو را از طریق مجمع عمومی و با توصیه شورای امنیت ممکن می‌داند.

یکی از وجوه تمایز منشور ملل‌متحد نسبت به سلف خود یعنی میثاق جامعه ملل شفاف بودن آن در بیان اهداف سازمان و تفکیک حوزه وظایف و اختیارات ارگان‌های مختلف سازمان است. در ادامه این فصل، به تفصیل درخصوص این نهادها به بحث خواهیم پرداخت و چگونگی این تفکیک صلاحیت‌ها را تجزیه وتحلیل خواهیم کرد. از دیگر وجوه تمایز منشور، پیش‌بینی سازوکاری عملی برای ضمانت اجرای مصوبات نهاد اصلی خود یعنی شورای امنیت است. این دو مورد را در حقیقت می‌توان از مهم‌ترین درس‌هایی دانست که بنیانگذاران سازمان ملل از ناکامی‌های جامعه ملل ــ تا آنجا که مربوط به میثاق آن می‌شد ــ آموختند.

۲) مجمع عمومی

الف. اختیارات و وظایف

مواد دهم تا هفدهم منشور ملل‌متحد به تبیین و توضیح صلاحیت‌ها و اختیارات مجمع عمومی[(۱)] پرداخته است. مجمع عمومی تنها ارگان سازمان ملل است که در آن تمام اعضای سازمان حضور دارند و همگی اعضا اعم از کوچک یا بزرگ از حق رأی واحد و برابر

1. General Assembly

برخوردارند. بر اساس منشور، موارد ذیر در زمره مهم‌ترین موارد صلاحیت‌های مجمع عمومی است:

- بحث و مذاکره درباره مسائل مهمی که مربوط به حفظ صلح و امنیت جهان است که نتیجه این مذاکرات به صورت قطعنامه‌ای که شکل توصیه دارد، صادر می‌شود.
- جلب نظر شورای امنیت و درخواست از آن برای پرداختن به هر موضوعی که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره بیندازد.
- انتخاب اعضای غیر دائم شورای امنیت
- انتخاب دبیرکل بر اساس توصیه شورای امنیت
- پذیرش اعضای جدید برای سازمان ملل
- پرداختن به امور مالی سازمان ملل و تصویب بودجه آن هر دو سال یکبار
- بحث درباره هر موضوعی که در حوزه موارد ذکر شده در منشور قرار گیرد.

نکته مهم وقابل توجه درخصوص حدود اختیارات و وظایف مجمع عمومی این است که حدود صلاحیت مجمع به ارائه توصیه در قالب قطعنامه محدود شده است و مصوبات آن ضمانت اجرایی ندارد. این نکته از مهم‌ترین نقاط ضعف مجمع عمومی محسوب می‌شود که همواره مورد گلایه و نارضایتی اعضای مجمع بوده است. تنها استثنا در طول تاریخ حیات سازمان ملل‌متحد و مجمع عمومی، قطعنامه "اتحاد برای صلح "[1] است. براساس این قطعنامه، مجمع عمومی این صلاحیت و اختیار را به دست آورد تا درخصوص بحران کره و به منظور حراست از صلح و امنیت بین‌المللی و در صورتی که شورای امنیت به هر دلیل از این کار ناتوان بود، وارد ماجرا شود و خود اقدام کند. این اقدام می‌توانست شامل توسل به زور و استفاده از نیروی نظامی نیز شود.

از آنجا که بند اول از ماده ۱۲ منشور با صراحت کامل اعلام داشته است تا زمانی که شورای امنیت در مورد اختلاف یا وضعیتی در حال انجام وظیفه است مجمع عمومی در آن مورد هیچ‌گونه توصیه‌ای نخواهد کرد مگر به تقاضای شورای امنیت، ازاین‌رو بسیاری از

1. Unity For Peace

صاحبنظران اقدام مجمع در صدور قطعنامه "اتحاد برای صلح " را تخطی از منشور می‌دانستند. اما با این همه و به دلیل حمایت همه جانبه آمریکا و اکثریت اعضای مجمع عمومی در آن زمان از قطعنامه مذکور، مجمع توانست با کامیابی نسبی نسبت به گسترش حیطه اختیارات خود اقدام کند.

به موجب قطعنامه شماره ۳۷۷ موسوم به قطعنامه اتحاد برای صلح که در سوم نوامبر ۱۹۵۰ و به پیشنهاد دین آچسن[1] وزیر خارجه وقت آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، در مواقعی که شورای امنیت درخصوص تصمیم‌گیری برای بحرانی خطرناک با بن‌بست روبه‌رو شود و از اقدام عاجز بماند، مجمع عمومی می‌تواند به جای شورا وارد میدان شود و موضوع را بررسی کند و اتخاذ تصمیم نماید.[3]

از آنجا که مسکو با مخالفت خود با این امر در شورای امنیت راه را برای هرگونه اقدام شورا سد کرده بود، واشنگتن تصمیم گرفت تا با اقدام فوق شوروی‌ها و شورای امنیت را دور بزند و با به تصویب رساندن قطعنامه مورد نظر خود در مجمع عمومی راه را برای پیشبرد اهداف خود هموار سازد. قطعنامه ۳۷۷ از همه اعضای سازمان ملل می‌خواست تا بر حسب توانایی خود نسبت به فراهم ساختن نیروهایی مجهز و آموزش دیده به منظور قرار دادن آنها در اختیار سازمان ملل اقدام کنند. مجمع عمومی همچنین برای اجرایی کردن قطعنامه ۳۷۷، اقدام به تأسیس دو کمیته با عناوین کمیته نظارت بر صلح و کمیته اقدامات جمعی کرد.

نکته جالب توجه آن است که آن اقدام تنها در حد موردی منحصر به فرد و نوعی استثنا در تاریخچه سازمان ملل باقی ماند. بعدها که سایر کشورها خواستند تا مواردی مشابه را با استناد به قطعنامه "اتحاد برای صلح" مطرح کنند، با مخالفت بسیاری ازکشورها ازجمله با مخالفت جدی طراحان و بانیان قطعنامه اتحاد برای صلح روبه‌رو شدند.

برای مثال، در سال ۱۹۵۶ و در جریان بحران کانال سوئز، انگلستان و فرانسه که در سال ۱۹۵۰ از طرفداران قطعنامه اتحاد برای صلح بودند، این بار با ایفای نقش مشابه

---

1. Dean Acheson

ازسوی مجمع عمومی مخالفت کردند. این در حالی بود که شوروی در این مورد از صدور چنین قطعنامه‌ای حمایت کرد.

شایان ذکر است که تنها اندکی پس از آن جریان و به دنبال مداخله شوروی‌ها در مجارستان، هنگامی که انگلستان و فرانسه از مداخله مجمع عمومی در قضیه حمایت کردند، روس‌ها به مخالفت با آن پرداختند.

به هر حال صدور قطعنامه اتحاد برای صلح بیش از آنکه بتواند روزنه امیدی را برای کارآمدی بیشتر مجمع عمومی بگشاید، نشانگر این واقعیت بود که عزم سیاسی کشورهای بزرگ و قدرتمند عضو دائم شورای امنیت تا چه حد در مسیر تحولات و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف مجموعه سازمان ملل تعیین‌کننده است و چگونه این قدرت‌ها قادرند تا بنا به اقتضای منافع و مصالح خود به تفسیر منشور و قرائت متفاوت و گاه متضاد از مواد آن بپردازند.

مجمع عمومی نشست‌های منظم خود را سالی یک‌بار در سپتامبر هر سال آغاز می‌کند. در این اجلاس معمولا هیئت‌های بلند پایه از سوی کشورهای عضو از روسای جمهور و پادشاهان گرفته تا نخست وزیران و وزرای خارجه شرکت می‌کنند و به ایراد سخنرانی می‌پردازند. علاوه بر این، مجمع عمومی ممکن است به درخواست شورای امنیت یا به درخواست اکثریت اعضای سازمان، نشست‌های فوق‌العاده‌ای نیز برگزار کند.

براساس منشور، مجمع عمومی بودجه سازمان ملل را بررسی و تصویب می‌کند. مخارج سازمان بر حسب سهمیه‌بندی مقرر از سوی مجمع عمومی بر عهده اعضاست.[۴] ماده ۱۹ منشور اشعار می‌دارد که هر عضو ملل‌متحد که پرداخت سهمیه مالی آن به سازمان به تاخیر افتاده باشد، در صورتی که سهمیه عقب‌افتاده آن معادل یا بیشتر از مبلغ سهمیه مربوط به دو سال قبل آن باشد، در مجمع عمومی حق رأی نخواهد داشت. با وجود این، اگر مجمع تشخیص دهد که این قصور در پرداخت ناشی از شرایطی خارج از حیطه اختیار آن عضو است، می‌تواند اجازه حق رأی به آن عضو بدهد.[۱]

---

۱. جدول ارائه شده در پایان این فصل درصد سهمیه برخی از کشورها را در تامین بودجه سازمان ملل نشان می‌دهد.

مجمع عمومی کمیته‌های متعددی برای تقسیم و انجام وظایف محوله دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- کمیته یکم: امور مربوط به خلع سلاح و مباحث مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی
- کمیته دوم: مسائل اقتصادی و مالی
- کمیته سوم: موضوعات فرهنگی و اجتماعی
- کمیته چهارم: مسائل مربوط به آزادسازی کشورهای تحت استعمار
- کمیته پنجم: مسائل اداری و مربوط به بودجه
- کمیته ششم: مباحث و امور حقوقی

علاوه بر کمیته‌های شش‌گانه پیش‌گفته، سه کمیته مهم دیگر شامل کمیته ویژه سیاسی، کمیته عمومی و کمیته اعتبارنامه‌ها از زیرمجموعه‌های مجمع عمومی هستند که وظایف و امور مربوط به مجمع را انجام می‌دهند.

ب. آیین کار

براساس آیین کار مجمع، اجلاس عادی مجمع عمومی همه ساله در سومین سه‌شنبه سپتامبر شروع می‌شود. تاریخ خاتمهٔ آن اجلاس براساس توصیهٔ کمیتهٔ عمومی مجمع در شروع هر اجلاس مشخص خواهد شد.[۵] مواد سوم و چهارم آیین کار درخصوص محل تشکیل جلسات مجمع است. بر اساس مادهٔ سوم اجلاس، مجمع عمومی در مقر سازمان ملل‌متحد در نیویورک تشکیل خواهد شد، مگر آنکه بنابر تصمیم اتخاذ شده در اجلاس قبلی یا به درخواست اکثریت اعضای ملل‌متحد، اجلاس در مکان دیگری برگزار شود.

مادهٔ چهارم در این باره اشعار می‌دارد که اعضای سازمان ملل می‌توانند حداقل ۱۲۰ روز قبل از افتتاح اجلاس عادی، تقاضای تغییر محل اجلاس را بدهند. دبیرکل درخواست دریافتی را همراه با توصیه‌های خود به اطلاع تمامی اعضای سازمان ملل‌متحد خواهد رسانید و در صورتی که ظرف سی روز پس از این اعلام اکثریت اعضا با این درخواست همصدا شوند، اجلاس در محل مورد درخواست برگزار خواهد شد.

مادهٔ ششم آیین کار به مجمع عمومی این اختیار را می‌دهد تا به قطع موقت اجلاس

تصمیم بگیرد یا جلسات آن را تا تاریخ دیگری به تأخیر بیندازد.

مواد هفت، هشت، نه، و ده از آیین کار چگونگی برگزاری اجلاس ویژه مجمع عمومی را بیان می‌دارند. براساس آیین کار، برگزاری اجلاس ویژه می‌تواند به درخواست شورای امنیت یا به درخواست اکثریت اعضای سازمان ملل‌متحد و حداکثر پانزده روز بعد از وصول درخواست صورت گیرد.[۶] اجلاس ویژهٔ اضطراری مجمع عمومی بایستی ظرف مدت بیست و چهار ساعت پس از ارسال چنین درخواستی به دبیرکل از سوی شورای امنیت یا پس از ارسال چنین درخواستی به دبیرکل از سوی اکثریت اعضای سازمان ملل تشکیل شود.

براساس مادهٔ نهم، هر عضو سازمان ملل‌متحد می‌تواند از دبیرکل بخواهد اجلاس ویژهٔ مجمع عمومی تشکیل شود. دبیرکل بلافاصله این درخواست را به اطلاع سایر اعضا می‌رساند و اگر ظرف مدت سی روز اکثریت اعضای سازمان ملل‌متحد با آن تقاضا موافقت کنند اجلاس ویژه تشکیل خواهد شد. آیین کار مجمع موارد مشمول دستورکار موقت اجلاس عادی را چنین برمی‌شمارد:[۷]

- گزارش دبیرکل دربارهٔ کار سازمان ملل‌متحد
- گزارش‌های شورای امنیت، شورای اجتماعی و اقتصادی، شورای قیمومت، دیوان دادگستری بین‌المللی، و نیز گزارش‌های ارگان‌های وابسته به مجمع عمومی و آژانس‌های تخصصی
- تمامی موضوعاتی که درخصوص درج آنها در دستورکار از اجلاس قبل تصمیم گرفته شده است.
- تمامی موضوعاتی که از سوی هر یک از ارکان اصلی دیگر سازمان ملل‌متحد پیشنهاد شده است.
- تمامی موضوعاتی که از سوی عضوی از اعضای سازمان پیشنهاد شده است.
- تمامی موضوعات درباره بودجهٔ سال مالی آتی و گزارش‌های سال مالی گذشته
- تمامی موضوعاتی که دبیرکل طرح آن را در مجمع لازم می‌داند.
- تمامی موضوعات پیشنهاد شده از سوی کشورهای غیر عضو سازمان ملل براساس

مجوز بند دوم از مادهٔ ۳۵ منشور ملل‌متحد.

مادهٔ چهاردهم در این خصوص پیش‌بینی می‌کند که هر عضو ارگان اصلی ملل‌متحد یا دبیرکل می‌توانند حداقل سی روز قبل از تاریخ شروع اجلاس عادی درخواست کنند تا موضوعی در دستورکار اجلاس قرار گیرد. در چنین حالتی بایستی موارد مذکور حداقل بیست روز قبل از افتتاح اجلاس برای اعضا ارسال شود.

بنابر مادهٔ پانزدهم، اقلام تکمیلی مهم و فوری که در مدت کمتر از سی روز قبل از شروع اجلاس یا حتی در خلال کار اجلاس عادی برای درج در دستورکار پیشنهاد می‌شود، تنها در صورتی در دستورکار قرار خواهد گرفت که اکثریت اعضای حاضر چنین امری را تصویب کنند. با این همه، هیچ موضوع یا مورد تکمیلی نمی‌تواند پیش از گذشتن ۷ روز از زمانی که در دستورکار قرار گرفته است، مورد رسیدگی قرار گیرد، مگر آنکه مجمع عمومی از طریق اکثریت دو سوم آرای اعضای حاضر ترتیب دیگری اتخاذ کند.

مواد شانزده الی بیست آیین کار مجمع، درخصوص دستورکار موقت اجلاس ویژه توضیح می‌دهد.

براساس مادهٔ شانزدهم، اگر چنانچه اجلاس ویژه به درخواست شورای امنیت تشکیل شده باشد، دستورکار موقت آن بایستی حداقل چهارده روز پیش از افتتاح اجلاس برای اعضای سازمان ملل ارسال شود. اگر اجلاس ویژه به درخواست اکثریت اعضای سازمان ملل یا تقاضای یک عضو و موافقت اکثریت اعضا تشکیل شود، دستورکار موقت آن بایستی حداقل ۱۰ روز پیش از اجلاس برای اعضا ارسال گردد. دستورکار موقت اجلاس ویژهٔ اضطراری باید همزمان با اعلام برپایی چنین اجلاسی برای اعضا ارسال شود. مادهٔ هفدهم از آیین کار مجمع اشعار می‌دارد که دستورکار موقت اجلاس ویژه بایستی تنها شامل موضوعاتی باشد که در درخواست برپایی اجلاس برای بررسی پیشنهاد شده است.

مادهٔ هجدهم پیش‌بینی می‌کند که هر یک از اعضای سازمان ملل‌متحد یا دبیرکل می‌توانند حداقل چهار روز پیش از شروع به کار اجلاس ویژه درخواست اضافه شدن موضوعی را به دستورکار آن اجلاس ارائه دهند. علاوه بر این، مادهٔ نوزدهم پیش‌بینی می‌کند که در خلال اجلاس ویژه نیز هنوز امکان اضافه کردن موارد و موضوعاتی به

دستورکار آن وجود دارد، مشروط بر آنکه دو سوم اعضای حاضر به چنین درخواستی رأی مثبت دهند. مجمع عمومی تا سپتامبر ۲۰۰۴، ۵۹ مورد اجلاس سالانه، ۲۷ مورد اجلاس ویژه، و ۱۰ مورد اجلاس اضطراری ویژه برگزار کرده است.

مادهٔ بیست و پنجم از آیین‌نامه کار مجمع درخصوص چگونگی ترکیب هیئت‌های نمایندگی اظهارنظر می‌کند. براساس این ماده، نفرات هیئت‌های نمایندگی هر کشور عضو سازمان ملل در مجمع عمومی نبایستی از پنج نماینده و پنج نفر عضو علی‌البدل تجاوز کند. علاوه بر این تعداد، کشورها می‌توانند تعدادی مشاور، مشاوران فنی یا کارشناس را با خود همراه داشته باشند. بر اساس مادهٔ بیست و ششم عضو علی‌البدل می‌تواند برحسب مأموریتی که رئیس هیئت نمایندگی به وی می‌دهد، به مثابه نماینده عمل کند.

مواد بیست و هفتم، بیست و هشتم، و بیست و نهم آیین کار مجمع درخصوص اعتبارنامه‌ها و چگونگی تأیید اعتبارنامه‌هاست. براساس مادهٔ بیست و هفتم اعتبارنامهٔ نمایندگان و اسامی هیئت نمایندگی در صورت امکان حداقل یک هفته پیش از افتتاح اجلاس به دبیرکل تقدیم خواهد شد. این ماده تأکید دارد که اعتبارنامه‌ها بایستی به امضای رئیس کشور یا وزیر امور خارجهٔ کشور متبوع رسیده باشد.

بر این اساس، اعتبارنامه نمایندگان از سوی کمیته اعتبارنامه‌ها رسیدگی خواهد شد. کمیتهٔ اعتبارنامه‌ها مرکب از نُه عضو است که در ابتدای هر اجلاس از سوی مجمع عمومی و به پیشنهاد رئیس مجمع منصوب می‌شوند.[8] براساس مادهٔ بیست نهم، هر نماینده‌ای که پذیرش او مورد اعتراض یکی از اعضا قرار گرفته باشد، به‌طور موقت و با حقوقی برابر با سایر نمایندگان در جلسهٔ مورد نظر حضور خواهد یافت تا کمیتهٔ اعتبارنامه‌ها گزارش خود را ارائه دهد و مجمع عمومی تصمیم خود را اعلام کند.

مواد سی الی سی و هفت آیین کار درخصوص چگونگی انتخاب و نحوهٔ فعالیت رئیس و هیئت رئیسه مجمع عمومی توضیح می‌دهد. براساس مادهٔ سی‌ام در شروع هر اجلاس، ریاست موقت مجمع بر عهدهٔ رئیس آن هیئت نمایندگی خواهد بود که ریاست اجلاس پیشین از آن هیئت انتخاب شده است. براساس مادهٔ سی و یکم، مجمع عمومی سپس یک رئیس و بیست و یک نائب رئیس را انتخاب خواهد کرد. رئیس و نواب وی تا پایان

اجلاسیه‌ای که آنان را انتخاب کرده است، در مسند خود باقی خواهند بود.

براساس مواد سی و دو و سی و پنج اگر چنانچه رئیس در خلال جلسات و یا هر قسمتی از آن غایب باشد، یکی از نواب را به جای خود منصوب خواهد کرد و نایب‌رئیسی که بدین‌گونه کفیل ریاست می‌شود، همان اختیارات و وظایفی را دارا خواهد بود که رئیس از آن برخوردار است. براساس مادهٔ ۳۴ اگر چنانچه رئیس منتخب از انجام وظایف خود عاجز باشد، رئیس جدیدی برای مدت باقی‌مانده انتخاب خواهد شد.

مادهٔ ۳۵ اختیارات رئیس مجمع را بدین‌گونه برمی‌شمارد:

- اعلام شروع و ختم جلسات عمومی اجلاس
- هدایت مباحثات در جلسات عمومی
- نظارت بر اجرای آیین کار مجمع
- تنظیم حق صحبت اعضا
- طرح مسائل و اعلام تصمیمات
- تصمیم‌گیری درخصوص اخطارهای نظامنامه‌ای
- محدود کردن مدت مجاز برای سخنران‌ها و نیز محدود کردن تعداد دفعاتی که هر نماینده می‌تواند صحبت کند.
- پیشنهاد تعلیق یا ختم جلسه و نیز کفایت مذاکره دربارهٔ موضوع مورد بحث

مادهٔ سی و هفتم اشعار می‌دارد که رئیس یا نایب رئیسی که کفیل ریاست است، نمی‌تواند رأی بدهد و باید فرد دیگری از اعضای هیئت نمایندگی خود را تعیین کند که به جای او رأی دهد. مادهٔ سی و هشتم چگونگی ترکیب کمیتهٔ عمومی را که از بخش‌های مهم مجمع عمومی به‌شمار می‌رود، مشخص می‌کند. براساس این ماده، رئیس مجمع و بیست و یک نفر نواب او در کنار رؤسای کمیته‌های هفت‌گانه اصلی مجمع، اعضای کمیتهٔ عمومی را تشکیل می‌دهند. ریاست کمیتهٔ عمومی بر عهدهٔ رئیس مجمع است و هیچگاه دو نفر از اعضای یک هیئت نمایندگی عضو کمیتهٔ عمومی نخواهند بود.

کمیتهٔ عمومی حایز صلاحیت‌هایی درخصوص توصیه در زمینه درج موارد پیشنهادی

جدید در دستورکار اجلاس مجمع یا رد درخواست موارد جدید است. این کمیته همچنین درخصوص تاریخ اختتامیه اجلاس توصیه خواهد کرد و نیز به رئیس و مجمع عمومی در تنظیم دستورکار هر جلسه عمومی یاری می‌رساند. کمیتهٔ عمومی همچنین در تعیین‌اولویت موضوعات دستورکار و نیز در هماهنگ ساختن جریان کار کمیته‌های مجمع مساعدت خواهد کرد. با وجود این، مادهٔ چهل و یکم به صراحت بیان می‌دارد که کمیتهٔ عمومی در هیچ مسئله سیاسی تصمیم نخواهد گرفت.

بر اساس مادهٔ چهل و سوم، هر عضو مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد که نماینده‌ای در کمیتهٔ عمومی ندارد، اگر چنانچه درخواست درج موضوعی را در دستورکار ارائه داده باشد، می‌تواند در هر کدام از نشست‌های کمیته عمومی که درخواستش در آن مورد بحث قرار می‌گیرد، بدون داشتن حق رأی شرکت کند.

مادهٔ چهل و پنجم از آیین کار مجمع عمومی اشعار می‌دارد که دبیرکل می‌تواند در تمامی جلسات مجمع عمومی و کمیته‌های آن شرکت کند یا یکی از اعضای دبیرخانه را به جای خود برای شرکت در این جلسات مشخص سازد. مادهٔ چهل و هفتم وظیفهٔ جمع‌آوری، ترجمه، چاپ و توزیع تمامی اسناد، گزارش‌ها و قطعنامه‌های صادره از مجمع عمومی و کمیته‌ها و ارگان‌های فرعی آن را برعهدهٔ دبیرخانه می‌گذارد و این نهاد را موظف می‌سازد تا نسبت به ترجمهٔ سخنرانی‌های ایراد شده در جلسات و نیز آماده‌سازی و توزیع صورتجلسات اقدام کند.

براساس مواد پنجاه و یک و پنجاه و دو زبان‌های رسمی و کار در مجمع عمومی و کمیته‌های مربوط به آن شش زبان رسمی انگلیسی، فرانسوی، چینی، روسی، اسپانیولی و عربی هستند. و سخنرانی‌های ایراد شده به هر یک از این زبان‌ها بایستی به صورت شفاهی به پنج زبان دیگر ترجمه شود.

مادهٔ پنجاه و سه از آیین‌نامه این اجازه را به نمایندگان سایر کشورها می‌دهد تا به زبانی غیر از زبان‌های مذکور نطق کند، اما در چنین صورتی ترجمه سخنرانی نمایندهٔ مزبور بایستی از روی اولین ترجمهٔ ارائه شده از زبان مذکور از سوی مترجمان دبیرخانه صورت پذیرد.

در خصوص طبع و نشر اسناد و قطعنامه‌های مجمع، تمامی اسناد و قطعنامه‌ها بایستی به هر شش زبان رسمی ترجمه شوند و علاوه بر آن در صورت تصویب مجمع یا کمیته‌های مربوط، اسناد علاوه بر زبان‌های رسمی به زبان‌های دیگر نیز ترجمه خواهد شد.

آیین کار مجمع عمومی مقرر می‌دارد که صدای تمامی جلسات مجمع عمومی و کمیته‌های اصلی آن بایستی از سوی دبیرخانه ضبط شود و در صورت تصویب، صدای جلسات سایر ارگان‌های وابسته نیز ضبط می‌گردد.[۹]

درخصوص علنی بودن یا غیرعلنی بودن جلسات، مادهٔ شصت مقرر می‌دارد که جلسات مجمع عمومی و کمیته‌های اصلی آن بایستی علنی باشد، مگر آنکه مجمع یا ارگان وابسته به دلایل خاصی تشکیل جلسهٔ غیرعلنی را به تصویب برساند.

با این حال، مادهٔ شصت و یکم به صراحت اعلام می‌دارد که حتی تمامی تصمیماتی که در جلسهٔ غیرعلنی اتخاذ می‌شود، بایستی در اولین جلسهٔ علنی مجمع اعلام شود.

مادهٔ شصت و هفت آیین کار، رسمیت یافتن جلسهٔ مجمع عمومی را مشروط به حضور حداقل یک سوم اعضای مجمع می‌داند، ولی برای اخذ تصمیم حضور اکثریت را الزامی می‌شمارد.

مادهٔ شصت و هشت هرگونه نطق عمومی در مجمع را منوط به کسب اجازهٔ قبلی از رئیس مجمع می‌داند و به رئیس این اختیار را می‌دهد که در صورتی که مطالب سخنرانی ناطق خارج از موضوع بحث باشد، به سخنران اخطار دهد.

در خصوص صلاحیت نمایندگان برای اخطار نظامنامه‌ای، مادهٔ هفتاد و یک اشعار می‌دارد که هر یک از نمایندگان این حق را دارد که در خلال بحث دربارهٔ هر مطلبی اخطار نظامنامه‌ای بدهد. در چنین صورتی رئیس مجمع بایستی بلافاصله درباره اخطار رسیده براساس آیین کار مجمع تصمیم بگیرد. با این حال، هر نماینده هنوز حق دارد از نظر رئیس مجمع درخواست فرجام کند و در چنین صورتی فرجام مذکور بایستی به رأی گذاشته شود و نظر رئیس، مادام که از سوی اکثریت نقض نشود، نافذ خواهد بود.

براساس مادهٔ هفتاد و شش آیین‌نامه، هر نماینده‌ای می‌تواند پیشنهاد تعلیق یا تعطیل موقت جلسه را مطرح کند و چنین پیشنهادی باید فوراً به رأی گذارده شود.

آیین کار مجمع عمومی طی بندهای ۸۲ الی ۹۴ به تشریح چگونگی رأی‌گیری در مجمع می‌پردازد. براساس آیین کار، هر عضو مجمع یک رأی خواهد داشت. تصمیمات مجمع دربارهٔ مسائل مهم با اکثریت دو سوم آرای حاضر و رأی‌دهنده اتخاذ خواهد شد و در سایر موارد تصمیمات مهم با اکثریت نسبی گرفته خواهد شد.[۱۰]

مادهٔ هشتاد و سه آیین‌نامه مصادیق مسائل مهم را شامل موارد زیر می‌داند:

- توصیه در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی
- انتخاب اعضای غیر دائم شورای امنیت
- انتخاب اعضای شورای اجتماعی و اقتصادی
- پذیرش اعضای جدید سازمان ملل‌متحد
- تعلیق حقوق و مزایای عضویت
- اخراج اعضا
- مسائل مربوط به بودجه سازمان

مادهٔ هشتاد و شش به توضیح و تفسیر عبارت "اعضای حاضر و رأی‌دهنده" می‌پردازد و منظور از عبارت مذکور را اعضایی می‌داند که رأی مثبت یا منفی می‌دهند. بر این اساس اعضایی که از دادن رأی مثبت یا منفی امتناع کنند، غیر رأی‌دهنده تلقی می‌شوند.

مادهٔ نود و دو آیین کار، مقرر می‌دارد که تمامی انتخابات در مجمع بایستی از طریق رأی مخفی فاقد نام و امضاء صورت بگیرد.

مادهٔ نود و هشت آیین کار، کمیته‌های اصلی مجمع عمومی را کمیته‌های سیاسی و امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، انسانی و فرهنگی، قیمومت، اداری و بودجه، و کمیتهٔ حقوقی ذکر می‌کند.

براساس مادهٔ یکصد و دو و یکصد و سه، هر کمیته می‌تواند کمیته‌های فرعی مد نظر فرد را تأسیس کند. هر کمیتهٔ اصلی بایستی یک رئیس و دو نایب رئیس انتخاب نماید و این انتخاب‌ها بایستی براساس توزیع منصفانهٔ جغرافیایی، صلاحیت‌ها و تجربه‌های فردی اعضا انجام شود. رسمیت یافتن جلسات کمیته‌ها منوط به حضور حداقل یک چهارم اعضاست و حضور اکثریت اعضا برای اتخاذ تصمیم ضرورت دارد.

در خصوص چگونگی تعیین دبیرکل، آیین کار مجمع چنین مقرر می‌دارد که نخست شورای امنیت توصیهٔ خود را درباره تعیین دبیرکل ارائه دهد و سپس مجمع عمومی این توصیه را بررسی می‌کند و تصمیم خود را در جلسهٔ غیرعلنی و طی رأی‌گیری مخفی اخذ می‌نماید.

در خصوص چگونگی انتخاب اعضای غیر دائم شورای امنیت، آیین کار مجمع مقرر می‌دارد که همه ساله در جریان اجلاس عادی، مجمع پنج عضو غیردایم شورای امنیت را برای مدت دو سال انتخاب خواهد کرد و این انتخاب بایستی براساس میزان مشارکت اعضا در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و نیز توزیع منصفانهٔ جغرافیایی صورت گیرد.

براساس تصمیم اتخاذ شده در ۱۷ دسامبر ۱۹۶۳، توزیع جغرافیایی اعضای غیردایم شورای امنیت به شکل زیر است:

- پنج عضو از کشورهای آسیایی و آفریقایی
- یک عضو از کشورهای اروپای شرقی
- دو عضو از کشورهای امریکای لاتین
- دو عضو از کشورهای اروپای غربی و سایر کشورها

۳) شورای امنیت

الف. وظایف و اختیارات

بدون شک شورای امنیت[1] مهم‌ترین رکن و اساسی‌ترین نهاد سازمان ملل‌متحد به شمار می‌رود. براساس منشور ملل‌متحد، این شورا وظیفه و مسئولیت خطیر پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد.[11] بر اساس منشور، کشورهای عضو سازمان ملل موافقت می‌کنند که شورا به نیابت از آنها به ایفای نقش پیش‌گفته بپردازد. شورای امنیت پانزده عضو دارد که از این تعداد پنج کشور آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا، و فرانسه اعضای دایمی

1. Security Council

آن هستند و ده عضو باقی‌مانده که اعضای غیردایمی نامیده می‌شوند، از سوی مجمع عمومی و برای دوره‌ای دو ساله انتخاب می‌گردند.

براساس منشور، اعضای غیردایم شورا براساس پراکندگی جغرافیایی به نحوی که همواره از همه نقاط جهان نمایندگانی در شورا باشند، انتخاب می‌شوند. ملاک اولویت دیگر در انتخاب اعضای غیر دائم نقش آنها در حراست و پاسداری از اهداف سازمان ملل به ویژه حفظ صلح و امنیت جهانی است. شورای امنیت این صلاحیت را دارد تا درخصوص هر موردی که ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکند، مداخله کند و آن را در دستور کار خود قرار دهد. تشخیص اینکه آیا منازعه‌ای باعث به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود یا خیر نیز در صلاحیت انحصاری شورای امنیت است. براساس منشور ملل‌متحد، سایر اعضای سازمان ملل نیز می‌توانند توجه شورای امنیت را به منازعات مربوط به خود جلب کنند.

مواد ۲۴ لغایت ۴۶ منشور ملل‌متحد، در زمره مواد مهم منشور هستند که قدرت واقعی سازمان ملل را به شورای امنیت تفویض کرده و شورا را قادر ساخته‌اند تا بتواند ضمانت اجرایی حقیقی برای تصمیمات و مصوبات خود داشته باشد. از دیگر وظایف و اختیارات مهم شورای امنیت، توصیه به مجمع عمومی درخصوص انتخاب دبیرکل سازمان ملل است. نگاه شورای امنیت به دبیرکل، و چگونگی تعامل و رفتار آن با دبیرکل نقشی بسیار مهم و تعیین‌کننده در موفقیت و کارایی دبیرکل دارد. این نکته اهمیت و حساسیت مقام دبیرکل سازمان ملل را به‌خوبی نشان می‌دهد. در گفتار بعدی بیشتر به موضوع نقش دبیرکل و رابطه او با شورای امنیت خواهیم پرداخت. از دیگر اختیارات شورای امنیت که در زمره صلاحیت‌های مشترک آن با مجمع عمومی است، انتخاب قضات دیوان دادگستری بین‌المللی است.

جلسات شورای امنیت اصولاً در مقر سازمان ملل در نیویورک تشکیل می‌شود. با این حال، بنا به ضرورت و تشخیص و توافق اعضا، شورا می‌تواند در مکان دیگری نیز تشکیل جلسه دهد. برای نمونه، شورا در سالهای ۱۹۷۲و۱۹۷۳ دو نشست خود را به ترتیب در آدیس‌آبابا (اتیوپی) و پاناما سیتی (پاناما)برگزار کرد.

یکی از مهم‌ترین اصلاحیه‌هایی که تاکنون در منشور ملل بـه عمـل آمـده، درخـصوص تعداد اعضای غیردایمی شورای امنیت است. بنا بر نسخه اولیه منشور تا سال ۱۹۶۳ اعضای غیردایم شورا به شش عضو محدود می‌شد، اما با پیوستن کشورهای تازه استقلال یافتـه در دهه پنجاه به سازمان ملل، تقاضا بـرای افـزایش تعـداد اعـضای غیـردایم در شـورا شـدت گرفت. تا آنکه بالاخره با طرح این موضوع در سال ۱۹۶۳ و با اجرایـی شـدن آن در سـال ۱۹۶۵، تعداد اعضای غیر دائم از شش عضو به ده عضو افزایش یافت.[۱۲]

کمیته نظامی و کمیسیون خلع سلاح دو زیر مجموعـه مهـم شـورای امنیـت بـه شـمار می‌روند که تحت نظارت این شورا به فعالیت می‌پردازند. کمیته نظامی در حقیقت کارکردی ستادی دارد و در حوزه مشاوره نظامی برای شورای امنیت انجام وظیفه می‌کند. کمیـسیون خلع سلاح نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و دلیل ایـن اهمیـت در ایـن نکتـه نهفتـه است که موضوع خلع سلاح در طول یکصد و پنجاه سال گذشته موضـوعی مهـم در نظـام بین‌الملل بوده و تأثیر به سزایی برروند صلح و امنیت بین‌المللی داشته است.

یکی از مسائل مهم درخصوص عملکرد سازمان ملل، چگونگی تقسیم وظایف میـان دو رکن اصلی آن یعنـی مجمـع عمـومی و شـورای امنیـت اسـت. بنیانگـذاران سـازمان ملـل کوشیده‌اند تـا بـر اسـاس منـشور ملـل‌متحـد نـوعی تفکیـک و تقـسیم کـار میـان حـوزه صلاحیت‌های این دو ارگان به وجود آورند که بر مبنای آن از تزاحم و تداخل کاری میـان آنها جلوگیری شود.

بر همین اساس، حوزه صلاحیت شورای امنیت موارد حیـاتی‌ای چـون صـلح و امنیـت جهانی، حل و فصل بحران‌ها و منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی و آنچه کـه آن را مـی‌تـوان مسائل راهبردی نام نهاد، شامل می‌شود. این در حالی است که مجمع عمومی توجـه ویـژه خود را به مباحث عام‌تر و کلان‌تر از قبیل استعمارزدایی، رفع تبعیض نژادی، پـرداختن بـه مسائل اجتماعی و اقتصادی جهان، مسائل مربوط به جهان سوم، مبارزه با فقر و قحطـی، و بالاخره حقوق بشر و مسائل مربوط به محیط زیست معطوف کرده است.

با وجود این مسئله حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ازجمله مسائلی بوده که بارها موجب نوعی اصطکاک و تنش میان دو ارگان مذکور شده است. در حالی که شورای امنیـت خـود

را متولی بلافصل صلح و امنیت جهانی می‌داند، مجمع عمومی نیز در این مقوله برای خود نقشی قائل است. نمونه مشخص این اصطکاک در روابط میان دو ارگان در صدور قطعنامه اتحاد برای صلح در جریان بحران کره در سال ۱۹۵۰ به چشم می‌خورد که در گفتار پیشین به‌طور تفصیلی درخصوص آن بحث شد.

در آن سال و در حالی که دو ابر قدرت آن زمان در شورای امنیت در مقابل هم صف‌آرایی کرده بودند، آمریکایی‌ها کوشیدند تا مجمع عمومی را در مقابل شورای امنیت قرار دهند و با صدور قطعنامهٔ مورد نظر خود در مجمع عمومی، مسکو را وادار به پذیرش خواست‌های خود کنند.

استدلال آمریکایی‌ها این بود که بر اساس مواد ۱۰و۱۱ منشور ملل‌متحد، مجمع عمومی نیز در کنار شورای امنیت حق مداخله در مباحث و مواردی را که به صلح و امنیت بین‌الملل مربوط می‌شود، دارد. نکته مورد استناد آمریکا این بود که گرچه شورای امنیت وظیفه اصلی و اولیه حراست از صلح و امنیت جهانی را داراست، اما از مفاد منشور مطلبی دالّ بر اینکه این صلاحیت، صلاحیتی انحصاری برای شوراست برداشت نمی‌شود.

ب. رأی‌گیری، و حق وتو

ماده ۲۷ منشور در ۳ بند چگونگی رأی‌گیری در شورای امنیت را بیان می‌دارد. بر اساس بند یکم این ماده هر عضو شورای امنیت دارای یک رأی است. بند دوم اشعار می‌دارد که تصمیمات شورای امنیت درباره مسائل مربوط به آیین کار با رأی مثبت نُه عضو اتخاذ می‌شود. بند سوم ماده ۲۷ جنجالی‌ترین فراز منشور است و حق وتو[1] را به اعضای دایمی شورای امنیت تفویض می‌کند. براساس این بند تصمیمات شورای امنیت درباره مواردی غیر از آیین کار، که طبعاً تمامی موارد و مباحث مهم مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی را شامل می‌شود، با رأی مثبت نُه عضو که باید حتماً دربردارنده آرای تمامی اعضای دایمی باشد، اتخاذ می‌گردد.

1. VETO

نکته قابل توجه درخصوص مفاد بند ۳ ماده ۲۷ و آنچه که در عمل در شورا به نوعی رویه تبدیل شده، این است که بر اساس بند سوم، شرکت نکردن هر یک از اعضای دائم در رأی‌گیری و یا حتی دادن رأی ممتنع به معنای تصویب نشدن قعطنامه مورد نظر است، در حالی که آنچه در عمل در شورا اتفاق افتاده و به نوعی رویه تبدیل شده، شرکت اعضای دایمی در رأی‌گیری و دادن رأی مخالف است که به معنای وتوی آن قعطنامه تلقی می‌شود و جلوی صدور قعطنامه را می‌گیرد.

همان‌گونه که ذکر شد، مسئله حق وتو و اختصاص آن به پنج عضو دایمی شورای امنیت همواره یکی از مهم‌ترین و در عین حال جنجالی‌ترین و بحث برانگیزترین مسائل درخصوص سازمان ملل بوده و هست. این امتیاز ویژه که بر اساس منشور ملل‌متحد تنها به اعضای پنج‌گانه دایمی شورای امنیت داده شده است این کشورها را در عمل قادر می‌سازد تا در هر زمان که مصوبه‌ای از مصوبات شورا را بر خلاف منافع ملی خود ببینند، از تصویب آن در شورا ممانعت به عمل آورند.

جبهه مخالفان حق وتو که تقریبا تمامی کشورهای جهان به‌جز پنج کشور دارای حق وتو را دربرمی‌گیرد، بر این باورند که اعطای این امتیاز ویژه به پنج کشور قدرتمند جهان اقدامی غیرعادلانه است که به حیثیت و اعتبار سازمان ملل به شدت لطمه وارد کرده است. از دیدگاه این عده، این امر که به یک کشور اجازه داده شود تا بر اساس منافع خود خواست و اراده چهارده عضو دیگر شورای امنیت و بیش از ۱۸۰ کشور دیگر در مجمع عمومی را نادیدهٔ بگیرد و تصمیمات مورد نظر آنها را به سادگی زیر پا بگذارد، هیچ توجیه منطقی ندارد و تنها با منطق زور و جنگل قابل توجیه است.

مدافعان حق وتو از سوی دیگر چنین استدلال می‌کنند که تعبیه این سازوکار در منشور ملل‌متحد ناشی از درسی بود که بنیانگذاران سازمان ملل از نواقص میثاق ملل و ناکامی‌های جامعه ملل در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی آموخته بودند. بنا براین استدلال، در نظر گرفتن این حق برای پنج قدرت بزرگ جهانی به این علت بود که امکان خروج یکجانبه آنها را از نظام امنیت جمعی که سازمان ملل پدیده آورده بود، به حداقل برساند. اگر چنین حق و ضمانتی برای هر یک از این قدرت‌ها در نظر گرفته نمی‌شد، اولین و در عین حال

مخاطره انگیزه‌ترین، واکنش آن کشور در قبال یک تصمیم شورا که در تعارض با منافع یا منشاء تهدید و خطر برای امنیت ملی آن کشور تلقی می‌شد، خروج آن کشور از سازمان ملل و توسل به اقدامی یکجانبه برای حفظ منافع خود در قبال تصمیم اتخاذ شده بود. چنین اقدامی می‌توانست در نهایت منجر به تهدید صلح و امنیت جهانی و چه بسا شروع جنگ جهانی سوم شود.

از بدو تأسیس سازمان ملل‌متحد تا بهار ۱۳۸۲، اعضای دایمی شورا در مجموع ۲۵۱ بار از حق وتو استفاده کرده‌اند. در این میان روسیه(و اتحاد جماهیر شوروی سابق) با رقم قابل توجه ۱۲۰، بالاترین رکورد را در استفاده از حق وتو به خود اختصاص داده است. از این رقم، ۱۱۸ بار حق وتو در طول حیات کشور اتحاد جماهیر شوروی و تنها دو بار پس از فروپاشی شوروی و از سوی روسیه مورد استفاده قرار گرفته است. پس از شوروی و روسیه، ایالات متحده آمریکا با ۷۶ بار استفاده از حق وتو در رتبهٔ دوم قرار دارد. شایان ذکر است که از این تعداد ۳۵ بار آن اختصاص به مواردی دارد که آمریکا قطعنامه‌های مربوط به بحران اعراب و اسراییل را در دفاع و حمایت آشکار از اسراییل وتو کرده است.

پس از آمریکا، بریتانیا با ۳۲ بار استفاده از حق وتو در جایگاه سوم قرار دارد. نکتهٔ جالب توجه درخصوص بریتانیا این است که این کشور ۲۳ بار در همراهی و به پشتیبانی آمریکا از حق وتو استفاده نموده است. فرانسه با ۱۸ بار استفاده از حق وتو در جایگاه چهارم قرار دارد که ۱۳ بار آن در معیت بریتانیا و آمریکا صورت گرفته است. و بالاخره چین تنها با ۵ بار استفاده از حق وتو کمترین میزان استفادهٔ این امتیاز را به خود اختصاص داده است.[۱۳]

ماده ۲۸ منشور اشعار می‌دارد که شورای امنیت بایستی به‌طور دائم و در همه اوقات قادر به انجام وظایف خود باشد، و بدین منظور هر یک از اعضای شورای امنیت بایستی در تمامی اوقات نماینده‌ای در مقر سازمان ملل داشته باشد. ماده ۳۰ منشور پیش‌بینی می‌کند که هر عضو سازمان ملل که عضو شورا نیست، می‌تواند بدون حق رأی در مذاکرات شورای امنیت شرکت کند.

بر اساس ماده ۳۲ از هر عضو سازمان ملل که عضو شورای امنیت نیست و حتی از هر

کشوری که در سازمان عضویت ندارد، ولی طرف اختلافی است که در شورای امنیت تحت رسیدگی است، دعوت خواهد شد تا بدون حق رأی در مذاکرات مربوط به اختلاف مزبور شرکت کند. یکی از مباحث مهم دیگر درخصوص شورای امنیت سازوکار جلب‌توجه شورا به یک اختلاف و درخواست رسیدگی به آن از سوی شوراست. ماده ۳۴ در این خصوص بیان می‌دارد که شورا خود می‌تواند هر اختلاف یا وضعیتی را که ممکن است منجر به منازعه‌ای بین‌المللی شود، در دستور کار خود قرار دهد.

ماده ۳۵ بیان می‌دارد که علاوه بر این، هر عضو سازمان ملل این حق را دارد که توجه شورای امنیت و مجمع عمومی را به هر اختلاف یا وضعیتی که آن را خطر برای صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند، جلب کند. بند دوم از ماده ۳۵ پیش‌بینی می‌کند که هر کشوری که عضو سازمان ملل نیست نیز می‌تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را به اختلافی که خود در آن درگیر است، جلب نماید، مشروط بر اینکه درباره اختلاف مزبور پیش‌تر تعهدات مربوط به حل و فصل مسالمت‌آمیز مقرر در منشور را قبول کند.

مواد ۴۱ و ۴۲ منشور در زمره مهم‌ترین مواد این میثاق جهانی به شمار می‌روند که سازوکار ضمانت اجرا برای تصمیمات شورا را بیان می‌دارند. بر اساس ماده ۴۱، شورای امنیت این صلاحیت را دارد تا به هرگونه اقدامی که متضمن به‌کارگیری نیروی نظامی نباشد، برای اجرای تصمیمات خود مبادرت ورزد و از تمامی اعضای سازمان ملل نیز بخواهد تا این گونه اقدامات را به عمل آورند.

همین ماده این اقدامات را شامل: متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و نیز قطع روابط سیاسی می‌داند. ماده ۴۲ پا را از این فراتر می‌گذارد و به صراحت اعلام می‌دارد در صورتی که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ کافی نبود و شورا آن را موثر تشخیص نداد، آنگاه شورای امنیت مجاز است تا با توسل به نیروی نظامی به وسیله نیروهای هوایی، دریایی و زمینی به هرگونه اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، مبادرت ورزد. ماده ۴۳ منشور از تمامی اعضای سازمان ملل‌متحد می‌خواهد تا به منظور یاری رساندن به شورا در عمل به ماده ۴۲، نیروی مسلح و تسهیلات لازم ازجمله اعطای

حق عبور را در اختیار شورا و نیروهای تحت فرمان آن قرار دهند.

یکی دیگر از موارد مهم منشور در این خصوص، ماده ۵ است. این ماده حق دفاع از خود را برای کشورها به رسمیت می‌شناسد و به روشنی اظهار می‌دارد که در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل‌متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را به عمل می‌آورد، هیچیک از مقررات منشور به "حقِ ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا جمعی" لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت. با این حال، ماده مذکور از آن کشور می‌خواهد تا اقداماتی را که در اعمال حق دفاع از خود به عمل می‌آورد، فوراً به شورای امنیت گزارش دهد.

این ماده، در خاتمه این نکته را نیز یادآور می‌شود که اقدامات به عمل آمده از سوی کشور مورد نظر به هیچ وجه در اختیار و مسئولیت شورای امنیت تأثیری ندارد و شورا می‌تواند هر اقدامی را که لازم می‌داند، برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی انجام دهد.

ج. روند و مراحل تصمیم‌گیری

همان گونه که بیان شد، روند تصمیم‌گیری در سازمان‌های بین‌المللی روندی بسیار پیچیده و متأثر از شاخص‌ها و عوامل بسیار متعدد و متنوعی است. روند تصمیم‌گیری در سازمان ملل‌متحد نیز که یکی از مصادیق مهم این نهادهای بین‌المللی به شمار می‌رود، از این قاعده مستثنی نیست. سازمان ملل به‌طور عام و شورای امنیت آن به‌طور خاص در حقیقت عرصهٔ نوعی تعامل و داد و ستد میان تک تک دولت‌ها چه به صورت دو جانبه و چه در قالب اتحادها و ائتلاف‌هاست و روند تصمیم‌گیری در آنها تابعی از این تعامل محسوب می‌شود.

در تجزیه و تحلیل مراحل مختلف تصمیم‌گیری در شورای امنیت لازم است تا چگونگی این ارتباط مورد توجه و مداقه قرار گیرد. همان گونه که در نمودار ارائه شده در پایان این فصل ملاحظه می‌شود، مراحل دخیل در روند تصمیم‌گیری در شورای امنیت را می‌توان به هشت مرحله تقسیم کرد.

نخستین مرحله از این مراحل هشتگانه همانا بروز و رخداد حادثه یا واقعه‌ای در جهان خارج است. برای نمونه، حملهٔ عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ به ایران یا حملهٔ این کشور به

کویت در اوت ۱۹۹۰ دو مصداق از رخدادهایی هستند که مداخلهٔ شورای امنیت را براساس منشور ملل‌متحد ایجاب می‌کند. بنا به نص صریح منشور ملل‌متحد، هر واقعه و رخدادی که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد، می‌بایست بلافاصله مورد توجه شورا و در دستورکار این شورا قرار گیرد.

از همین روست که *دومین مرحله* از این سلسله مراحل تصمیم‌گیری در شورای امنیت، مورد توجه قرار گرفتن آن حادثه یا رخداد از سوی شورا و قرار دادن آن در دستورکار شوراست. برای محقق شدن این مرحله، هر یک از اطراف منازعه، اعضای شورای امنیت به‌طور تک تک یا به اتفاق یکدیگر، یا دبیرکل سازمان ملل می‌توانند نقش خود را ایفا کنند. در این رابطه هر مورد یا رخدادی که به دلایل گوناگون با منافع اعضای دایمی شورای امنیت ارتباط مستقیم‌تر و نزدیک‌تری را داشته باشد، از شانس بالاتری برای اینکه مورد توجه جدی قرار بگیرد، برخوردار است. البته عکس این مطلب نیز صادق است؛ به این معنا که اگر چنانچه اعضای دایمی شورای امنیت به هر دلیلی تمایل و علاقهٔ چندانی به طرح موضوعی در شورا نداشته باشند، می‌توانند به انحای گوناگون موجبات تأخیر طرح آن در شورا را فراهم آورند.

بحران‌های ناشی از حمله عراق به ایران و حمله عراق به کویت در دهه‌های هشتاد و نود میلادی دو نمونه بارز و کلاسیک از این دست است. در مورد نخست و به دنبال حمله عراق به ایران شورای امنیت با تأخیر بسیار طولانی و پس از تقریبا یک هفته از آغاز جنگ اولین واکنش خود را نشان داد. این در حالی‌ست که براساس سند ضمیمه شده در بخش ضمایم، تنها چند ساعت پس از حمله عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰، نمایندهٔ دائم آمریکا در سازمان ملل طی نامه‌ای به رئیس شورای امنیت خواستار تشکیل جلسهٔ فوری و اضطراری شورا می‌شود و شورا اولین واکنش خود را تنها ظرف چند ساعت نشان می‌دهد.

سومین مرحله از سلسله مراحل تصمیم‌گیری در شورای امنیت رایزنی‌ها و مشاوره‌های غیر رسمی[1] در شورا درخصوص مسئله مورد بحث است. این‌گونه مشاوره‌ها و رایزنی‌ها

1. Informal Consultations

معمولا در سطوح مختلف و میان طرف‌های گوناگون انجام می‌گیرد. رایزنی اعضای دایمی شورا با یکدیگر به صورت دوجانبه یا چند جانبه، رایزنی اعضای دائم و غیردایم شورا با یکدیگر و نیز با دبیرکل از جملهٔ این موارد است. این رایزنی‌ها گاه در سطحی وسیع‌تر در خارج از شورا و میان اعضای شورا با بلوک‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و نیز سایر بازیگران ذی‌نفع در مسئله هم صورت می‌پذیرد.

ال فیورل[1] در کتاب خود از یکی از صاحبنظران برجسته متخصص دربارهٔ شورای امنیت در این باره چنین نقل می‌کند:

> **"... رایزنی‌های غیررسمی در حقیقت شورای امنیت واقعی محسوب می‌شود، جایی که ایده‌ها و دیدگاه‌های گوناگون محک زده می‌شوند و مورد آزمایش قرار می‌گیرند. جایی که مصالحه‌ها و سازش‌ها و کوتاه آمدن‌ها برای حل و فصل منازعات به وقوع می‌پیوندند."[14]**

به عقیدهٔ بسیاری از کسانی که از نزدیک در شورای امنیت حاضر بوده و در محیط و فضای شورا کار حرفه‌ای کرده اند، تقریبا همه کار اصلی شورا در مرحلهٔ رایزنی‌ها ی غیررسمی انجام می‌پذیرد و جلسات رسمی در واقع به صحنهٔ تئاتری می‌مانند که در آنجا سناریوهایی که در رایزنی‌های غیررسمی نوشته شده است، به اجرا و نمایش در می‌آیند.[15]

در ارزیابی و نقد نقش رایزنی‌ها و جلسات غیررسمی شورای امنیت دو دیدگاه مخالف و موافق وجود دارد. اهم دلایل مخالفان این رویه در شورا از این قرار است:

- از آنجا که هیچیک از مذاکرات غیررسمی ثبت و ضبط نمی‌شوند، ازاین‌رو رایزنی‌های غیررسمی در عمل به نوعی مخفی کاری نهادینه شده در شورا می‌انجامند.
- این رویه می‌تواند به طرق گوناگون مورد سوء استفادهٔ برخی از اعضای شورا واقع گردد، به‌طوری‌که مانع از قرار گرفتن یک موضوع در دستورکار جلسات رسمی

---

1. L. Feurle

شورا شود.

- این رویه می‌تواند موجبات تأخیر در دستورکار قرارگرفتن موضوعی را در شورا فراهم آورد.
- رایزنی‌های غیررسمی موجبات دامن زدن بیش از پیش به جو بی‌اعتمادی به شورا را فراهم می‌سازد، به گونه‌ای که کشورهای خارج از شورا با نگاهی بدبینانه و مشکوک به نیات و عملکرد اعضای شورا می‌نگرند.

کوآین ونرانگ[1] در تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های انتقادی حول رایزنی‌های غیررسمی در شورای امنیت در این باره چنین می‌گوید:

"بسیاری از کشورها به گونه‌ای صریح و با لحنی تند و تیز به رویهٔ رایزنی‌های غیررسمی در شورای امنیت اعتراض دارند و به آن انتقاد می‌کنند. این انتقاد به ویژه متوجه عملکرد پنج عضو دایمی شوراست. منتقدان رویهٔ مشاوره‌های غیررسمی خواهان شفافیت و دموکراسی بیشتر در نحوه عملکرد شورا هستند. از نظر آنها جلسات پشت درهای بسته شورا به هیچ وجه با مفاد مادهٔ ۲۴ از منشور ملل‌متحد سازگاری ندارد. برای نمونه کوبا شورای امنیت را کلوپی با درهای بسته برای چند قدرت جهانی قلمداد می‌کند یا اکوادر جلسات غیررسمی شورا را عامل ایجاد جوی ناسالم و مریض میان اعضای سازمان ملل می‌داند." [۱۶]

با این همه، برخی دیگر از صاحبنظران به گونه‌ای متفاوت و با نگرشی خوشبینانه‌تر به پدیده مشاوره‌های غیررسمی در شورای امنیت می‌نگرند. به باور این گروه، رایزنی در پشت درب‌های بسته و در قالب نشست‌های غیررسمی، فرصت چانه‌زنی بیشتری را به اعضای شورا می‌دهد و راه را برای رسیدن به سازش و توافقی قابل قبول برای همه طرف‌های ذی‌نفع هموارتر می‌کند.

در واقع این گروه چنین استدلال می‌کنند که ثبت و ضبط نشدن مذاکرات فضای مناسب‌تری را برای گفتگوهای صریح و بی‌پرده فراهم می‌سازد و این امر خودبه‌خود به

---

1. Q. Wenrong

مؤثرتر بودن و کارسازتر بودن مذاکرات کمک می‌کند.[۱] *چهارمین مرحله* در روند تصمیم‌گیری شورای امنیت بحث و بررسی موضوع در نشست یا نشست‌های رسمی است. دو *مرحلهٔ پنجم و ششم* در واقع مراحلی هستند که در بطن مراحل سوم و چهارم به وقوع می‌پیوندند. در مراحل پنجم و ششم اعضای شورا خواهند کوشید تا ابتدا راه حل‌ها و اقدامات و نحوه‌های عمل جایگزین در رویارویی با واقعهٔ مورد بحث را جستجو کنند و سپس به ارزیابی و سبک و سنگین کردن عواقب، نتایج و دستاوردهای هر انتخاب بپردازند. و سرانجام پس از پشت سرگذاردن همهٔ این مراحل است که شورا به *مرحله هفتم* که انتخاب "قابل قبول‌ترین گزینه" است، خواهد پرداخت. نکتهٔ قابل توجه و مهم در اینجا این است که این انتخاب نهائی به ضرورت بهترین، مطلوب‌ترین یا عادلانه‌ترین گزینه نیست، بلکه تنها بیانگر توافقی است که اعضای شورا با توجه به ملاحظات گوناگون و پیچیده بدان دست یافته‌اند.

مرحله هشتم بسته به اینکه انتخاب و تصمیم نهایی شورا چه بوده باشد، شورا در دو قالب " صدور بیانیه یا صدور قطعنامه" اعلام موضع می‌کند. از میان این دو شکل صدور قطعنامه محکم‌ترین و قاطع‌ترین نوع اقدام تلقی می‌شود.

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که لحن و زبان قطعنامه و چگونگی الفاظ و تعابیری که در جمله‌بندی آن به کار رفته، دارای اهمیت به سزایی است که این امر به وضوح تمام در قطعنامه‌های صادر شده از سوی شورا درخصوص جنگ ایران و عراق از یک سو، و قطعنامه‌های تصویبی مربوط به بحران کویت از سوی دیگر قابل مشاهده است.

---

۱. برداشت‌ها واستنتاجات نگارنده در این باب مرهون گفتگوها و مصاحبه‌های شخصی با دیپلمات‌ها و نماینده‌های کشورهای مختلف عضو شورای امنیت است که در سفر علمی- پژوهشی به مقر سازمان ملل در نیویورک در نوامبر ۱۹۹۶ انجام شد. از آنجا که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان مایل به نقل قول مستقیم دیدگاه‌هایشان از سوی نگارنده نبودند، ازاین‌رو در این اثر به درج و نقل اسامی اشخاص و کشور متبوع آنها در بخش منابع و مأخذ (لااقل از باب تشکر و قدردانی در قبول مصاحبه) اکتفا می‌شود.

د. آیین کار

نخستین مبحث از آیین کار شورای امنیت اختصاص به چگونگی تشکیل جلسات شورا دارد. آیین کار جلسات شورا را به دو قسم جلسات ادواری و غیر ادواری تقسیم می‌کند. جلسات ادواری شورای امنیت سالی دو بار و در زمان‌هایی که خود شورا تعیین کند، برگزار خواهد شد. جلسات غیر ادواری بر حسب دعوت رئیس شورا و در هر زمان که وی مقتضی بداند، تشکیل خواهد شد. ولی فاصلهٔ بین جلسات نباید بیش از چهارده روز باشد.

مادهٔ دوم آیین کار شورا اشعار می‌دارد که رئیس به درخواست هر یک از اعضای شورای امنیت دعوت به تشکیل جلسه خواهد کرد.

موارد دیگری که رئیس شورا بایستی براساس آنها اعضا را به تشکیل جلسه دعوت کند، عبارتند از: هنگامی که مجمع توصیه‌هایی کند و مسئله را به شورای امنیت بسپارد و نیز زمانی که دبیرکل توجه شورا را به مطلبی معطوف دارد.

دستورکار موقت برای هر جلسه شورای امنیت از سوی دبیرکل تنظیم و برای تصویب به شورا ارائه می‌شود. دستورکار برای هر جلسه باید حداقل سه روز قبل از جلسه از سوی دبیرکل به نمایندگان در شورای امنیت ابلاغ گردد، ولی در مواقع اضطراری می‌توان همزمان با اطلاعیهٔ جلسه، دستورکار آن را نیز ارسال کرد.

ریاست شورای امنیت به ترتیب نوبت و بر حسب حروف الفبای انگلیسی کشورهای عضو شورای امنیت خواهد بود. دورهٔ ریاست هر یک از اعضا یک ماه است. رئیس شورا وظیفهٔ ادارهٔ جلسات و نیز نمایندگی شورا را به مثابه یکی از ارکان سازمان ملل‌متحد برعهده خواهد داشت. در مواردی که شورای امنیت در حال رسیدگی به مسئله‌ای است که مستقیما به کشور متبوع رئیس شورا مربوط می‌شود. اگر چنانچه رئیس مقتضی بداند، می‌تواند ریاست آن جلسه را به نماینده عضو بعدی به ترتیب حروف الفبای انگلیسی واگذار کند. (مادهٔ ۲۰)

در خصوص رابطهٔ دبیرکل با شورای امنیت، آیین کار شورا اشعار می‌دارد که دبیرکل با همان عنوان در تمامی جلسات شورا عمل می‌کند و می‌تواند با تعیین قائم مقامی برای خود

به وی اجازه دهد که به جای وی در جلسات شورا شرکت نماید.

براساس مادهٔ ۳۸، هر عضو سازمان ملل‌متحد که از او برای شرکت در مباحثات شورای امنیت دعوت به عمل می‌آید، می‌تواند طرح یا پیش‌نویس قطعنامه‌ای را پیشنهاد دهد. چنین پیش‌نویسی تنها براساس درخواست یکی از نمایندگان عضو شورای امنیت می‌تواند به رأی گذاشته شود. براساس مادهٔ ۴۸ آیین کار شورا، جلسات شورای امنیت علنی خواهد بود. مگر آنکه به نحو دیگری تصمیم گرفته شود. در زمینه توصیه به مجمع عمومی برای تعیین دبیرکل، موضوع حتما باید در جلسات غیر علنی به بحث گذاشته شود.

تمامی اسناد و پرونده‌هایی که محرمانه تلقی می‌شوند، سالی یک بار از سوی دبیرکل تعیین می‌گردد و برای تصمیم‌گیری درخصوص محرمانه باقی ماندن یا غیر محرمانه تلقی شدن به شورا ارائه می‌شود. شورای امنیت تا سپتامبر ۲۰۰۴، ۵۰۲۸ نشست رسمی برگزار کرده که ماحصل آنها صدور ۱۵۵۹ قطعنامه بوده است.

۴) شورای اجتماعی و اقتصادی

مواد ۶۱ لغایت ۶۶ منشور، ترکیب اعضا، وظایف و اختیارات شورای اجتماعی و اقتصادی[1] را به‌طور مبسوط بیان می‌دارد. بر اساس بند اول از ماده ۶۱، شورای اجتماعی و اقتصادی مرکب از ۵۴ عضو است که از سوی مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. شایان ذکر است که تا پیش از اصلاحیه‌های ۱۹۶۳ منشور که از ۳۰ اگوست ۱۹۶۵ لازم الاجرا شد، این شورا تنها دارای ۱۸ عضو بود. بر اساس آن اصلاحیه تعداد اعضای شورای اجتماعی و اقتصادی از ۱۸ به ۲۷ عضو افزایش یافت.

اصلاح بعدی در ماده مزبور، که از ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۳ لازم الاجرا شد، تعداد اعضای شورا را به ۵۴ عضو افزایش داد. بر اساس بند دوم از ماده ۶۱ منشور، ترتیب انتخاب اعضای جدید شورا بدین نحو خواهد بود که همه ساله ۱۸ عضو جدید برای مدت سه سال برای عضویت در شورا انتخاب می‌شوند. بند اول از ماده ۶۲ اشعار می‌دارد که شورای

---

1. Social and Economic Council

اجتماعی و اقتصادی می‌تواند مطالعات و گزارش‌هایی در باره مسائل بین‌المللی مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر امور مربوط ارائه دهد ودر خصوص این امور به مجمع عمومی و اعضای سازمان ملل‌متحد و موسسات تخصصی مربوط توصیه‌هایی بنماید. بر اساس بند دوم از این ماده، شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند به منظور تشویق احترام واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه توصیه‌هایی ارائه دهد.

ماده۶۶، به نحوه تعامل و همکاری میان شورای اجتماعی و اقتصادی با شورای امنیت اشاره می‌کند و اشعار می‌دارد که این شورا می‌تواند اطلاعاتی را در اختیار شورای امنیت قرار دهد و یا به درخواست شورای امنیت به آن شورا کمک کند. بر اساس ماده ۶۷، هر عضو شورای اقتصادی دارای یک رأی است و مصوبات آن با اکثریت آرای اعضای حاضر به تصویب می‌رسد.

۵) شورای قیمومت

یکی دیگر از ارکان شش‌گانه سازمان ملل شورای قیمومت[1] است. این شورا تنها رکن سازمان ملل به شمار می‌رود که اهمیت و فلسفه وجودی آن به دوره خاصی از زمان مربوط می‌شد و امروز دیگر محلی از اِعراب ندارد. نگاهی به شرایط زمانی و تاریخی دو دهه نخست حیات سازمان ملل نشان می‌دهد که سرنوشت و وضعیت سرزمین‌های تحت استعمار و روند فزاینده استقلال‌طلبی در این ممالک یکی از چالش‌های اساسی پیش روی سازمان در آن دوران بود. بر همین اساس بود که ماده ۷۳ از منشور به روشنی اظهار می‌داشت که اعضای ملل‌متحد که مسئولیت اداره سرزمین‌هایی را برعهده دارند که مردم آن هنوز به درجه کامل حکومت خود مختاری نایل نشده‌اند، اصل اولویت منافع سکنه این سرزمین را به رسمیت بشناسند و متعهد به پیشرفت و رفاه آن‌ها شوند. بر همین اساس و مطابق با ماده ۷۶ منشور، هدف‌های اساسی نظام قیمومت بر طبق مقاصد ملل‌متحد عبارت

1. Trusteeship Council

بود از:

- پیشبرد و تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی
- کمک به پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی ساکنان سرزمین‌های تحت قیمومت و پیشبرد تدریجی آنها به سوی حکومت خود مختار یا دارای استقلال
- تشویقِ احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب

ماده ۸۹ منشور، هر عضو شورای قیمومت را دارای یک رأی می‌داند. بند دوم از ماده ۸۵ منشور، شورایی را با عنوان شورای قیمومت عهده دار اجرای وظایف پیش‌گفته می‌کند و اشعار می‌دارد که این شورا تحت نظر مجمع عمومی عمل خواهد کرد. بر اساس ماده ۸۶ منشور، شورای قیمومت مرکب از اعضای ملل‌متحد به شرح زیر است:

- اعضای اداره کننده سرزمین‌های تحت قیمومت
- آن گروه از اعضایی که نامشان در ماده ۲۳ ذکر شده است و اداره سرزمین تحت قیمومتی را عهده دار نیستند (اعضای دائم شورای امنیت)
- اعضای دیگری که به تعداد لازم از سوی مجمع عمومی برای دوره‌ای سه ساله انتخاب می‌شوند.

۶) دیوان بین‌المللی دادگستری

یکی دیگر از ارکان اصلی سازمان ملل‌متحد دیوان بین‌المللی دادگستری[1] است که بنا به نص صریح منشور مندرج در ماده ۹۲، رکن قضایی سازمان ملل‌متحد محسوب می‌شود. براساس ماده ۹۳ منشور، تمامی اعضای ملل‌متحد به‌طور خودکار قبول‌کنندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به شمار می‌روند. ماده ۹۴ منشور، همه اعضای سازمان ملل‌متحد را متعهد و ملزم به پذیرفتن هر تصمیمی می‌داند که دیوان درخصوص هر دعوایی که آن کشور یک طرف آن است، اتخاذ نماید.

1. International Court of Justice

بند دوم از ماده ۹۴ پیش‌بینی می‌کند که هر گاه یکی از دو طرف منازعه از اجرای تعهداتی که برحسب رأی دیوان بر عهده او گذاشته شده است، تخلف کند، طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت رجوع نماید و شورا می‌تواند تصمیمات لازم را بگیرد. براساس بند یکم از ماده ۹۶، مجمع عمومی و شورای امنیت می‌توانند درباره هر مسئله حقوقی از دیوان درخواست نظر مشورتی کنند. ماده ۹۲ منشور سازمان ملل‌متحد، اساسنامه دیوان دایمی بین‌المللی دادگستری را که در سندی جداگانه تنظیم شده است جزء لاینفک منشور ذکر می‌کند.

براساس ماده دوم اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، این دیوان متشکل از یک هیات قضات مستقل است که بدون توجه به ملیتشان از میان کسانی انتخاب می‌شوند که عالی‌ترین مقام اخلاقی را دارا باشند و شرایط لازم برای انجام مشاغل عالی قضایی در کشور خود را داشته ودر زمره افراد برجسته در علم حقوق باشند. براساس ماده سوم اساسنامه، دیوان ۱۵ عضو دارد که در میان آنها نبایستی بیش از یک عضو از یک دولت حضور داشته باشد. در مورد افرادی که ممکن است تبعه بیش از یک دولت محسوب شوند، آن افراد تبعه کشوری محسوب خواهند شد که معمولا در آنجا حقوق مدنی و سیاسی خود را اعمال می‌کنند. ماده ۴ اساسنامه اشعار می‌دارد که اعضای دیوان از سوی مجمع عمومی و شورای امنیت و از میان کسانی که اسامی آنها از سوی گروه‌های ملی پیشنهاد گردد، انتخاب می‌شوند. براساس مواد ۵ و۷ اساسنامه داوطلبان عضویت در دیوان سه ماه قبل از تاریخ انتخابات و بنا به دعوت دبیرکل سازمان ملل از سوی گروه‌های مذکور نامزد می‌شوند. سپس دبیرکل لیست نهایی داوطلبان را به اطلاع مجمع عمومی و شورای امنیت می‌رساند و پس از آن مجمع عمومی و شورای امنیت هر یک به‌طور مستقل اعضای دیوان را انتخاب می‌کنند.

ماده ۱۰ اساسنامه اشعار می‌دارد که از میان داوطلبان کسانی منتخب نهایی محسوب می‌شوند که هم در مجمع عمومی و هم در شورای امنیت اکثریت تام داشته باشند. بنا به پیش‌بینی ماده ۱۱، هر گاه پس از دوره اول انتخابات همچنان کرسی یا کرسی‌هایی در دیوان خالی بماند، دور دوم و در صورت لزوم دور سوم انتخابات به همان طریق پیشین

انجام می‌گیرد. بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، اعضای دیوان بین‌المللی دادگستری برای مدت نُه سال انتخاب می‌شوند و قابل انتخاب مجدد نیز خواهند بود.

ماده ۱۶ اساسنامه اعضای دیوان را از پذیرفتن هرگونه ماموریت سیاسی یا اداری یا هرگونه شغلی که جنبه حرفه‌ای داشته باشد، ممنوع می‌کند. براساس ماده ۱۸ از اساسنامه هیچیک از اعضای دیوان را نمی‌توان از شغل خود منفصل کرد مگر در صورتی که تمام اعضا متفقاً رأی دهند که آن عضو دیگر واجد شرایط مقرر نیست.

ماده ۱۹، اعضای دیوان را در اجرای وظایف خود دارای مزایا و مصونیت‌های سیاسی می‌داند. ماده ۲۲، مقر دیوان بین‌المللی دادگستری را در شهر لاهه هلند ذکر می‌کند و این اختیار را به دیوان می‌دهد تا در صورت لزوم در جای دیگری اجرای وظیفه کند. مواد ۲۶و۲۷ اساسنامه این اختیار را به دیوان می‌دهند تا در هرموقع و به تشخیص خود اقدام به تأسیس یک یا چند شعبه برای رسیدگی به یک ماموریت معین کند. هر حکمی که از طرف شعبه‌های مذکور صادر شود، به منزله حکمی خواهد بود که خود دیوان داده باشد. بند یکم از ماده ۳۴ اذعان می‌دارد که تنها دولت‌ها می‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند.

بند یکم از ماده ۳۶ موضوعات زیر را در حوزه صلاحیت‌های دیوان ذکر می‌کند که دولت‌های عضو دیوان، قضاوت اجباری دیوان را قبول می‌کنند:

- تفسیر عهدنامه‌ها
- هر مسئله‌ای که موضوع حقوق بین‌الملل باشد.
- حقیقت هر امری که در صورت ثبوت، نقض یک تعهدبین‌المللی محسوب شود.
- نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی داده شود.

ماده ۵۵ اساسنامه اشعار می‌دارد که احکام صادره با رأی اکثریت قضات صادر می‌شود و در صورت تساوی آرا، رأی رئیس یا کسی که جانشین اوست، تعیین کننده خواهد بود. ماده ۶۰ اساسنامه احکام دیوان را قطعی و غیرقابل استیناف می‌داند و بیان می‌دارد که در صورت اختلاف در معنی و حدود حکم، دیوان می‌تواند به درخواست هر یک از دو طرف آن را تفسیر کند. ماده ۶۱ اساسنامه تجدید نظر را تنها و تنها در صورت کشف امری که در

قضیه، اثر قطعی داشته و قبل از صدور حکم، دیوان از وجود آن اطلاعی نداشته است، امکان‌پذیر می‌داند. در این صورت درخواست تجدید نظر بایستی حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ کشف امر جدید به عمل آید.

دیوان بین‌المللی دادگستری تاکنون درخصوص قریب به ۶۰ مورد اختلاف میان کشورها که به آن احاله شده، رسیدگی کرده است. مهم‌ترین این موارد ناظر بر موضوعات و مسائلی چون اختلاف بر سر مرزهای خشکی و دریایی، حق حاکمیت ملی، گروگانگیری، مصونیت دیپلماتیک، استفاده نکردن از زور، دخالت نکردن در امور داخلی کشورها، و حقوق پناهندگی بوده است. علاوه بر موارد فوق، دیوان تاکنون در بیش از ۲۱ مورد نظر مشورتی صادر کرده است.

۷) دبیرخانه و دبیر کل

یکی دیگر از ارکان اصلی سازمان ملل دبیرخانه[1] است. براساس ماده ۹۷ منشور ملل‌متحد، دبیرخانه از یک دبیرکل[2] و کارمندان تحت نظارت وی تشکیل شده است. براساس منشور دبیرکل از سوی مجمع عمومی و نیز توصیه شورای امنیت انتخاب می‌شود. دبیرکل، ریاست عالیه نظام اداری سازمان ملل را بر عهده دارد و در سلسله مراتب ستادی سازمان نقش اول ایفا می‌کند. دبیرخانه و در راس آن شخص دبیرکل نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در نظام اجرایی سازمان ملل و عملکرد آن بر عهده دارند.

مواد ۹۷و۹۸ به روشنی به وظایف و اختیارات دبیرکل اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که دبیرکل در نشست‌ها و جلسات همه ارکان سازمان ازجمله شورای امنیت و مجمع عمومی حضور دارد و به ایفای نقش موثر می‌پردازد. دبیرکل هر سال یک بار یک گزارش جامع درخصوص فعالیت سازمان ملل به مجمع عمومی ارائه می‌دهد. دبیرکل می‌تواند توجه شورای امنیت را به هر موضوعی که از نظر او صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره

1. Secretariat
2. Secretary General

انداخته باشد، معطوف دارد. وی می‌تواند برای تشکیل جلسه شورای امنیت در مکان و زمان مورد نظر خود را درخواست دهد.

این صلاحیت دبیرکل به وی این امکان و این اجازه را می‌دهد تا با درگیر شدن در مسائل مهم و اساسی در نظام بین‌الملل، نقش تعیین کننده و فعالی در روند تصمیم‌گیری در سازمان ملل داشته باشد. جایگاه ویژه و شخصیت مستقلی که منشور برای دبیرکل تعیین می‌کند، به وی این امکان را می‌دهد تا بدون وابستگی به دولت یا کشوری خاص به مثابه هویت و شخصیتی بین‌المللی به ایفای نقش در صحنه جهانی بپردازد. منشور ملل‌متحد دبیرکل را مقام عالی اجرایی دبیرخانه و هماهنگ کننده روابط میان ارکان اصلی سازمان ازجمله مجمع عمومی و شورای امنیت ذکر می‌کند. علاوه بر موارد پیش‌گفته، ابتکارات شخصی دبیرکل و تماس‌های وی با کشورهای عضو سازمان ملل و نیز سایر بازیگران نظام بین‌الملل ازجمله سازمان‌های غیردولتی، حوزه مهم دیگری از فعالیت‌های دبیرکل را شامل می‌شود. با این همه، این واقعیت که دبیرکل با وجود شرکت و حضور در مجمع عمومی و شورای امنیت از حق رأی برخوردار نیست و پیشنهادها و سفارش‌های او تنها جنبه توصیه‌ای دارد و به راحتی می‌تواند مورد بی‌توجهی واقع شود، جایگاه وی را به عنوان عامل سیاسی تأثیرگذاری در ساختار سازمان ملل با تردید روبه‌رو می‌سازد.

بر اساس نص صریح منشور، نه دبیرکل و نه هیچ یک از کارمندان دبیرخانه از هیچ کشور یا دولت خاصی دستور نمی‌گیرند. دبیرکل و کارکنان دبیرخانهٔ تحت نظارت وی که شامل نمایندگان ویژه او در امور مختلف نیز می‌شوند، تنها در مقابل سازمان ملل پاسخگو و مسئول هستند.

ازجمله دیگر وظایف دبیرخانه که تحت نظارت مستقیم دبیرکل انجام می‌پذیرد، رسیدگی به امور مربوط به اعتبارنامه‌های هیئت‌های نمایندگی نزد سازمان ملل، و نیز انجام امور مربوط به ثبت و انتشار معاهدات و اسناد بین‌المللی، آماده‌سازی، ثبت، و توزیع قطعنامه‌ها و نیز صورتجلسات نشست‌های مجمع عمومی و شورای امنیت است. براساس آمار موجود بیش از ۲۵۰۰۰ زن و مرد از کشورها و ملیت‌هایی مختلف کارکنان دبیرخانه را تشکیل می‌دهند.[۱۷]

از بدو تأسیس سازمان ملل تاکنون هفت نفر به ترتیب و شرح زیر در مقام دبیرکلی سازمان ملل ایفای نقش کرده‌اند:

- **تریگوه لی**[۱]: وی که نخستین دبیرکل سازمان ملل بود و تابعیت نروژی داشت، از ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۲ در مقام دبیرکلی سازمان ملل ایفای نقش کرد.
- **داگ هامرشولد**[۲]: وی دیپلمات اهل سوئد بود که در حین انجام ماموریت در کنگو کشته شد. هامر شولد از ۱۹۵۳تا ۱۹۶۱ برکرسی دبیرکلی سازمان ملل تکیه زد.
- **او تانت**[۳]: دیپلمات اهل برمه(میانمار) بود که از ۱۹۶۲تا ۱۹۷۱ در مقام دبیرکل سازمان ملل به ایفای نقش پرداخت.
- **کورت والدهایم**[۴]: وی سیاستمداری اهل اتریش بود که از ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۲ مقام دبیرکل سازمان ملل را بر عهده داشت.
- **خاویر پرز دکوییار**[۵]: وی دیپلمات اهل کشور پرو بود که از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۱ دبیرکل سازمان ملل بود.
- **پطروس غالی**[۶]: وی سیاستمدار و حقوقدان عربِ اهل مصر بود که از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ در سمت دبیرکل سازمان ملل مشغول به کار بود.
- **کوفی عنان**[۷]: او که سیاستمداری اهل غنا است در ژانویه ۱۹۹۷ و به دنبال مخالفت آمریکا با انتخاب مجدد پطروس غالی به مقام دبیر کلی برگزیده شد و برای دو دوره متوالی تا پایان سال ۲۰۰۶ عهده‌دار این مقام بود.
- **بن کی مون**[۸]: وی دیپلمات برجسته اهل کره جنوبی است که سابقه و تجربه کار

---

1. Trygvelie
2. Dag-hammurskjold
3. Uthant
4. Kurlt Waldheim
5. Javier Pereze Decuellar
6. B. Butros Ghali
7. Kufi Annan
8. Ban Ki Moon

دیپلماتیک در پست وزیر خارجه کشور متبوعش را در پرونده خود دارد. او از ژانویه ۲۰۰۷ عهده‌دار سمت دبیرکلی سازمان ملل‌متحد خواهد بود.

ساختار اداری دبیرخانه متشکل از تعدادی دپارتمان و دفتر به شرح زیر است که وظایف مربوط به دبیرخانه را انجام می‌دهند:

- دفتر دبیرکل و مشاوران عالی‌رتبهٔ وی
- دفتر خدمات داخلی
- دفتر امور حقوقی
- دپارتمان امور سیاسی
- دپارتمان امور مربوط به خلع سلاح
- دپارتمان عملیات حفاظت صلح
- دفتر هماهنگی امور بشر دوستانه
- دپارتمان امور اجتماعی و اقتصادی
- دپارتمان امور مجمع عمومی و خدمات کنفرانس
- دپارتمان اطلاعات عمومی
- دپارتمان مدیریت
- دفتر هماهنگی امنیتی ملل‌متحد
- دفتر سازمان ملل در ژنو
- دفتر سازمان ملل در وین
- دفتر سازمان ملل در نایروبی

۸) اصلاح منشور

مواد ۱۰۸ و ۱۰۹ منشور ملل‌متحد چگونگی اصلاح منشور را پیش‌بینی کرده‌اند. براساس ماده ۱۰۸ اصلاحاتی که در منشور به عمل می‌آید، زمانی برای اعضای سازمان ملل‌متحد لازم الاجرا خواهد شد که به تصویب $\frac{۲}{۳}$ اعضای مجمع عمومی و نیز $\frac{۲}{۳}$ اعضای شورای

امنیت سازمان ملل‌متحد برسد.

براساس این ماده، اعضای دایمی شورای امنیت حق وتوی اصلاحات انجام شده را خواهند داشت. ماده ۱۰۹ اشعار می‌دارد که به منظور تجدید نظر در منشور می‌توان در تاریخ و محلی که با رأی $\frac{۲}{۳}$ اعضای مجمع عمومی و رأی نُه عضو شورای امنیت معین می‌شود، کنفراسی عمومی از اعضای ملل‌متحد تشکیل شود و این کنفرانس اصلاحات مورد نظر را با رویه مندرج در ماده ۱۰۸ به انجام برساند. شایان ذکر است که منشور ملل‌متحد پس از تصویب نهایی در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو و لازم الاجرا شدن آن در ۲۴ اکتبر همان سال، تاکنون چندین بار مورد اصلاح و تجدید نظر قرار گرفته است.

در مواد ۲۳، ۲۷، و ۶۱ منشور در ۱۷ دسامبر ۱۹۶۳ تجدید نظر صورت گرفت و از ۳۱ اگوست ۱۹۶۵ لازم الاجرا گردیدند. اصلاحات مجددی درخصوص ماده ۶۱ در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ انجام شد که در ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۳ لازم الاجرا گردید. همچنین اصلاح ماده ۱۰۹ نیز در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۵ به تصویب رسید و در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ اجرای آن لازم شد. این تغییرات بیشتر ناظر بر افزایش تعداد اعضای دائم شورای امنیت و شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل بود که در گفتارهای قبلی درباره آنها بحث و بررسی شد.

۹) بودجهٔ سازمان ملل

یکی از مسائل مهم درخصوص سازمان ملل‌متحد موضوع بودجه و تأمین هزینه‌های این سازمان بین‌المللی است. کشورهای عضو سازمان ملل براساس توانایی مالی خود بخشی از بودجهٔ سازمان را تأمین می‌کنند. هیچ کشوری نبایستی به تنهایی بیش از ۲۵ درصد از بودجهٔ سازمان را تأمین کند و از سوی دیگر حداقل سهمی که هر عضو بایستی به سازمان بپردازد، یک صدم بودجهٔ سازمان است.

کاملاً روشن است که شرط اول از شروط پیش‌گفته برای این است که ادامهٔ حیات و فعالیت سازمان بیش از حدِ متعارف وابسته و مشروط به کمک‌های مالی یک کشور خاص نباشد. اما با این همه، چنین به نظر می‌رسد که حتی رقم ۲۵ درصد نیز رقمی بسیار زیاد

است و در عمل ادامه فعالیت این سازمان بین‌المللی را تا حدود زیادی وابسته به کشور اهدا کنندهٔ مبلغ پیش‌گفته می‌کند. همان طور که در جدول ضمیمهٔ شمارهٔ پنج آمده است، تنها کشوری که در حال حاضر به تنهایی متعهد به پرداخت ۲۵ درصد از بودجهٔ کل سازمان ملل است، ایالات متحدهٔ آمریکاست و مقامات آمریکایی در موارد بسیاری از این موقعیت و وابستگی سازمان ملل به پول اهدایی خود، برای گروکشی و نوعی اهرم فشار برای تحمیل خواسته‌های خود بر سایر اعضای سازمان استفاده کرده‌اند.

با این همه، این واقعیت که گردش امور جاری سازمان ملل منوط به تامین هزینه‌های آن است این سازمان را در نوعی بن بست و شرایط دشوار قرار می‌دهد. از یک سو اعضای سازمان از سهم زیادی که یک کشور به خصوص در تأمین هزینه‌ها متعهد می‌شود و درنتیجه از نقش عمده‌ای که آن کشور در تصمیم‌گیری در آن سازمان دارد، ناراضی و ناخرسند هستند واز سوی دیگر همین اعضای ناراضی، به دلایل گوناگون از ناتوانی مالی گرفته تا نبود تمایل، از قبول تعهدات مالی بیشتر برای تأمین مخارج سازمان سر باز می‌زنند.

براساس قوانین موجود، اگر چنانچه کشوری برای مدتی مشخص درصد معینی از سهمیه و حق عضویت خود در سازمان ملل را نپردازد، از حق رأی دادن در مجمع عمومی محروم خواهد شد. البته چنین موردی هیچ‌گاه تاکنون پیش نیامده است؛ چرا که کشور یا کشورهای مقروض، دیون خود به سازمان را زیر حد مورد نظر نگاه می‌دارند. بسیاری از کشورها ازجمله آمریکا در موارد بسیاری به همین روش، از پرداخت به موقع تمامی بدهی‌های خود به سازمان ملل خودداری کرده‌اند.[۱]

۱۰) چشم‌انداز آینده سازمان ملل‌متحد

تحولات سال‌های پایانی قرن بیستم و به ویژه حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ گمانه زنی‌ها و پیش‌بینی‌های متفاوتی را دربارهٔ آینده سازمان ملل‌متحد و نیز نقش آن در نظام بین‌الملل

---

۱. نگاه کنید به جدول درصد سهم پرداخت‌ها در پایان همین فصل.

بدنبال داشته است. ناکامی سازمان ملل در رویارویی با چالش‌هایی نظیر بحران اعراب و اسراییل و قضیه فلسطین، در کنار ناتوانی این سازمان بین‌المللی در جلوگیری از بروز بحران‌ها و جنگ‌های خونین طی دهه‌های نیمهٔ دوم قرن بیستم بسیاری از صاحبنظران را قانع ساخته بود که سازمان ملل تا رسیدن به اهداف مندرج در منشور، مسیر طولانی و پرفراز و نشیبی را پیش رو دارد.

با پایان یافتن نظام دو قطبی بسیاری بر این باور بودند که پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق به آغاز دوران جدیدی از همگرایی و همکاری در نظام بین‌الملل منجر خواهد شد. به زعم این گروه، این جو تفاهم و همکاری بین‌المللی می‌توانست نمود عینی و ملموس خود را در سازمان ملل‌متحد به عنوان مجمع و تریبونی بین‌المللی برای تحقق آرزوها و خواسته‌های مشترک ملل در ادوار گوناگون به منصهٔ ظهور برساند.

اما با این همه، آنچه در جهان خارج اتفاق افتاد، روند حوادث را به سمت و سویی کاملا متفاوت سوق داد. حملهٔ عراق به کویت در دوم آگوست ۱۹۹۰، تشکیل ائتلاف ضد عراق و سپس تحولات پس از آن، که حدود یک دهه به طول انجامید، در کنار بحران‌ها و جنگ‌های خونین در بالکان، جنگ‌ها و بحران‌های آفریقا نظیر آنچه در روآندا به وقوع پیوست و بسیاری از تحولات دیگر، همگی شکنندگی و غیرقابل پیش‌بینی بودن مسیر تحولات بین‌المللی درآستانهٔ ورود به قرن بیست و یکم را به‌خوبی آشکار ساخت.

در چنین شرایطی، وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تحولات پس از آن، چالش‌های پیش روی سازمان ملل‌متحد را بسیار عمیق‌تر و فراگیرتر ساخت. عمق و ابعاد این چالش‌ها را به‌خوبی می‌توان در شکاف میان اعضای شورای امنیت در چگونگی رویارویی با صدام حسین در روزهای قبل از حملهٔ آمریکا به عراق در بهار ۲۰۰۳ مشاهده کرد.

یکجانبه‌گرایی ایالات متحدهٔ آمریکا و استنکاف این کشور از پذیرفتن سهم و نقش مورد نظر سایر بازیگران صحنهٔ نظام بین‌الملل به‌ویژه در چارچوب شورای امنیت سازمان ملل‌متحد، بیش از هر چیز دیگری آینده سازمان ملل و کارآمدی آن را که یک سازمان معتبر بین‌المللی است، در هاله‌ای از ابهام فروبرده است.

مشروح مذاکرات اعضای شورای امنیت در جلسات این شورا در جریان بحران عراق،

پیش‌نویس‌های متفاوت برای قطعنامه‌های مد نظر هر یک از اعضای شورا و نیز ناکامی اعضای شورا در به تصویب رساندن متن نهایی قطعنامه‌ای پس از قطعنامه ۱۴۴۱ شورا درخصوص عراق، مصداق بارز این شکاف عمیق و واقعی میان آمریکا و بریتانیا از یک‌سو و فرانسه، روسیه، چین و سایر بازیگران نظام بین‌الملل از سوی دیگر است.

با این همه و با وجود چالش‌های پیش رو، چنین به‌نظر می‌رسد که سازمان ملل‌متحد در دهه‌های نخست قرن بیست و یکم کماکان نقش مهم و تعیین کننده‌ای را در نظام بین‌الملل ایفا خواهد کرد. نباید فراموش کرد که تشکیل و تأسیس سازمان ملل‌متحد طرحی کوتاه مدت و با کارکردی موسمی و موقت نبود که با تحولات یک یا دو دهه یا با تضعیف جایگاه آن در اثر عملکرد بازیگر یا بازیگرانی از صحنهٔ سیاست جهانی کنار گذاشته شود یا از عرصهٔ نظام بین‌الملل رخت بربندد. ایدهٔ تشکیل نهادی بین‌المللی همانند سازمان ملل‌متحد ریشه در تاریخ بشری دارد و پیش از آنکه حاصل توافق و زدوبند دو یا چند قدرت بزرگ جهانی باشد، ریشه در نیازی واقعی، عمیق و دراز مدت دارد که از دو اصل بنیادین "رقابت" و "همکاری" میان ملت‌ها و دولت‌ها در طول تاریخ نشئت گرفته است.

با چنین رویکردی می‌توان نتیجه گرفت که راه پیش روی سازمان‌های بین‌المللی به‌طور عام و سازمان ملل‌متحد و نهادهای وابستهٔ آن به‌طور خاص گرچه راهی دشوار و پرفراز و نشیب خواهد بود، اما بدون شک تنها راه پیش روی جامعهٔ بین‌المللی برای بسط و توسعه همکاری در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد، گام نهادن در این مسیر نه از سر انتخاب بلکه از روی ضرورت و اجبار صورت گرفته است و ادامه خواهد یافت.

در همین رابطه، یکی از مسائل مهم و اساسی پیش روی سازمان ملل‌متحد موضوع انجام اصلاحات در این نهاد بین‌المللی است. کامیابی یا ناکامی سازمان ملل‌متحد در رویارویی با چالش‌های پیش رو تا حد بسیار زیادی در گرو چگونگی انجام این اصلاحات در ساختار این سازمان و به‌ویژه در ساختار شورای امنیت آن است.

به نظر بسیاری از دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های عضو نهضت عدم تعهد و به‌طور کلی اکثر کشورهای جهان سوم، ضرورت اصلاح ساختار کنونی شورای امنیت سازمان ملل واقعیتی

انکارناپذیر است. چنین دیدگاهی به تدریج و به مرور زمان جای خود را در افکار عمومی جهانی بازتر و بازتر می‌کند به‌طوری که امروزه در بسیاری از کشورهای قدرتمند وحتی اعضای دایمی شورای امنیت نیز این بحث با دقت و احتیاط دنبال می‌شود.

مباحثات مربوط به اصلاح شورای امنیت بیشتر حول دو محور "تعداد اعضای شورا و چگونگی تعامل با حق وتو" دور می‌زند. محور اول ناظر بر لزوم افزایش تعداد اعضای دائم و غیر دائم شورای امنیت است. حامیان این ایده چنین استدلال می‌کنند که با توجه به تغییرات عمده و بنیادی که طی دهه‌های گذشته در شکل و ساختار نظام بین‌الملل صورت گرفته است و با عنایت به چند برابر شدن تعداد اعضای سازمان ملل نسبت به دهه‌های نخست تولد آن، تعداد، تکثر و تنوع اعضای شورای امنیت نیز لاجرم بایستی با این تغییر در تعداد کشورهای عضو سازمان ملل هماهنگ باشد وتغییر یابد.

براساس این دیدگاه افزایش تعداد اعضای شورای امنیت، از یک‌سو به شورا و به تصمیمات آن وجهه دموکراتیک تری خواهد داد و آن را از مقبولیت بیشتری نزد افکار عمومی جهانی برخوردارخواهد ساخت و از سوی دیگر چنین تغییری به کارآمدی بیشتر شورا نیز منجر خواهد شد. گرچه امروزه اکثر محافل و دولت‌ها بر سر اصل لزوم افزایش اعضای شورا به نوعی تفاهم نسبی رسیده‌اند، اما با این همه بر سر چگونگی و ابعاد این افزایش اختلاف‌نظر جدی میان کشورها وجود دارد. برخی بر این اعتقادند که تنها باید تعداد اعضای غیردایمی افزایش پیدا کند و از ده عضو کنونی به پانزده یا بیست یا بیست و پنج عضو برسد. در مقابل، برخی دیگر خواهان افزایش اعضای دایمی و غیردایمی شورا به‌طور توأمان هستند. این عده خواهان پیوستن فوری کشورهایی نظیر ژاپن و آلمان و سپس پیوستن تدریجی کشورهای دیگری از مناطق آسیا و آمریکای لاتین نظیر هند و برزیل به جمع اعضای دایمی شورا هستند.[۱۸] تازه‌ترین تحولات در این زمینه، درخواست جمعی و حرکت ائتلاف گونه چهار کشور آلمان، ژاپن، هند و برزیل در پنجاه‌ونهمین نشست سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد در سپتامبر ۲۰۰۴ بود.

رهبران این چهار کشور در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۴ با صدور بیانیه مشترکی در نیویورک با اعلام آنچه که آن را واقعیت‌های جامعه بین‌المللی در قرن بیست و یکم

خواندند، خواستار اصلاح مجموعه ساختار سازمان ملل‌متحد به‌ویژه شورای امنیت گردیدند. بر اساس این بیانیه این امر بسیار ضروری و حیاتی است که اعضای جدیدی از پنج قاره جهان و با عنایت به ظرفیت‌ها و قابلیت هایشان در پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی صاحب کرسی دائم در شورای امنیت شوند.[۱۹] نکته مهم در این بیانیه درخواست چهار کشور مذکور برای اعطای یک کرسی دائم شورای امنیت به نماینده‌ای از فقیرترین قاره جهان یعنی آفریقا بود. به اعتقاد ناظران، یکی از کشورهای مصر، آفریقای جنوبی و تانزانیا درنهایت این قاره را در شورای امنیت نمایندگی خواهد کرد.

در خصوص چگونگی برخورد با حق وتو نیز دیدگاه‌های متفاوت و گاه به شدت متعارضی به چشم می‌خورد. در حالی‌که بسیاری از کشورهای جهان سوم در رویکردی آرمان‌گرایانه خواستار لغو و برچیده شدن این امتیاز ناعادلانه هستند، تعداد دیگری از کشورها با رویکردی واقع بینانه‌تر تعدیل نسبی این پدیده را خواستارند.

پیشنهادهای مشخص این گروه دوم، پذیرفتن اعضای دائم جدید و تفویض حق وتو به آنها به عنوان سناریوی اول، الحاق اعضای جدید بدون حق وتو به عنوان سناریوی دوم، و اختصاص یک کرسی دائم با حق وتو به بلوک‌های مهم منطقه‌ای نظیر اتحادیهٔ اروپا، اتحادیهٔ عرب و سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی به عنوان سناریوی سوم است. کاملاً روشن است که هر یک از پیشنهادهای فوق در مرحلهٔ اجرایی شدن و به عمل درآمدن با مشکلات پیچیده‌ای روبرو خواهد بود و همین ابهامات و مشکلات است که آنها را در حال حاضر در حد یک نظریه صِرف متوقف ساخته است.

۱۱) سازمان ملل‌متحد و ایران

ایران ازجمله کشورهای بنیانگذار و اولیه سازمان ملل‌متحد به‌شمار می‌رود. نام ایران در ردیف ۵۱ کشوری است که از آنها در ضمیمه منشور ملل‌متحد به عنوان اعضای اصلی و بنیانگذار سازمان یاد شده است. تاریخ رسمی عضویت ایران در سازمان ملل به ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ برمی گردد که در آن تاریخ، مفاد منشور ملل‌متحد و عضویت ایران در سازمان ملل

به تصویب مجلس و دولت ایران رسید.

از قضای حادثه، ایران یکی از اولین کشورهایی بود که پس از خاتمه جنگ دوم جهانی و پس از تأسیس سازمان ملل، یکی از اولین دعاوی را به این سازمان جدید برد و خواهان کمک این سازمان برای ایفای حقوق خود گردید. این دعوا در حقیقت شکایت ایران از همسایهٔ شمالی خود اتحاد جماهیر شوروی بود. در طول جنگ دوم جهانی و به‌دنبال اشغال ایران از سوی متفقین، سه کشور آمریکا، انگلستان و شوروی تعهد دادند تا به محض خاتمهٔ جنگ، قوای خود را از ایران خارج سازند و خاک ایران را ترک کنند.

دو کشور آمریکا و انگلستان به تعهد خود عمل کردند و نیروهای خود را از ایران بیرون بردند، اما همسایهٔ شمالی ایران که سیاست‌های توسعه طلبانه‌ای در سر می‌پروراند، از عمل به تعهدات خود سر باز زد و با حمایت از نیروهای تجزیه‌طلب آذربایجان در واقع به استقلال و حاکمیت ملی ایران تعرض کرد.

دولت ایران در پاسخ به این سیاست شوروی و با حمایت ضمنی ایالات متحدهٔ آمریکا، شکواییه‌ای را تقدیم سازمان ملل کرد و از شورای امنیت این سازمان خواست تا ضمن رسیدگی به آن، حقوق به حق ایران را ایفاد نماید. در پاسخ به درخواست ایران شورای امنیت موضوع را در دستورکار خود قرار داد و در نشست‌های متعدد و نیز با صدور قطعنامه‌هایی به پیگیری این امر تا خروج نهایی نیروهای شوروی پرداخت.[1]

دومین موردی که در طول تاریخ دیپلماسی ایران و تعامل آن با سازمان ملل جزو یکی از مهم‌ترین موارد به‌شمار می‌رود، مداخلهٔ سازمان ملل در منازعات سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ میلادی میان ایران و عراق بود. در تاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۷۴ شورای امنیت سازمان ملل تصمیم گرفت تا هیئتی ویژه به ایران و عراق بفرستد تا وضعیت میان دو کشور را بررسی کند و در عین حال از طرفین درخواست کرد تا نهایت خویشتنداری را از خود نشان دهند.

در این اثنا کورت والدهایم، دبیرکل وقت سازمان ملل، فرستادهٔ ویژهٔ خود را برای مذاکره با طرفین و تهیهٔ گزارشی جامع از اوضاع به منطقه فرستاد. به‌دنبال دریافت این

---

۱. برای اطلاع بیشتر از متن و لحن این قطعنامه‌ها به ضمیمه شماره ۸ در بخش ضمایم رجوع کنید.

گزارش بود که شورای امنیت در نشست ۱۷۷ خود در تاریخ ۲۸ مه ۱۹۷۴، قطعنامهٔ ۳۴۸ را که اولین قطعنامهٔ این شورا درخصوص اختلافات و منازعات میان ایران و عراق بود، به تصویب رساند.

قطعنامهٔ ۳۴۸ مشتمل بر چهار بند بود که در آن با استقبال از تمهیدات و اقداماتی که ایران و عراق برای حل اختلافات میان خود برگزیده‌اند، از طرفین خواسته شده بود تا ضمن رعایت آتش‌بس میان خود، از توسل به روش‌های خصمانه اجتناب ورزند. شورا همچنین از طرفین درخواست کرد تا به مذاکرات دو جانبه برای حل و فصل نهایی اختلافات میان خود ادامه دهند و از دبیرکل تقاضا کرد تا هرگونه مساعدت و کمکی را که می‌تواند به طرفین ارائه نماید.

بحران گروگانگیری و اشغال سفارت آمریکا در تهران از دیگر تحولاتی بود که پروندهٔ ایران را بار دیگر به سازمان ملل و شورای امنیت برد. در چهارم دسامبر ۱۹۷۹ شورای امنیت به درخواست آمریکا تشکیل جلسه داد و قطعنامهٔ ۴۵۷ خود را در محکومیت گروگانگیری صادر کرد. در این قطعنامه شورای امنیت از دولت ایران خواست تا در اسرع وقت موجبات آزادی گروگان‌ها را فراهم سازد. قطعنامه همچنین از دو دولت آمریکا و ایران خواست تا براساس اهداف و اصول سازمان ملل، گام‌های مقتضی را برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات موجود بردارند.

در ۱۳ دسامبر ۱۹۷۹ شورای امنیت بار دیگر برای رسیدگی به ادامهٔ بحران گروگان‌گیری تشکیل جلسه داد و با صدور قطعنامهٔ دوم خود در این خصوص ضمن محکوم کردن ادامهٔ بازداشت کارکنان سفارت آمریکا در تهران خواستار آزادی فوری گروگان‌ها شد.[۲۰]

مهم‌ترین و ماندگارترین فصل روابط میان ایران و سازمان ملل‌متحد بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ و در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق شکل گرفت. اولین واکنش شورای امنیت سازمان ملل‌متحد به تجاوز همه جانبهٔ عراق به ایران بسیار دیر و کمرنگ بود. برای حدود یک هفته شورای امنیت از تشکیل جلسه و صدور قطعنامه خودداری کرد تا اینکه بالاخره در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ و در جلسهٔ ۲۲۴۴ خود مبادرت به صدور قطعنامه‌ای بسیار

ضعیف نمود.[۱]

در قطعنامهٔ ۴۹۷ که اولین واکنش شورا نسبت به جنگ ایران و عراق بود، شورا وقوع جنگ را نه نوعی اشغال یا تجاوز که تنها "وضعیتی"[۲] میان ایران و عراق توصیف کرد و از دو کشور به‌طور یکسان خواست تا از توسل به زور بیشتر پرهیز کنند و به دنبال راه‌های مسالمت‌آمیز برای حل اختلافات میان خود باشند.[۲۱]

قطعنامهٔ ۴۹۷ همچنین از طرفین می‌خواست که تلاش‌ها و ابتکارات میانجی گرایانه را برای حل اختلافات خود بپذیرند، ضمن آنکه از اقدامات دبیرکل در این زمینه اعلام حمایت می‌کرد. در ۱۲ جولای ۱۹۸۲ شورای امنیت قطعنامهٔ شمارهٔ ۵۱۴ خود را درخصوص جنگ ایران و عراق صادر نمود. در این قطعنامه شورا ضمن ابراز نگرانی از طولانی شدن جنگ و با اشاره به قطعنامهٔ ۴۷۹، خواستار آتش‌بس فوری میان طرفین شد. شورا همچنین از دو کشور خواست نیروهای نظامی خود را به مرزهای شناخته شدهٔ بین‌المللی برگردانند. اقدام بعدی شورا درخصوص جنگ در ۴ اکتبر ۱۹۸۲ و در قالب صدور قطعنامهٔ شمارهٔ ۵۲۲ صورت گرفت. این قطعنامه نیز مطلب تازه‌ای برای گفتن نداشت و در آن شورا ضمن درخواست مجدد برای اجرای آتش‌بس میان طرفین بر حمایت از اقدامات میانجی‌گرایانه تأکید می‌کرد.

در ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ و با صدور قطعنامهٔ ۵۴۰، شورای امنیت ضمن ابراز نگرانی از تسرّی جنگ به مناطق غیرنظامی و غیرنظامیان، دیگر بار خواستار آتش‌بس میان طرفین شد و نقض حقوق بشر و کنوانسیون‌های ژنو و هدف قرار دادن غیرنظامیان را محکوم کرد. در این قطعنامه برای نخستین بار به تمایل شورا برای تحقیق درباب اسباب و دلایل جنگ اشاره شد، بدون آنکه به آغازگر جنگ یا محکومیت متجاوز اشاره‌ای شود.

در یکم ژوئن ۱۹۸۴ و به‌دنبال اوج گیری جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس، شورای

---

۱. آنتونی پارسونز، سفیر وقت بریتانیا در سازمان ملل متحد که از نزدیک در جریان تصمیمات شورا در این مقطع تاریخی بوده است، طی مصاحبه‌ای شخصی با نگارنده دلایل عملکرد این‌گونهٔ شورا را قضیه گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا در تهران، انزوای سیاسی ایران، و عملکرد قوی دستگاه دیپلماسی عراق می‌داند.

2. Situation

امنیت بار دیگر مسئله جنگ ایران و عراق را در دستورکار خود قرار داد و با صدور قطعنامهٔ ۵۵۲، ضمن محکوم کردن هدف قراردادن کشتی‌ها، خواستار توقف حمله به آنها و تضمین آزادی و امنیت تردد کشتی‌ها در آب‌های منطقه شد.

در ۲۸ فوریه ۱۹۸۶ و به‌دنبال به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق، شورای امنیت قطعنامهٔ ۵۸۲ خود را به تصویب رساند. در این قطعنامه، شورا ضمن ابراز تأسف از ادامهٔ جنگ و با یادآوری این نکته که ایران و عراق هر دو پروتکل ۱۹۲۵ ژنو درخصوص ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی را به امضا رسانده‌اند، از استفاده از این سلاح غیرانسانی در جنگ ابراز تأسف کرد، بدون آنکه به نام عراق اشاره کند یا آن را محکوم نماید.

در این قطعنامه بدون اشاره به طرف آغازگر جنگ یا محکومیت آن از اقداماتی که منجر به وقوع جنگ و نیز ادامهٔ آن شده بود، ابراز تأسف می‌شد. در اکتبر ۱۹۸۶ شورای امنیت قطعنامهٔ ۵۸۸ خود را در زمینه جنگ ایران و عراق به تصویب رساند و طی آن با تکرار حرف‌های پیشین خود خواستار قبول و اجرای قطعنامه‌های قبلی خود از سوی ایران و عراق شد. این قطعنامه همچنین از دبیرکل می‌خواست تا تلاش‌های خود برای اجرای قطعنامه‌های مذکور را افزایش دهد و تا ۳۰ نوامبر ۱۹۸۶ گزارش‌های جامعی را در این زمینه به شورا ارائه دهد. در ۲۰ جولای ۱۹۸۷ شورای امنیت مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین قطعنامهٔ خود درخصوص جنگ ایران و عراق را به تصویب رساند. نشست ۲۷۵۰ و صدور قطعنامهٔ ۵۹۸ از سوی شورای امنیت نقطهٔ عطفی در تعامل شورا با ایران و نیز در جنگ ایران و عراق به‌وجود آورد.

در این قطعنامه، شورا به‌جای استفاده از واژهٔ وضعیت از کلمهٔ منازعه[1] برای اشاره به جنگ ایران و عراق استفاده کرد. در بند اول قطعنامه، شورا از دو کشور می‌خواست که در اولین گام آتش‌بس فوری میان خود را رعایت کنند و بدون تأخیر همهٔ عملیات نظامی در آب، خاک و هوا را متوقف سازند و به مرزهای شناخته شدهٔ بین‌المللی بازگردند.

1. Conflict

در بندهای دیگر این قطعنامه، شورا ضمن درخواست تبادل اسرا از طرفین می‌خواست تا کمال همکاری را برای اجرای این قطعنامه و دستیابی به راه‌حلی عادلانه و مورد قبول هر دو کشور برای اختلافات خود با دبیرکل سازمان ملل به‌عمل آورند.

با این حال، مهم‌ترین بند قطعنامهٔ ۵۹۸ که آن را از سایر قطعنامه‌های شورای امنیت متمایز می‌ساخت، بند ششم آن بود. در واقع گنجاندن همین بند در قطعنامه بود که توانست بعدها موجبات رضایت ایران به پذیرفتن آن و تن دادن به آتش‌بس را فراهم آورد.

براساس این بند، شورا برای اولین بار از شخص دبیرکل می‌خواست تا ضمن رایزنی با دو کشور در زمینه مسئولیت آغاز منازعه تحقیق و تفحص کند و نتیجه را در اسرع وقت به شورا گزارش دهد.

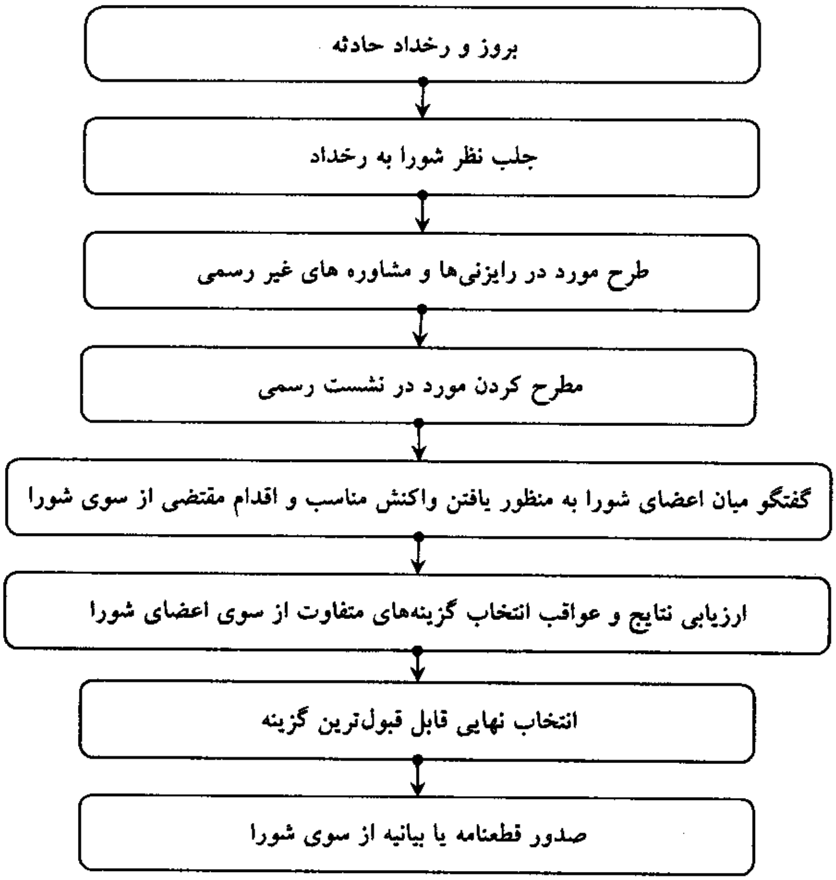
در ۹ می۱۹۸۸ و در قالب قطعنامهٔ ۶۱۲، شورای امنیت ضمن اعتراف به استفادهٔ وسیع از سلاح‌های شیمیایی در جنگ و البته بدون اشاره به نام کشور استفاده کننده، به شدت استفاده از این سلاح‌ها را محکوم و از طرفین درخواست کرد تا از استفاده از این سلاح‌ها خودداری کنند.

در ۲۰ جولای ۱۹۸۸ و به‌دنبال سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران از سوی آمریکایی‌ها بر فراز آب‌های خلیج فارس، شورا قطعنامهٔ ۶۱۶ خود را صادر کرد و طی آن ضمن اظهار تأسف از حادثهٔ مزبور، بار دیگر از ایران و عراق خواست تا قطعنامهٔ ۵۹۸ شورا را به مثابه چارچوب و پایه حل و فصل عادلانه و جامع اختلافات خود بپذیرند.

پس از پذیرفتن قطعنامهٔ ۵۹۸ از سوی ایران، شورای امنیت در تاریخ ۹ آگوست ۱۹۸۸ و طی نشست شمارهٔ ۲۸۲۴ خود تشکیل گروه ناظر آتش‌بس موسوم به یونیماگ(۱) را اعلام کرد و از دبیرکل خواست تا آخرین گزارش‌ها را در این خصوص به شورا ارائه دهد.[۲۲]

1. UNIMOG

نمودارسلسله مراحل اقدامات شورای امنیت از بدو بروز یک واقعه تا اتخاذ تصمیم



سهم پرداخت هزینه‌های سازمان ملل‌متحد از سوی اعضا[۱]

کشور	سهم به درصد
آرژانتین	۰/۵۷
استرالیا	۱/۵۱
بنگلادش	۰/۰۱
کانادا	۳/۱۱
برزیل	۱/۹۵
فرانسه	۶
آلمان	۸/۹۳
هندوستان	۰/۳۶
جمهوری اسلامی ایران	۰/۷۷
ایتالیا	۴/۲۹
ژاپن	۱۲/۴۵
مکزیک	۰/۸۸
هلند	۱/۵۰
روسیه	۶/۷۱
عربستان سعودی	۰/۹۶
اسپانیا	۱/۹۸
بریتانیا	۵/۰۲

۱. منبع:
Basic Facts about the United Nations (New York: UN Dept of Public Information, 1995)

پی‌نوشت‌ها

۱. ماده یکم از منشور
۲. ماده سوم
۳. شایان ذکر است که انگیزه اصلی آمریکا از ارائه و پیشنهاد قطعنامه فوق‌الذکر هموار کردن راه برای حضور نیروهای سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا در شبه جزیره کره و مشروعیت بخشیدن به جنگ آمریکا علیه کره شمالی بود.
۴. ماده هفدهم
۵. مواد یک و دو از آیین کار مجمع
۶. ماده هشتم
۷. مادهٔ سیزدهم
۸. مادهٔ بیست هشتم
۹. بند دوم از مادهٔ پنجاه و هشتم
۱۰. مادهٔ هشتاد و دوم
۱۱. مادهٔ بیست و چهارم از منشور
۱۲. ببینید:
General Assembly Resolution 1991(xvii),Dec.17.1963
13. BBC World Service, 10 March 2003.
14. L. Feurle, " Informal Consultation : A Mechanism in the Security Council Decision-Making" Journal of International Law and Politics, 1985, vol. 18, p. 267.
15. Ibid.
16. Qian. Wenrong,, "A Comparative Analysis of Proposals for Reforming the UN Security Council" , In Asia Pacific Security and the UN Security Council, (eds.), (Bradford: University of Bradford, 1995), p. 189.

17. Basic Fact about the United Nations (New York: The UN Dept. of Public Information, 1998), p.12

۱۸. برای مطالعه بیشتر در خصوص تمایل ژاپن برای کسب کرسی دایم در شورای امنیت رجوع کنید به:

John, Clammer, *In But Not of the World? Globalization and the End of the World History*, In: Demystifying Globalization , (ed), by Colin Hay and David Marsh, (London, Macmillan Press, 2000) p. 148.

۱۹. آسوشیتدپرس:چهارشنبه ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۴

۲۰. قطعنامه ۴۶۱ شورای امنیت

۲۱. برای مطالعهٔ دقیق متن و جمله بندی و عبارات و واژه‌های به‌کار گرفته شده به متن انگلیسی قطعنامه‌ها در بخش ضمایم رجوع کنید.

۲۲. در خصوص اهمیت قطعنامه ۵۹۸ و تاثیر آن بر ایران نگاه کنید به:

Anoushirvan , Ehteshami, *The Foreign Policy of Iran, In: The Foreign Policies of Middle East States,* ed. by: Raymond Hinnebusch and Anous hirvan Ehteshami, (London: Lynne Reinner 2002) p.299.

فصل پنجم:

آژانس‌های تخصصی و نهادهای بین‌المللی همکار سازمان ملل‌متحد

۱) یونیسف: UNICEF

صندوق کودکان ملل‌متحد[1] یکی از نهادهای وابسته به سازمان ملل‌متحد است که در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد. هدف اصلی از ایجاد این نهاد، حمایت همه جانبه از کودکان جهان و نیز تبلیغ و ترویج حقوق کودکان است. یونیسف همچنین پیگیری و اجرای معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی و نیز سازماندهی نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی مربوط به حقوق کودکان را انجام می‌دهد.

تعیین سیاستگذاری‌ها و نیز تصویب برنامه‌ها و هزینه‌های یونیسف برعهدهٔ یک هیئت اجرایی است که هر سه سال یک بار از سوی شورای اجتماعی و اقتصادی از بین کشورهای عضو سازمان ملل انتخاب می‌شود. این هیئت ۳۶ نفر عضو دارد که سالی یک‌بار تشکیل جلسه می‌دهند. مدیر اجرایی یونیسف از سوی دبیرکل سازمان ملل و ضمن مشورت با هیئت اجرایی انتخاب می‌شود.

یونیسف در ۱۳۸ کشور در زمینه‌های بهداشت، تغذیه، آموزش و پرورش، محیط زیست، امدادهای اضطراری و توانبخشی و نیز مراقبت‌های بهداشتی و مامایی فعالیت می‌کند. یونیسف از سوی ۳۶ کمیته ملی پشتیبانی می‌شود و بیش از ۱۸۰ سازمان غیر دولتی با آن همکاری دارند. در سال ۱۹۶۵ و به پاس خدمات این نهاد به کودکان جهان، جایزهٔ صلح نوبل به یونیسف اهدا شد.

---

1. United Nations Children's Fund

نیل به مقاصد زیر از اهداف اساسی یونیسف در پایان قرن بیستم به‌شمار می‌رفت و هنوز هم کماکان در دستورکار این سازمان قرار دارد:

- افزایش مصونیت کودکان تا ۸۰ درصد یا بیشتر در برابر بیماری‌های دیفتری، سرخک، فلج اطفال، کزاز، سل و سیاه سرفه در همهٔ کشورهای جهان
- از میان برداشتن عملی کمبود ویتامین آ برای کودکان
- ترویج و تبلیغ استفاده از شیر مادر به عنوان بهترین راه تغذیهٔ کودکان

میانگین هزینه‌های سالانه یونیسف در دههٔ گذشته حدود ۹۵۰ میلیون دلار برآورد شده است.

۲) انکتاد: UNCTAD

کنفرانس تجارت و توسعهٔ ملل‌متحد[1] یا انکتاد در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد. هدف اصلی از تأسیس این نهاد، تسهیل امر تجارت و نیز توسعهٔ اقتصادی در کشورهای جهان به‌ویژه در کشورهای جهان سوم بود. انکتاد هر چهار سال یک بار در سطح وزیران تشکیل جلسه می‌دهد و در این نشست رهنمودهای عمده و خط مشی‌های کلی آن مشخص می‌شود.

۱۳۱ عضو رکن اجرایی آنکتاد و هیئت تجارت و توسعه، سالی دوبار در فاصله میان کنفرانس‌ها تشکیل جلسه می‌دهند و گزارش خود را از طریق شورای اجتماعی و اقتصادی در اختیار مجمع عمومی می‌گذارند. مقر اصلی انکتاد در شهر ژنو سوئیس است. این نهاد حدود ۴۸۰ کارمند دارد و دبیرخانهٔ آن از سوی یک مدیرکل سرپرستی می‌شود که دبیرکل سازمان ملل او را منصوب می‌کند. بودجهٔ عملیاتی سالانهٔ آنکتاد حدود ۵۵ میلیون دلار است که از طریق بودجهٔ عادی سازمان ملل‌متحد تأمین می‌شود.

موارد زیر در زمرهٔ حوزه فعالیت‌های آنکتاد به‌شمار می‌روند:

- اجرای عملی "مشارکت نوین بین‌المللی برای توسعه" با هدف مشارکت بیشتر کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی

---

1. United Nations Conference on Trade and Development

- تقویت وابستگی وهمکاری اقتصادی میان کشورها و کاهش نبود توازن اقتصادی در جهان
- انتقال تجربیات وصول به توسعه در سطوح کشورهای مختلف
- ارتقای توسعهٔ پایدار

۳) برنامهٔ توسعه ملل‌متحد: UNDP

برنامهٔ توسعه ملل‌متحد[1] در سال ۱۹۶۰ پایه گذاری شد. این برنامه بزرگترین منبع چند جانبه کمک فنی برای توسعه انسانی پایدار به‌شمار می‌رود و همچنین سازمان مرکزی هماهنگ کننده فعالیت‌های توسعه ملل در سراسر جهان نیز محسوب می‌شود. هیئت اجرایی برنامه ملل‌متحد، مهم‌ترین ارگان این تشکیلات است که از نمایندگان ۳۶ کشور تشکیل می‌شود و وظیفه تعیین خط مشی‌های اساسی آن را بر عهده دارد. مدیر برنامه توسعه ملل‌متحد از سوی دبیرکل سازمان ملل و برای دوره‌ای چهار ساله منصوب می‌شود.

برنامه توسعه ملل‌متحد ۱۲ دفتر در کشورهای در حال توسعه دارد که مسئولان این دفاتر از سوی دبیرکل و به عنوان هماهنگ کننده مقیم منصوب می‌شوند. برنامه توسعه ملل‌متحد با همکاری گسترده سازمان‌های غیردولتیِ حدود ۱۷۵ کشور در حوزه‌های مختلف مشغول فعالیت است که بخش عمده‌ای از این فعالیت‌ها در کشورهای در حال توسعه و حول محور توسعه انسانی پایدار صورت می‌گیرد.

جلب نظر و مشارکت تودهٔ مردم در توسعه، مدیریت منابع محیط زیست، توسعهٔ مدیریت، ارتقای همگانی توسعه فنی میان کشورهای در حال توسعه، ارتقای نقش زنان در توسعه و نیز تاکید بر انتقال و سازگاری فناوری با شرایط بومی و اقلیمی کشورهای در حال توسعه از مهم‌ترین حوزه فعالیت‌ها و دغدغه‌های این نهاد است.

بودجهٔ برنامهٔ توسعه ملل‌متحد به‌طور متوسط ۱/۳ میلیارد دلار در سال است که از کمک‌های داوطلبانه و سالانهٔ همهٔ کشورهای عضو تأمین می‌شود.

---

1. United Nations Development Program

۴) کمیساریای عالی پناهندگان ملل‌متحد: UNHCR

کمیساریای عالی پناهندگان ملل‌متحد[1] از پست‌هایی است که در سال ۱۹۵۰از سوی مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد تأسیس شد. فراهم ساختن حمایت‌های بین‌المللی برای پناهندگان و یافتن راه حل‌های دراز مدت برای آنها، دو وظیفهٔ بنیادی کمیساریا تعریف شده است. کمیساریای عالی از سوی شخص دبیرکل سازمان ملل‌متحد منصوب می‌شود و مجری سیاست‌ها و خط مشی‌هایی است که مجمع عمومی و شورای اجتماعی و اقتصادی به آن ابلاغ می‌کند.

کمیته‌ای اجرایی متشکل از ۲۶ دولت به کمیساریای عالی در انجام وظیفه‌اش یاری می‌رساند. کمیساریای عالی دارای ۱۹۲ دفتر نمایندگی در ۱۱۳ کشور جهان است و حدود ۲۷۵۰ نفر کارمند دارد. علاوه بر این، بیش از ۲۴۰ سازمان غیر دولتی به عنوان همکار عملیاتی با کمیساریای عالی پناهندگان ملل‌متحد مشغول تعامل و همکاری هستند. میانگین هزینه‌های سالانه برنامه‌های امدادرسانی کمیساریا در دهۀ ۹۰ حدود ۱/۲ میلیارد دلار بوده است. مقر اصلی کمیساریای عالی پناهندگان در شهر ژنو سوئیس قرار دارد.

مهم‌ترین برنامه‌ها و محورهای فعالیت کمیساریای عالی عبارتند از:

- ارتقای سلامت پناهندگان و تضمین باز نگرداندن آنها از روی اجبار به کشوری که در صورت بازگشت مجازاتی در انتظار آنها باشد.
- ارائهٔ کمک‌های فوری به پناهندگان از طریق تأمین نیازهای اولیه نظیر غذا، سرپناه و کمک‌های پزشکی
- حصول اطمینان از اینکه بازگشت پناهندگان به صورت داوطلبانه صورت می‌گیرد و نیز اینکه ایشان پس از ورود به کشورشان از حداقل میزان کمک‌های اولیه برخوردار خواهند بود.
- کمک به ایجاد وحدت و انسجام ملی برای مساعدت به پناهندگان و تبعیدیان
- اسکان مجدد از طریق مهاجرت برای گروه‌های مهاجر آسیب‌پذیر

---

1. United Nations High Commission on Refugees

۵) سازمان جهانی کار: ILO

سازمان جهانی کار[1] یکی از قدیمی‌ترین نهادهای بین‌المللی است که سابقه تأسیس آن به قبل از بنیانگذاری سازمان ملل‌متحد برمی‌گردد. این سازمان در سال ۱۹۱۹ و با هدف پیشبرد آرمان عدالت اجتماعی در جوامع انسانی تأسیس شد.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این سازمان، شرکت و حضور دوش به دوش و یکسان نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت‌ها در بخش‌های مختلف آن است. سازمان جهانی کار سه بخش مهم به شرح زیر دارد:

۱) **کنفرانس جهانی:** این کنفرانس همه ساله در اجلاس ماه ژوئن خود نمایندگان دولت‌ها، کارفرمایان و کارگران را گرد هم می‌آورد. ازجمله ماموریت‌های این کنفرانس تعیین هیئت مدیره سازمان، تصویب بودجه و نیز تعیین استانداردهای جهانی کار است. این کنفرانس هر ساله فرصتی را برای تبادل نظر در زمینه مسائل کارگری و اجتماعی فراهم می‌آورد.

۲) **هیئت مدیره:** این هیئت از ۲۸ نفر نمایندگان دولت‌های عضو، به همراه ۲۸ نفر نمایندگان کارگران و کارفرمایان به‌طور مساوی تشکیل شده است. ده کشور مهم صنعتی جهان، عضویت دایمی در این هیئت دارند. هیئت مدیره سالی دو بار به منظور هدایت عملیات، تهیه برنامه‌ها و بررسی موارد نقض مقررات سازمان جهانی کار تشکیل جلسه می‌دهد.

۳) **دفتر بین‌المللی کار:** این دفتر که در حقیقت دبیرخانهٔ دایمی سازمان جهانی کار محسوب می‌شود، زیر نظر یک مدیرکل که از سوی هیئت مدیره انتخاب می‌شود، اداره می‌گردد.

سازمان جهانی کار دارای ۱۷۱ کشور عضو است و ۱۹۰۰ کارمند آن از اتباع ۱۱۰ کشور جهان برگزیده شده‌اند. مؤسسهٔ اطلاعات کارگری و مرکز آموزش بین‌المللی در تورین ایتالیا که نهادی آموزشی است، زیر نظر سازمان جهانی کار فعالیت می‌کند.

---

1. International Labor Organization

افزایش اشتغال، تضمین حقوق اولیهٔ انسانی، بهبود شرایط کار، تضمین امنیت اجتماعی، و بهداشت و ایمنی کارگران در زمرهٔ مهم‌ترین اهداف سازمان جهانی کار است. این سازمان مواردی نظیر مقررات جهانی کار، دفاع از حقوق بشر، برابری زن و مرد و تعدیل‌های ساختاری را در زمرهٔ مهم‌ترین محورهای فعالیت‌های خود در آینده قرار داده است.

به پاس تلاش‌ها و دستاوردهای این سازمان، جایزهٔ صلح نوبل در سال ۱۹۶۹ به این سازمان اهدا شد. بودجهٔ سالانه سازمان جهانی کار در دههٔ ۹۰ به‌طور متوسط حدود ۲۳۵ میلیون دلار بوده است.

۶) سازمان خواروبار و کشاورزی ملل‌متحد: FAO

سازمان خواروبار و کشاورزی ملل‌متحد[1] یکی دیگر از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل است که در سال ۱۹۴۵ و طی نشستی در کبک کانادا تأسیس شد. قبل از آن کنفرانسی متشکل از ۴۴ کشور جهان در ویرجینیای آمریکا چهارچوب کلی تأسیس چنین سازمانی را مورد بحث قرار داده بود. این سازمان یکی از بزرگترین نهادهای سازمان ملل‌متحد به‌شمار می‌رود که با هدف بالا بردن سطح تغذیه و استانداردهای زندگی، بهبود تولیدات کشاورزی و بهتر ساختن شرایط زندگی روستاییان در سراسر جهان بنیان نهاده شده است.

سیاستگذاری‌های کلان برای این سازمان از سوی شورایی از کشورهای عضو که در حقیقت حکم هیئت رئیسهٔ این کارگزاری را دارد، صورت می‌گیرد. شورای مزبور هر دو سال یک بار تشکیل می‌شود و مواردی ازجمله بازنگری کارهای انجام شده، تصویب برنامه‌ها و نیز تهیه، تنظیم و تصویب بودجهٔ دوسالانهٔ آن را در دستورکار خود دارد.

اعضای شورای خواروبار و کشاورزی ملل‌متحد را ۱۶۱ کشور، یک عضو پیوسته و سازمانی متشکل از جامعهٔ اقتصادی اروپا تشکیل می‌دهند. کنفرانس کشورهای عضو شورایی ۴۲ نفره را برای دوره‌ای دو ساله برای ادارهٔ امور سازمان انتخاب می‌کنند. متوسط بودجهٔ دوسالانه سازمان در دههٔ ۹۰ حدود ۶۷۳ میلیون دلار بوده است.در سال 1951 مقر

---

1. United Nations Food and Agriculture Organization

اصلی فائو از واشنگتن به رم در ایتالیا منتقل گردید.

موارد زیر در زمرهٔ مهم‌ترین اهداف و حوزه‌های فعالیت سازمان خواروبار جهانی به‌شمار می‌روند:

- کمک به کشورهای در حال توسعه برای بهبود محصول دهی کشاورزی از طریق ارائهٔ بذرهای پر محصول، کشت بهینه، حفاظت خاک و مدیریت بهتر منابع آب
- اقدامات جهانی برای حفظ محصولات کشاورزی و کاهش تلفات در فرآیندهای پس از برداشت
- کاهش اتکا به سموم دفع آفات
- استفادهٔ دائم و همیشگی از منابع ژنتیکی گیاهان و حیوانات
- توسعهٔ همه جانبه و تکثیر صید ماهی به ویژه طرح‌های پرورش انواع آن
- ترویج بهره‌گیری بهینه و دایمی از منابع جنگلی
- ارائهٔ برنامه‌های مناسب درخصوص نحوهٔ حفظ مواد غذایی و تغذیه به ویژه برای زنان، کودکان و کهنسالان
- کمک به دولت‌ها در تهیه و تنظیم برنامه‌های غذا و کشاورزی

۷) یونسکو: UNESCO

یونسکو یا سازمان آموزشی، علمی، و فرهنگی ملل‌متحد[1] بدون شک یکی از مشهورترین، مهم‌ترین، فعال‌ترین و کارآمدترین نهادهای وابسته به سازمان ملل‌متحد است. این سازمان در سال ۱۹۴۹ و به منظور ایجاد صلح پایدار از طریق همبستگی فکری و معنوی ابنای بشر بنیان نهاده شد. آموزش و پرورش، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی و نیز فرهنگ و ارتباطات از قلمروهای فعالیت این نهاد بین‌المللی به شمار می‌رود. به جرأت می‌توان گفت که جایگاه و نقش یونسکو در حوزه تعاملات فرهنگی در ساختار سازمان ملل دارای همان اهمیت و ابعاد نقش نهادهایی چون شورای امنیت یا مجمع عمومی در حوزه‌های سیاسی و

1. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization

امنیتی است.

در حقیقت از آنجا که رسیدن به نوعی تفاهم و هم اندیشی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی در بسیاری از موارد سهل‌تر و مطلوب‌تر از دستیابی به تفاهم در حوزه‌های سیاسی و نظامی است، از این‌رو نهادی همچون یونسکو در مقایسه با دو ارگان مذکور با موانع کمتری در رسیدن به اهداف و اجرای مأموریت‌هایش روبه‌رو بوده است.

مهم‌ترین و فراگیرترین نهاد سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در سازمان یونسکو، کنفرانس عمومی است که از نمایندگان ۱۸۴ کشور تشکیل می‌شود و هر دو سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. در این اجلاس خط مشی‌های کلی و برنامه ریزی‌های کلان، و نیز مسائل مربوط به بودجه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از دیگر مأموریت‌های این کنفرانس تعیین هیئت اجرایی و نیز انتخاب مدیرکل یونسکو برای دوره‌ای شش ساله است. هیئت اجرایی یونسکو که از نمایندگان ۵۱ کشور تشکیل می‌شود، در فاصلهٔ تشکیل کنفرانس‌های عمومی آن دو بار در سال تشکیل جلسه می‌دهد. برنامه‌های مصوب یونسکو از سوی دبیرخانه و زیرنظر شخص مدیرکل یونسکو به اجرا در می‌آیند.

مهم‌ترین اهداف، برنامه‌ها و محورهای فعالیت‌های یونسکو به قرار زیر است:

- آموزش و پرورش برای همه
- پیشبرد پژوهش‌های زیست محیطی از طریق برنامه‌های علمی جهانی
- حفظ و تقویت میراث طبیعی جهان
- پیشبرد جریان آزاد اطلاعات، آزادی مطبوعات و توسعهٔ رسانه‌های کثرت‌گرا
- تقویت امکانات و ظرفیت‌های ارتباطی کشورهای در حال توسعه
- حفظ و حمایت میراث فرهنگی جهان و نگهداری بهینه و معرفی آثار منحصربه‌فرد تاریخی و هنری در سراسر جهان

یکی از ویژگی‌ها و مشخصه‌های بارز سازمان یونسکو شبکه گستردهٔ آن در سطح جهان است که از طریق کمیسیون‌های ملی یونسکو، انجمن‌های یونسکو و نیز مراکز و کانون‌های یونسکو در سراسر جهان به هم پیوند داده شده‌اند. یونسکو همچنین با بیش از ۶۰۰ سازمان و بنیاد غیر دولتی و نیز با مجموعهٔ متنوعی از سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای همکاری

مستمر دارد. مقر دایمی یونسکو شهر پاریس در فرانسه است. بودجهٔ یونسکو در طول دههٔ نود به‌طور میانگین ۴۵۵ میلیون دلار برای هر دو سال بوده است.

۸) ایکائو: ICAO

سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری[1] یکی از مهم‌ترین سازمان‌های فنی و تخصصی بین‌المللی است. ایکائو در سال ۱۹۴۴ و با هدف فراهم ساختن زمینه برای افزایش امنیت پراوز هواپیماها ونیز توسعه و تنظیم امور هواپیمایی غیر نظامی تأسیس شد.

این سازمان به‌عنوان آژانسی در امر هواپیمایی کشوری است که مأموریت تهیه و تنظیم استانداردها و مقررات مورد نیاز امنیت پروازها را برعهده داشته و توانسته است در طول دهه‌های گذشته کارآیی، انضباط حمل و نقل هوایی، و ضریب امنیت پروازی را به نحو چشمگیری افزایش دهد.

ایکائو دارای ۱۸۳ عضو در سراسر جهان است و به عنوان رابط برای هماهنگی همه‌جانبه پروازها میان کشورهای عضو عمل می‌کند. بالاترین نهاد تصمیم‌گیری در ایکائو مجمع عمومی آن است که با شرکت همهٔ اعضای سازمان تشکیل می‌شود. این مجمع، حداقل هر سه سال یک‌بار برای بررسی امور محول شده تشکیل جلسه می‌دهد. شورای ایکائو نهاد اجرایی و اداره‌کنندهٔ آن است و ۳۳ عضو دارد که برای دوره‌ای سه ساله از سوی مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. شورای ایکائو هفت ادارهٔ منطقه‌ای در بانکوک، قاهره، داکار، لیما، مکزیکو سیتی، نایروبی و پاریس دارد. مقر دایمی ایکائو در مونترال کاناداست و بودجهٔ متوسط سالانه آن در دههٔ ۹۰ قریب به ۴۸ میلیون دلار بوده است.

مهم‌ترین محورهای فعالیت و اقدامات ایکائو عبارت است از:

- توسعه، تصویب و اصلاح استانداردهای بین‌المللی در تمامی زمینه‌های مرتبط با عملیات و تجهیزات پروازی و نیز لوازم و خدمات متعددی که برای پروازها مورد نیاز است.

1. International Civil Aviation Organization

- تهیهٔ طرح‌های پروازی منطقه‌ای با همکاری کشورهای منطقه
- تهیهٔ استانداردهای ایمنی پرواز کشورها با کمک کارشناسان آنها
- تسهیل مقررات گمرکی و امور مربوط به مهاجرت و تشریفات عمومی
- تهیهٔ پیش نویس قوانین و پیمان‌های بین‌المللی پروازی

۹) گروه بانک جهانی: WBG

گروه بانک جهانی[1] در زمرهٔ مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهای بین‌المللی در حوزهٔ مسائل اقتصادی، مالی و پولی است. این نهاد در سال ۱۹۴۴ طی نشست‌ها و توافقات برتون وودز[2] در ایالات متحده و با هدف کمک به بهبود شرایط اقتصاد جهانی پس از جنگ جهانی دوم و نیز افزایش رشد اقتصادی پایدار و کاهش فقر کشورهای در حال توسعه پایه‌گذاری شد. گروه بانک جهانی شامل بانک بین‌المللی توسعه و بازسازی، انجمن توسعه بین‌المللی، اتحادیهٔ مالی بین‌المللی و آژانس چند جانبه تضمین سرمایه گذاری است که همگی در راستای اهداف بانک جهانی فعالیت می‌کنند.

بانک جهانی ۱۷۵ عضو دارد و عملیات آن از سوی یک هیئت رئیسه هدایت می‌شود. تمامی اعضای مؤسس بانک جهانی، دارای یک کرسی نمایندگی در سطح وزیر در هیئت رئیسه هستند. هیئت رئیسه اختیارات خود را به گروه کوچک‌تری که شورای مدیران اجرایی نامیده می‌شود، تفویض کرده است. این شورا مسئولیت تصمیم‌گیری در زمینهٔ اجرای سیاست‌های عملیاتی بانک جهانی و تصویب وام‌های آن را برعهده دارد. این شورا همچنین عهده‌دار وظیفهٔ انتخاب رئیس بانک جهانی است. مدیریت و عملیات روزمره بانک جهانی از سوی حدود ۷۲۰۰ کارمند آن که تابعیت ۱۳۰ کشور جهان را دارا هستند، انجام می‌پذیرد. مقر اصلی بانک در آمریکا در شهر واشنگتن است.

در دههٔ ۶۰ میلادی میزان وام‌های اهدایی سالانه بانک کمتر از یک میلیارد دلار بود که

---

1. World Bank Group
2. Bretton Woods

در دههٔ ۸۰ این رقم به بیش از ۱۲ میلیارد دلار رسید. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با هم رابطهٔ نزدیک و نهادینه و در عین حال شرح وظایف جداگانه و متفاوتی دارند. صندوق بین‌المللی پول عهده‌دار اعطای وام‌های کوتاه مدت و کمک به کشورها برای رهایی از بحران در موازنه پرداخت‌های خود است، درحالی که بانک جهانی سیاست‌های کلان‌تر و وام‌های دراز مدت را در دستورکار خود دارد. بانک جهانی شروط ویژه و سختگیرانه‌ای را برای تخصیص وام‌های خود در نظر می‌گیرد و در تمامی مراحل در امر تخصیص و مصرف آنها نظارت جدی دارد. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در سال ۲۰۰۵، یک و نیم بیلیون دلار در راستای کمک به بازپرداخت وام به کشور بروندی، بیست و پنج میلیون دلار برای اجرای طرح‌های تامین آب و ترویج بهداشت عمومی به کشور مکزیک، و نیز مبلغ دویست میلیون دلار برای انجام طرح‌های برق‌رسانی به ویتنام کمک کرده‌اند.[۱]

بنابر اساسنامهٔ بانک جهانی، این بانک برای موارد و مقاصد زیر به کشورهای در حال توسعه وام اعطا می‌کند:

- کمک به کاهش فقر و سرمایه‌گذاری برای رشد اقتصادی
- توسعهٔ راه ها
- تأسیس کارخانه‌های تولید انرژی
- تأسیس مدارس و شبکهٔ آبیاری
- حفظ محیط زیست و خدمات توسعهٔ کشاورزی
- آموزش معلمان
- بهبود تغذیهٔ کودکان و زنان باردار

۱۰) صندوق بین‌المللی پول: IMF

صندوق بین‌المللی پول[1] از دیگر آژانس‌های تخصصی بین‌المللی است که کارکردی مالی

1. International Monetary Fund

و اقتصادی دارد. این نهاد در سال ۱۹۴۵ و به منظور تسهیل همکاری پولی بین کشورهای عضو بنیان نهاده شد. صندوق بین‌المللی پول در حقیقت به مثابه محلی دایمی برای مشورت‌های مالی، کمک در زمینهٔ طراحی خط مشی‌های اساسی اقتصادی، ارائهٔ کمک‌های فنی و آموزشی و بالاخره ارائهٔ کمک‌های مالی به کشورهای واجد صلاحیت عمل می‌کند. صندوق بین‌المللی پول، ۱۷۸ عضو دارد و مقر آن در شهر واشنگتن آمریکا است. بالغ بر ۲۶۰۰ کارمند از ۱۱۶ کشور جهان کادر اداری صندوق را تشکیل می‌دهند.

وظیفهٔ سیاستگذاری‌های عملیاتی و مدیریت مسائل جاری صندوق بر عهدهٔ هیئتی اجرایی متشکل از نمایندگان ۲۴ کشور جهان است. این شورا یک نفر را به عنوان ریاست هیئت اجرایی و مدیرکل صندوق انتخاب می‌کند. منابع مالی صندوق به‌طور عمده از سهم و توافقی که از سوی کشورهای عضو پرداخت می‌شود، تأمین می‌گردد. این منابع بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

سهمیه‌ای که کشورها برای پیوستن به این صندوق می‌پردازند، براساس فرمولی تعیین می‌شود که با وضعیت اقتصادی آنها مرتبط است. صندوق مجاز است برای تأمین و تکمیل منابع مالی خود از قرض دهندگان رسمی وام دریافت کند. صندوق همچنین این اختیار را دارد که برای اعضای خود ذخیرهٔ مالی بین‌المللی به صورت حق برداشت مخصوص اختصاص دهد.

عمده‌ترین نقش صندوق بین‌المللی پول فراهم کردن اعتبارات موقت برای آن دسته از اعضایی است که با مشکل توازن پرداخت‌ها روبه‌رو هستند. میزان وامی را که اعضا می‌توانند دریافت کنند، متناسب با سهم مشارکت آنهاست. کشورهایی که برای چند سال پیاپی برای برنامه‌های اصلاح اقتصادی خود پشتیبانی‌های مالی دریافت می‌کنند، می‌توانند تا چهار یا پنج برابر سهم مشارکت خود از صندوق وام دریافت کنند.[۲]

۱۱) سازمان تجارت جهانی: WTO

سازمان تجارت جهانی[۱] از مهم‌ترین و مطرح‌ترین سازمان‌های بین‌المللی با ماهیتی اقتصادی است که در دهۀ اخیر به شکل فزاینده و چشمگیری در صحنۀ تحولات اقتصاد جهانی ایفای نقش کرده است. سازمان تجارت جهانی در اول ژانویۀ ۱۹۹۵ و به عنوان نهادی بین‌المللی با هدف نظارت بر تجارت جهانی تأسیس و جایگزین سلف خود یعنی گات شد.

گات یا توافق نامۀ عمومی تعرفه و تجارت [۲] در سال ۱۹۴۷ و با عضویت ۲۳ کشور موجودیت یافت. هدف عمدۀ گات، تسهیل تجارت میان اعضا و برداشتن موانع موجود برسر راه تجارت بین‌المللی بود. سازمان تجارت جهانی در ادامۀ فعالیت‌های گات و با هدف نهادینه ساختن دستاوردهای گات و تبدیل آن از یک پیمان و موافقتنامه به سازمانی پایدار و نهادی فراگیر در صحنۀ اقتصاد جهانی پایه گذاری شد.[۳]

موارد زیر از اهداف اساسی سازمان تجارت جهانی است:

- فراهم ساختن شرایط مساعد برای شکل گیری تجارت جهانی در چهارچوبی نظام‌مند و براساس قواعد موضوعه
- حل و فصل منازعات و اختلافات تجاری میان دولت ها
- سازماندهی مذاکرات تجاری میان شرکای مختلف

کارشناسان سازمان تجارت جهانی بر این باورند که این سازمان و سیاست‌ها و راهبردهای اتخاذ شده از سوی آن می‌تواند به چهار شکل زیر تجارت جهانی را تحت تأثیر قرار دهد:

- دستیابی به تجارتی آزادتر
- نیل به تجارتی قابل پیش‌بینی‌تر
- تجارتی مبتنی بر تخصیص بهتر منابع

1. World Trade Organization
2. General Agreement on Tariffs and Trade (GAT)

• گسترش، ارتقا و بهبود کیفی و کمّی تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی در قالب هیئت‌ها و کمیته‌های گوناگون، توافقنامه‌های متعددی را که طی مذاکرات تجاری اروگوئه مفاد نهایی آن تهیه شد و در سال ۱۹۹۴ در مراکش به تصویب رسید، اجرا می‌کند. این سازمان به عنوان یک ناظر بر مناسبات تجارت جهانی نظارت دارد و به‌طور منظم قواعد و مقررات تجارت خارجی میان کشورهای عضو را بررسی می‌کند.

اختلافات تجاری میان اعضا، چنانچه از طریق مذاکرات دو جانبه حل و فصل نشود، می‌تواند به دادگاه حل و فصل اختلافات تجاری سازمان تجارت جهانی ارجاع گردد. پیگیری اجرای ضوابط تجارت بین‌المللی مصوب گات، ازجمله اصل نبود تبعیض بین طرف‌های تجاری و داشتن رفتار یکسان برای محصولات داخلی و وارداتی در بازار داخلی از جملهٔ این موارد است. یکی از چالش‌های پیش روی سازمان تجارت جهانی ناخرسندی بخش قابل توجهی از کشورهای جهان از ضوابط سازمان درخصوص کاهش سیاست‌های حمایتی دولت‌ها در زمینهٔ واردات محصولات کشاورزی، منسوجات و برخی محصولات دیگر و درنهایت از میان برداشتن این سیاست‌های حمایتی است.

کنفرانس وزرای سازمان هر دو سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. با وجود این، ادارهٔ امور سازمان تجارت جهانی بر عهده ارکان فرعی کوچک‌تر است که شورای عمومی مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. شورای عمومی نیز مسئولیت‌ها و وظایفی را به سه رکن عمدهٔ دیگر که شوراهایی تخصصی و کوچک‌تر هستند احالهٔ کرده است. این سه رکن عبارتند از:

• شورای تجارت کالا
• شورای تجارت خدمات
• شورای تجارت مالکیت معنوی

سازمان تجارت جهانی در حال حاضر ۱۴۷ عضو دارد. این سازمان همچنین حدود ۶۰۰ نفر کارمند دارد و مقر آن در شهر ژنو سوئیس است.[۴]

۱۲) اتحادیهٔ جهانی پست: UPU

اتحادیهٔ جهانی پست[1] یکی از کهن‌ترین و با سابقه‌ترین سازمان‌های بین‌المللی است که سابقه تأسیس آن به قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد. این اتحادیه در سال ۱۸۷۴ از سوی نمایندگان ۲۲ کشور که برای شرکت در اولین کنگرهٔ پستی جهان در برن سوئیس گرد هم جمع شده بودند، تأسیس گردید. مقر اصلی این اتحادیه کماکان در برن سوئیس است و هم‌اکنون ۱۸۸ عضو دارد.

اتحادیهٔ جهانی پست ازجمله مصادیق بارزی است که نقش کاربردی سازمان‌های بین‌المللی در عرصهٔ نظام بین‌الملل را نشان می‌دهد. ارکان اصلی اتحادیهٔ جهانی پست عبارتند از: کنگرهٔ جهانی پست، هیئت اجرایی، شورای مشورتی مطالعات پستی و دفتر بین‌المللی. کنگرهٔ جهانی پست هر پنج سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و مدیرکل اتحادیهٔ جهانی پست و جانشین وی را تعیین می‌کند.

هیئت اجرایی متشکل از نمایندگان ۴۰ کشور است که از سوی کنگرهٔ جهانی براساس تقسیمات جغرافیایی انتخاب می‌شوند. شورای مشورتی ۳۵ عضو دارد و در طول سال با تشکیل جلسات خود مسائل عمدهٔ فنی و اقتصادی مرتبط با امور پستی را مورد مطالعه قرار می‌دهد و مشکلات آموزشی و اجرایی مربوط به پست درکشورهای جهان را بررسی می‌کند. دفتر بین‌المللی، مأموریت اجرای امور مربوط به هماهنگی در زمینهٔ خدمات بین‌المللی پست را برعهده دارد و اطلاعات مورد نیاز را چاپ و منتشر می‌کند. اتحادیهٔ جهانی پست با مشارکت برنامهٔ توسعه ملل‌متحد مبادرت به انجام طرح‌هایی در زمینهٔ نوسازی خدمات پستی در کشورهای مورد نظر می‌کند.

موارد زیر در زمره حوزه‌هایی است که اتحادیهٔ جهانی پست در آنها به کشورهای عضو مساعدت می‌کند:

- تسریع و تسهیل در داد و ستد مراسلات پستی
- توسعهٔ ادارات پست

1. Universal Postal Union

- توسعهٔ پست هوایی برای خدمات بین‌المللی بسته‌های پستی
- افزایش جابجایی هوایی در همهٔ گروه‌های مراسلاتی
- ارائهٔ خدمات پستی نظیر واریز کردن صورتحساب‌ها

اتحادیه، همچنین از طریق اعزام و در اختیار قرار دادن کارشناس و ارائهٔ کمک در امور فنی و تجهیزات و نیز ارسال مواد آموزشی و کمک آموزشی، بـه کـشورهای عـضو کمـک می‌کند. اختصاص بورس‌هـای آموزشـی و نیـز فـراهم کـردن زمینـه مـساعد بـرای مبادلـهٔ کارشناس، اطلاعات، اسناد و تجارب میان اعضا از دیگر حوزه‌های فعالیت اتحادیهٔ جهـانی پست به‌شمار می‌رود.

۱۳) سازمان توسعهٔ صنعتی ملل‌متحد: UNIDO

سازمان توسعهٔ صنعتی ملل‌متحد، یونیدو[1]، یکی از آژانس‌های تخصصی وابسته به سـازمان ملل است که در سال ۱۹۶۷ تأسیس شد. هدف اصلی از تأسیس این سازمان، ارائهٔ الگوهای لازم به منظور تـسریع فراینـد صـنعتی شـدن در کـشورهای درحـال توسـعه و نیـز ایجـاد هماهنگی لازم میان تشکیلات سازمان ملل بسوی نیل به هدف مذکور است.

رکن اصلی یونیدو، کنفرانس عمومی آن است که نمایندگان همـه کـشورهای عـضو را شامل می‌شود و هر دوسال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. کنفرانس عمومی شورایی به نـام شورای توسعهٔ صنعتی را با ۵۳ عضو انتخاب می‌کند. این شورا حداقل سالی یک بار بـرای بررسی عملکرد یونیدو تشکیل جلسه می‌دهد. کنفـرانس عمـومی همچنـین کمیتـه‌ای را بـا عضویت ۲۷ کشور انتخاب می‌کند تا به شورا در اموری از قبیل تهیه و تنظیم بودجه و سایر امور مالی کمک و مساعدت نمایـد. مـدیرکل یونیـدو براسـاس توصـیهٔ شـورا و از سـوی کنفرانس عمومی انتخاب می‌شود.

موارد زیر در زمرهٔ عمده‌ترین برنامه‌های یونیدو به‌شمار می‌روند:

- کمک به کشورهای در حال توسعه برای ایجاد و هدایت صنعت خود با بهره‌گیری از

1. United Nations Industrial Development Organization

منابع طبیعی و منابع انسانی بومی و با تأکید بر مشارکت در خود اتکایی

- ترغیب کشورهای در حال توسعه و ارائهٔ کمک به آنها برای پیشرفت و نوسازی صنایع خود
- فراهم ساختن مرکزی برای رایزنی و مشاوره کشورهای در حال توسعه و ارائهٔ سرویس‌های خدماتی برای آنها
- طراحی و اجرای اقدامات ویژه برای تشویق همکاری میان کشورهای در حال توسعه از یک سو و میان این کشورها با کشورهای توسعه یافته از سوی دیگر
- هماهنگی میان تلاش‌هایی که سایر تشکیلات سازمان ملل‌متحد برای رسیدن به اهداف پیش‌گفته به انجام می‌رسانند.

۱۴) آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: IAEA

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی[1] یکی از تخصصی‌ترین و مهم‌ترین آژانس‌های وابسته به سازمان ملل‌متحد است که در سال‌های اخیر به جنجالی‌ترین و خبرسازترین آنها نیز تبدیل شده است. این آژانس به منظور ایجاد هماهنگی‌ها و همکاری‌های علمی و فنی به منظور استفادهٔ صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأسیس شد.

پایه‌های آژانس در سال ۱۹۵۴ و به دنبال ارائهٔ طرحی از سوی آمریکا به مجمع عمومی سازمان ملل بنیان نهاده شد. پس از آن در سال ۱۹۵۶ اساسنامهٔ آژانس از سوی نمایندگان ۷۰ دولت به تصویب رسید و با تصویب آن از سوی ۲۶ کشور، آژانس در جولای ۱۹۵۷ کار رسمی خود را با عنوان "اتم برای صلح"[2] آغاز کرد.

در دهه‌های نخست تأسیس آژانس، عملکرد آن بیشتر ماهیتی فنی و تخصصی داشت. ولی از دههٔ ۹۰ به این سو و به‌ویژه پس از تحولات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تمرکز ایالات‌متحده آمریکا و اروپا بر روی مسئله سلاح‌های کشتار جمعی و ضرورت منع تولید و

1. International Atomic Energy Agency
2. Atom For Peace

تکثیر سلاح‌های هسته ای، عملکرد آژانس تقریباً به‌طور کامل ماهیتی سیاسی و امنیتی به خود گرفته است.

اعضای شورای امنیت سازمان ملل به‌ویژه ایالات متحدهٔ آمریکا با همکاری اعضای کلیدی اتحادیهٔ اروپا که از اعضای عمده و تأثیر گذار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند، در سال‌های اخیر همهٔ توان خود را به کار گرفته‌اند تا آژانس به عنوان تنها مرجع و نهاد صلاحیت‌دار برای ترغیب کشورهای جهان به پیوستن به ان.پی.تی یا معاهدهٔ منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای[1] ایفای نقش کند. آژانس در سال‌های اخیر فعالیت‌های گسترده و چشمگیری را درخصوص بازرسی‌های دقیق و مستمر از تأسیسات هسته‌ای کشورهایی نظیر ایران، کرهٔ شمالی، لیبی و عراقِ تحت حاکمیت رژیم صدام حسین انجام داده است.

با وجود این و همان گونه که گفته شد، حداقل طی دهه‌های نخست تأسیس، تمام تلاش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ارائهٔ کمک‌های فنی به کشورهای عضو در جهت توسعه برنامه‌های علمی و خود کفایی هسته‌ای اختصاص می‌یافت. بخش عمده‌ای از فعالیت‌های آژانس در دهه‌های گذشته در زمینه‌هایی همچون غذا، کشاورزی، بهداشت، صنعت آب شناسی، دریانوردی و محیط زیست متمرکز شده بود.

آزمایشگاه‌های علمی آژانس، همکاری‌های فنی و اقدامات آژانس را پشتیبانی می‌کنند. آژانس با سازمان خواروبار و کشاورزی ملل‌متحد یک بخش مشترک افزایش کاربرد ایزوتوپ و پرتو در زمینهٔ غذا و کشاورزی را راه اندازی کرده است. آژانس همچنین با سازمان بهداشت جهانی در زمینهٔ لابراتوارهای اندازه گیری استاندارد ثانوی تعیین کنندهٔ میزان تشعشعات، همکاری‌های مهمی دارد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک مقیاس اندازه گیری بین‌المللی حوادث هسته‌ای به منظور سنجش اتفاقات هسته‌ای وضع کرده است. این آژانس تنها مرکز رسمی اعلام اولیهٔ رویدادهای هسته‌ای و نیز کمک در موارد اتفاقات و سوانح رادیولوژیکی به‌شمار می‌رود.

کنفرانس عمومی و *شورای حکام*، دو رکن اصلی آژانس محسوب می‌شوند. کنفرانس

1. N.P.T: Non – Proliferation Treaty

عمومی تمامی اعضای سازمان را که در حال حاضر ۱۳۷ کشور را شامل می‌شوند، دربرمی‌گیرد.

این کنفرانس سالی یک بار و معمولاً در ماه سپتامبر در وین تشکیل جلسه می‌دهد و درخصوص برنامه‌های کلان سازمان، در باره بودجه آن، و نیز درخصوص هر موضوع دیگری که از سوی شورای حکام، مدیرکل یا اعضا به آن پیشنهاد شود، به بحث می‌نشیند.

شورای حکام از نمایندگان ۳۵ کشور عضو تشکیل شده است. ۱۳ عضو کلیدی شورای حکام را کشورهایی تشکیل می‌دهند که به عنوان پیشرفته‌ترین کشورهای دارندهٔ فناوری اتمی شناخته شده‌اند و ۲۲ کشور عضو دیگر از سوی کنفرانس عمومی انتخاب می‌شوند. شورای حکام پنج بار در سال تشکیل جلسه می‌دهد. مدیرکل آژانس، براساس توصیهٔ شورای حکام و از سوی کنفرانس انتخاب می‌شود. شش معاون، مدیرکل را در اجرای وظایفی که بر عهده دارد، یاری می‌دهند و هر کدام از آنها ریاست یک بخش در ساختار آژانس را برعهده دارند.

مقر اصلی آژانس در وین اتریش است. آژانس همچنین دفاتر عملیاتی دیگری در نقاط دیگر جهان نظیر نیویورک، تورنتو، و توکیو در اختیار دارد. علاوه بر این، آژانس آزمایشگاه‌هایی در موناکو، سیبسدورف[1] اتریش، و نیز تریست[2] ایتالیا دایر کرده است. آژانس هم اکنون قریب به ۲۲۲۹ کارمند، متشکل از متخصصان فنی و کارمندان اداری دارد که از ۹۰ کشور جهان انتخاب شده‌اند. بودجه مصوب آژانس در سال ۲۰۰۴ معادل ۲۶۸ میلیون دلار بوده است.

سه حوزه فعالیت آژانس که محورهای اصلی کار آن را تشکیل می‌دهند، عبارتند از:

- حوزه ایمنی و امنیتی
- حوزه حفاظت و استانداردها
- حوزه علوم و فناوری

---

1. Seibersdorf
2. Trieste

پی‌نوشت‌ها

۱. این آمار و ارقام مبتنی بر اطلاعات موجود در سایت بانک جهانی به آدرس زیر است. (تاریخ رجوع: ۲۳ اگوست ۲۰۰۵)

http://www.worldbank.org/index.html Aug 13,2005

۲. برای آشنایی با دیدگاه‌های انتقادی نسبت به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به دو اثر زیر رجوع کنید:

Roger, Scruton, The West and the Rest, Globalization and the Terrorist Threat, (London: Continuum, 2002), pp. 146-147, J. A, Scholte., *Globalization: a Critical Introduction*, (New York: Polgrave, 2000), pp. 232-240.

۳.. برای مطالعه بیشتر در باره نقش نهادهایی چون سازمان تجارت جهانی در نظام بین الملل رجوع کنید به:

Charles A, Kupchan, *After Pax American: Benign Power, Regional Integration and the Source of Stable Multi Polarity*, In: The New World Order: Contrasting Theories, ed. By Birthe Hansen and Bertel Heurlin (London: Macmilan, 2000) pp. 157-160.

۴.. برای اطلاعات بیشتر از سایت اینترنتی سازمان تجارت جهانی به آدرس زیر مراجعه کنید:
http://www.wto.org

فصل ششم:

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

۱) نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

از بدو شکل‌گیری نظام بین‌الملل به شکل کنونی همواره دولت‌ها عمده‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین بازیگران صحنهٔ روابط بین‌الملل به‌شمار می‌رفته‌اند. برای حدود سه قرن تا اواخر قرن نوزدهم این نقش، نقشی انحصاری و مطلق برای دولت‌ها محسوب می‌شد. علل و عوامل مختلفی نظیر آنچه در فصول نخست کتاب بدان‌ها اشاره شد، به‌تدریج بازیگران دیگری را نیز وارد صحنه کرد تا به خودنمایی و ایفای نقش در این عرصه بپردازند. این بازیگران در دهه‌های هفتاد و هشتاد قرن نوزدهم نهادهای تخصصی اما کوچکی بودند که کارکردهای ویژه‌ای در تعامل میان دولت‌ها و ملت‌ها داشتند. با تشکیل کنفرانس‌های اول و دوم لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و سپس با تأسیس جامعهٔ ملل و به‌دنبال آن تأسیس سازمان ملل‌متحد، پدیده نوین و تأثیرگذار سازمان‌های بین‌المللی به شکل گسترده‌تر و فراگیرتری جای خود را در معادلات نظام بین‌الملل باز کرد. این سازمان‌ها گرچه صفت و پسوند "بین‌المللی" (میان ملت‌ها) را با خود داشتند، اما در حقیقت محل و سازوکاری برای تعامل میان دولت‌ها بودند. به‌عبارت دقیق‌تر، ویژگی و حوزهٔ‌عمل این سازمان‌ها آنها را به عنوان سازمان‌های بین الدولی[1] مشخص می‌ساخت.

در این مرحله گرچه حلقهٔ انحصار مطلق دولت‌ها، به مثابه یگانه بازیگران نظام بین‌المللی به نوعی شکسته شده بود و نهادهای جدیدی با عنوان سازمان‌های بین‌المللی به

---

1. Inter-Governmental Organization

صحنه آمده بودند، اما حتی در این نهادهای تازه تأسیس نیز دولت‌ها همچنان تنها بازیگران اصلی محسوب می‌شدند. اما در روند تکاملی سازمان‌های بین‌المللی، رفته رفته سازمان‌هایی شروع به شکل‌گیری کردند که دیگر مخلوق و نمایندهٔ دولت‌ها محسوب نمی‌شدند. این سازمان‌ها که حیطه و حوزهٔ فعالیت آنها از مرزهای ملی فراتر می‌رفت و ابعاد جهانی به خود می‌گرفت از سوی اشخاص حقیقی و نهادهای حقوقی مستقل از دولت‌ها بنیان نهاده می‌شدند و اداره می‌گردیدند. بدینسان بود که پدیده و بازیگر جدیدی به جمع بازیگران موجود در صحنه نظام بین‌الملل افزوده شد که از آن با عنوان "سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی" یاد می‌شود.گرچه این پدیده تازه متولد شده به لحاظ کمّی و کیفی نحیف‌تر از بازیگران رقیب، و قدرت و حوزه مانور آن به مراتب کمتر از دولت‌ها بود، اما نقش‌آفرینی فزاینده و کارکرد موثر آن در نظام بین‌الملل دولت‌ها را مجبور به شناسایی جایگاه و اهمیت آن نمود.

به موجب قطعنامهٔ شمارهٔ ۲۸۸ شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل‌متحد مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۵۰، هر سازمان بین‌المللی که در نتیجه انعقاد معاهده میان دولت‌ها به وجود نیامده باشد، سازمان بین‌المللی غیردولتی محسوب می‌شود. از نظر سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی براساس مقام و جایگاه مشورتی که نزد شورای اقتصادی- اجتماعی، دارند به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱. عمومی: سازمان‌های دارای صلاحیت عام و دارای مقام مشورتی عمومی در اکثر زمینه‌ها
۲. ویژه: سازمان‌های دارای صلاحیت خاص که تنها در موارد ویژه مقام مشورتی دارند
۳. روستر: سازمان‌هایی که دارای صلاحیت عام یا خاص نیستند، اما می‌توانند برای شورا یا دبیرکل منشاء خدمت و کمک مفیدی باشند که با عنوان روستر[1] ازآنها یاد می‌شود.

یکی از ویژگی‌های مهم سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که آنها را از شرکت‌های

---

1. Roster

چندملیتی متمایز می‌کند، ویژگی غیرانتفاعی بودن آنهاست. همکاری سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی با سازمان ملل‌متحد و آژانس‌های تخصصی آن روز به روز گسترده‌تر می‌شود، به‌طوری‌که بسیاری از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل بدون همکاری و همیاری سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در عمل قادر به انجام مأموریت‌های خود در سطح قابل قبول و مطلوبی نیستند.[1] این همکاری و همیاری در حوزه‌هایی همچون حقوق بشر، حفظ محیط زیست و توسعهٔ پایدار بسیار چشمگیرتر است. امروزه در بسیاری از کنفرانس‌های مهم بین‌المللی که از سوی سازمان ملل در سراسر جهان برگزار می‌شود، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی یکی از مهم‌ترین حاضران و شرکت کنندگان محسوب می‌شوند. برای مثال، در کنفرانس محیط زیست و توسعهٔ سازمان ملل که در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیروی آرژانتین برگزار شد، بیش از ۱۵۰۰ سازمان غیردولتی شرکت فعال داشتند. در کنفرانس‌هایی نظیر کنفرانس جهانی جمعیت و توسعه در قاهره، کنفرانس جهانی زنان در پکن و اجلاس جهانی برای توسعهٔ اجتماعی در کپنهاک نیز حضور سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی بسیار تعیین کننده و چشمگیر بوده است.(۱)

انقلاب صنعتی و توسعهٔ علمی در کنار ابداعات و فناوری‌های جدید در حوزهٔ حمل و نقل و ارتباطات فاصلهٔ میان ملت‌ها و شهروندان کشورهای مختلف در اقصی نقاط کرهٔ زمین را به شدت کم کرده و در برخی از زمینه‌ها حتی آن را از میان برداشته است. این پدیده خود به نوعی وابستگی متقابل و غیرقابل‌اجتناب منجر شده که پیدایش نهادهای مدنی بین‌المللی جدیدی را در پی داشته است. در حقیقت بسیاری از سازمان‌های غیردولتی که در سطوح فراملی و بین‌المللی شکل گرفته و به فعالیت مشغولند، ثمره و دستاورد همین روند هستند. از نگاه بسیاری از صاحبنظران این حوزه، نقش سازمان‌های غیردولتی به مثابه نهادهای مدنی بین‌المللی در عصر جهانی شدن روزبه‌روز پر رنگ‌تر و موثرتر خواهد شد.[2]

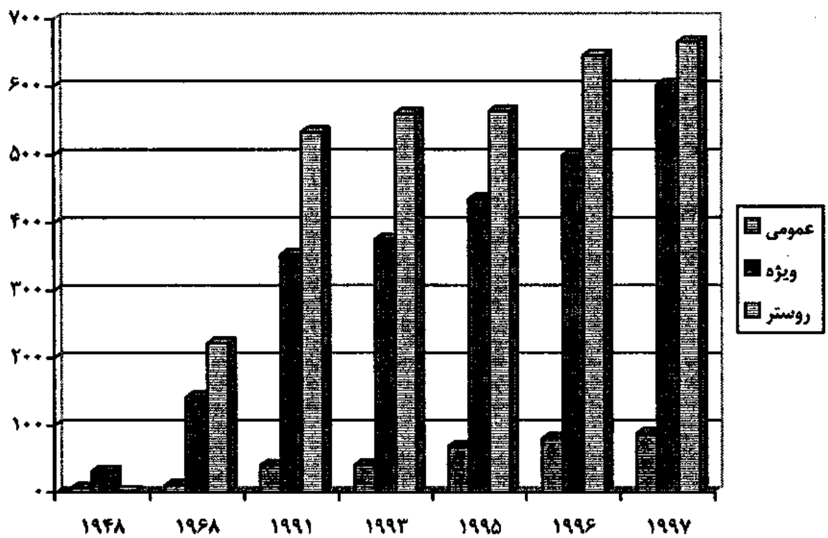
---

۱. برای اطلاع بیشتر از توسعه چشمگیر این نهادها به جدول صفحه بعد نگاه کنید.

جدول رشد و توسعه سازمان‌های غیر دولتی در فاصله سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۴۸[۳]

سال	عمومی	ویژه	روستر	جمع کل
۱۹۴۸	۷	۳۲	۲	۴۱
۱۹۶۸	۱۲	۱۴۳	۲۲۲	۳۷۷
۱۹۹۱	۴۱	۳۵۴	۵۳۳	۹۲۸
۱۹۹۳	۴۲	۳۷۶	۵۶۰	۹۷۸
۱۹۹۵	۶۹	۴۳۶	۵۶۳	۱۰۶۸
۱۹۹۶	۸۱	۴۹۹	۶۴۶	۱۲۲۶
۱۹۹۷	۸۸	۶۰۲	۶۶۶	۱۳۵۶

نمودار رشد و توسعه سازمان‌های غیردولتی در فاصله سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۴۸



۲) صلیب سرخ بین‌المللی: ICRC

سابقه تاریخی تأسیس صلیب سرخ بین‌المللی[1] به دهه هشتاد قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد. در آن زمان یک بازرگان جوان سوییسی به نام جان هنری دونانت[2] پیشنهاد تأسیس سازمانی را داد که اعضای آن به‌طور داوطلبانه و با انگیزه‌های بشر دوستانه امر کمک رسانی به قربانیان جنگ را عهده‌دار شوند. سازمان پیشنهادی دونانت در سال ۱۸۶۳ در سوییس پا به‌عرصه وجود نهاد و تنها یک سال بعد با امضای کنوانسیونی از سوی ۱۲ کشور، جنبه جهانی به خود گرفت.

در طول دهه‌های بعد رفته رفته نهضت صلیب سرخ شهرتی عالمگیر یافت و اکثر کشورهای جهان با پذیرفتن کنوانسیون‌های مربوطه موجودیت آن را به رسمیت شناختند. به‌پاس تلاش‌های این سازمان و خدمات بی‌نظیری که اعضای آن به جامعه بشری کرده‌اند، جایزه صلح نوبل در سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۴۴ به این سازمان تقدیم شد. نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر مجموعه گسترده‌ای از سازمان‌ها و گروه‌هایی را که در راستای اهداف صلیب سرخ بین‌المللی به فعالیت مشغولند، شامل می‌شود. "نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر" از سال ۱۹۸۶ به مثابه سازمانی جهان شمول و فراگیر و با دربرگرفتن جمعیت‌های هلال احمر در کشورهای عربی و مسلمان جایگزین سلف خود گردید.

نهضت بین‌المللی صلیب سرخ، نهادهایی همچون کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های صلیب سرخ و هلال احمر و ۱۷۸ انجمن ملی را شامل می‌شود و هم اکنون با در اختیار داشتن بیش از ۱۱۵ میلیون داوطلب در سراسر جهان بزرگترین نهاد بین‌المللی در نوع خود است.

ماده ۳۸ کنوانسیون ژنو مصوب ۱۲ اگوست ۱۹۴۹ سه نشانه: صلیب سرخ، هلال احمر، و شیر و خورشید سرخ را نشانه‌های رسمی نهضت صلیب سرخ به رسمیت شناخته است.

---

1. International Committee of Red Cross
2. Henry Dunant

کنفرانس صلیب سرخ بین‌الملل به عنوان بلندپایه‌ترین و فراگیرترین ارگان سازمان است که هر چهار سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و اعضای شرکت کننده در آن نمایندگان کمیته‌های بین‌المللی و جوامع ملی صلیب سرخ از سراسر جهان هستند.

هم اکنون در بیش از ۱۷۵ کشور جهان جوامع و انجمن‌های هلال احمر و صلیب سرخ به فعالیت مشغولند. حمایت از حقوق قربانیان جنگ‌ها و منازعات، حمایت از حقوق اسیران جنگی، ارسال کمک‌های فوری به قربانیان بلایا و سوانح طبیعی مثل سیل، طوفان، و زلزله و نیز اعزام گروه امداد و پزشکی به مناطق حادثه دیده ازجمله خدمات ارزنده صلیب‌سرخ بین‌المللی به جامعه بشری است.

ترویج حقوق بشردوستانه بین‌المللی و تلاش برای اجرای قوانین و مقررات مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز از مهم‌ترین ماموریت‌های صلیب سرخ بین‌الملل محسوب می‌شود. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در حقیقت مجموعه ای از قوانین و مقرراتی هستند که از ۲۱ آوریل تا اوت ۱۹۴۹ در سوئیس مورد بحث قرار گرفتند و به تصویب رسیدند. در ژوئن ۱۹۷۷ دو پروتکل الحاقی دیگر به مجموعه کنوانسیون‌های چهارگانه اضافه شد که پروتکل اول ناظر بر حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و پروتکل دوم ناظر بر حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی است.

بر اساس حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، موارد زیر در زمره اصول بنیادین تلقی می‌شوند:[۴]

- اصل رفتار انسانی و نبود تبعیض
- اصل ضرورت و توجیه نظامی برای اقدامات انجام شده
- اصل محدودیت استفاده از جنگ افزارها
- اصل تفکیک افراد، امکنه و اموال نظامی از غیر نظامی
- اصل تناسب میان صدمات اتفاقی ناشی از یک حمله با مزیت‌های نظامی مستقیم آن
- اصل حسن نیت

۳) عفو بین‌الملل: AI

عفو بین‌الملل[۱] یکی از فراگیرترین و فعال‌ترین سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی است که فعالیت‌های گسترده و گاه جنجال برانگیزی را در سراسر جهان برعهده دارد. این سازمان در سال ۱۹۶۱ از سوی شهروندی انگلیسی به نام پیتر بننسون[۲] تأسیس شد. وی که حقوقدان بود، در ۲۸ مه ۱۹۶۱ مقاله‌ای را با عنوان زندانیان فراموش شده در روزنامه آبزرور[۳] به چاپ رساند که در شمارگان وسیع و در بسیاری از کشورهای جهان منتشر شد.

وی در این مقاله ضمن تأکید بر لزوم توجه جدی دولت‌ها و ملت‌ها به حمایت از حقوق بشر، راهکارهایی مقتضی برای اجرایی کردن پیشنهادهای خود ارائه داده است. بدینسان و برای نیل به هدف پیش‌گفته بود که عفو بین‌الملل شکل گرفت. با وجود موانع گسترده که سر راه سازمان تازه تأسیس قرار داشت، این سازمان توانست به زودی پیام خود را به اقصی نقاط جهان برساند و هواداران و حامیان جدی و متعددی را برای خود پیدا کند. این سازمان هم اکنون بیش از یک میلیون عضو مشترک و هماهنگ کننده در ۱۶۰ کشور جهان دارد.

عفو بین‌الملل در سال ۱۹۶۴ به مقام مشورتی در شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل دست یافت و بدین ترتیب وجهه حقوقی و بین‌المللی مهم‌تری پیدا کرد. یکی از ارکان اصلی این سازمان دبیرخانهٔ آن است که در مقر اصلی آن در لندن است و با حدود ۳۲۰ کارمند رسمی و حدود یکصد داوطلب از بیش از ۵۰ کشور جهان، امور سازمان را به انجام می‌رساند. رکن مهم دیگر سازمان کمیتهٔ اجرایی بین‌الملل آن است که دارای نه عضو است که ۸ نفر از اعضای آن از سوی نمایندگان عفو بین‌الملل از سراسر جهان انتخاب می‌شوند و یک نفر باقیمانده از سوی دبیرخانه انتخاب می‌گردد.

---

1. Amnesty International
2. Peter Benenson
3. Observer

استفاده از نیروهای داوطلب و توسل به شیوهٔ مکاتبه مستقیم با دولت‌ها از ابداعات و ابتکارات بسیار جالبی بود که عفو بین‌الملل را از سایر موارد مشابه آن متمایز می‌ساخت. اطلاع رسانی گسترده در کنار برپایی کنفرانس‌ها و نشست‌های مختلف در سراسر جهان از دیگر سازوکارها و شیوه‌های موفقی است که به عفو بین‌الملل در رسیدن به اهدافش کمک کرده است. عفو بین‌الملل، مواد ۱۸ و۱۹ از اعلامیه ملل‌متحد درخصوص حقوق بشر را به عنوان اصول و مبانی مورد استناد خود در مبارزه برای تحقق حقوق بشر در دستورکار خود دارد. بر همین اساس موارد زیر در زمره مهم‌ترین اهداف سازمان عفو بین‌الملل قرار دارد:

- آزادی تمام زندانیان عقیدتی که تنها به دلیل اظهار نظر و عمل به عقاید خود به زندان محکوم شده‌اند
- تضمین محاکمه عادلانه برای همه زندانیان
- الغای همه انواع شکنجه و سوء رفتار با زندانیان
- الغای مجازات اعدام
- پایان دادن به تروریسم دولتی
- کمک به پناه‌جویان سیاسی
- همکاری با سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل‌متحد در راستای اهداف حقوق بشر و مبارزه با نقض آن

برای تحقق اهداف پیش‌گفته، عفو بین‌الملل در صدر گروه‌ها و سازمان‌هایی قرار دارد که با صدور اعلامیه و اعزام گروه‌های ویژه، موارد نقض حقوق بشر را به جهانیان اعلام و پیگیری می‌کند.

۴) سازمان پزشکان بدون مرز: DWB

سازمان پزشکان بدون مرز[1] یکی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی است که در سال

1. Doctors Without Borders / Medicine Sans Frontiers (MSF)

۱۹۷۱ از سوی گروه کوچکی از پزشکان فرانسوی و به رهبری برنارد کوچنرگ[1] تأسیس شد. فلسفهٔ تأسیس این سازمان براین اصل استوار بود که تمامی انسان‌ها از حق دسترسی به مداوای پزشکی برخوردارند و پاسخگویی به این حق و این نیاز از مرزهای ملی فراتر می‌رود.

با چنین رویکردی، سازمان پزشکان بدون مرز در زمرهٔ آن دسته از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی قرار می‌گیرد که ملاحظات انسانی و حقوق بشردوستانه را در رأس اهداف و کارهای خود قرار داده‌اند. نکته مهم و قابل توجه در ماهیت سازمان‌هایی از این‌قبیل آن است که نیاز به فعالیت و حضور این سازمان‌ها در مواقع بحرانی بسیار محسوس‌تر و چشم‌گیرتر است. از همین روست که سازمان پزشکان بدون مرز ارائهٔ کمک‌های پزشکی به مصیبت دیدگان بلایای طبیعی و فاجعه‌های انسانی به ویژه در موارد اضطراری را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است. این سازمان در حال حاضر در بیش از ۸۰ کشور در پنج قارهٔ جهان حضور فعال دارد و به ارائهٔ خدمات پزشکی به نیازمندان مشغول است.

به پاس همین تلاش‌های سازمان پزشکان بدون مرز بود که این سازمان توانست جایزهٔ صلح نوبل در سال ۱۹۹۹ را به خود اختصاص دهد. سازمان پزشکان بدون مرز هزینه‌های مالی خود را از راه‌های متنوعی ازجمله اعانه‌های عمومی، سازمان‌های غیر انتفاعی و نیز منابع دولتی دریافت می‌دارد.

کارکنان سازمان پزشکان بدون مرز به دو دستهٔ کارمندان رسمی و نیز گروه داوطلبان تقسیم می‌شوند. اعضای این سازمان همواره در طول مأموریت‌های خود به‌ویژه در مناطق جنگی، و در بحران‌ها و منازعات سیاسی در معرض انواع خطرات و تهدیداتی از قبیل مرگ و گروگان گرفته شدن بوده‌اند. طی چند سال اخیر، کارکنان این سازمان به‌طور متناوب در مأموریت‌های خود در مناطقی همچون افغانستان، جمهوری‌های آسیای میانه، چچنستان و کوزوو حضور فعال داشته و با وجود مخاطرات زیاد به کار خود ادامه داده‌اند.

1. Bernard Kouchnerg

به گروگان گرفته شدن مدیر گروه پزشکان بدون مرز در اوت ۲۰۰۲ در داغستان و کشته شدن پنج نفر از همکاران این سازمان در ژوئن ۲۰۰۴ در بادغیس افغانستان مثال‌هایی از این موارد است.

۵) صلح سبز: GP

صلح سبز[۱] یکی از مهم‌ترین و باسابقه‌ترین سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی است که در زمینهٔ حمایت از محیط زیست فعالیت می‌کند. صلح سبز در سال ۱۹۷۱ در کشور کانادا تأسیس شد و از آن زمان تاکنون به موفقیت‌های چشمگیری در حوزه‌های مختلف دست یافته است. روش‌های مسالمت‌آمیز این سازمان غیردولتی و مبارزات غیر خشونت آمیز آن برای متوقف ساختنِ آزمایش‌های اتمی در جو زمین در زمرهٔ این موارد است.

محدود کردن صید نهنگ و نجات این بزرگترین مخلوق اعجاب انگیز آفرینش از خطر انقراض ازجمله دیگر دستاوردهای صلح سبز به‌شمار می‌رود. از همین روست که نظریه‌پردازانی چون کارن مینگست[۲] صلح سبز را در کنار دیگر سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نظیر عفو بین‌الملل، در زمره جدیدترین و درعین‌حال تأثیر گذارترین بازیگران در عرصه نظام بین‌الملل می‌دانند.[۵]

در سال‌های اخیر، صلح سبز فعالیت خود را بر روی مسائل زیست محیطی ازجمله پدیدهٔ تغییر آب و هوا و گرم شدن زمین و نیز مهندسی ژنتیک و تأثیرات سوء آن بر زنجیرهٔ مواد غذایی و طبیعت متمرکز کرده است. صلح سبز هم اکنون در ۴۱ کشور جهان دفاتر نمایندگی دارد که همگی تحت نظر و با هماهنگی مقر اصلی صلح سبز بین‌الملل در آمستردام هلند به فعالیت مشغولند.

تخمین زده می‌شود که سازمان صلح سبز قریب سه میلیون حامی مالی در سراسر جهان دارد که هزینه‌های آن را تأمین می‌کنند. این سازمان همچنین اعانه‌های مالی از سوی

---

1. Green Peace
2. Karen Mingst

مؤسسات خیریه نیز دریافت می‌دارد، اما از پذیرفتن هرگونه کمک مالی از شرکت‌های بزرگ صنعتی ـ تجاری و نیز از قبول کمک‌های دولتی اجتناب می‌کند.

در اساسنامهٔ سازمان صلح سبز، این نهاد سازمانی مستقل معرفی شده که هدف اصلی آن پیکار از راه‌های مسالمت‌آمیز و ابتکاری برای شناساندن و معرفی معضلات و مشکلات زیست محیطی در عرصه جهانی است. بر این اساس، این سازمان تلاش می‌کند تا راه‌حل‌های مناسب را برای رسیدن به آنچه که آن را آینده‌ای سبز و صلح‌آمیز می‌خواند، مدنظر قرار دهد. هدف آرمانی صلح سبز تضمین ادامهٔ حیات زمین با همهٔ تنوعات و تکثرات نهفته در دل آن است.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، سابقهٔ تأسیس این سازمان به اوایل دههٔ هفتاد میلادی برمی‌گردد. به دنبال انجام آزمایش‌های اتمی مستمر از سوی آمریکا در اواخر دههٔ ۶۰، فعالان صلح در کشورهای کانادا و آمریکا اقدام به تأسیس کمیته‌ای برای پیگیری اهداف صلح‌جویانه خود در مبارزه برای توقف این آزمایش‌ها کردند. ایدهٔ پایه‌گذاری نهضت درحقیقت محصول نشست‌های همین کمیته بود. بعدها و به ابتکار شخصی به‌نام بیل دارنل[1] که از اعضای مؤسس آن کمیته بود، دو واژهٔ " صلح و سبز" به عنوان کلید واژه‌های این سازمان تازه تأسیس انتخاب شد.

در پاییز ۱۹۷۱، این گروه یک کشتی ماهیگیری به نسبت بزرگ را به صورت چارتر کرایه کرد و با نامگذاری عنوان "صلح سبز" بر آن، سفر دریایی خود را به سوی جزیرهٔ آمچیتکا، که قرار بود آزمایش‌های جدید هسته‌ای آمریکا در آنجا انجام شود، آغاز کرد. گرچه کشتی صلح سبز پس از مداخلهٔ واحدهای نیروی دریایی آمریکا مجبور به تغییر مسیر خود شد، اما جنبشی که این گروه به راه انداخت، به‌زودی به سایر شهرها نیز سرایت کرد و آمریکا مجبور شد تا انجام آزمایش‌های مورد نظر خود را تا زمان دیگری به تعویق بیندازد. پس از کامیابی‌های دو سال نخست، در چهارم می ۱۹۷۲ گروه با نام "بنیاد صلح سبز "[2] فعالیت رسمی خود را ادامه داد.

1. Bill Darnel

2. Green Peace Foundation

مبارزه علیه آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه در سال ۱۹۷۳ از دیگر فعالیت‌های مهم صلح سبز در سال‌های نخستین تأسیس آن بود که به این سازمان شهرتی بین‌المللی داد، به‌طوری که سال‌ها بعد بیش از بیست گروه فعال در آمریکای شمالی، اروپا، نیوزیلند و استرالیا مشغول فعالیت در راستای اهداف بنیاد صلح سبز شدند.در حقیقت همین تلاش‌ها بود که در ۱۴ اکتبر ۱۹۷۹ منجر به بین‌المللی شدن این جنبش و تأسیس صلح سبز بین‌الملل گردید. یکی از وقایع مهم در تاریخ مبارزات صلح سبز ادامه رویارویی آن با دولت فرانسه در دهه ۸۰ بود که منجر به هدف قرار دادن کشتی صلح سبز در سواحل نیوزیلند از سوی عوامل سرویس مخفی فرانسه و غرق شدن کشتی شد.

گرچه پاریس ابتدا از قبول دخالت در این حادثه سرباز زد، اما سر انجام تحت فشار افکار عمومی ناچار به اعتراف مبنی بر دخالت سرویس‌های مخفی خود در این حادثه گردید و موافقت کرد تا مبلغ ۱۳ میلیون دلار نیوزیلند بابت خسارت وارد شده بپردازد و به‌طور رسمی عذرخواهی کند.

در طول سال‌های اخیر، صلح سبز همچنان به تلاش‌های خود به منظور حفاظت از یکپارچگی محیط زیست ادامه داده و هواداران آن با شرکت در کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های بین‌المللی به ترویج و تبلیغ آرمان‌های خود پرداخته‌اند. میانگین هزینه‌های سالیانه صلح سبز ۳۶۰ میلیون دلار برآورد می‌شود که از سوی اعضا و حامیان آن در سراسر جهان به‌ویژه آمریکای شمالی و اروپا تامین می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی بیشتر از نقش سازمان‌های بین المللی غیر دولتی در نظام بین الملل نگاه کنید به:
Carolyn M. Stephenson, *NGOs and the Principal Organs of the United Nations*, In : The United Nations at the Millennium, ed. By P. Taylor and A.J. R. Groom, (London: Continuum, 2000) pp. 271-285.

۲. کتاب زیر منبع مفید و قابل استفاده ای در این باب است:
Arjun Appadurai, (ed) *Globalization*, (Durham: Duke University Press, 2001)

۳. به نقل از:
UN/ECOSOC. 'Work of the Non-Governmental Organizations Section of the Secretariat, Report of the Secretary-General', 8 may 1998 (E/1998/43). Cited in:C. Stephenson, *NGOs and the Principal Organs* of the UN, in: Paul Taylor, and A.J. Groom, The United Nations at the Millennium (eds.) (London: Continnum, 2000) p. 283.

۴. ر.ک. آشنایی با حقوق بشردوستانه بین المللی (تهران: کمیته ملی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران, ۱۳۸۱) صص. ۱۴-۱۳.

5. Karen, Mingst, *Essentials of International Relations*, (W.W & Norton Company, 2003), pp. 241-242.

فصل هفتم:

سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم‌تعهد

۱) سازمان کنفرانس اسلامی: OIC

الف. تاریخچهٔ تأسیس و ساختار

سازمان کنفرانس اسلامی[1] با ایدهٔ گردهم آوردن دولت‌های اسلامی و ایجاد نوعی اتحاد میان کشورهای اسلامی و اتخاذ مواضع مشترک از سوی این کشورها تشکیل شد. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و با استقلال کشورهای جدیدی در منطقه خاورمیانه عربی که بیشتر کشورهای اسلامی بودند، چهرهٔ سیاسی منطقهٔ خاورمیانه و شمال آفریقا دچار تغییرات اساسی گردید. تأسیس دولتی یهودی در فلسطین که دومین سرزمین مقدس مسلمانان به‌شمار می‌رفت، در کنار شرایط جدید سیاسی در منطقه، مقدمات ذهنی و روانی را برای نزدیکی و همگرایی کشورهای اسلامی فراهم ساخت. تا اواسط دههٔ ۶۰، تلاش‌ها و اقدامات وحدت‌گرایانه تنها از سوی شخصیت‌های مذهبی و سازمان‌های غیردولتی در جهان اسلام صورت می‌پذیرفت و دنبال می‌شد. تشکیل کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های متعددی در مصر و عربستان سعودی که بیشتر از سوی الازهر و رابطة العالم الاسلامی برگزار می‌شد، ازجمله این تلاش‌ها به‌شمار می‌آمدند. این اقدامات در سال ۱۹۶۹ رنگی کاملاً متفاوت به خود گرفت؛ چرا که در این سال برای نخستین بار رهبران دولت‌های اسلامی نخستین گام را در راه همبستگی اسلامی برداشتند. در ۲۵ دسامبر ۱۹۶۹ در شهر

---

1. Organization of the Islamic Conference (OIC)

رباط در مراکش، رهبران جهان اسلام به دعوت ملک حسن پادشاه مراکش گردهم آمدند تا تأسیس سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی را اعلام کنند. رهبران کشورهای اسلامی با محکوم کردن آتش زدن مسجد الاقصی از سوی اسرائیل، آزادسازی اورشلیم و مسجدالاقصی از اشغال اسرائیل را در زمرهٔ اهداف اساسی خود قرار دادند.

شش ماه بعد هنگامی که اولین کنفرانس وزرای خارجهٔ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در جدّه تشکیل شد، دبیرکل سازمان انتخاب و شهر جدّه به‌طور موقت به عنوان مقر آن انتخاب گردید. در این اجلاس مقرر شد که شهر اورشلیم پس از آزادی مقر دایمی سازمان شود. دو سال و نیم بعد، در فوریهٔ ۱۹۷۲ و در جریان سومین نشست کنفرانس وزرای خارجهٔ کشورهای عضو، اساسنامهٔ سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی بررسی و تصویب شد و ساختار و اهداف آن مورد موافقت قرار گرفت. براساس این توافقات سازمان دارای سه رکن اصلی شامل: کنفرانس سران، کنفرانس وزرای خارجه و یک دبیرکل می‌شد. دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی از دیگر نهادهای سازمان است که تأسیس آن در سومین اجلاس سران به تصویب رسید و کویت به عنوان مقر آن انتخاب گردید.[۱]

علاوه بر نهادهای پیش‌گفته، سازمان دارای آژانس‌های تخصصی و نهادهای فرعی دیگری نیز دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- کمیتهٔ قدس
- مرکز تحقیقات فرهنگ، هنر، و تاریخ اسلامی[(۱)] که مقر آن در استانبول ترکیه است.
- مرکز اسلامی توسعهٔ تجارت[(۲)] که مقر آن در داکا پایتخت بنگلادش است.
- صندوق همبستگی اسلامی[(۳)] که مقر آن در جده عربستان است.
- بانک توسعه اسلامی[(۴)] که مقر آن در جده عربستان است.

---

1. The Research Centre for Islamic History, Art and Culture (IRCICA)
2. The Islamic Centre for Development of Trade (ICDT)
3. The Islamic Solidarity Fund (ISF)
4. The Islamic Development Bank (IDB)

- سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی اسلامی[1] که مقر آن در رباط مراکش است.
- آژانس خبرگزاری بین‌المللی اسلامی[2] که مقر آن در جده عربستان است.
- اتاق صنعت و بازرگانی اسلامی[3] که مقر آن در کراچی پاکستان است.
- سازمان پایتخت‌ها و شهرهای اسلامی[4] که مقر آن در مکه است.
- انجمن بین‌المللی بانک‌های اسلامی[5] که مقر آن در قاهره است.
- فدراسیون ورزشی بازی‌های همبستگی اسلامی[6] که مقر آن در ریاض عربستان است.

براساس مفاد منشور سازمان، موارد زیر در زمرهٔ مهم‌ترین اهداف سازمان محسوب می‌شوند:

- تقویت همبستگی و وحدت اسلامی میان کشورهای عضو
- همکاری اعضا در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی
- تلاش و مبارزه برای پاسداری از استقلال، حیثیت و شرف ملل اسلامی
- حراست از اماکن شریفه و مقدس مسلمانان
- حمایت از مبارزهٔ مردم فلسطین برای احقاق حقوق ایشان و آزادسازی مناطق اشغالی
- براندازی هرگونه تبعیض نژادی و نیز مبارزه با همهٔ اشکال استعمار.

ب. ایران و سازمان کنفرانس اسلامی

روابط میان ایران و سازمان کنفرانس اسلامی را می‌توان در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران مورد مطالعه قرار داد. دولت ایران از بدو شکل‌گیری سازمان کنفرانس

---

1. The Islamic Educational, Scientific and Cultural Organization (ISESCO)
2. The International Islamic News Agency (IINA)
3. The Islamic Chamber of Commerce and Industry (ICCI)
4. The Organization of Islamic Capitals and Cities (OICC)
5. The International Association of Islamic Banks (IASB)
6. The Sports Federation of Islamic Solidarity Games (SFISG)

اسلامی تا سومین اجلاس وزرای خارجهٔ این سازمان که در سال ۱۹۷۲ در جده برگزار شد، نقش فعال و مهمی را در تأسیس و تداوم کار آن ایفا کرد. سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ که از اجلاس چهارم وزرای خارجه در لیبی شروع و به سرنگونی رژیم پادشاهی در ایران ختم شد، سال‌های گوشه‌گیری و روابط سرد ایران با سازمان کنفرانس اسلامی محسوب می‌گردد.

به‌دنبال استقبال ایران از پیشنهاد ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی مبنی بر یکپارچگی و اتحاد کشورهای اسلامی، دو کشور به کمک یکدیگر شالودهٔ همکاری مؤثر در جهت ایفای نقش مؤثر از سوی سازمان کنفرانس اسلامی را در سال ۱۹۶۴ پی‌ریزی کردند. این نقش در آگوست ۱۹۶۹ که کشورهای عربستان سعودی، مراکش و ایران گام نهایی را برای برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی برداشتند، به اوج خود رسید.

هنگامی که سرانجام مقامات بلندپایهٔ ۲۵ کشور اسلامی در رباط گردهم آمدند تا اولین گردهمایی کشورهای اسلامی را جشن بگیرند، محمدرضا پهلوی پادشاه ایران در زمرهٔ رهبرانی بود که در کنار ملک حسن پادشاه مراکش به سخنرانی پرداخت و این گردهمایی را نوعی حادثهٔ بزرگ تاریخی برای جهان اسلام خواند. ایران این نقش فعال خود در سازمان کنفرانس اسلامی را تا سال ۱۹۷۳ ادامه داد. در طول این سال‌ها، کشورهای تندرو عرب از قبیل عراق، سوریه، مصر و یمن جنوبی تمایل چندانی برای حضور فعال در سازمان نداشتند و کشورهای میانه روی اسلامی نفوذ قابل ملاحظه‌ای بر روند تصمیم‌گیری در سازمان اعمال می‌کردند.

سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ سال‌های حضور جدی کشورهای تندرو عرب در سازمان کنفرانس اسلامی بود. در این دوره کشورهای عراق و یمن جنوبی به سازمان پیوستند و سازمان آزادیبخش فلسطین به عضویت کامل سازمان کنفرانس اسلامی درآمد. شکاف میان اعضای سازمان کنفرانس اسلامی دو جبههٔ متعارض را در سازمان پدید آورد. جبههٔ نخست تحت نفوذ و رهبری ایران و عربستان سعودی قرار داشت که خواستار اتخاذ مواضع مبتنی بر میانه روی بودند و جبههٔ دوم تحت نفوذ کشورهای تندرو عرب از قبیل عراق، یمن جنوبی و لیبی قرار داشت که سیاست‌های رادیکالی را دنبال می‌کردند.

نقطهٔ اوج اختلاف میان ایران با سازمان کنفرانس اسلامی در جریان بحران ۱۹۷۳ نمایان شد. در این سال، پس از آنکه اغلب کشورهای تندرو با اسرائیل وارد جنگ شدند و کشورهای اسلامی تولید کنندهٔ نفت دست به تحریم نفتی علیه کشورهای غربی حامی اسرائیل زدند، ایران راه جداگانه‌ای را در پیش گرفت که روابط این کشور با سازمان کنفرانس اسلامی را به پایین‌ترین سطح خود رساند. درست به همین دلایل بود که ایران در دو نشستی که در سال ۱۹۷۳ در لیبی برگزار شد، شرکت نکرد. سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ نیز کم و بیش سال‌های سردی روابط میان ایران و سازمان کنفرانس اسلامی بود. در کنفرانس وزرای خارجهٔ کشورهای عضو که در سال ۱۹۷۴ در لاهور پاکستان برگزار شد، ایران به دلیل روابط حسنهٔ خود با کشور همسایهٔ پاکستان در سطح وزیر شرکت کرد و اعطای یک مورد کمک اقتصادی به کشورهای فقیر را اعلام نمود.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روابط میان سازمان کنفرانس اسلامی و ایران را وارد مرحلهٔ جدیدی کرد. سرنگونی حکومت پهلوی و به دنبال آن تأسیس جمهوری اسلامی در ایران ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی در سطح خاورمیانه و در جهان اسلام را دچار تحول و دگرگونی ساخت. سازمان کنفرانس اسلامی نیز در همین راستا در زمرهٔ سازمان‌هایی بود که با چالشی جدی روبه‌رو شده بود. کنفرانس اسلامی به‌طور عام و کشورها و بازیگران تأثیرگذار در آن به‌طور خاص بر سر نوعی دو راهی قرار گرفته بودند.

این کشورها از یک سو طبعاً بایستی از تحولات پیش آمده استقبال می‌کردند و روی کارآمدن حکومتی اسلامی در ایران را گامی در جهت همبستگی و قدرت بیشتر بلوک اسلامی می‌دانستند، اما از سوی دیگر موج و طوفان انقلابی که از ایران وزیدن گرفته بود، ثبات و امنیت بسیاری از کشورهای اسلامی منطقه را با خطری جدی، لااقل از دیدگاه رهبران این کشورها، روبه‌رو ساخته بود.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در رویارویی با کنفرانس اسلامی را می‌توان در سه *دورهٔ تاریخی* تجزیه و و تحلیل کرد. *دورهٔ نخست* دوره‌ای است که بیشتر دههٔ اول پس از پیروزی انقلاب را دربرمی‌گیرد و سال‌های جنگ هشت سالهٔ ایران و عراق را نیز در خود دارد. این دوره سال‌های آرمان‌گرایی انقلابی در سیاست خارجی ایران به‌شمار می‌رود. در

این دوره نگاه ایران به سازمان کنفرانس اسلامی نگاهی به شدت منفی و بدبینانه است.

در این دوره از نظر ایران کنفرانس اسلامی سازمانی فاقد مشروعیت و بازیچهٔ دست ابرقدرت‌هاست که از سوی سران دست‌نشاندهٔ کشورهای اسلامی اداره می‌شود. چگونگی تعامل و پاسخ ایران به پیشنهادهای مکرر آتش‌بس میان ایران و عراق که از سوی این سازمان ارائه می‌شد، گواه صادقی بر این مدعاست. ناتوانی سازمان کنفرانس اسلامی در پایان دادن به جنگ هشت ساله میان دو کشور اسلامی که هر دو از اعضای مهم و موثر آن محسوب می‌شدند، این تنها سازمان ایدئولوژیک در نظام بین‌الملل را به‌طور کامل زمین‌گیر کرد و عمق ضعف و ناتوانی آن در مقابله با تحولات جهان واقعی سیاست را آشکار ساخت.

همان‌گونه که بارها در فصول قبلی اشاره شد، یکی از مهم‌ترین وظایف و کارکردهای سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای جلوگیری از بروز منازعه و بحران در روابط اعضای زیر مجموعه خود است. کارکرد اساسی دیگر این سازمان‌ها یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز و پایان دادن به منازعه و جنگ میان اعضا در صورت وقوع است. سازمان کنفرانس اسلامی در هر دو مورد پیش‌گفته به‌طور مطلق با شکست و ناکامی روبه‌رو شد.

سازمان نه تنها نتوانست از بروز جنگ ایران و عراق جلوگیری کند، بلکه تمامی تلاش‌هایش برای برقراری آتش‌بس میان طرفین نیز عقیم ماند. نمونه‌ای از این تلاش‌های ناکام تشکیل یک کمیتهٔ حسن نیت متشکل از رهبران هفت کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی بود. این کمیته که رهبران کشورهای سنگال، گامبیا، مالزی، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، گینه و نیز یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین در آن عضویت داشتند، مأموریت داشت تا رهبران ایران و عراق را ترغیب به قبول آتش‌بس کند و به جنگ میان دو کشور اسلامی پایان دهد؛ مأموریتی که با ناکامی مطلق روبه‌رو شد.

حوادث جمعهٔ خونین مکه در سال ۱۹۸۸ که منجر به بحرانی شدن روابط میان ریاض و تهران شد، روابط ایران و سازمان کنفرانس اسلامی را به بدترین وضع ممکن رساند و شکاف‌ها و اختلافات موجود میان اعضای سازمان را بیش از پیش ملموس و هویدا ساخت. پایان یافتن جنگ ایران و عراق، روابط ایران با سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی

را آرام آرام رو به بهبودی سوق داد و دوره جدیدی از روابط میان طرفین را به همراه آورد.

در این دوره یعنی دوره دوم نگاه ایران نسبت به سازمان کنفرانس اسلامی تا حدی دچار تغییر و تعدیل شد. این دوره که با نوعی تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و حرکت به سوی نوعی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی ایران همراه بود، نشانه‌هایی از تغییر نگاه جمهوری اسلامی نسبت به سازمان کنفرانس اسلامی را در خود دارد. *دورهٔ سوم* تعامل ایران با سازمان کنفرانس اسلامی در حقیقت با روی‌کار آمدن محمد خاتمی در مقام ریاست جمهوری اسلامی و تشکیل هشتمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران در پاییز ۱۳۷۶ همزمان گردید. این روند بعدها با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی و بسط روابط دوستانه با کشورهای همسایه از سوی دولت وی وارد مرحلهٔ جدیدی شد. این دوره که با طرح ایدهٔ گفتگوی تمدن‌ها و اتخاذ سیاست فعال تنش‌زدایی از سوی ایران مقارن بود، نه‌تنها نگاه نظری ایران به پدیدهٔ دیپلماسی در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را دگرگون ساخت، بلکه به تغییر در عملکرد ایران هم تسری پیدا کرد.

در همین دوره است که حضور فعال در سازمان کنفرانس اسلامی و بهره‌جویی حداکثری از کرسی ریاست این سازمان در دستورکار سیاست خارجی ایران قرار گرفت. در این دوره ایران کوشید با تلاش برای جبران گذشته، سازمان کنفرانس اسلامی را به سوی ایفای نقش مؤثرتر و فعال‌تر در دو بُعد منطقه‌ای و بین‌المللی و البته در چارچوب اولویت‌ها و منافع جمهوری اسلامی سوق دهد. تقویت و تحکیم روابط میان ایران و عربستان سعودی در این دورهٔ زمانی نقش بسیار عمده‌ای را در کارآمدی و موفقیت نسبی کنفرانس اسلامی ایفا کرد.

ج. سازمان کنفرانس اسلامی و چشم‌انداز آینده

سازمان کنفرانس اسلامی که با هدف اتحاد جهان اسلام و ایجاد نوعی همگرایی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی میان کشورهای اسلامی تشکیل شد، در عمل با مشکلات بسیاری دست به گریبان بوده و هست. یکی از چالش‌های اساسی پیش روی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، چگونگی جمع میان منافع ملی نشئت گرفته از

منافع ملموس مادی در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی یک کشور از یک سو و ملاحظات ایدئولوژیک برخاسته از تمایلات مذهبی و اشتراکات معنوی با سایر پیروان هم‌کیش در سایر کشورهای جهان است.

با این‌همه، به نظر می‌رسد که سازمان کنفرانس اسلامی اگر چنانچه بتواند با تجدید نظر در اهداف و ساختار خود گام‌هایی عملی به سوی نوعی تحول و دگرگونی بنیادی بردارد و خود را با مقتضیات و واقعیت‌های جهان خارج در آغاز قرن ۲۱ تطبیق دهد، این فرصت را خواهد یافت تا بار دیگر شانس خود را برای بقا و ایفای نقش مثبت در روابط بین‌الملل به آزمایش بگذارد.

۲) جنبش عدم‌تعهد[1]: NAM

الف. تاریخچه تأسیس جنبش عدم‌تعهد

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، جهان به دو بلوک و اردوگاه غرب و شرق تقسیم شد. کشورهای اروپای غربی به همراه ایالات متحدهٔ آمریکا نمایندگان تفکر لیبرال دموکراسی و سردمداران اقتصاد آزاد محسوب می‌شدند که در برابر اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای اروپای شرقی که مظهر ایدئولوژی کمونیسم و اقتصاد دولتی به‌شمار می‌رفتند، به صف‌آرایی پرداختند. به زودی این جبهه بندی سیاسی ایدئولوژیک در ائتلاف‌ها و پیمان‌های امنیتی و نظامی نیز متبلور گردید.

در سال ۱۹۴۹ ده کشور اروپای غربی به همراه ایالات متحدهٔ آمریکا و کانادا در آن سوی اقیانوس اطلس، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو را تأسیس کردند. شش سال بعد در ۱۹۵۵ کشورهای اروپای شرقی تحت رهبری مسکو تأسیس پیمان ورشو را اعلام نمودند. در طول سال‌های نیمهٔ دوم دههٔ ۵۰ و نیمهٔ اول دههٔ ۶۰ هر دو قطب سیاسی تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا حوزهٔ نفوذ خود را از اروپا فراتر ببرند و در اقصی نقاط

1. Non-Aligned Movement

آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین نیز دست به یارگیری بزنند و متحدان و اقمار جدیدی را گرد خود جمع آورند. این یارگیری، هم به صورت موردی و تک تک و هم به صورت ایجاد اتحادیه‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای متمایل به یکی از دو ابرقدرت در نقاط مهم و راهبردی جهان انجام می‌گرفت.

در شرایطی که معادلات جنگ سرد گفتمان مسلط در نظام بین‌الملل به شمار می‌رفت، کشورهای مستقل جهان خود را در تنگنای مشقت باری گرفتار می‌دیدند که راه گریزی جز پناه بردن به یکی از اردوگاه‌های کمونیسم یا سرمایه‌داری فراروی خود مشاهده نمی‌کردند. ناراسیمهارائو، سیاستمدار هندی، دراین باره چنین می‌گوید: نسل نخست رهبرانی که جنبش عدم‌تعهد را بنیان گذاشتند و پرورش دادند، تحت تأثیر مبارزات آزادیخواهانه خلق‌های خود و در راستای سنن ضد استعماری و ضد امپریالیستی بودند.[۲] در چنین فضایی بود که تنی چند از رهبران مستقل و آزادیخواه از کشورهای جهان سوم ایدهٔ ایجاد جبهه‌ای جدید و غیر وابسته به دو ابر قدرت را مطرح کردند. جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر وقت هند در زمرهٔ این رهبران قرار داشت. وی نخستین کسی بود که عبارت "عدم‌تعهد" یا غیر وابسته را در توصیف دغدغهٔ ذهنی آن دسته از کشورهای جهان که نمی‌خواستند وابسته و هم پیمان یکی از دو ابرقدرت جهان باشند، به کار برد. نهرو طی سخنرانی‌ای که در سال ۱۹۵۴ در کلمبو پایتخت سریلانکا ایراد کرد، پنج محور اصلی را که بنیان‌های فکری ایدهٔ عدم‌تعهد، تشکیل می‌دادند، به شرح زیر اعلام کرد:

- اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها
- اصل منع تجاوز و دست اندازی به قلمرو یکدیگر
- اصل منع مداخله در امور داخلی
- اصل برابری کشورها
- اصل همزیستی مسالمت‌آمیز

بهانه اولیه برای گردهمایی کلمبو در سال ۱۹۵۴ رایزنی برای دستیابی به همکاری بیشتر میان کشورهای تازه استقلال یافته و اتخاذ سیاست‌ها و مواضع مشترک از سوی این کشورها بود.[۳] یک سال بعد در آوریل ۱۹۵۵ طی کنفرانسی در شهر باندونگ در اندونزی

نخستین پایه‌های نهضت عدم‌تعهد بنیان نهاده شد. در بیانیه پایانی این کنفرانس که به بیانیه باندونگ شهرت یافت، محورهای زیر که به نوعی ملهم از پنج اصل نهرو بود، مورد موافقت شرکت کنندگان قرار گرفت:[۴]

- احترام به حقوق اساسی انسانی و احترام به اهداف و اصول منشور سازمان ملل‌متحد
- به رسمیت شناختن برابری همه نژادها و ملت‌ها صرف‌نظر از بزرگی یا کوچکی آنها
- خودداری از مداخله در امور داخلی کشورها
- خودداری از تجاوز یا تهدید به تجاوز یا استفاده از زور
- حل و فصل همه اختلافات از راه‌های مسالمت‌آمیز

در سپتامبر ۱۹۶۱ و به دعوت مارشال تیتو[۱] رئیس جمهور وقت یوگسلاوی اولین نشست رسمی سران نهضت عدم‌تعهد در بلگراد برگزار شد. در اجلاس بلگراد، رهبران ۲۱ کشور از نقاط مختلف جهان گرد هم آمدند تا تمایل و ارادهٔ سیاسی کشورهای متبوع خود مبنی برنداشتن گرایش و وابستگی به دو بلوک شرق و غرب را اعلام کنند. جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند، جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر، ژنرال احمد سوکارنو رئیس جمهور اندونزی و بالاخره فیدل کاسترو رهبر کوبا از برجسته‌ترین رهبران کشورهای جهان سوم محسوب می‌شدند که در اجلاس بلگراد حضور داشتند.

گرچه شعار رسمی نهضت عدم‌تعهد، همان گونه که از عنوان آن پیداست مردود شمردن هرگونه تعهد و وابستگی به یکی از دو بلوک بود، اما در عمل بسیاری از کشورهای عضو در زمرهٔ اقمار یکی از دو ابرقدرت به ویژه اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شدند. کشور کوبا یکی از مصادیق بارز این واقعیت است. شاید در راستای به‌رسمیت شناختن همین واقعیت انکارناپذیر بود که در اجلاس بلگراد، اعضای نهضت به سه دستهٔ غیروابستهٔ هواخواه غرب، غیروابستهٔ هواخواه کمونیسم و غیروابستهٔ بی‌طرف تقسیم شدند. این تقسیم بندی در حقیقت راهکاری بودکه کشورهای عضو برای جلوگیری از فروپاشی زودرس سازمان اندیشیدند.

1. Josip Broz Tito

براساس این تقسیم، کشورهایی نظیر عربستان سعودی، اتیوپی و لبنان در زمرهٔ اعضای غیر وابستهٔ هواخواه غرب، کشورهایی مثل کوبا، غنا و یوگسلاوی غیروابستهٔ هواخواه شرق و کشورهایی چون الجزایر، مراکش و اندونزی غیروابستهٔ بی‌طرف شناخته شدند. اختلاف بر سر تعریف واژه "عدم‌تعهد" و اینکه چه کشوری با چه الگویی از روابط در سیاست خارجی مصداق عدم‌تعهد شناخته می‌شود، از مهم‌ترین مناقشه‌ها و مباحثات دیگر اجلاس بلگراد بود. در بیانیهٔ پایانی اجلاس این اختلاف بدین گونه برطرف شد که هر گاه کشوری تمایل خود را برای رهایی از یک اتحادیهٔ نظامی ابراز دارد یا قصد خود مبنی بر پذیرفتن سیاستی بی‌طرفانه را بیان کند، این امر برای نشان دادن و اثبات غیروابسته بودن یا "عدم‌تعهد" آن کشور کافی است.

دومین اجلاس سران نهضت عدم‌تعهد در سال ۱۹۶۴ در قاهره برگزار شد که در آن ۴۶ کشور حضور یافتند. بخش عمده‌ای از مباحثات اجلاس دوم به بحث درباره منازعهٔ اعراب با اسرائیل و نیز اختلافات هند و پاکستان اختصاص داشت. اجلاس بعدی سران در ۱۹۶۹ در لوزاکا پایتخت زامبیا و با شرکت ۵۴ کشور جهان برگزار شد. کنت کاوندا[1] اولین رئیس جمهور زامبیا نقش بسیار عمده‌ای در موفقیت اجلاس سوم ایفا کرد. اجلاس چهارم در ۱۹۷۳ در الجزیره و در شرایطی برگزار شد که شوک نفتی ۱۹۷۳ اقتصاد جهان و ازجمله اقتصاد کشورهای عضو نهضت را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده بود.

نشست‌های بعدی سران جنبش عدم‌تعهد به‌ترتیب زیر برگزار شده است:

- کنفرانس پنجم: شانزدهم تا نوزدهم آگوست ۱۹۷۶، کلمبو
- کنفرانس ششم: سوم تا نهم سپتامبر ۱۹۷۹، هاوانا
- کنفرانس هفتم: هفتم تا دوازدهم مارچ ۱۹۸۳، دهلی نو
- کنفرانس هشتم: اول تا ششم سپتامبر ۱۹۸۶، حراره
- کنفرانس نهم: چهارم تا هفتم سپتامبر ۱۹۸۹، بلگراد
- کنفرانس دهم: اول تا هفتم سپتامبر ۱۹۹۲، جاکارتا

---

1. Kenneth Kaunda

- کنفرانس یازدهم: هجدهم تا بیستم اکتبر ۱۹۹۵، کارتاگنا
- کنفرانس دوازدهم: دوم و سوم سپتامبر ۱۹۹۸، دوربان
- کنفرانس سیزدهم: بیستم تا بیست پنجم فوریه ۲۰۰۳، کوآلالامپور

ایندیرا گاندی، نخست وزیر فقید هند در توصیف اهمیت تاریخی جنبش عدم‌تعهد چنین می‌گوید: "جنبش عدم‌تعهد مجموعه‌ای تصادفی و معمولی از تک تک کشورها نیست. این جنبش محصول فرآیندی تاریخی است که از جریانات فرهنگی، معنوی و تاریخی متعددی نشئت گرفته است."[۵] به زعم بسیاری از تحلیل‌گران، با وجود پایان یافتن جنگ سرد، هنوز چالش‌های بسیاری در سر راه صلح جهانی وجود دارد. تهدیداتی از قبیل افراط‌گرایی، ملی‌گرایی تهاجمی، تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی از مواردی هستند که فراروی تمامی جامعهٔ جهانی ازجمله کشورهای عضو نهضت عدم‌تعهد قرار دارند. همهٔ اینها در کنار پدیدهٔ جهانی سازی و عواقب ناشی از آن، مسائل جدیدی را پیش روی اعضای جنبش عدم‌تعهد قرار داده است که کشورهای عضو بایستی چاره‌ای برای آنها بیندیشند.[۶]

ب. ساختار تشکیلاتی جنبش عدم‌تعهد

جنبش عدم‌تعهد برخلاف سایر سازمان‌های مشابه، از ساختار و چارت تشکیلاتی منظم ودقیقی که در قالب یک دبیرخانه سازماندهی شده باشد، برخوردار نیست. مسئولیت اصلی هماهنگی امور جنبش بیشتر برعهدهٔ کشوری است که ریاست جنبش را در فاصلهٔ دو اجلاس سران بر عهده دارد. رئیس کشور میزبان ریاست ادواری جنبش را عهده‌دار است و وزیر خارجهٔ کشور متبوع در کنار سفیر آن کشور در مقر سازمان ملل‌متحد بازیگران اصلی برای ادارهٔ امور جاری جنبش محسوب می‌شوند.[۷] به منظور تسهیل انجام امور و نیز کمک به کشور میزبان در انجام مأموریت‌های محوله، نهادهایی چون گروه‌های کاری[۱]، گروه‌های

1. Working Groups

تماس[1]، نیروهای وظیفه[2] و کمیته‌های نهضت عدم‌تعهد[3] تأسیس شده‌اند. ایجاد هماهنگی میان این چهار نهاد برعهدهٔ دفتر هماهنگ کننده[4] است. تعدادی از مهم‌ترین و فعال‌ترین این گروه‌ها از این قرارند:

- گروه کاری تجدید ساختار شورای امنیت
- گروه کاری تحریم‌های سازمان ملل
- گروه کاری دیپلماسی بازدارنده و صلح سازی
- گروه کاری حقوق بشر
- گروه کاری خلع سلاح
- کمیتهٔ فلسطین
- گروه تماس قبرس

به منظور هماهنگی بیشتر میان نهضت عدم‌تعهد و گروه موسوم به هفتاد و هفت، کمیتهٔ دیگری موسوم به کمیته مشترک هماهنگ کننده[5] در سال ۱۹۹۴ در نیویورک تشکیل شد. این کمیته با تشکیل جلسات منظم به رایزنی برای تعریف منافع مشترک میان دو سازمان مزبور که اعضای مشترک بسیاری دارند، مبادرت می‌کند. یکی از مسائل مهم برای همهٔ سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای وجود نوعی استمرار و یکپارچگی در روند تصمیم‌گیری و اجراست. در پاسخ به این نیاز وزرای خارجهٔ کشورهای عضو نهضت عدم‌تعهد در اجلاس ششم آوریل ۱۹۹۷ در دهلی نو تصمیم به تأسیس گروه تروئیکا گرفتند. این نهاد در حقیقت سه کشوری را که در اجلاس قبلی، اجلاس حاضر و اجلاس آینده میزبانی و ریاست نهضت را بر عهده داشتند و خواهند داشت، گردهم می‌آورد تا با تشریک مساعی و تبادل تجربیات خود، انسجام بیشتر و وحدت رویهٔ مؤثرتری را برای جنبش به ارمغان

1. Contact Groups
2. Tasks Forces
3. NAM Committees
4. Coordinating Bureau
5. Joint Coordinating Committee

بیاورند. وظیفهٔ تهیه و توزیع اسناد مربوط به مذاکرات و نیز تهیهٔ پیش نویس قطعنامه‌ها و بیانیه‌های جنبش بر عهدهٔ کشور میزبان است. این مهم بایستی ضمن مشاوره‌های جامع با سایر اعضا و حداقل یک ماه قبل از تشکیل اجلاس صورت پذیرد. تصمیم‌گیری در سازمان براساس اجماع صورت می‌گیرد.

گردهمایی کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد غالباً به یکی از صورت‌های زیر انجام می‌پذیرد:

۱- کنفرانس سران

۲- کنفرانس وزرای خارجه

۳- ملاقات وزرای خارجه در نیویورک و همزمان با اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل

۴- اجلاس فوق العادهٔ وزرای خارجه حسب مورد

۵- اجلاس وزرای امور خارجه عضو دفتر هماهنگ کننده

۶- اجلاس وزرای عضو کمیتهٔ همکاری‌های اقتصادی جنبش

۷- و بالاخره اجلاس مربوط به سایر نهادهای سازمان از قبیل اجلاس گروه‌های کاری و گروه‌های تماس که در سطوح مختلف برگزار می‌شود.

ج. جنبش عدم‌تعهد و تحولات نظام بین‌الملل

یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که نهضت عدم‌تعهد می‌تواند در آن به ایفای نقش موثر در نظام بین‌الملل بپردازد، حضور جدی و پر رنگ در سازمان ملل‌متحد است. کشورهای عضو نهضت عدم‌تعهد با داشتن بیشترین کرسی‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل یکی از بزرگترین بلوک‌های سیاسی در این سازمان بین‌المللی به شمار می‌آیند و به راحتی می‌توانند بر فرآیند تصمیم‌گیری در این نهاد تأثیر بگذارند.

حوزهٔ نفوذ و تأثیر نهضت عدم‌تعهد در سازمان ملل تنها به مجمع عمومی محدود نمی‌شود و شورای امنیت را نیز در بر می‌گیرد. بخش عمده‌ای از اعضای غیر دائمی شورای امنیت از میان کشورهای عضو نهضت عدم‌تعهد انتخاب می‌شوند و این بدان معناست که

نهضت عدم‌تعهد مجموعه‌ای است که می‌تواند نقش مهمی را در مراحل مختلف تصمیم‌گیری در شورای امنیت ایفا کند. این نقش از مراحل نخست یعنی ارجاع یک مسئله به شورای امنیت و درخواست رسیدگی از شورا، تا مراحل نهایی یعنی ارائهٔ پیش‌نویس قطعنامه و دادن رأی مثبت یا منفی به قطعنامه‌های پیشنهادی از سوی اعضای دایمی به‌چشم می‌خورد. آنتونی پارسونز نمایندهٔ اسبق بریتانیا در سازمان ملل بر واقعی و مؤثر بودن در روند تصمیم‌گیری شورای امنیت تأکید دارد و رأی غیر متعهدها در شورای امنیت را به مثابهٔ وتوی ششم می‌داند.[۸] رئیس دفتر هماهنگ کنندهٔ جنبش عدم‌تعهد مستقر در نیویورک نمایندگی جنبش در شورای امنیت را عهده‌دار است و معمولاً در جلسات شورای امنیت حضور می‌یابد و به بیان دیدگاه‌های اعضای نهضت می‌پردازد.

جنبش عدم‌تعهد در طول حیات چهل سالهٔ خود ناکامی‌های عمده‌ای را در پروندهٔ خود دارد. یکی از پررنگ‌ترین و بزرگترین این ناکامی‌ها، ناتوانی سازمان در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات میان اعضا و بروز جنگ‌های خونین میان اعضای سازمان بوده است. جنگ هشت سالهٔ ایران و عراق، و منازعات مستمر میان اعضای آفریقایی این سازمان از مصادیق این ناکامی‌ها محسوب می‌شود. در جنگ ایران و عراق، جنبش اقدامات بی‌ثمری را برای ایجاد آتش‌بس میان طرفین انجام داد که تشکیل کمیته حسن نیت ازآن جمله بود. این کمیته برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و با شرکت نمایندگان کشورهای کوبا، یوگسلاوی، الجزایر، زامبیا، هند، پاکستان، و سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل گردید و سفرهای متعددی به دو کشور داشت که همگی با ناکامی روبه‌رو شد.

جنبش عدم‌تعهد در حال حاضر دارای ۱۱۶ عضو از سراسر جهان است.[۹] کشورهای آلمان، روسیه، ایتالیا، کانادا و سوئیس به عنوان میهمان در اجلاس جنبش شرکت می‌کنند. کشورهای آنتیگوآ باربادوس، ارمنستان، آذربایجان، برزیل، جمهوری خلق چین، کاستاریکا، کرواسی، دومنیکا، السالوادور، قزاقستان، قرقیزستان، مکزیک، صربستان و مونته نگرو، اوکراین و اروگوئه به صورت عضو ناظر در اجلاس جنبش عدم‌تعهد حضور دارند. جامعهٔ عرب، سازمان ملل‌متحد و اتحادیهٔ آفریقایی نیز در زمرهٔ سازمان‌های بین‌المللی هستند که به عنوان ناظر در اجلاس جنبش عدم‌تعهد شرکت می‌کنند.

اجلاس سران جنبش هر سه سال یک‌بار و معمولاً یک ماه قبل از برگزاری اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل برگزار می‌شود و بزرگترین رخداد جنبش به حساب می‌آید. کشور میزبان نیز برای سه سال ریاست سازمان را بر عهده دارد. ریاست کنونی سازمان بر عهدهٔ کوبا است که از سال ۲۰۰۶ شروع شده است. کنفرانس سران جنبش عدم‌تعهد هر سه سال یک بار برگزار می‌گردد. دستورکار این اجلاس و دیگر جزئیات مربوط به آن معمولاً در اجلاس مقدماتی وزرای خارجه در کشور میزبان مورد بحث و موافقت قرار می‌گیرد. رهبران شرکت کننده در اجلاس سران علاوه بر حضور در نشست‌های عمومی سران، نشست‌هایی را نیز در قالب دو کمیتهٔ تخصصی دیگر برگزار می‌کنند. کمیتهٔ نخست به مباحث سیاسی و کمیتهٔ دوم به مباحث اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد. در این کمیته‌ها مفاد سند نهایی اجلاس مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. تمام مطالب مربوط به ساختار تشکیلاتی سازمان کنفرانس اسلامی از سایت‌های زیر و مطابق اطلاعات موجود در آنها تا تیر ماه ۱۳۸۴ استخراج شده است.

http://www.oic-oci.org/

http://www.oic-un.org/

http://www.islamicnews.org/

۲. ب. ن. کاول، افق های نوین جنبش عدم تعهد، ترجمه علی آذرنگ، تهران: نشر روز، ۱۳۶۵، ص.۱۶۳.

۳. علی اکبر عبد الرشیدی، جنبش عدم تعهد از آغاز تا سال ۱۹۸۵، تهران: سروش، ۱۳۶۵، ص ۲۳.

۴. همان،ص ۲۶.

5. Front Line Journal , Vol. 18., No. 24 . (Nov.24-2001) cited at: http://www.flonnet.com/fl1824/18240780.htm

6. Krishnan, N., in: Non-Aligned movement: Extending Frontiers, ed. by: Pramila Srivastava. (New Delhi: Kanishka publishers, 2001) p.62.

۷. تمام مندرجات مربوط به ساختار تشکیلاتی جنبش عدم تعهد در این بخش از سایت‌های زیر و مطابق داده های موجود تا تیر ماه ۱۳۸۴ نقل شده است.

http://www.nam.org.za

http://portal.e-nam.org.my/wps/portal/!ut/p

http://www.namkl.org.my

http://www.grohol.com/psypsych/Non-Aligned_Movement

۸ آنتونی پارسونز در مصاحبهٔ اختصاصی با نگارنده، انگلستان: اکتبر۱۹۹۶.

۹. اعضای نهضت عدم تعهد عبارتند از: مغرب، موزامبیک، میانمار، نامیبیا، نپال، نیکاراگوئه، نیجر، نیجریه، کره شمالی، عمان، پاکستان، فلسطین، پاناما، گینهٔ پاپائو، پرو، فیلیپین، قطر، روآندا، سنت لوسیا، سنت وین، سنت وگرانادا، ساتو تامه، عربستان سعودی، سنگال، سی شل، سیرالئون،

سنگاپور، سومالی، آفریقای جنوبی، سریلانکا، سودان، سورینام، سوآزیلند، سوریه، تانزانیا، تایلند، تیمور لسهتو، توگو، ترینیداد وتوباگو، تونس، ترکمنستان، اوگاندا، امارات عربی متحده، ازبکستان، وانواتا، ونزوئلا، ویتنام، یمن، زامبیا و زیمبابوه. تا سال ۱۹۹۴ کشورهای مالتا و قبرس نیز از اعضای جنبش بودند، ولی در این سال و به دنبال عضویت در اتحادیه اروپایی از جنبش خارج شدند.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

آلادپوش، علی و توتونچیان، علیرضا، **دیپلمات و دیپلماسی** (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲).

البرزی، محمدرضا، **ارزیابی تحولات دیپلماسی در قرن بیستم** (تهران: سفیر، ۱۳۶۸).

ب.ن. کاول، **افق‌های نوین جنبش عدم‌تعهد**، ترجمه علی آذرنگ (تهران: نشر روز، ۱۳۶۵).

پک، کانی، **صلح پایدار، نقش سازمان ملل‌متحد و سازمان‌های منطقه‌ای در پیشگیری از جنگ**، ترجمهٔ سهیلا ناصری (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱).

دبیری، محمدرضا، **دیپلماسی کاربردی و رویه‌های دیپلماتیک** (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴).

دبیری، محمدرضا، **استراتژی و تاکتیک در مذاکرات دیپلماتیک** (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹).

دبیری، محمدرضا، **آداب تشریفات و آیین کار در سازمان ملل‌متحد** (تهران: دفتر **مطالعات** سیاسی و المللی، ۱۳۷۲).

دولتشاهی، طهماسب، **سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی** (تهران: ویستار، ۱۳۷۵)

ژربه، پی یر، **سازمان‌های بین‌المللی**، ترجمهٔ محمد امین کاردان (تهران: سازمان کتابهای

جیبی، ۱۳۴۵).

سیف زاده، سیدحسین، **نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل** (تهران: سفیر، ۱۳۶۸)

شاو باند، میشل. " قدرت لجام گسیخته سازمان‌های غیر دولتی " ترجمه: الف البرز، **ترجمان سیاسی**، شماره ۲۹.

صدر، جواد، **تأسیسات و سازمان‌های بین‌المللی** (تهران: انتشارات مؤسسهٔ عالی علوم سیاسی ۱۳۵۰).

ضیایی بیگدلی، محمدرضا، **اسلام و حقوق بین‌الملل** (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵)

عامری، هوشنگ، **کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل‌متحد**، ترجمه فریدون مجلسی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و المللی، ۱۳۸۰).

عبد الرشیدی، علی اکبر، **جنبش عدم‌تعهد از آغاز تا سال ۱۹۸۵** (تهران: سروش، ۱۳۶۵).

علی بابایی، غلامرضا و آقایی، بهمن، **فرهنگ علوم سیاسی**، جلد ۵-۱ (تهران: ویس، ۱۳۶۵).

عنان، کوفی، **گفتگوی تمدن‌ها و نیاز برای اخلاق جهانی**، (تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل، ۱۳۷۸).

کاظمی،سید علی اصغر، **دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌المللی** (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و المللی، ۱۳۶۵).

کامرون، هیوم، **سازمان ملل‌متحد و جنگ ایران و عراق**، ترجمهٔ هوشنگ راسخی(تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی،۱۳۷۶).

کلاود جونیر، اینیس، **ارزیابی سازمان‌های بین‌المللی در قرن بیستم**، ترجمهٔ فرهنگ رجایی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۶).

کرمی، جهانگیر، **شورای امنیت سازمان ملل‌متحد و مداخلهٔ بشردوستانه** (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۷۵).

معیری، منوچهر، **نقش دبیرکل سازمان ملل‌متحد در وقایع سیاسی جهان** (تهران:

انتشارات دهخدا ۱۳۴۴).

کلیپار، کلود آلبر، **نهادهای روابط بین‌الملل**، ترجمهٔ هدایت الله فلسفی (تهران: نشر نـو، ۱۳۶۸).

معین زاده، عباس، **حقوق دیپلماتیک نوین** (تهران: دفتـر مطالعـات سیاسـی و المللـی، ۱۳۷۶).

مقتدر، هوشنگ، **تحولات سازمان ملل‌متحد** (تهران: انتشارات فرمند، بی‌تا).

منصفی، ابوالقاسم، **سازمان‌های بین‌المللی** (تهران: انتشارات دانـشکده علـوم ارتباطـات اجتماعی، ۱۳۵۷).

موسی زاده، رضا، **حقوق بین‌المللی عمومی** (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸).

راهنمای اطلاعاتی سازمان ملل‌متحد، ترجمهٔ علی میـر سـعید قاضـی (تهـران: مرکـز اطلاعات سازمان ملل در تهران، ۱۳۷۶).

منابع انگلیسی:

Books and Journal Articles:

Abdulghani, Jasim., *Iran and Iraq: Roots Of Conflicts,* New York: Syracuse University Press, 1982.

Alger, C. F., "Non-Resolution Consequences of the UN and effects on International Conflicts" In *Journal of Conflict Resolution,* vol. 5, no. 2, 1966, PP. 128-145.

Al-Kawari, H. A., *The Decision-Making Process of the UN Security Council: the Iran-Iraq War as a Case Study,* (Ph.D. thesis), New York: State University of New York at Stony, 1990.

Anvari, E., *Iraqi Attitudes and the 1975 Agreement,* in F. Rajaee,

(ed.), "The Iran-Iraq War, The Politics of Aggression", Florida: University Press of Florida, 1993.

Appadurai, Arjun, (ed) *Globalization*, Durham: Duke University Press, 2001.

Archer, C. *International Organisations*, London: George Allen & Unwin, 1983.

Armstrong, D. The Rise of International Organisation; A Short History, London: Macmillan, 1982.

Aron, R., *Peace and War, A Theory of International Relations,* Translated by Howard, R., London: Weidenfeld & Nicolson, 1966.

Baehr, P. R., and Gordenker, L. *The United Nations the 1990s,* London: Macmillan, 1992.

Barros, James. (ed.), *The United Nations; Past Present and Future*, New York: Free Press, 1972.

Barston, Ronald P. "International negotiation: The development of Central Concepts. "In *European Journal of Political Research.* vol. 11, no. 2, 1983, pp. 129-137.

Bennett, A. L. *International Organisation: Principles and Issues,* New Jersy: Prentice Hall, 1991.

Bentwich, Norman. *From Geneva to San Francisco; An Account of the International Organisation of the New Order.* London: Victor Gollancz LTD, 1949.

Bergsten, C. Fred., "Interdependence and the Reform of International Institutions,"

In *International Organisation,*: vol. 30, no. 2, Spring 1976. pp. 369-

380.

Bertrand, Maurice. *Can the United Nations be Reformed?* In: Roberts, (ed.).

Blackaby, F. "New World Order" In *Current Decision Report; Decision-Making in the Gulf: Lessons to be Learned,* no. 5, 1991, pp. 15-18.

Bledsoe R.L., and Boczel B.A, *The International Law Dictionary,* Oxford: ABC – CLIO. 1987.

Bock, P.G. *Functionalism in international organisation,* In Sills, D. S. (ed.), New York: Macmillan, 1968.

Brinkhorst, L J. Maas H H. and Vanpanhuys, H F. *International Organisation and Integration; A Collection of the Texts of Documents Relating to the United Nations, its Related Agencies and Regional International Organisation.* Lyden: Cornelisvan Vollenloven Foundation, 1968.

Calvocoressi, Peter. *World Politics Since 1945,* London: Longman, 1989.

Chai, F. Y, *Consultation and Consensus in the Security Council,* New York: UNITAR, 1971.

Chamberlin, Joseph B. *International Organisation,* New York: United Nations, 1965.

Charles Tripp, "Europe and the Persian Gulf," In *Cambridge Review of International Affair,* vol. 2, no. 2, 1988, pp. 1-14.

Childers, Erskine, B." Gulf Crisis Lesson for the United Nations" In *Bulletin of Peace Proposals,* vol. 23, no. 2, 1992, pp. 129-138.

Childers, E. and Urquhart, B. "Renewing the United Nations System" In *Development Dialogue (Journal),* no. 1, Uppsala: Dag Hammerskjold Foundation, 1994.

Chubin, S., And Tripp, C., *Iran and Iraq at War,* London: I.B. Tauris, 1988.

Chubin, S. *Iran National Security Policy,* Washington: The Carnegie for Peace, 1994.

Chubin, S. "Iran and the War: From Stalemate to Cease-fire", In Maull, H. W., and Pick, O. (eds.), *The Gulf War, Regional and International Dimensions,* London: Printer Publisher, 1989. PP. 5-17.

Clammer, John, *In But Not of the World? Globalization and the End of the World History*, In: Demistifying Globalization , (ed), by Colin Hay and David Marsh, London, Macmillan Press, 2000.

Claude, Inis. L. *Swords into Plowshare; The Problems and Progress of International Organisation,* New York: Random House, 1964.

Claude, I, International Organisation, In: *International Encyclopaedia of the Social Science*,(ed.) by David L. Sills, (New York: The Macmillan Company & The Free Press, 1968), vol. 8.

Codding, G. A. "Influence in International Conferences." In *International Organisation*. vol. 35, no. 4, 1981, pp. 715-724.

Cruce, E. *The New Cyneas*, ed. and trans.,Thomas Willing Balch, Philadelphia: Allen, Lane and Scott, 1909.

Dungen, P. V. *The Making of Peace: Jean De Bloch and the First Hague Peace Conference*, Los Angeles: Centre For Study of Armament and Disarmament, 1983.

Duverger, *The study of Politics,* (London: Nelson, 1972), P. 68. cited in: C. Archer, *International Organisations,* London: George Allen & Unwin, 1983

Ehteshami. Anoushirvan, *The Forieng Policy of Iran*, In: The Foreign Policies o f Middle East States, (eds) by: Raymond Hinnebusch and Anoushirvan Ehteshami, London: Lynne Reinner 2002.

Ehteshami A., Nonneman, G. and Tripp, C. *War and Peace in the Gulf,* Reading: Ithaca Press,1991.

Ehteshami, A. and Varasteh, M. (eds.), *Iran and the International Community,* London: Roultedge, 1991.

Elmandjra, Mahdi. *The United Nations System ; An Analysis,* London: Faber & Faber, 1973.

Falk, Richard., "The International Order and the Prospects for Humanity in the 1980s," in Canadian Council on International Law, *International Law and Canadian Foreign Policy in the 1980s,* Ottawa:CCLL, 75-83.

Fawcett, J. E. C. and Higgins, R. *International organisation Law in Movement,* London: Oxford, Univ. Press, 1974.

Feurle, L. "Informal Consultation: A Mechanism in Security Council Decision-Making. " In *NYU Journal of International Law and Politics.* no. 18, Fall 1985. pp. 267-308.

Fisher, R., *Conflict and Behavioural Science,* New York: Basic Book Inc. 1964.

Ford, A., "Secretary-General", In Wortley, B A. (ed.), *The United Nations, The First Ten Years,* Manchester: University Press, 1957.

Gibbons, S R., and Morican, P.,*The League of Nations and UNO,*London: Longman , 1970.

Glennon, M J. "The Gulf War and the Constitution" In *Foreign Affairs*. vol. 70, no. 2, 1991, pp. 84-101.

Goldstein, J S. *International Relations,* New York: Harper Collins, 1994.

Goodspeed, S. S. *The nature and Function of International Organisation,* New York: Oxford University Press, 1967.

Goodwin, G L. and Strange, S. *Research on International Organisation,* London: Heinemann, 1968.

Groom, A. J. R. and Taylor, P. (eds.), *Functionalism: Theory and Practice in International Relations,* London: University of London Press, 1975.

Gulliver P H., "Arbitration and Mediation", In Kuper A.and Kuper J.,(eds.), The Social Science Encyclopaedia, London: Routledge & Kengan Poul, 1985.

Gutteridge, J. A. C. *The United Nations in a Changing World,* Manchester: The University Press, 1969.

Haggins, Rosalyn. "The Place of International Law in the Settlement of Disputes in the Security Council" In *The American Journal of International Law,* no. 64, 1970. pp. 1-18.

Harrod, J. and Schriver, N., *The UN Under Attack,* Brookfield: Gower, 1988.

Hawkes, J. and Wooley, L. *History of Mankind; Cultural and Scientific Development,* vol. 1. (Prehistory and Beginning of

Civilisation), London: George Allen & Unwin, 1963.

Hedayati Khomeini, A., *The Security Council and the Imposed War,* Tehran: IPIS, 1991

Holt, R T. and Turner J E. *The Methodology of Comparative Research,* New York: The Free Press, 1970.

Hooglund, E. *The United States and Iran. 1981-89.* In: Ehteshami, A. and Varasteh, M. (eds.), *Iran and the International Community.* London: Roultedge, 1991, pp. 31-45.

Howard, Michael. *The United Nations and International Security,* In Roberts, Adam. (eds.), *The United Nations , A Divided World: The United Nation's Role in International Relations,* Oxford: Clarendon Press, 1988.

Hume, C. R. *The United Nations, Iran and Iraq, How Peace -Making Changed,* Indiana: Institute for Study of Diplomacy, Georgetwn University, 1984.

Hunter, Shireen T. *Iran and the World; Continuity in a Revolutionary Decade,* IndianaPolis: Indiana University Press, 1990.

Hunter, Shireen., *Christian Science Monitor,* 15 September 1988. Cited by Sigler, J. in Rezun, M., P.158.

Hurrell, Andrew, *The Foreign Policy of Modern Brazil* in: Comparative Foreign Policy Adaptation Strategies of The Great and Emerging Powers (ed) by Hook, S, London: Prentice Hall,2001.

Jackson, R L. "The Role of the Non-Aligned States in the Security Council: A Western Perspective." In *The Non-Aligned World,* vol. 1, no. 4, 1983, pp. 464-482.

Jacobson, H. K. *Networks of Independence: International Organisation and Global Political System,* New York: Knopf, 1984.

Jensen, E. and Fisher, T. (eds.), *The United Kingdom - The United Nations,* London: Macmillan, 1990.

Jessup, P C. and Lissitzyn, O J. *International Regulation of Social Question,* New York: United Nations, 1965.

Johnson, J. T., *Just War Tradition and Restraint of War,* Surrey: Princeton University Press, 1981.

Jones, R. and Sherman, S. S. *The League of Nations, From Idea to Reality,* London: Sir Issac Pitman & Sons, 1927.

Jonsson, Chister. "A Cognitive Approach to International Negotiation" In *European Journal of Political Research*, vol.11, no. 2, 1983, pp. 139-150.

Kallen D B P., Kosse G B., Wagenaar H C., Kloprogge J J J. and Vorbeck M.(eds.), *Social Research and Public Policy- Making: A Reappraisal.* Berks: NFER-Nelson, 1982.

Karsh, E. (ed.), *The Iran-Iraq War, Impact and Implications,* London: Macmillan, 1989.

Khadduri, Majid. *The Gulf War: The Origins and Implications of the Iraq-Iran Conflict,* New York: Oxford University Press, 1988.

Kratochwil, F. and Mansfield, E D. *International Organisation: A Reader,* New York: HarperCollins Publisher, 1980.

Krishnamurti, R. " Restructuring the UN System" In *International Organisation*, vol. 34, no. 4, 1980, pp. 629-639.

Kupchan, Charles A. , *After Pax American: Benign Power, Regional*

Integration and the Source of Stable Multi Polarity, In: The New World Order: Contrasting Theories, (eds.) by Birthe Hansen and Bertel Heurlin London: Macmilan, 2000.

Kuper A., and Kuper, J.,(eds.), *The Social Science Encyclopedia,* London: Routledge & Kengan Poul, 1985.

Lister, F K. *Decision- Making Strategies for International Organisations: The IMF Model.* Denver: University of Denver Press, 1984.

Luard, Evan. (ed.), *The Evolution of International Organisation,* London: Thames & Hudson, 1966.

Luard, Evan, *Types of International Society,* New York: Free Press, 1976.

Luard, Evan, *A History of the United Nations, Volume 1. The days of Western Domination.* Hong Kong: The Macmillan Press, 1982.

Luard, Evan, *The Contemporary Role of the United Nations* , In Roberts, (eds.), pp.208-230.

Martin, D. *A Working Peace System,* Chicago: Quad Rangle, 1966.

McCall, S. " Decision" In *Canadian Journal of Philosophy,* vol. 17, no. 2, 1987.

McLaren, R I. "The UN System and its Quixotic Quest for Co-ordination" In *International Organisation,* vol. 34, no.1, 1980, pp. 139-148.

Miall, H. " Could the Gulf Conflict Have Been Settled Peacefully?" In *Current Decision Report; Decision-Making in the Gulf: Lessons to be Learned,* no. 5, 1991, pp. 33-41.

Midgaard, knut. "Rules and Strategy in Negotiations: Notes on a Institutionalist and Internationalist Approach", *European Journal of Political Research*, vol. 11. no. 2. 1983, pp. 151-165.

Minear, L. and Weiss T G. "Groping and Coping in the Gulf Crisis: Discerning the Shape of a New Humanitarian Order", *World Policy Journal*. vol. IX. no.4. 1992. pp. 755-777.

Mingst, Karen *Essentials of International Relations*, London:W.W & Norton Company, 2003.

Mullins, L. G. *Management and Organisation Behaviour,* London: Pitman Publisher, 1985.

Nicholson, M. *Formal Theories in International Relations,* Cambridge: Cambridge University Press, 1989.

Northedge, F. S. *The League of Nations; its life and Ttimes,* New York: Holmes & Meirer, 1986.

Northedge F. S. and Donelan, M. D. *International Disputes: The political Aspects,* London: European Publication, 1971.

Parsons, Anthony. *The UN and National Interests of States,* In Roberts, Adam. (eds.), "The United Nations , A Divided World: The United Nation's Role in International Relations", Oxford: Clarendon Press, 1988.

Parsons, Anthony, "Iran and the Untied Nations, With Particular Reference to the Iran-Iraq War", In Ehteshami, A. and Varasteh, M. (eds.), *Iran and the International Community,* London: Roultedge, 1991. pp. 7-30.

Parsons, T. *Structure and Process in Modern Societies,* Glencoe: Free

Press, 1960.

Pettman, Ralph, World Politics: Rationalism and Beyond, London: Palgrave, 2001.

Perez De Cuellar, Javier. *The Role of the Secretary - General,* In Roberts, Adam. (eds.), "The United Nations , A Divided World: The United Nation's Role in International Relations", Oxford: Clarendon Press, 1988.pp. 61-77.

Plano, J. C. and Riggs, R. E. *Forging World Order; The Politics of International Organisation,* New York: Macmillan, 1967.

Plano, J.C and Olton R., *The International Relations Dictionary,* (Fourth Edition).Essex: Longman, 1988.

Potter, Pitman. B. *An Introduction to the Study of International Organisation,* London: G. Bell & Sons Ltd, 1928.

Price, Thomas J. "Behaviour Modes: Towards a Theory of Decision-Making" In *The Journal of Politics,* vol. 3, no. 1, 1975, pp. 416-435.

Pugh, D S. Hickson D G. and Hinings C.R. *Writers on Organisations: Structure of Functioning of Decision-Making in Management of People in Organisation in Society.* London: Penguin Books, 1983.

Ramazani, R. K., (ed.), *Iran's Revolution, the Search for Consensus,* Indianapolis: Indiana University Press, 1990.

Ramazani, R. K, "Who Started the Iran-Iraq War?", In: *Virginia Journal of International Law,* vol 33, no. 1, Fall 1992, pp. 69-89.

Raporort, A., *Critique of Strategic Thinking,* In: Fisher, (ed), p. 211.

Reitz, H J. *Behavior in Organization,* USA: Richard D. Irwin Inc., 1977.

Rezun, Miron. (ed.), *Iran at the Cross-roads; Global Relations in a Ttubulent Decad* Boulder: Westview Press, 1990.

Rittberger, Volker. "Global Conference-Diplomacy and International Policy-Making: The case of UN Sponsored World Conference" In *European Journal of Political Research,* vol.11, no. 2, 1983, pp. 167-182.

Roberts, Adam. (eds.), *The United Nations , A Divided World: The United Nation's Role in International Relations,* Oxford: Clarendon Press, 1988.

Roberts, A. and Kingsbury, B. *The UN's Role in a Divided World,* In Roberts, Adam. (eds.), *The United Nations , A Divided World: The United Nation's Role in International Relations,* Oxford: Clarendon Press, 1988. , pp.31- 45..

Robinson, K., *The First World War,* Oxford: Oxford University Press, 1984.

Rosenau, James R. *The United Nations in a Turbulent World,* London: Lynne Rienner, 1992.

Russell, B. *Which way to peace?* London: Michael Joseph Ltd, 1936.

Russet, B. and Sutterlin J S. "The UN in a New World Order" In *Foreign Affair,* vol. 70, no. 2, 1991, pp.67-73.

Scholte, J. A., *Globalization: a Critical Introduction*, New York: Polgrave, 2000.

Scruton, Roger, *The West and the Rest, Globalization and the Terrorist Threat*, London: Continuum, 2002.

Scupin,H,"Historical Movement towards Peace, in: Bernhardt

(ed.),*Encyclopaedia of Public International Law,* vol. 4, Amsterdam: North-Holland Pub., 1981.

Shubik, Martin. *Game Theory in Social Sciences: Concepts and Solution.* Massachusetts: The MIT Press, 1982.

Smith, William, *A History of Greece,* rev. George W. Green, New York: Harpere & Brothres, 1854.

Stephenson, Carolyn M., *NGOs and the Principal Organs of the United Nations*, In: The United Nations at the Millennium, ed. By P. Taylor and A.J. R. Groom, London: Continuum, 2000

Steiner M. "Human, Nature and Truth as World Order Issues" In *International Organisation,* vol. 34, no.3, 1980, pp. 335-353.

Stobart, J. C., *The Glory that Was Greece,* Forth edition, revised and edited by Hopper, R.J, London: Sidgwick & Jackson, 1964.

Sjursen, Helene, *Understanding the Common Foreign and Security Policy*, In: Understanding the European Union,s External Relatiopns, (eds.) By Michhhele Knodtand and Sebastian Princen, London: Routledge, 2003.

Syder, R. C. , Bruk, H. W. and Sapin, B.,(eds.) *Foreign Policy Decision- Making,* New York: The Free Press of Glencoe, 1962.

Sydney, B. D. *The Procedure of the UN Security Council,* Oxford: Claredon Press, 1975. Taylor, Paul. *Global Issues in the United Nations Framework,* London: Macmillan, 1989.

Taylor, Paul, and Groom, A.J. , The United Nations at the Millennium (eds.) London: Continnum, 2000

Tinbergen, Jan, "Alternative Forms of International Co-operation:

Comparing Their Efficiency" In *International Society Journal*. vol. xxx, no. 2, 1978,pp. 223-238.

Watt, D C., Spencer, F., Brown, N., *A History of the World in the Twentieth Century,* London: Hodder & Stoughton, 1967

Waldheim, K., *In the Eye of the Storm: A Memoir,* Bethesda: Alder and Alder, 1986.

Webster, C K., *The Art and Practice of Diplomacy,* London: 1961

Weiss Carol H. *Policy Research in the Context of Different Decision-Making,* In KallenD B P.,Kosse G B., Wagenaar H C., Kloprogge J J J. and Vorbeck M.(eds.), *Social Research and Public Policy- Making: A Reappraisal.* Berks: NFER-Nelson, 1982.

White, D. J. *Decision Methodology, A Formalisation of the O R Process,* London: John Wiley & Son, 1975.

Wolf, J H. and Couloumbis T A. *An Introduction to International Relations: Power and Justice,*New Jersey:

Prentice-hall Inc, 1990.

Wortley, B A. (ed.), *The United Nations, The First Ten Years,* Manchester: University Press, 1957.

مصاحبه‌ها

Parsons, Sir Anthony, Former UK Ambassador to the United Nations, June 1996, Exeter.

Rajaee Khorasani, Former Iranian Ambassador to the United Nations, August 1994, Tehran.

Hill, Steve, British Diplomat to the United Nations, Nov. 1996, New York.

Zagoskin, Vladimir, Russian Diplomat to the United Nations, Nov. 1996, New York.

Hume, Cameron, American Diplomat to the United Nations, Nov. 1996, New York.

Legal, Hubert, French Diplomat to the United Nations, Nov. 1996, New York.

Kinsgrab, Michael, German Diplomat to the United Nations, Nov. 1996, New York.

Al-Hassan, M., A Diplomat from Oman to the United Nations, Nov. 1996, New York.

Skiba, Jacob, Polish Diplomat to the United Nations, Nov. 1996, New York.

Flurs, G., A diplomat from Honduras to the United Nations, Nov. 1996, New York.

سایر منابع

Khani, Mohammad Hassan, An Evaluation of the UN Security Council in the Persian Gulf Conflicts: A Case Study of Iran-Iraq War, (Ph.D. Thesis), United Kingdom.: Bradford University, 1997.

Basic Fact About The United Nations, New York: The UN Dept. of Public Information, 1998.

Encyclopedia of Public International Law, (eds.), vol. 5, Amsterdam:

North Holland Pub. Company, 1982, p. 160.

Nnadili, A. O., Decision-Making in the UN Security Council: A Case Study Of the Race Conflict in South Africa, (Ph.D. Dissertation), Washington D.C.: Howard University, 1984.

Al-Kawari, H. A., The Decision-Making Process of the UN Security Council: The Iran-Iraq War as a Case Study, (Ph.D. thesis), New York: State University of New York at Stony,1990.

The Aim and Organisation of the League of Nations, Geneva: Secretary of the League of Nations, 1929.

The Europa World Year Book, Vol. 1., London: Europa Publication, 1992.

Secretary-General's Report to the Security Council, December 9, 1991, UN Doc. S/23273.

United Nations Report (1979-1985), London: Her Majesty's Stationery Office.

UN General Assembly Provisional Verbatim Record, 38th Session, A/38/PV12,/October 1, 1983.

Front Line Journal , Vol. 18., No. 24 . (Nov.24-2001)

UN/ECOSOC. 'Work of the Non-Governmental Organizations Section of the Secretariat, Report of the Secretary-General', 8 may 1998 (E/1998/43).

General Assembly Resolution 1991(xvii),Dec.17.1963

The Guardian: London

Time Magazine: London

BBC1. Teletext Service.

http://www.un.org
http://www.un.int
http://www.icrc.org
http://www.Ifrc.org
http://www.redcross.int
http://www.fao.org
http://www.iaea.org
http://www.ilo.org
http://www.unicef.org
http://www.unctad.org
http://www.unhcr.at
http://www.unido.org
http://www.amnesty.org
http://www.nam.org.za
http://portal.e-nam.org.my/wps/portal/!ut/p
http://www.namkl.org.my
http://www.oic-oci.org/
http://www.oic-un.org/
http://www.islamicnews.org/
http://www.flonnet.com

ضمایم و پیوست‌ها:

اسناد، قطعنامه‌ها و تصاویر

ضمیمه شماره ۱

متن کامل سخنان وودرو ویلسون در کنگره آمریکا حاوی طرح مشهور ۱۴ ماده‌ای

FOURTEEN POINTS SPEECH
Woodrow Wilson
January 8, 1918,

Gentlemen of the Congress,

It will be our wish and purpose that the processes of peace, when they are begun, shall be absolutely open and that they shall involve and permit henceforth no secret understandings of any kind. The day of conquest and aggrandizement is gone by; so is also the day of secret covenants entered into in the interest of particular governments and likely at some unlooked-for moment to upset the peace of the world. It is this happy fact, now clear to the view of every public man whose thoughts do not still linger in an age that is dead and gone, which makes it possible for every nation whose purposes are consistent with justice and the peace of the world to avow now or at any other time the objects it has in view.

We entered this war because violations of right had occurred which touched us to the quick and made the life of our own people impossible unless they were corrected and the world secured once for all against their recurrence. What we demand in this war, therefore, is nothing peculiar to ourselves. It is that the world be made fit and safe to live in;

and particularly that it be made safe for every peace-loving nation which, like our own, wishes to live its own life, determine its own institutions, be assured of justice and fair dealing by the other peoples of the world as against force and selfish aggression. All the peoples of the world are in effect partners in this interest, and for our own part we see very clearly that unless justice be done to others it will not be done to us. The program of the world's peace, therefore, is our program; and that program, the only possible program, as we see it, is this:

I. Open covenants of peace, openly arrived at, after which there shall be no private international understandings of any kind but diplomacy shall proceed always frankly and in the public view.

II. Absolute freedom of navigation upon the seas, outside territorial waters, alike in peace and in war, except as the seas may be closed in whole or in part by international action for the enforcement of international covenants.

III. The removal, so far as possible, of all economic barriers and the establishment of an equality of trade conditions among all the nations consenting to the peace and associating themselves for its maintenance.

IV. Adequate guarantees given and taken that national armaments will be reduced to the lowest point consistent with domestic safety.

V. A free, open-minded, and absolutely impartial adjustment of all colonial claims, based upon a strict observance of the principle that in determining all such questions of sovereignty the interests of the populations concerned must have equal weight with the equitable claims of the government whose title is to be determined.

VI. The evacuation of all Russian territory and such a settlement of all questions affecting Russia as will secure the best and freest cooperation of the other nations of the world in obtaining for her an unhampered and unembarrassed opportunity for the independent determination of her own political development and national policy and assure her of a sincere welcome into the society of free nations under institutions of her own

choosing; and, more than a welcome, assistance also of every kind that she may need and may herself desire. The treatment accorded Russia by her sister nations in the months to come will be the acid test of their good will, of their comprehension of her needs as distinguished from their own interests, and of their intelligent and unselfish sympathy.

VII. Belgium, the whole world will agree, must be evacuated and restored, without any attempt to limit the sovereignty which she enjoys in common with all other free nations. No other single act will serve as this will serve to restore confidence among the nations in the laws which they have themselves set and determined for the government of their relations with one another. Without this healing act the whole structure and validity of international law is forever impaired.

VIII. All French territory should be freed and the invaded portions restored, and the wrong done to France by Prussia in 1871 in the matter of Alsace-Lorraine, which has unsettled the peace of the world for nearly fifty years, should be righted, in order that peace may once more be made secure in the interest of all.

IX. A readjustment of the frontiers of Italy should be effected along clearly recognizable lines of nationality.

X. The peoples of Austria-Hungary, whose place among the nations we wish to see safeguarded and assured, should be accorded the freest opportunity of autonomous development.

XI. Rumania, Serbia, and Montenegro should be evacuated; occupied territories restored; Serbia accorded free and secure access to the sea; and the relations of the several Balkan states to one another determined by friendly counsel along historically established lines of allegiance and nationality; and international guarantees of the political and economic independence and territorial integrity of the several Balkan states should be entered into.

XII. The Turkish portions of the present Ottoman Empire should be assured a secure sovereignty, but the other nationalities which are now

under Turkish rule should be assured an undoubted security of life and an absolutely unmolested opportunity of an autonomous development, and the Dardanelles should be permanently opened as a free passage to the ships and commerce of all nations under international guarantees.

XIII. An independent Polish state should be erected which should include the territories inhabited by indisputably Polish populations, which should be assured a free and secure access to the sea, and whose political and economic independence and territorial integrity should be guaranteed by international covenant.

XIV. A general association of nations must be formed under specific covenants for the purpose of affording mutual guarantees of political independence and territorial integrity to great and small states alike.

In regard to these essential rectifications of wrong and assertions of right we feel ourselves to be intimate partners of all the governments and peoples associated together against the Imperialists. We cannot be separated in interest or divided in purpose. We stand together until the end.

For such arrangements and covenants we are willing to fight and to continue to fight until they are achieved; but only because we wish the right to prevail and desire a just and stable peace such as can be secured only by removing the chief provocations to war, which this program does not remove. We have no jealousy of German greatness, and there is nothing in this program that impairs it. We grudge her no achievement or distinction of learning or of pacific enterprise such as have made her record very bright and very enviable. We do not wish to injure her or to block in any way her legitimate influence or power. We do not wish to fight her either with arms or with hostile arrangements of trade if she is willing to associate herself with us and the other peace-loving nations of the world in covenants of justice and law and fair dealing. We wish her only to accept a place of equality among the peoples of the world, -- the new world in which we now live, -- instead of a place of mastery.

Neither do we presume to suggest to her any alteration or modification of

her institutions. But it is necessary, we must frankly say, and necessary as a preliminary to any intelligent dealings with her on our part, that we should know whom her spokesmen speak for when they speak to us, whether for the Reichstag majority or for the military party and the men whose creed is imperial domination.

We have spoken now, surely, in terms too concrete to admit of any further doubt or question. An evident principle runs through the whole program I have outlined. It is the principle of justice to all peoples and nationalities, and their right to live on equal terms of liberty and safety with one another, whether they be strong or weak. Unless this principle be made its foundation no part of the structure of international justice can stand. The people of the United States could act upon no other principle; and to the vindication of this principle they are ready to devote their lives, their honor, and everything that they possess. The moral climax of this the culminating and final war for human liberty has come, and they are ready to put their own strength, their own highest purpose, their own integrity and devotion to the test.

ضمیمه شماره ۲

متن کامل انگلیسی میثاق جامعه ملل

The Covenant of the League of Nations
(Including Amendments adopted to December, 1924)

THE HIGH CONTRACTING PARTIES,

In order to promote international co-operation and to achieve international peace and security by the acceptance of obligations not to resort to war, by the prescription of open, just and honourable relations between nations, by the firm establishment of the understandings of international law as the actual rule of conduct among Governments, and by the maintenance of justice and a scrupulous respect for all treaty obligations in the dealings of organised peoples with one another, Agree to this Covenant of the League of Nations.

ARTICLE 1.

The original Members of the League of Nations shall be those of the Signatories which are named in the Annex to this Covenant and also such of those other States named in the Annex as shall accede without reservation to this Covenant. Such accession shall be effected by a Declaration deposited with the Secretariat within two months of the coming into force of the Covenant. Notice thereof shall be sent to all other Members of the League.

Any fully self-governing State, Dominion or Colony not named in the Annex may become a Member of the League if its admission is agreed to by two-thirds of the Assembly, provided that it shall give effective guarantees of its sincere intention to observe its international obligations, and shall accept such regulations as may be prescribed by the League in regard to its military, naval and air forces and armaments.

Any Member of the League may, after two years' notice of its intention so to do, withdraw from the League, provided that all its international obligations and all its obligations under this Covenant shall have been fulfilled at the time of its withdrawal.

ARTICLE 2.

The action of the League under this Covenant shall be effected through the instrumentality of an Assembly and of a Council, with a permanent Secretariat.

ARTICLE 3.

The Assembly shall consist of Representatives of the Members of the League.

The Assembly shall meet at stated intervals and from time to time as occasion may require at the Seat of the League or at such other place as may be decided upon.

The Assembly may deal at its meetings with any matter within the sphere of action of the League or affecting the peace of the world. At meetings of the Assembly each Member of the League shall have one vote, and may have not more than three Representatives.

ARTICLE 4.

The Council shall consist of Representatives of the Principal Allied and Associated Powers, together with Representatives of four other Members of the League. These four Members of the League shall be selected by the Assembly from time to time in its discretion. Until the appointment of the Representatives of the four Members of the League first selected by the Assembly, Representatives of Belgium, Brazil, Spain and Greece shall be members of the Council.

With the approval of the majority of the Assembly, the Council may name additional Members of the League whose Representatives shall always be members of the Council; the Council, with like approval may increase the number of Members of the League to be selected by the Assembly for representation on the Council.

The Council shall meet from time to time as occasion may require, and at least once a year, at the Seat of the League, or at such other place as may be decided upon.

The Council may deal at its meetings with any matter within the sphere of action of the League or affecting the peace of the world.

Any Member of the League not represented on the Council shall be invited to send a Representative to sit as a member at any meeting of the Council during the consideration of matters specially affecting the interests of that Member of the League.

At meetings of the Council, each Member of the League represented on the Council shall have one vote, and may have not more than one Representative.

ARTICLE 5.

Except where otherwise expressly provided in this Covenant or by the terms of the present Treaty, decisions at any meeting of the Assembly or

of the Council shall require the agreement of all the Members of the League represented at the meeting.

All matters of procedure at meetings of the Assembly or of the Council, including the appointment of Committees to investigate particular matters, shall be regulated by the Assembly or by the Council and may be decided by a majority of the Members of the League represented at the meeting.

The first meeting of the Assembly and the first meeting of the Council shall be summoned by the President of the United States of America.

ARTICLE 6.

The permanent Secretariat shall be established at the Seat of the League. The Secretariat shall comprise a Secretary General and such secretaries and staff as may be required.

The first Secretary General shall be the person named in the Annex; thereafter the Secretary General shall be appointed by the Council with the approval of the majority of the Assembly.

The secretaries and staff of the Secretariat shall be appointed by the Secretary General with the approval of the Council.

The Secretary General shall act in that capacity at all meetings of the Assembly and of the Council.

The expenses of the League shall be borne by the Members of the League in the proportion decided by the Assembly.

ARTICLE 7.

The Seat of the League is established at Geneva.

The Council may at any time decide that the Seat of the League shall be established elsewhere.

All positions under or in connection with the League, including the Secretariat, shall be open equally to men and women.

Representatives of the Members of the League and officials of the League when engaged on the business of the League shall enjoy diplomatic privileges and immunities.

The buildings and other property occupied by the League or its officials or by Representatives attending its meetings shall be inviolable.

ARTICLE 8.

The Members of the League recognise that the maintenance of peace requires the reduction of national armaments to the lowest point consistent with national safety and the enforcement by common action of international obligations.

The Council, taking account of the geographical situation and circumstances of each State, shall formulate plans for such reduction for the consideration and action of the several Governments. Such plans shall be subject to reconsideration and revision at least every ten years.

After these plans shall have been adopted by the several Governments, the limits of armaments therein fixed shall not be exceeded without the concurrence of the Council.

The Members of the League agree that the manufacture by private enterprise of munitions and implements of war is open to grave objections. The Council shall advise how the evil effects attendant upon such manufacture can be prevented, due regard being had to the necessities of those Members of the League which are not able to manufacture the munitions and implements of war necessary for their safety.

The Members of the League undertake to interchange full and frank information as to the scale of their armaments, their military, naval and air programmes and the condition of such of their industries as are adaptable to war-like purposes.

ARTICLE 9.

A permanent Commission shall be constituted to advise the Council on the execution of the provisions of Articles 1 and 8 and on military, naval and air questions generally.

ARTICLE 10.

The Members of the League undertake to respect and preserve as against external aggression the territorial integrity and existing political independence of all Members of the League. In case of any such aggression or in case of any threat or danger of such aggression the Council shall advise upon the means by which this obligation shall be fulfilled.

ARTICLE 11.

Any war or threat of war, whether immediately affecting any of the Members of the League or not, is hereby declared a matter of concern to the whole League, and the League shall take any action that may be deemed wise and effectual to safeguard the peace of nations. In case any such emergency should arise the Secretary General shall on the request of any Member of the League forthwith summon a meeting of the Council.

It is also declared to be the friendly right of each Member of the League to bring to the attention of the Assembly or of the Council any circumstance whatever affecting international relations which threatens to disturb international peace or the good understanding between nations

upon which peace depends.

ARTICLE 12.

The Members of the League agree that, if there should arise between them any dispute likely to lead to a rupture they will submit the matter either to arbitration or judicial settlement or to enquiry by the Council, and they agree in no case to resort to war until three months after the award by the arbitrators or the judicial decision, or the report by the Council. In any case under this Article the award of the arbitrators or the judicial decision shall be made within a reasonable time, and the report of the Council shall be made within six months after the submission of the dispute.

ARTICLE 13.

The Members of the League agree that whenever any dispute shall arise between them which they recognise to be suitable for submission to arbitration or judicial settlement and which cannot be satisfactorily settled by diplomacy, they will submit the whole subject-matter to arbitration or judicial settlement.

Disputes as to the interpretation of a treaty, as to any question of international law, as to the existence of any fact which if established would constitute a breach of any international obligation, or as to the extent and nature of the reparation to be made for any such breach, are declared to be among those which are generally suitable for submission to arbitration or judicial settlement.

For the consideration of any such dispute, the court to which the case is referred shall be the Permanent Court of International Justice, established in accordance with Article 14 or any tribunal agreed on by the parties to the dispute or stipulated in any convention existing between them.

The Members of the League agree that they will carry out in full good

faith any award or decision that may be rendered, and that they will not resort to war against a Member of the League which complies therewith. In the event of any failure to carry out such an award or decision, the Council shall propose what steps should be taken to give effect thereto.

ARTICLE 14.

The Council shall formulate and submit to the Members of the League for adoption plans for the establishment of a Permanent Court of International Justice. The Court shall be competent to hear and determine any dispute of an international character which the parties thereto submit to it. The Court may also give an advisory opinion upon any dispute or question referred to it by the Council or by the Assembly.

ARTICLE 15.

If there should arise between Members of the League any dispute likely to lead to a rupture, which is not submitted to arbitration or judicial settlement in accordance with Article 13, the Members of the League agree that they will submit the matter to the Council. Any party to the dispute may effect such submission by giving notice of the existence of the dispute to the Secretary General, who will make all necessary arrangements for a full investigation and consideration thereof.

For this purpose the parties to the dispute will communicate to the Secretary General, as promptly as possible, statements of their case with all the relevant facts and papers, and the Council may forthwith direct the publication thereof.

The Council shall endeavour to effect a settlement of the dispute, and if such efforts are successful, a statement shall be made public giving such facts and explanations regarding the dispute and the terms of settlement thereof as the Council may deem appropriate.

If the dispute is not thus settled, the Council either unanimously or by a

majority vote shall make and publish a report containing a statement of the facts of the dispute and the recommendations which are deemed just and proper in regard thereto.

Any Member of the League represented on the Council may make public a statement of the facts of the dispute and of its conclusions regarding the same.

If a report by the Council is unanimously agreed to by the members thereof other than the Representatives of one or more of the parties to the dispute, the Members of the League agree that they will not go to war with any party to the dispute which complies with the recommendations of the report.

If the Council fails to reach a report which is unanimously agreed to by the members thereof, other than the Representatives of one or more of the parties to the dispute, the Members of the League reserve to themselves the right to take such action as they shall consider necessary for the maintenance of right and justice.

If the dispute between the parties is claimed by one of them, and is found by the Council, to arise out of a matter which by international law is solely within the domestic jurisdiction of that party, the Council shall so report, and shall make no recommendation as to its settlement.

The Council may in any case under this Article refer the dispute to the Assembly. The dispute shall be so referred at the request of either party to the dispute, provided that such request be made within fourteen days after the submission of the dispute to the Council.

In any case referred to the Assembly, all the provisions of this Article and of Article 12 relating to the action and powers of the Council shall apply to the action and powers of the Assembly, provided that a report made by the Assembly, if concurred in by the Representatives of those Members of the League represented on the Council and of a majority of the other Members of the League, exclusive in each case of the Representatives of the parties to the dispute, shall have the same force as

a report by the Council concurred in by all the members thereof other than the Representatives of one or more of the parties to the dispute.

ARTICLE 16.

Should any Member of the League resort to war in disregard of its covenants under Articles 12, 13 or 15, it shall ipso facto be deemed to have committed an act of war against all other Members of the League, which hereby undertake immediately to subject it to the severance of all trade or financial relations, the prohibition of all intercourse between their nationals and the nationals of the covenant-breaking State, and the prevention of all financial, commercial or personal intercourse between the nationals of the covenant-breaking State and the nationals of any other State, whether a Member of the League or not.

It shall be the duty of the Council in such case to recommend to the several Governments concerned what effective military, naval or air force the Members of the League shall severally contribute to the armed forces to be used to protect the covenants of the League.

The Members of the League agree, further, that they will mutually support one another in the financial and economic measures which are taken under this Article, in order to minimise the loss and inconvenience resulting from the above measures, and that they will mutually support one another in resisting any special measures aimed at one of their number by the covenant-breaking State, and that they will take the necessary steps to afford passage through their territory to the forces of any of the Members of the League which are co-operating to protect the covenants of the League.

Any Member of the League which has violated any covenant of the League may be declared to be no longer a Member of the League by a vote of the Council concurred in by the Representatives of all the other Members of the League represented thereon.

ARTICLE 17.

In the event of a dispute between a Member of the League and a State which is not a Member of the League, or between States not Members of the League, the State or States not Members of the League shall be invited to accept the obligations of membership in the League for the purposes of such dispute, upon such conditions as the Council may deem just. If such invitation is accepted, the provisions of Articles 12 to 16 inclusive shall be applied with such modifications as may be deemed necessary by the Council.

Upon such invitation being given the Council shall immediately institute an inquiry into the circumstances of the dispute and recommend such action as may seem best and most effectual in the circumstances.

If a State so invited shall refuse to accept the obligations of membership in the League for the purposes of such dispute, and shall resort to war against a Member of the League, the provisions of Article 16 shall be applicable as against the State taking such action.

If both parties to the dispute when so invited refuse to accept the obligations of membership in the League for the purposes of such dispute, the Council may take such measures and make such recommendations as will prevent hostilities and will result in the settlement of the dispute.

ARTICLE 18.

Every treaty or international engagement entered into hereafter by any Member of the League shall be forthwith registered with the Secretariat and shall as soon as possible be published by it. No such treaty or international engagement shall be binding until so registered.

ARTICLE 19.

The Assembly may from time to time advise the reconsideration by Members of the League of treaties which have become inapplicable and the consideration of international conditions whose continuance might endanger the peace of the world.

ARTICLE 20.

The Members of the League severally agree that this Covenant is accepted as abrogating all obligations or understandings inter se which are inconsistent with the terms thereof, and solemnly undertake that they will not hereafter enter into any engagements inconsistent with the terms thereof.

In case any Member of the League shall, before becoming a Member of the League, have undertaken any obligations inconsistent with the terms of this Covenant, it shall be the duty of such Member to take immediate steps to procure its release from such obligations.

ARTICLE 21.

Nothing in this Covenant shall be deemed to affect the validity of international engagements, such as treaties of arbitration or regional understandings like the Monroe doctrine, for securing the maintenance of peace.

ARTICLE 22.

To those colonies and territories which as a consequence of the late war have ceased to be under the sovereignty of the States which formerly governed them and which are inhabited by peoples not yet able to stand by themselves under the strenuous conditions of the modern world, there should be applied the principle that the well-being and development of

such peoples form a sacred trust of civilisation and that securities for the performance of this trust should be embodied in this Covenant.

The best method of giving practical effect to this principle is that the tutelage of such peoples should be entrusted to advanced nations who by reason of their resources, their experience or their geographical position can best undertake this responsibility, and who are willing to accept it, and that this tutelage should be exercised by them as Mandatories on behalf of the League. The character of the mandate must differ according to the stage of the development of the people, the geographical situation of the territory, its economic conditions and other similar circumstances.

Certain communities formerly belonging to the Turkish Empire have reached a stage of development where their existence as independent nations can be provisionally recognized subject to the rendering of administrative advice and assistance by a Mandatory until such time as they are able to stand alone. The wishes of these communities must be a principal consideration in the selection of the Mandatory.

Other peoples, especially those of Central Africa, are at such a stage that the Mandatory must be responsible for the administration of the territory under conditions which will guarantee freedom of conscience and religion, subject only to the maintenance of public order and morals, the prohibition of abuses such as the slave trade, the arms traffic and the liquor traffic, and the prevention of the establishment of fortifications or military and naval bases and of military training of the natives for other than police purposes and the defence of territory, and will also secure equal opportunities for the trade and commerce of other Members of the League.

There are territories, such as South-West Africa and certain of the South Pacific Islands, which, owing to the sparseness of their population, or their small size, or their remoteness from the centres of civilisation, or their geographical contiguity to the territory of the Mandatory, and other circumstances, can be best administered under the laws of the Mandatory as integral portions of its territory, subject to the safeguards above mentioned in the interests of the indigenous population. In every case of mandate, the Mandatory shall render to the Council an annual report in

reference to the territory committed to its charge.

The degree of authority, control, or administration to be exercised by the Mandatory shall, if not previously agreed upon by the Members of the League, be explicitly defined in each case by the Council. A permanent Commission shall be constituted to receive and examine the annual reports of the Mandatories and to advise the Council on all matters relating to the observance of the mandates.

ARTICLE 23.

Subject to and in accordance with the provisions of international conventions existing or hereafter to be agreed upon, the Members of the League:

(a) will endeavour to secure and maintain fair and humane conditions of labour for men, women, and children, both in their own countries and in all countries to which their commercial and industrial relations extend, and for that purpose will establish and maintain the necessary international organisations;

(b) undertake to secure just treatment of the native inhabitants of territories under their control;

(c) will entrust the League with the general supervision over the execution of agreements with regard to the traffic in women and children, and the traffic in opium and other dangerous drugs;

(d) will entrust the League with the general supervision of the trade in arms and ammunition with the countries in which the control of this traffic is necessary in the common interest;

(e) will make provision to secure and maintain freedom of communications and of transit and equitable treatment for the commerce of all Members of the League. In this connection, the special necessities of the regions devastated during the war of 1914-1918 shall be borne in

mind;

(f) will endeavour to take steps in matters of international concern for the prevention and control of disease.

ARTICLE 24.

There shall be placed under the direction of the League all international bureaux already established by general treaties if the parties to such treaties consent. All such international bureaux and all commissions for the regulation of matters of international interest hereafter constituted shall be placed under the direction of the League.

In all matters of international interest which are regulated by general convention but which are not placed under the control of international bureaux or commissions, the Secretariat of the League shall, subject to the consent of the Council and if desired by the parties, collect and distribute all relevant information and shall render any other assistance which may be necessary or desirable. The Council may include as part of the expenses of the Secretariat the expenses of any bureau or commission which is placed under the direction of the League.

ARTICLE 25.

The Members of the League agree to encourage and promote the establishment and co-operation of duly authorised voluntary national Red Cross organisations having as purposes the improvement of health, the prevention of disease and the mitigation of suffering throughout the world.

ARTICLE 26.

Amendments to this Covenant will take effect when ratified by the Members of the League whose Representatives compose the Council and

by a majority of the Members of the League whose Representatives compose the Assembly.

No such amendments shall bind any Member of the League which signifies its dissent therefrom, but in that case it shall cease to be a Member of the League.

ضمیمه شماره ۳

متن فارسی میثاق جامعه ملل

از آنجا که بسط همکاری میان کشورها و تضمین صلح و امنیت بین‌المللی مستلزم رعایت اصول زیر است:

ـ پذیرش تعهداتی برای دوری جستن از جنگ؛

ـ علنی کردن روابط بین‌الملل و استوار ساختن آن بر عدالت و شرافت؛

ـ رعایت کامل مقررات حقوق بین‌الملل که از این پس روابط بین‌الملل بر اساس آن سازمان خواهد یافت ؛

ـ گستردن مبانی عدالت و به انجام رساندن دقیق تکالیفی که از معاهدات ناشی می‌شود و باید در روابط متقابل اقوام متمدن به اجرا در آید ؛

ـ پذیرش پیمان حاضر که اساس تشکیل جامعه ملل است از سوی دولت‌های بزرگ هم‌پیمان.

ماده ۱

اعضای اصلی جامعه ملل عبارتند از:

۱) امضا کنندگانی که نام آنها در سند ضمیمه این میثاق ثبت شده، همچنین دولت‌هایی که اسامی آنان در سند ضمیمه آمده است و بی‌هیچ قید وشرطی با اعلامیه‌ای که ظرف دو ماه از تاریخ به اجرا درآمدن این پیمان به دبیرخانه تسلیم خواهند کرد، به این پیمان خواهند پیوست. مفاد این اعلامیه را دبیرخانه به اطلاع سایر اعضای جامعه خواهد رساند.

۲) هر کشور یا دومینیون یا مستعمره‌ای که حکومتی آزاد دارد و در سند ضمیمه، نام آن ثبت نشده است؛ به شرط اینکه دلایل محکمی ارائه دهد که با خلوص نیت تعهدات بین‌المللی و مقرراتی را که جامعه برای نیروهای زمینی و دریایی و هوایی وضع می‌کند، محترم خواهد شمرد؛

۳) هر عضو می‌تواند از جامعه خارج شود؛ مشروط بر اینکه دو سال قبل از آن، تصمیم خود را به جامعه اعلام کند و ظرف این مدت تمام تعهدات بین‌المللی و همچنین تعهدات مندرج در میثاق را انجام داده باشد.

ماده ۲

اختیارات جامعه که در این میثاق مطرح شده است، از طریق یک مجمع عمومی و یک شورای اجرایی و با کمک یک دبیرخانه دایمی به اجرا گذاشته خواهد شد.

ماده ۳

۱) مجمع عمومی مرکب از نمایندگان اعضای جامعه است.

۲) مجمع عمومی در اوقات معین یا هر موقع دیگری که مقتضی بداند، در مقر جامعه یا هر مکان دیگری که تعیین شود، تشکیل جلسه خواهد داد.

۳) صلاحیت مجمع عمومی با تمام مسائل مربوط به جامعه و تمام آن مسائلی که صلح جهانی را به خطر می‌اندازد، تعمیم می‌یابد.

۴) هیچیک از اعضای جامعه نمی‌تواند بیش از سه نفر نماینده در مجمع عمومی داشته باشد. این نمایندگان در مجموع دارای یک رای خواهند بود.

ماده ۴

۱) شورای اجرایی مرکب از نمایندگان دولت‌های متفق و نماینده‌های آنها و نمایندگان چهار عضو دیگر جامعه است، که چهار عضو یاد شده را مجمع عمومی آزادانه و هر زمان که مقتضی بداند برخواهد گزید؛ اما تا آن زمان که مجمع عمومی برگزیدگان خود را معین نکرده است، نمایندگان بلژیک، برزیل، اسپانیا و یونان عضو شورای

اجرایی خواهند بود.

۲) شورا می‌تواند با تصویب اکثریت اعضای مجمع، از میان دیگر اعضای جامعه، نمایندگانی به عنوان عضو دائم شورا تعیین کند. این شورا همچنین می‌تواند با تصویب اکثریت اعضای مجمع عمومی، تعداد اعضای شورای اجرایی را که با رای موافق مجمع عمومی انتخاب می‌شوند، افزایش دهد.

۳) (مکرر) مجمع با نظر اکثریت دوسوم اعضا، مقررات مربوط به انتخاب اعضا غیردایم شورا، به ویژه مقررات مربوط به دوران نمایندگی و شرایط انتخاب مجدد آنان را تصویب می‌کند.

۴) شورا هر موقع که لازم بداند و دست کم یک بار در سال، در مقر جامعه یا هر مکانی که تعیین شود، تشکیل جلسه خواهد داد.

۵) شورای اجرایی برای رسیدگی به تمام مسائل مربوط به جامعه و تمام آن مسائلی که صلح جهانی را به مخاطره می‌افکند، دارای صلاحیت است.

۶) از هر عضو جامعه که نماینده‌ای در شورای اجرایی ندارد، برای رسیدگی به مسائلی که به ویژه متضمن منافع آن عضو است، دعوت به عمل می‌آید که نماینده‌ای برای شرکت در جلسات رسیدگی شورا تعیین کند.

۷) هر عضو که مسندی در شورای اجرایی دارد، تنها دارای یک نماینده و یک رای است.

ماده ۵

۱) تصمیمات مجمع عمومی یا شورای اجرایی، بجز در مواردی که میثاق یا موادی از پیمان ورسای قاعده‌ای خاص پیش‌بینی کرده باشند، به اتفاق آرا اعضای حاضر در جلسه اتخاذ می‌شود.

۲) هر مساله شکلی که در مجمع عمومی یا شورای اجرایی مطرح می‌شود و همچنین مسائل مربوط به تعیین ماموریت کمیسیون‌های تحقیق که برای قضایای مخصوص تشکیل می‌شوند، با نظر اکثریت اعضای جامعه که در جلسات این دو رکن شرکت

کرده‌اند، حل و فصل می‌شود.

۳) نخستین جلسات مجمع عمومی و شورای اجرایی به دعوت رییس جمهور ایالات‌متحده آمریکا تشکیل خواهد شد.

ماده ۶

۱) دبیرخانه دائم که در مقر جامعه تشکیل می‌شود، مرکب از یک دبیرکل و چند دبیر و تعدادی کارمند که مورد نیاز دبیرخانه است، خواهد بود.

۲) نخستین دبیرکل کسی است که نام او در سند ضمیمه این میثاق آمده است. دبیرکل بعدی را شورای اجرایی با تصویب اکثریت اعضای مجمع عمومی انتخاب خواهد کرد.

۳) انتصاب دبیران و سایر کارکنان دبیرخانه به عهده دبیرکل با تصویب شورای اجرایی است.

۴) دبیرکل جامعه به لحاظ حقوقی دبیرکل مجمع عمومی و شورای اجرایی نیز هست.

۵) مخارج دبیرخانه را اعضای جامعه بر اساس ضوابطی که مجمع تعیین می‌کند، خواهند پرداخت.

ماده ۷

۱) مقر جامعه شهر ژنو است.

۲) شورای اجرایی هر گاه صلاح بداند می‌تواند مقر جامعه را تغییر دهد.

۳) تمام مشاغل جامعه یا ادارات وابسته به آن و همچنین دبیرخانه را می‌توان بی‌هیچ تبعیضی به مردان یا زنان محول کرد.

۴) نمایندگان اعضای جامعه و کارگزاران آن حین انجام وظیفه رسمی از مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک برخوردارند.

۵) بناها و اراضی مورد تصرف جامعه یا ادارات آن و محل تشکیل جلسات رسمی نیز از هرگونه تعرضی مصون است.

ماده ۸

۱) از آنجا که حفظ صلح مستلزم کاهش سلاح‌های نظامی ملی است، اعضای جامعه اعتقاد دارند که این کاهش باید هماهنگ با امنیت ملی یا تعهدات بین‌المللی کشورها باشد که مبتنی بر انجام عملیات نظامی مشترک است.

۲) شورای اجرایی با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی و اوضاع و احوال خاص هر کشور، طرح‌هایی برای کاهش سلاح‌های نظامی تهیه خواهد کرد تا دولت‌ها بتوانند پس از بررسی آنها، تصمیمات لازم را اتخاذ کنند.

۳) این طرح‌ها باید هر ده سال یک بار بررسی شود تا در صورت لزوم تغییراتی در آنها ایجاد گردد.

۴) پس از آنکه دولت‌های مختلف، محدودیت‌های مربوط به سلاح‌های نظامی را به ترتیب یاد شده پذیرفتند، فرارفتن از این حدود جز با اجازه شورای اجرایی ممکن نخواهد بود.

۵) از آنجا که ساخت مهمات و ابزارهای جنگی در کارخانه‌های خصوصی مشکلاتی پدید می‌آورد، اعضای جامعه به شورای اجرایی ماموریت می‌دهند که برای جلوگیری از بروز زیان‌های جبران‌ناپذیر، ضمن در نظر گرفتن نیاز آن دسته از اعضا که خود نمی‌توانند برای حفظ امنیت ملی از عهده ساخت این قبیل ابزارها و مهمات برآیند، به اقداماتی موثر دست بزنند.

۶) اعضای جامعه موظفند تمام اطلاعات مربوط به نوع سلاح‌ها و طرح‌های نظامی زمینی و دریایی و کیفیت آن صنایعی را که ممکن است برای جنگ مورد استفاده واقع شود، بی‌پرده با یکدیگر در میان بگذارند.

ماده ۹

تشکیل کمیسیونی داخلی برای ارائه گزارش‌هایی درباره چگونگی اجرای مقررات ماده اول و ماده هشتم و به‌طور کلی مسائل نظامیِ زمینی، دریایی و هوایی به شورای اجرایی.

ماده ۱۰

اعضای جامعه تعهد می‌کنند که تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کنونی یکدیگر را محترم شمارند و در قبال هرگونه تجاوز خارجی از آن به دفاع برخیزند. در صورت وقوع تجاوز یا تهدید یا بروز خطر تجاوز، شورای اجرایی برای تحقق این تکلیف از وسایل لازم استفاده خواهد کرد.

ماده ۱۱

۱) به روشنی اعلام می‌شود که هر جنگ یا تهدید به آن که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم یک کشور عضو جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد، به کل جامعه مربوط می‌گردد. از این روی جامعه موظف است برای دفاع از حریم صلح جهانی به هر اقدام لازم دست بزند. در چنین موردی، دبیرکل به درخواست هر یک از اعضای جامعه، بی‌درنگ از شورا دعوت می‌کند که برای رسیدگی به این موضوع تشکیل جلسه دهد.

۲) همچنین به صراحت اعلام می‌شود که اگر بحرانی روابط بین‌الملل را مختل سازد و در نتیجه آرامش یا روابط دوستانه کشورها را که صلح جهانی بر آن مبتنی شده است، تهدید کند، هر یک از اعضای جامعه حق دارد، به سائقه صلح دوستی، از مجمع یا شورا درخواست رسیدگی کند.

ماده ۱۲

۱) همه اعضای جامعه متعهد می‌شوند که هر گاه میان آنها اختلافی پدید آید و بیم آن رود که رشته‌های روابط دوستانه آنان پاره گردد، آن اختلاف را از طریق داوری یا بر اساس آیین قضایی و یا اقامه آن در شورا حل و فصل کنند. اینان، همچنین موافقت دارند که در هیچ موردی پیش از انقضاء سه ماه از تاریخ صدور حکم داوری یا قضایی یا گزارش شورا، به جنگ روی نیاورند.

۲) در همه این موارد، حکم داوری یا قضایی باید ظرف مدتی معقول صادر شود.

گزارش شورا نیز باید ظرف مدت شش ماه از تاریخ رسیدگی تهیه و اعلام گردد.

ماده ۱۳

۱) اعضای جامعه اتفاق نظر دارند هر گاه میان آنان اختلافی پدید آید بتوان از طریق داوری یا قضایی در آن خصوص اقدام گردد.

۲) اختلافات زیر، به‌طور معمول ازجمله اختلافاتی است که می‌توان با رجوع به محاکم داوری یا قضایی خواستار حل و فصل آنها شد؛ اختلافات مربوط به:

- تفسیر یک معاهده؛
- مسئله‌ای از مسائل حقوق بین‌الملل؛
- واقعیت هر امر که در صورت ثبوت، نقض تعهدی بین‌المللی به‌شمار آید؛
- کمیت یا ماهیت خساراتی که به دلیل چنین نقض عهدی پدید آمده است.

۳) این دعاوی به دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی یا هر دستگاه قضایی یا دادگاهی که طرفین اختلاف خود انتخاب کرده‌اند یا از پیش با عقد معاهداتی به صلاحیت آن اقتدا نموده‌اند، ارجاع می‌شود.

۴) اعضای جامعه متعهد می‌شوند که احکام صادر شده را با حسن نیت به اجرا درآورند و با کشوری که از حکم تمکین کرده است، از در جنگ وارد نشوند. در صورتی که این احکام به اجرا گذاشته نشود، شورا برای به اجرا درآمدن آنها راه حل‌هایی پیشنهاد خواهد کرد.

ماده ۱۵

۱) هر گاه میان اعضای جامعه اختلافی پدید آید که به سبب آن، این احتمال وجود داشته باشد که روابط [دوستانه] آنان قطع شود، در صورتی که این اختلاف برابر ماده ۱۳ به داوری یا مرجعی قضایی احاله نشده باشد، اعضای جامعه موافقت دارند که چنین اختلافی را در شورای اجرایی مطرح سازند. از این‌رو، به محض آنکه یکی از طرفین اختلاف، دبیرکل را از وجود چنین اختلافی آگاه کند، دبیرکل اقدامات لازم برای تحقیق و رسیدگی به آن اختلاف را معمول خواهد داشت.

۲) طرفین اختلاف باید هر چه سریع تر، شرح کلی دعوی و دلایل و اسناد مربوط به آن را به شورای اجرایی تسلیم دارند. شورا در صورتی که لازم بداند، شرح کلی و دلایل و اسناد مربوط به دعوی را بی‌درنگ منتشر می‌کند.

۳) شورا در اجرای این ماموریت تلاش خواهد کرد که برای حل اختلاف چاره‌ای بیندیشد. چنانچه در انجام این کار موفق گردد، تا آن حد که مفید می‌داند، شرحی از وقایع و احتجاجات و راه‌حلها را برای اطلاع عموم منتشر می‌کند.

۴) در صورتی که شورا نتواند برای اختلاف راه حلی بیابد، با رای اکثریت اعضای حاضر، گزارشی درباره کم وکیف دعوی و توصیه‌های که به نظر شورا متضمن عادلانه‌ترین و مناسب‌ترین راه‌حل‌هاست، تهیه و منتشر می‌کند.

۵) هر یک از اعضای جامعه که نماینده‌ای در شورای اجرایی دارد نیز می‌تواند شرح اختلاف و عقاید خود را در آن باره منتشر کند.

۶) هر گاه، صرف‌نظر از رای نمایندگان طرف اختلاف، گزارش شورای اجرایی به اتفاق آرا تصویب شود، اعضای جامعه مکلفند که برضد طرفی که نظر شورای اجرایی را پذیرفته است، به جنگ متوسل نشوند.

۷) در صورتی که، صرف‌نظر از رای نمایندگان طرف اختلاف، گزارش شورا به اتفاق آرا تصویب نشود، اعضای جامعه حق خواهند داشت برای پاسداری از حق و عدالت به هر صورت که صلاح بدانند اقدام کنند.

۸) هر گاه یکی از طرفین اختلاف ادعا کند که اختلاف متضمن مسئله‌ای است که به لحاظ مقررات حقوق بین‌الملل در صلاحیت انحصاری کشورش قرار دارد، شورای اجرایی، بی‌آنکه راه حلی توصیه کند، می‌تواند این ادعا را تایید کند.

۹) شورای اجرایی می‌تواند در تمام مواردی که در این اصل پیش‌بینی شده است، اختلاف را به مجمع عمومی احاله نماید؛ همچنانکه هر یک از طرفین نیز می‌تواند با یک دادخواست، این اختلاف را در مجمع مطرح کند؛ در این صورت، دادخواست باید ظرف چهارده روز از تاریخ طرح اختلاف در شورای اجرایی به مجمع تسلیم شود.

۱۰) در تمام اختلافاتی که در مجمع مطرح می‌شود، مقررات این ماده و مادهٔ ۱۲ که به عملیات و اختیارات شورا پرداخته است، مجری خواهد بود. گزارش مجمع عمومی با رای نمایندگان اعضای جامعه که در شورا نماینده دارند و رای اکثریت دیگر نمایندگان جامعه، به استثنای نمایندگان طرف اختلاف، در هر مورد، دارای همان اثر گزارش شورای اجرایی است که به اتفاق آرا اعضای و استثنای نمایندگان طرف اختلاف، به تصویب رسیده است.

مادهٔ ۱۶

۱) هر گاه یکی از اعضای جامعه، با وجود تعهدات ناشی از مواد ۱۲ و ۱۳و۱۵، به جنگ توسل جوید، مثل این است که با تمام اعضای جامعه وارد کارزار شده باشد. در این صورت، اعضای جامعه باید اولا روابط تجاری و اقتصادی خود را با آن کشور بی‌درنگ قطع کنند و ثانیا از ایجاد هرگونه رابطه میان اتباع خود و اتباع کشوری که نقض عهد کرده است، جلوگیری به عمل آورندو ثالثا تمام مراودات مالی و تجاری شخصی میان اتباع دولت خاطی و اتباع کشورهای دیگر را، اعم از اینکه عضو جامعه باشند یا نباشند، بر هم زنند.

۲) در این مورد، شورای اجرایی موظف است به دولت‌هایی که به لحاظ این اختلاف منافع آنان در خطر افتاده است، توصیه کند که نیروهای نظامی خود شامل زمینی، دریایی و هوایی را تجهیز کنند تا بتوانند نیروهای مسلح جامعه را که مامور به اجرا درآوردن تعهدات بین‌المللی است، یاری دهند.

۳) وانگهی، اعضای جامعه بر این قول اتفاق‌نظر دارند که باید به کمک یکدیگر وسایل اجرای تنبیهات مقرر در این ماده را فراهم آورند تا زیان‌ها و بحران‌های ناشی از این اقدامات را تا حد امکان کاهش دهند. اینان همچنین باید در قبال هرگونه اقدامی که دولت ناقض عهد بر ضد یکی از آنان به عمل می‌آورد، ایستادگی کنند و یکدیگر را یاری دهند و وسایل عبور نیروهای نظامی هر عضو جامعه را که برای دفاع از حریم پیمان‌های بین‌المللی در عملیات مشترک داخل شود، فراهم آورند.

۴) هر عضو محکوم به نقض مقررات بین‌المللی مندرج در میثاق را می‌توان از جامعه اخراج کرد. این اخراج باید به تصویب دیگر اعضای جامعه که در شورای اجرایی نماینده دارند، برسد.

مادهٔ ۱۷

۱) هر گاه میان دو کشوری که تنها یکی از آنها عضو جامعه است یا اینکه هیچیک از آنها عضو جامعه نیست، اختلافی پدید آید، از کشور یا کشورهای خارج از جامعه دعوت می‌شود که همچون اعضای جامعه، مقررات مربوط به حل و فصل اختلافات را با شرایط عادلانه‌ای که شورا وضع می‌کند، ملاک کار خود قرار دهند. هر گاه این دعوت مورد پذیرش آن کشورها واقع شود، مقررات مواد ۱۲ تا ۱۶ (میثاق) با جرح و تعدیلی که به نظر شورا لازم می‌نماید، در مورد آنان اعمال خواهد شد.

۲) به محض ارسال دعوتنامه، شورای اجرایی تحقیق دربارهٔ اوضاع و احوال مربوط به اختلاف را آغاز می‌کند و راه حل‌هایی را که در این خصوص به نظر عادلانه‌تر و موثرتر می‌نماید، پیشنهاد می‌دهد.

۳) اگر کشوری که از آن برای حل اختلاف دعوت به عمل آمده است، دعوت شورا را برای حل اختلاف بر اساس مقررات میثاق نپذیرد و بر ضد یک عضو جامعه وارد جنگ شود، مقررات مادهٔ۱۶ در مورد آن کشور به اجرا در خواهد آمد.

۴) در صورتی که هر دو طرف دعوی از قبول مقررات جامعه درباره حل مسالمت‌آمیز اختلافات امتناع بورزند، شورای اجرایی می‌تواند اقداماتی لازم و پیشنهادهایی مناسب ارائه دهد تا اختلاف از میان برود و راه حلی برای دعوی پیدا شود.

مادهٔ ۱۸

هر معاهده یا تعهد بین‌المللی که از این پس میان اعضای جامعه انعقاد یابد، باید بی‌درنگ در دبیرخانه ثبت شود و دبیرخانه نیز به فوریت هر چه تمام‌تر آن را منتشر کند.هیچیک از این معاهدات یا تعهدات بین‌المللی پیش از به ثبت رسیدن، لازم الاجرا نخواهد بود.

مادهٔ ۱۹

مجمع عمومی می‌تواند هر چند وقت یک بار، از اعضای جامعه دعوت کند که در معاهدات غیرقابل‌اجرا و وضعیت‌هایی که ادامهٔ آنها برای صلح جهانی مخاطره آمیز است، تجدید نظر کنند.

مادهٔ ۲۰

۱) هر یک از اعضای جامعهٔ ملل، تا آنجا که به آن عضو مربوط می‌شود، مقررات میثاق را ناسخ تمام معاهدات یا موافقتنامه‌های دوجانبه‌ای می‌داند که با مدلول این مقررات مباینت دارد و به‌طور رسمی متعهد می‌گردد که از این پس به معاهدات ناقض مفاد این مقررات نپیوندد.
۲) هر گاه پیش از ورود به جامعه، یکی از اعضا، تعهداتی مخالف با مقررات میثاق تقبل کرده باشد، مکلف است بی‌درنگ اقداماتی در جهت خلاصی از آن پیمان به عمل آورد.

مادهٔ ۲۱

پیمان‌های بین‌المللی، مثل معاهدات داوری و هرگونه وفاق منطقه‌ای از قبیل دکترین مونروئه (Monroe) که ضامن بقای صلح است، با هیچیک از مقررات این میثاق مباینت ندارد.

مادهٔ ۲۲

۱) در مورد مستعمرات و سرزمین‌هایی که پس از جنگ از یوغ حاکمیت کشورهایی که پیش از این بر آنان تسلط داشته، خارج شده‌اند و سکنهٔ آن اقوامی هستند که در اوضاع و احوال سخت دنیای امروز هنوز توانایی ادارهٔ خود را ندارند، اصل زیر اعلام خواهد شد. همچنین از آنجا که سعادت و ترقی این اقوام، رسالت مقدس تمدن انسانی است، لازم است که در میثاق کنونی وسیلهٔ اجرای این رسالت به نحو شایسته‌ای تامین شود.

۲) عالی‌ترین راه تحقق این اصل آن است که قیمومت این اقوام به کشورهایی متمدن واگذار شود که در پرتو منابع ثروت و تجربه یا موقعیت جغرافیایی خود بهتر از سایر کشورها می‌توانند عهده‌دار این مسؤلیت شوند و در ضمن این وظیفه را نیز می‌پذیرند که این کشورها این قیمومت را در مقام نماینده و به نام جامعه‌ملل اعمال خواهند کرد.

۳) حد این مأموریت به تناسب میزان رشد، موقعیت جغرافیایی، اوضاع اقتصادی و سایر اوضاع و احوال مشابه دیگر در این سرزمین‌ها متفاوت است.

۴) بعضی از این اجتماعات که پیش از این بخشی از قلمرو امپراتوری عثمانی به شمار می‌آمده‌اند، تا آن حد رشد پیدا کرده‌اند که می‌توان آنان را به‌طور موقت در مقام کشورهایی مستقل شناسایی کرد، مشروط بر آنکه راهنمایی‌ها و یاوری‌های کشور نماینده، راهبر آنان در ادارهٔ امور شود تا آنجا که اینان خود بتوانند به‌تنهایی سکان ادارهٔ کشورشان را به دست گیرند. بدیهی است که پیش از هر چیز نظر این اقوام در انتخاب کشور نماینده شرطی لازم به‌شمار می‌آید.

۵) میزان رشد و توسعهٔ اقوام دیگر، به ویژه اقوام ساکن آفریقای مرکزی، ایجاب می‌کند که کشور نماینده، خود عهده دار ادارهٔ آن مناطق شود، به این صورت که عادات مذموم از قبیل برده فروشی و قاچاق اسلحه و الکل را از بین ببرد و آزادی وجدان و دین را تضمین کند و هیچ محدودیتی جز آنچه برای حفظ نظم و اخلاق حسنه ضرورت دارد، به‌وجود نیاورد؛ همچنین استقرار پایگاه‌های نظامی یا دریایی را ممنوع کند و بومیان را بیش از آنچه برای خدمات انتظامی و دفاع از خاک ضرورت دارد، تعلیم نظامی ندهد و برای سایر اعضای جامعه وضعی برابر در مبادلات و بازرگانی به‌وجود آورد.

۶) سرانجام، سرزمین‌های دیگر مثل آفریقای جنوب غربی و بعضی از جزایر واقع در جنوب اقیانوس کبیر به دلیل کمی تراکم جمعیت یا اندک بودن وسعت خاک یا دوری از مراکز تمدن یا همجواری با خاک کشور نماینده در صورتی می‌توانند رشد یابند که همچون جزیی لاینفک از خاک کشور نماینده به شمار آیند و در نتیجه تابع

قوانین داخلی آن کشور باشند؛ به شرط اینکه آن تضمین‌هایی که در جهت منافع بومیان دستهٔ فوق پیش‌بینی شده است، در مورد اینان نیز برقرار شود.

۷) در تمام این موارد، کشور نماینده باید هر سال گزارشی درباره سرزمین تحت ادارهٔ خود به شورای اجرایی تسلیم کند.

۸) هرگاه میزان اقتدار و نظارت یا حدود اختیارات دولت نماینده قبلا از طریق یک معاهده به تصویب اعضای جامعهٔ ملل نرسیده باشد، شورای اجرایی در این قلمرو مقرراتی وضع خواهد کرد.

۹) یک کمیسیون دایمی مأموریت خواهد یافت که گزارش‌های سالانهٔ دولت‌های نماینده را بررسی کند و پس از آن نظر خود را دربارهٔ مسائل مربوط به مأموریت این دولت‌ها به شورای اجرایی اعلام دارد.

مادهٔ ۲۳

با رعایت و حفظ اعتبار معاهدات بین‌المللی موجود یا معاهداتی که در آینده انعقاد خواهد یافت، اعضای جامعه:

الف) تلاش خواهند کرد که برای کار مردان و زنان و کودکان در قلمرو خویش وضعی عادلانه و مطابق با شأن انسانی پدید آورند و همچنین این وضع و حال را به تمام کشورهایی که با آنها روابط تجاری و صنعتی دارند، تعمیم دهند و برای تحقق این امر سازمان‌های بین‌المللی مناسب تأسیس کنند؛

ب) متعهد می‌شوند که با بومیان تحت سلطهٔ خویش رفتاری عادلانه داشته باشند؛

ج) به جامعه مأموریت می‌دهند که بر موافقتنامه‌های مربوط به خرید و فروش زنان و کودکان و قاچاق تریاک و سایر مواد مخدر نظارتی کلی معمول دارد؛

د) به جامعه مأموریت می‌دهند که تجارت اسلحه ومهمات را با کشورهایی که نظارت بر تجارت اسلحه با آنان لازمهٔ حفظ منافع مشترک (جامعهٔ بین‌المللی) به‌شمار آمده است، زیر نظر بگیرد؛

هـ) متعهد می‌شوند که مقرراتی مناسب برای تضمین و حفظ آزادی ارتباطات و عبور و

مرور و همچنین رفتار عادلانه در تجارت با یکدیگر وضع کنند؛ البته با توجه به اینکه نیازهای خاص مناطق ویران شده در جنگ ۱۹۱۸- ۱۹۱۴ همواره باید مد نظر قرار گیرد؛

و) کوشش خواهند کرد برای مبارزه با امراض و پیشگیری از آن، اقدامات بین‌المللی ضروری به‌عمل آورند.

مادهٔ ۲۴

۱) هر دفتر بین‌المللی که پیش از این با استناد به معاهدات جمعی تأسیس شده است، در صورت موافقت طرفین آن، از این پس زیر نظر جامعه اداره خواهد شد. به همین ترتیب، دفاتر بین‌المللی و هر کمیسیون بین‌المللی حل اختلاف که در آینده به‌وجود آید، زیر نظر جامعه به‌کار مشغول خواهد شد.

۲) در مورد تمام قضایای بین‌المللی که با معاهدات عام فیصله یافته، اما تحت نظارت کمیسیون یا دفتری بین‌المللی درنیامده است، دبیرکل می‌تواند، در صورتی که طرفین درخواست کنند و شورا نیز موافق باشد، تمام اطلاعات مفید را جمع‌آوری و منتشر سازد و در این راه از دادن هرگونه کمک لازم و خواسته شده دریغ نورزد.

۳) شورای اجرایی می‌تواند هزینه‌های مربوط به تمام دفاتر و کمیسیون‌هایی را که زیر نظر جامعه به کار اشتغال دارند، به هزینه‌های دبیرخانه اضافه کند.

مادهٔ ۲۵

اعضای جامعه متعهد می‌شوند که با تشویق و ترغیب (جهانیان) موجبات استقرار همکاری سازمان‌های داوطلب ملی صلیب سرخ را که به‌طور رسمی مشغول به کار هستند و هدفشان بهبود وضع بهداشتی و جلوگیری از بروز امراض و کاهش آلام انسانی در جهان است، فراهم آورند.

مادهٔ ۲۶

۱) هرگونه اصلاحی که در پیمان حاضر به‌عمل می‌آید، به‌محض تصویب اعضای

جامعه که نمایندگانشان در شورا عضویت دارند، و اکثریت اعضای مجمع عمومی، به اجرا گذاشته خواهد شد.

۲) هر عضو جامعه مجاز است که اصلاحات وارد بر میثاق را نپذیرد و اگر چنین کند از عضویت جامعه خارج می‌شود.

ضمیمهٔ ۱ میثاق

اعضای مؤسس جامعهٔ ملل که معاهدهٔ صلح را امضا کرده‌اند عبارتند از:

ایالات متحده آمریکا	هائیتی	بلژیک	حجاز
بولیوی	هندوراس	برزیل	ایتالیا
بریتانیای کبیر	ژاپن	کانادا	لیبریا
استرالیا	نیکاراگوئه	افریقای جنوبی	پاناما
زلاند جدید	پرو	هندوستان	لهستان
چین	پرتغال	کوبا	رومانی
اکوادوار	صربستان، کرواسی، اسلوونی	فرانسه	سیام
یونان	چکسلواکی	گواتمالا	اوروگوئه

کشورهایی که از آنان برای عضویت در جامعه دعوت به‌عمل آمده است:

آرژانتین	هلند	کلمبیا	ایران
دانمارک	السالوادور	اسپانیا	سوئد
پاراگوئه	سوئیس	ونزوئلا	

ضمیمه شماره ۴

متن کامل انگلیسی منشور ملل‌متحد

Charter of the United Nations;
June 26, 1945

WE THE PEOPLES OF THE UNITED NATIONS DETERMINED to save succeeding generations from the scourge of war, which twice in our lifetime has brought untold sorrow to mankind, and to reaffirm faith in fundamental human rights, in the dignity and worth of the human person, in the equal rights of men and women and of nations large and small, and to establish conditions under which justice and respect for the obligations arising from treaties and other sources of international law can be maintained, and to promote social progress and better standards of life in larger freedom, AND FOR THESE ENDS to practice tolerance and live together in peace with one another as good neighbours, and to unite our strength to maintain international peace and security, and to ensure, by the acceptance of principles and the institution of methods, that armed force shall not be used, save in the common interest, and to employ international machinery for the promotion of the economic and social advancement of all peoples, have resolved to combine our efforts to accomplish these aims accordingly, our respective Governments, through representatives assembled in the city of San Francisco, who have exhibited their full powers found to be in good and due form, have agreed to the present Charter of the United Nations and do hereby establish an international organization to be known as the United Nations.

CHAPTER I
PURPOSES AND PRINCIPLES
Article 1
The Purposes of the United Nations are:

1. To maintain international peace and security, and to that end: to take effective collective measures for the prevention and removal of threats to the peace, and for the suppression of acts of aggression or other breaches of the peace, and to bring about by peaceful means, and in conformity with the principles of justice and international law, adjustment or settlement of international disputes or situations which might lead to a breach of the peace;

2. To develop friendly relations among nations based on respect for the principle of equal rights and self-determination of peoples, and to take other appropriate measures to strengthen universal peace;

3. To achieve international co-operation in solving international problems of an economic, social, cultural, or humanitarian character, and in promoting and encouraging respect for human rights and for fundamental freedoms for all without distinction as to race, sex, language, or religion; and

4. To be a centre for harmonizing the actions of nations in the attainment of these common ends.

Article 2

The Organization and its Members, in pursuit of the Purposes stated in Article 1 shall act in accordance with the following Principles.

1. The Organization is based on the principle of the sovereign equality of all its Members.

2. All Members, in order to ensure to all of them the rights and benefits resulting from membership, shall fulfill in good faith the obligations

assumed by them in accordance with the present Charter.

3. All Members shall settle their international disputes by peaceful means in such a manner that international peace and security, and. justice, are not endangered.

4. All Members shall refrain in their international relations from the threat or use of force against the territorial integrity or political independence of any state, or in any other manner inconsistent with the Purposes of the United Nations.

5. All Members shall give the United Nations every assistance in any action it takes in accordance with the present Charter, and shall refrain from giving assistance to any state against which the United Nations is taking preventive or enforcement action.

6. The Organization shall ensure that states which are not Members of the United Nations act in accordance with these Principles so far as may be necessary for the maintenance of international peace and security.

7. Nothing contained in the present Charter shall authorize the United Nations to intervene in matters which are essentially within the domestic jurisdiction of any state or shall require the Members to submit such matters to settlement under the present Charter; but this principle shall not prejudice the application of enforcement measures under **Chapter VII.**

CHAPTER II
MEMBERSHIP
Article 3

The original Members of the United Nations shall be the states which, having participated in the United Nations Conference on International Organization at San Francisco, or having previously signed the Declaration by United Nations of 1 January 1942, sign the present Charter and ratify it in accordance with **Article 110.**

Article 4

1. Membership in the United Nations is open to a other peace-loving states which accept the obligations contained in the present Charter and, in the judgment of the Organization, are able and willing to carry out these obligations.

2. The admission of any such state to membership in the Nations will be effected by a decision of the General Assembly upon the recommendation of the Security Council.

Article 5

A Member of the United Nations against which preventive or enforcement action has been taken by the Security Council may be suspended from the exercise of the rights and privileges of membership by the General Assembly upon the recommendation of the Security Council. The exercise of these rights and privileges may be restored by the Security Council.

Article 6

A Member of the United Nations which has persistently violated the Principles contained in the present Charter may be' expelled from the Organization by the General Assembly upon the recommendation of the Security Council.

CHAPTER III
ORGANS
Article 7

1. There are established as the principal organs of the United Nations: a General Assembly, a Security Council, an Economic and Social Council,

a Trusteeship Council, an International Court of Justice, and a Secretariat.

2. Such subsidiary organs as may be found necessary may be established in accordance with the present Charter.

Article 8

The United Nations shall place no restrictions on the eligibility of men and women to participate in any capacity and under conditions of equality in its principal and subsidiary organs.

CHAPTER IV
THE GENERAL ASSEMBLY
Composition
Article 9

1. The General Assembly shall consist of all the Members of the United Nations.

2. Each Member shall have not more than five representatives in the General Assembly.

Functions and Powers
Article 10

The General Assembly may discuss any questions or any matters within the scope of the present Charter or relating to the powers and functions of any organs provided for in the present Charter, and, except as provided in **Article 12** may make recommendations to the Members of the United Nations or to the Security Council or to both on any such questions or matters.

Article 11

1. The General Assembly may consider the general principles of co-operation in the maintenance of international peace and security, including the principles governing disarmament and the regulation of armaments, and may make recommendations with regard to such principles to the Members or to the Security Council or to both.

2. The General Assembly may discuss any questions relating to the maintenance of inter- national peace and security brought before it by any Member of the United Nations, or by the Security Council, or by a state which is not a Member of the United Nations in accordance with **Article 35**, paragraph 2, and, except as provided in **Article 12**, may make recommendations with regard to any such questions to the state or states concerned or to the Security Council or to both. Any such question on which action is necessary shall be referred to the Security Council by the General Assembly either before or after discussion.

3. The General Assembly may call the attention of the Security Council to situations which are likely to endanger international peace and security.

4. The powers of the General Assembly set forth in this Article shall not limit the general scope of **Article 10** .

Article 12

1. While the Security Council is exercising in respect of any dispute or situation the functions assigned to it in the present Charter, the General Assembly shall not make any recommendation with regard to that dispute or situation unless the Security Council so requests.

2. The Secretary-General, with the consent of the Security Council, shall notify the General Assembly at each session of any matters relative to the maintenance of international peace and security which are being dealt with by the Security Council and similarly notify the General Assembly,

or the Members of the United Nations if the General Assembly is not in session, immediately the Security Council ceases to deal with such matters.

Article 13

1. The General Assembly shall initiate studies and make recommendations for the purpose of:

a. promoting international co-operation in the political field and encouraging the progressive development of international law and its codification;

b. promoting international co-operation in the economic, social, cultural, educational, and health fields, an assisting in the realization of human rights and fundamental freedoms for all without distinction as to race, sex, language, or religion.

2. The further responsibilities, functions and powers of the General with respect to matters mentioned in paragraph) above are set forth in Chapters **IX.**

Article 14

Subject to the provisions of **Article 12** the General Assembly may recommend measures for the peaceful adjustment of any situation, regardless of origin, which it deems likely to impair the general welfare or friendly relations among nations, including situations resulting from a violation of the provisions of the present Charter setting forth the Purposes and Principles of the United Nations.

Article 15

1. The General Assembly shall receive and consider annual and special

reports from the Security Council; these reports shall include an account of the measures that the Security Council has decided upon or taken to main- tain international peace and security.

2. The General Assembly shall receive and consider reports from the other organs of the United Nations.

Article 16

The General Assembly shall perform such functions with respect to the international trusteeship system as are assigned to it under Chapters **XII** and **XIII**, including the approval of the trusteeship agreements for areas not designated as strategic.

Article 17

1. The General Assembly shall consider and approve the budget of the Organization.

2. The expenses of the Organization shall be borne by the Members as apportioned by the General Assembly.

3. The Assembly shall consider and approve any financial and budgetary arrangements with specialize agencies referred to in **Article 57** and shall examine the administrative budgets of such specialized agencies with a view to making recommendations to the agencies concerned.

Voting
Article 18

1. Each member of the General Assembly shall have one vote.

2. Decisions of the General Assembly on important questions shall be made by a two- thirds majority of the members present and voting. These

questions shall include: recommendations with respect to the maintenance of international peace and security, the election of the non-permanent members of the Security Council, the election of the members of the Economic and Social Council, the election of members of the Trusteeship Council in accordance with paragraph 1 of Article 86, the admission of new Members to the United Nations, the suspension of the rights and privileges of membership, the expulsion of Members, questions relating to the operation of the trusteeship system, and budgetary questions.

3. Decisions on other questions, including the determination of additional categories of questions to be decided by a two-thirds majority, shall be made by a majority of the members present and voting.

Article 19

A Member of the United Nations which is in arrears in the payment of its financial contributions to the Organization shall have no vote in the General Assembly if the amount of its arrears equals or exceeds the amount of the contributions due from it for the preceding two full years. The General Assembly may, nevertheless, permit such a Member to vote if it is satisfied that the failure to pay is due to conditions beyond the of the Member.

Procedure
Article 20

The General Assembly shall meet in regular annual sessions and in such special sessions as occasion may require. Special sessions shall be convoked by the Secretary-General at the request of the Security Council or of a majority of the Members of the United Nations.

Article 21

The General Assembly shall adopt its own rules of procedure. It shall elect its President for each session.

Article 22

The General Assembly may establish such subsidiary organs as it deems necessary for the performance of its functions.

CHAPTER V
THE SECURITY COUNCIL
Composition
Article 23

1. The Security Council shall consist of fifteen Members of the United Nations. The Republic of China, France, the Union of Soviet Socialist, the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, and the United States of America shall be permanent members of the Security Council. The General Assembly shall elect ten other Members of the United Nations to be non-permanent members of the Security Council, due regard being specially paid, in the first in- stance to the contribution of Members of the United Nations to the maintenance of inter- national peace and security and to the other purposes of the Organization, and also to equitable geographical distribution.

2. The non-permanent members of the Security Council shall be elected for a term of two years. In the first election of the non- permanent members after the increase of the membership of the Security Council from eleven to fifteen, two of the four additional members shall be chosen for a term of one year. A retiring member shall not be eligible for immediate re-election.

3. Each member of the Security Council shall have one representative.

Functions and Powers
Article 24

1. In order to ensure prompt and effective action by the United Nations, its Members confer on the Security Council primary responsibility for the maintenance of international peace and security, and agree that in carrying out its duties under this responsibility the Security Council acts on their behalf.

2. In discharging these duties the Security Council shall act in accordance with the Purposes and Principles of the United Nations. The specific powers granted to the Security Council for the discharge of these duties are laid down in Chapters **VI** and **XII**

3. The Security Council shall submit annual and, when necessary, special reports to the General Assembly for its consideration.

Article 25

The Members of the United Nations agree to accept and carry out the decisions of the Security Council in accordance with the present Charter.

Article 26

In order to promote the establishment and maintenance of international peace and security with the least diversion for armaments of the world's human and economic resources, the Security Council shall be responsible for formulating, with the assistance of the Military Staff Committee referred to in **Article 47** plans to be submitted to the Members of the United-Nations for the establishment of a system for the regulation of armaments.

Voting
Article 27

1. Each member of the Security Council shall have one vote.

2. Decisions of the Security Council on procedural matters shall be made by an affirmative vote of nine members.

3. Decisions of the Security Council on all other matters shall be made by an affirmative vote of nine members including the concurring votes of the permanent members; provided that, in decisions under **Chapter VI** and under paragraph 3 of **Article 52** a party to a dispute shall abstain from voting.

Procedure
Article 28

1. The Security Council shall be so organized as to be able to function continuously. Each member of the Security Council shall for this purpose be represented at times at the seat of the Organization.

2. The Security Council shall hold meetings at which each of its members may, if it so desires, be represented by a member of the government or by some other specially designated representative.

3. The Security Council may hold meetings at such places other than the seat of the Organization as in its judgment will best facilitate its work.

Article 29

The Security Council may establish such subsidiary organs as it deems necessary for the performance of its functions.

Article 30

The Security Council shall adopt its own rules of procedure, including the method of selecting its President.

Article 31

Any Member of the United Nations which is not a member of the Security Council may participate, without vote, in the discussion of any question brought before the Security Council whenever the latter considers that the interests of that Member are specially affected.

Article 32

Any Member of the United Nations which is not a member of the Security Council or any state which is not a Member of the United Nations, if it is a party to a dispute under consideration by the Security Council, shall be invited to participate, without vote, in the discussion relating to the dispute. The Security Council shall any down such conditions as it deems just for the participation of a state which is not a Member of the United Nations.

CHAPTER VI
PACIFIC SETTLEMENT OF DISPUTES

Article 33

1. The parties to any dispute, the continuance of which is likely to endanger the maintenance of international peace and security, shall, first of a, seek a solution by negotiation, enquiry, mediation, conciliation, arbitration, judicial settlement, resort to regional agencies or arrangements, or other peaceful means of their own choice.

2. The Security Council shall, when it deems necessary, call upon the

parties to settle their dispute by such means.

Article 34

The Security Council may investigate any dispute, or any situation which might lead to international friction or give rise to a dispute, in order to determine whether the continuance of the dispute or situation is likely to endanger the maintenance of international peace and security.

Article 35

1. Any Member of the United Nations may bring any dispute, or any situation of the nature referred to in **Article 34** to the attention of the Security Council or of the General Assembly.

2. A state which is not a Member of the United Nations may bring to the attention of the Security Council or of the General Assembly any dispute to which it is a party if it accepts in advance, for the purposes of the dispute, the obligations of pacific settlement provided in the present Charter.

3. The proceedings of the General Assembly in respect of matters brought to its attention under this Article will be subject to the provisions of Articles **11** and **12**

Article 36

1. The Security Council may, at any stage of a dispute of the nature referred to in Article 33 or of a situation of like nature, recommend appropriate procedures or methods of adjustment.

2. The Security Council should take into consideration any procedures for the settlement of the dispute which have already been adopted by the parties.

3. In making recommendations under this Article the Security Council should also take into consideration that legal disputes should as a general rule be referred by the parties to the International Court of Justice in accordance with the provisions of the Statute of the Court.

Article 37

1. Should the parties to a dispute of the nature referred to in **Article 33 >** fail to settle it by the means indicated in that Article, they shall refer it to the Security Council.

2. If the Security Council deems that the continuance of the dispute is in fact likely to endanger the maintenance of international peace and security, it shall decide whether to take action under Article 36 or to recommend such terms of settlement as it may consider appropriate.

Article 38

Without prejudice to the provisions of Articles **33** to **37** the Security Council may, if all the parties to any dispute so request, make recommendations to the parties with a view to a pacific settlement of the dispute.

CHAPTER VII
ACTION WITH RESPECT TO THREATS TO THE PEACE, BREACHES OF THE PEACE, AND ACTS OF AGGRESSION
Article 39

The Security Council shall determine the existence of any threat to the peace, breach of the peace, or act of aggression and shall make recommendations, or decide what measures shall be taken in accordance with Articles and **42** to maintain or restore international peace and security.

Article 40

In order to prevent an aggravation of the situation, the Security Council may, before making the recommendations or deciding upon the measures provided for in **Article 39**, call upon the parties concerned to comply with such provisional measures as it deems necessary or desirable. Such provisional measures shall be without prejudice to the rights, claims, or position of the parties concerned. The Security Council shall duly take account of failure to comply with such provisional measures.

Article 41

The Security Council may decide what measures not involving the use of armed force are to be employed to give effect to its decisions, and it may call upon the Members of the United Nations to apply such measures. These may include complete or partial interruption of economic relations and of rail, sea, air, postal, telegraphic, radio, and other means of communication, and the severance of diplomatic relations.

Article 42

Should the Security Council consider that measures provided for in **Article 41** would be inadequate or have proved to be inadequate, it may take such action by air, sea, or land forces as may be necessary to maintain or restore international peace and security. Such action may include demonstrations, blockade, and other operations by air, sea, or land forces of Members of the United Nations.

Article 43

1. All Members of the United Nations, in order to contribute to the maintenance of international peace and security, undertake to make available to the Security Council, on its and in accordance with a special

agreement or agreements, armed forces, assistance, and facilities, including rights of passage, necessary for the purpose of maintaining international peace and security.

2. Such agreement or agreements shall govern the numbers and types of forces, their degree of readiness and general location, and the nature of the facilities and assistance to be provided.

3. The agreement or agreements shall be negotiated as soon as possible on the initiative of the Security Council. They shall be concluded between the Security Council and Members or between the Security Council and groups of Members and shall be subject to ratification by the signatory states in accordance with their respective constitutional processes.

Article 44

When Security Council has decided to use force it shall, before calling upon a Member not represented on it to provide armed forces in fulfilment of the obligations assumed under Article 43, invite that Member, if the Member so desires, to participate in the decisions of the Security Council concerning the employment of contingents of that Member's armed forces.

Article 45

In order to enable the Nations to take urgent military measures, Members shall hold immediately available national air-force contingents for combined international enforcement action. The strength and degree of readiness of these contingents and plans for their combined action shall be determined, within the limits laid down in the special agreement or agreements referred to in Article 43, by the Security Council with the assistance of the Military Committee.

Article 46

Plans for the application of armed force shall be made by the Security Council with the assistance of the Military Staff Committee.

Article 47

1. There shall be established a Military Staff Committee to advise and assist the Security Council on questions relating to the Security Council's military requirements for the maintenance of international peace and security, the employment and command of forces placed at its disposal, the regulation of armaments, and possible disarmament.

2. The Military Staff Committee consist of the Chiefs of Staff of the permanent members of the Security Council or their representatives. Any Member of the United Nations not permanently represented on the Committee shall be invited by the Committee to be associated with it when the efficient discharge of the Committee's responsibilities re- quires the participation of that Member its work.

3. The Military Staff Committee be responsible under the Security Council for the strategic direction of any armed forces paced at the disposal of the Security Council. Questions relating to the command of such forces shall be worked out subsequently.

4. The Military Staff Committee, with the authorization of the security Council and after consultation with appropriate regional agencies, may establish sub-commit- tees.

Article 48

1. The action required to carry out the decisions of the Security Council for the maintenance of international peace and security shall be taken by all the Members of the United Nations or by some of them, as the

Security Council may determine.

2. Such decisions shall be carried out by the Members of the United Nations directly and through their action in the appropriate international agencies of which they are members.

Article 49

The Members of the United Nations shall join in affording mutual assistance in carrying out the measures decided upon by the Security Council.

Article 50

If preventive or enforcement measures against any state are taken by the Security Council, any other state, whether a Member of the United Nations or not, which finds itself confronted with special economic problems arising from the carrying out of those measures shall have the right to consult the Security Council with regard to a solution of those problems.

Article 51

Nothing in the present Charter shall impair the inherent right of individual or collective self-defence if an armed attack occurs against a Member of the United Nations, until the Security Council has taken measures necessary to maintain international peace and security. Measures taken by Members in the exercise of this right of self-defence shall be immediately reported to the Security Council and shall not in any way affect the authority and responsibility of the Security Council under the present Charter to take at any time such action as it deems necessary in order to maintain or restore international peace and security.

Chapter VIII
REGIONAL ARRANGEMENTS
Article 52

1. Nothing in the present Charter the existence of regional arrangements or agencies for dealing with such matters relating to the maintenance of international peace and security as are appropriate fur regional action, provided that such arrangements or agencies and their activities are consistent with the Purposes and Principles of the United Nations.

2. The Members of the United Nations entering into such arrangements or constituting such agencies shall make every effort to achieve pacific settlement of local disputes through such regional arrangements or by such regional agencies before referring them to the Security Council.

3. The Security Council shall encourage the development of pacific settlement of local disputes through such regional arrangements or by such regional agencies either on the initiative of the states concerned or by reference from the Security Council.

4. This Article in no way the application of Articles **34** and **35.**

Article 53

1. The Security Council shall, where appropriate, utilize such regional arrangements or agencies for enforcement action under its authority. But no enforcement action shall be taken under regional arrangements or by regional agencies without the authorization of the Security Council, with the exception of measures against any enemy state, as defined in paragraph 2 of this Article, provided for pursuant to **Article 107 <http://www.yale.edu/lawweb/avalon/un/unchart.htm>** or in regional arrangements directed against renewal of aggressive policy on the part of any such state, until such time as the Organization may, on request of the Governments concerned, be charged with the responsibility for preventing further aggression by such a state.

2. The term enemy state as used in para- graph 1 of this Article applies to any state which during the Second World War has been an enemy of any signatory of the present Charter.

Article 54

The Security Council shall at all times be kept fully informed of activities undertaken or in contemplation under regional arrangements or by regional agencies for the maintenance of international peace and security.

CHAPTER IX
INTERNATIONAL ECONOMIC AND SOCIAL CO-OPERATION
Article 55

With a view to the creation of conditions of stability and well-being which are necessary for peaceful and friendly relations among nations based on respect for the principle of equal rights and self-determination of peoples, the United Nations shall promote:

a. higher standards of living, full employment, and conditions of economic and social progress and development;

b. solutions of international economic, social, health, and related problems; and international cultural and educational co- operation; and

c. universal respect for, and observance of, human rights and fundamental freedoms for all without distinction as to race, sex, language, or religion.

Article 56

All Members pledge themselves to take joint and separate action in co-operation with the Organization for the achievement of the purposes set forth in **Article 55**.

Article 57

1. The various specialized agencies, established by intergovernmental agreement and having wide international responsibilities, as defined in their basic instruments, in economic, social, cultural, educational, health, and related fields, shall be brought into relationship with the United Nations in accordance with the provisions of **Article 63** .

2. Such agencies thus brought into relationship with the United Nations are hereinafter referred to as specialized agencies.

Article 58

The Organization shall make recommendations for the co-ordination of the policies and activities of the specialized agencies.

Article 59

The Organization shall, where appropriate, initiate negotiations among the states concerned for the creation of any new specialized agencies required for the accomplishment of the purposes set forth in **Article 55**.

Article 60

Responsibility for the discharge of the functions of the Organization set forth in this Chapter shall be vested in the General Assembly and, under the authority of the General Assembly, in the Economic and Social Council, which shall have for this purpose the powers set forth in Chapter X.

CHAPTER X
THE ECONOMIC AND SOCIAL COUNCIL
Composition
Article 61

1. The Economic and Social Council shall consist of fifty-four Members of the United Nations elected by the General Assembly.

2. Subject to the provisions of paragraph 3, eighteen members of the Economic and Social Council shall be elected each year for a term of three years. A retiring member shall be eligible for immediate re-election.

3. At the first election after the increase in the membership of the Economic and Social Council from twenty-seven to fifty-four members, in addition to the members elected in place of the nine members whose term of office expires at the end of that year, twenty-seven additional members shall be elected. Of these twenty-seven additional members, the term of office of nine members so elected shall expire at the end of one year, and of nine other members at the end of two years, in accordance with arrangements made by the General Assembly.

4. Each member of the Economic and Social Council shall have one representative.

Functions and Powers
Article 62

1. The Economic and Social Council may make or initiate studies and reports with respect to international economic, social, cultural, educational, health, and related matters and may make recommendations with respect to any such matters to the General Assembly, to the Members of the United Nations, and to the specialized agencies concerned.

2. It may make recommendations for the purpose of promoting respect

for, and observance of, human rights and fundamental freedoms for all.

3. It may prepare draft conventions for submission to the General Assembly, with respect to matters falling within its competence.

4. It may call, in accordance with the rules prescribed by the United Nations, international conferences on matters falling within its competence.

Article 63

1. The Economic and Social Council may enter into agreements with any of the agencies referred to in **Article 57** defining the terms on which the agency concerned shall be brought into relationship with the United Nations. Such agreements shall be subject to approval by the General Assembly.

2. It may co-ordinate the activities of the specialized agencies through consultation with and recommendations to such agencies and through recommendations to the General Assembly and to the Members of the United Nations.

Article 64

1. The Economic and Social Council may take appropriate steps to obtain regular re- ports from the specialized agencies. may make arrangements with the Members of the United Nations and with the specialized agencies to obtain reports on the steps taken to give effect to its own recommendations and to recommendations on matters falling within its competence made by the General Assembly.

2. It may communicate its observations on these reports to the General Assembly.

Article 65

The Economic and Social Council may furnish information to the Security Council and shall assist the Security Council upon its request.

Article 66

1. The Economic and Social Council shall perform such functions as fall within its competence in connexion with the carrying out of the recommendations of the General Assembly.

2. It may, with the approval of the General Assembly, perform services at the request of Members of the United Nations and at the request of specialized agencies.

3. It shall perform such other functions as are specified elsewhere in the present Charter or as may be assigned to it by the General Assembly.

Voting
Article 67

1. Each member of the Economic and Social Council shall have one vote.

2. Decisions of the Economic and Social Council shall be made by a majority of the members present and voting.

Procedure
Article 68

The Economic and Social Council shall set up commissions in economic and social fields and for the promotion of human rights, and such other commissions as may be required for the performance of its functions.

Article 69

The Economic and Social Council shall invite any Member of the United Nations to participate, without vote, in its deliberations on any matter of particular concern to that Member.

Article 70

The Economic and Social Council may make arrangements for representatives of the specialized agencies to participate, without vote, in its deliberations and in those of the commissions established by it, and for its representatives to participate in the deliberations of the specialized agencies.

Article 71

The Economic and Social Council may make suitable arrangements for consultation with non-governmental organizations which are concerned with matters within its competence. Such arrangements may be made with international organizations and, where appropriate, with national organizations after consultation with the Member of the United Nations concerned.

Article 72

1. The Economic and Social Council shall adopt its own rules of procedure, including the method of selecting its President.

2. The Economic and Social Council shall meet as required in accordance with its rules, which shall include provision for the convening of meetings on the request of a majority of its members.

CHAPTER XI
DECLARATION REGARDING NON-SELF-GOVERNING TERRITORIES
Article 73

Members of the United Nations which have or assume responsibilities for the administration of territories whose peoples have not yet attained a full measure of self-government recognize the principle that the interests of the inhabitants of these territories are paramount, and accept as a sacred trust the obligation to promote to the utmost, within the system of international peace and security established by the present Charter, the well- being of the inhabitants of these territories, and, to this end:

a. to ensure, with due respect for the culture of the peoples concerned, their political, economic, social, and educational advancement, their just treatment, and their protection against abuses;

b. to develop self-government, to take due account of the political aspirations of the peoples, and to assist them in the progressive development of their free political institutions, according to the particular circumstances of each territory and its peoples and their varying stages of advancement;

c. to further international peace and security;

d. to promote constructive measures of development, to encourage research, and to co-operate with one another and, when and where appropriate, with specialized international bodies with a view to the practical achievement of the social, economic, and scientific purposes set forth in this Article; and

e. to transmit regularly to the Secretary-General for information purposes, subject to such limitation as security and constitutional considerations may require, statistical and other information of a technical nature relating to economic, social, and educational conditions in the territories for which they are respectively responsible other than those territories to which Chapters **XII** and **XIII** apply.

Article 74

Members of the United Nations also agree that their policy in respect of the territories to which this Chapter applies, no less than in respect of their metropolitan areas, must be based on the general principle of good-neigh-bourliness, due account being taken of the interests and well-being of the rest of the world, in social, economic, and commercial matters.

CHAPTER XII
INTERNATIONAL TRUSTEESHIP SYSTEM
Article 75

The United Nations shall establish under its authority an international trusteeship system for the administration and supervision of such territories as may be placed thereunder by subsequent individual agreements. These territories are hereinafter referred to as trust territories.

Article 76

The basic objectives of the trusteeship system, in accordance with the Purposes of the United Nations laid down in **Article 1** of the present Charter, shall be:

a. to further international peace and security;

b. to promote the political, economic, social, and educational advancement of the inhabitants of the trust territories, and their progressive development towards self-government or independence as may be appropriate to the particular circumstances of each territory and its peoples and the freely expressed wishes of the peoples concerned, and as may be provided by the terms of each trusteeship agreement;

c. to encourage respect for human rights and for fundamental freedoms

for all without distinction as to race, sex, language, or religion, and to encourage recognition of the interdependence of the peoples of the world; and

d. to ensure equal treatment in social, economic, and commercial matters for all Members of the United Nations and their nationals, and also equal treatment for the latter in the administration of justice, without prejudice to the attainment of the foregoing objectives and subject to the provisions of **Article 80**.

Article 77

1. The trusteeship system shall apply to such territories in the following categories as may be placed thereunder by means of trusteeship agreements:

a. territories now held under mandate;

b. territories which may be detached from enemy states as a result of the Second World War; and

c. territories voluntarily placed under the system by states responsible for their administration.

2. It will be a matter for subsequent agreement as to which territories in the foregoing categories will be brought under the trustee- ship system and upon what terms.

Article 78

The trusteeship system shall not apply to territories which have become Members of the United Nations, relationship among which shall be based on respect for the principle of sovereign equality.

Article 79

The terms of trusteeship for each territory to be placed under the trusteeship system, including any alteration or amendment, shall be agreed upon by the states directly concerned, including the mandatory power in the case of territories held under mandate by a Member of the United Nations, and shall be approved as provided for in Articles **83** and **85**.

Article 80

1. Except as may be agreed upon in individual trusteeship agreements, made under Articles **77 79** and **81** placing each territory under the trusteeship system, and until such agreements have been concluded, nothing in this Chapter shall be construed in or of itself to alter in any manner the rights whatsoever of any states or any peoples or the terms of existing international instruments to which Members of the United Nations may respectively be parties.

2. Paragraph 1 of this Article shall not be interpreted as giving grounds for delay or postponement of the negotiation and conclusion of agreements for placing mandated and other territories under the trusteeship system as provided for in **Article 77**

Article 81

The trusteeship agreement shall in each case include the terms under which the trust territory will be administered and designate the authority which will exercise the administration of the trust territory. Such authority, hereinafter called the administering authority, may be one or more states or the Organization itself.

Article 82

There may be designated, in any trusteeship agreement, a strategic area or areas which may include part or all of the trust territory to which the agreement applies, without prejudice to any special agreement or agreements made under **Article 43**.

Article 83

1. All functions of the United Nations relating to strategic areas, including the approval of the terms of the trusteeship agreements and of their alteration or amendment, shall be exercised by the Security Council.

2. he basic objectives set forth in **Article 76** shall be applicable to the people of each strategic area.

3. The Security Council shall, subject to the provisions of the trusteeship agreements and without prejudice to security considerations, avail itself of the assistance of the Trusteeship Council to perform those functions of the United Nations under the trusteeship system relating to political, economic, social, and educational matters in the strategic areas.

Article 84

It shall be the duty of the administering authority to ensure that the trust territory shall play its part in the maintenance of international peace and security. To this end the administering authority may make use of volunteer forces, facilities, and assistance from the trust territory in carrying out the obligations towards the Security Council undertaken in this regard by the administering authority, as well as for local defence and the maintenance of law and order within the trust territory.

Article 85

1. The functions of the United Nations with regard to trusteeship agreements for all areas not designated as strategic, including the approval of the terms of the trusteeship agreements and of their alteration or amendment, shall be exercised by the General Assembly.

2. The Trusteeship Council, operating under the authority of the General Assembly, shall assist the General Assembly in carrying out these functions.

CHAPTER XIII
THE TRUSTEESHIP COUNCIL
Composition
Article 86

1. The Trusteeship Council shall consist of the following Members of the United Nations:

a. those Members administering trust territories;

b. such of those Members mentioned by name in Article 23 as are not administering trust territories; and

c. as many other Members elected for three-year terms by the General Assembly as may be necessary to ensure that the total number of members of the Trusteeship Council is equally divided between those Members of the United Nations which ad- minister trust territories and those which do not.

2. Each member of the Trusteeship Council shall designate one specially qualified person to represent it therein.

Functions and Powers
Article 87

The General Assembly and, under its authority, the Trusteeship Council, in carrying out their functions, may:

a. consider reports submitted by the ad- ministering authority;

b. accept petitions and examine them in consultation with the administering authority;

c. provide for periodic visits to the respective trust territories at times agreed upon with the administering authority; and

d. take these and other actions in conformity with the terms of the trusteeship agreements.

Article 88

The Trusteeship Council shall formulate a questionnaire on the political, economic, social, and educational advancement of the inhabitants of each trust territory, and the administering authority for each trust territory within the competence of the General Assembly shall make an annual report to the General Assembly upon the basis of such questionnaire.

Voting
Article 89

1. Each member of the Trusteeship Council shall have one vote.

2. Decisions of the Trusteeship Council shall be made by a majority of the members present and voting.

Procedure

Article 90

1. The Trusteeship Council shall adopt its own rules of procedure, including the method of selecting its President.

2. The Trusteeship Council shall meet as required in accordance with its rules, which shall include provision for the convening of meetings on the request of a majority of its members.

Article 91

The Trusteeship Council shall, when appropriate, avail itself of the assistance of the Economic and Social Council and of the specialized agencies in regard to matters with which they are respectively concerned.

CHAPTER XIV
THE INTERNATIONAL COURT OF JUSTICE
Article 92

The International Court of Justice shall be the principal judicial organ of the United Nations. It shall function in accordance with the annexed Statute, which is based upon the Statute of the Permanent Court of International Justice and forms an integral part of the present Charter.

Article 93

1. All Members of the United Nations are facto parties to the Statute of the International Court of Justice.

2. A state which is not of the United Nations may become a party to the Statute of the International Court of Justice on to be determined in each case by the General Assembly upon the recommendation of the Security Council.

Article 94

1. Each Member of the United Nations undertakes to comply with the decision of the International Court of Justice in any case to which it is a party.

2. If any party to a case fails to perform the obligations incumbent upon it under a judgment rendered by the Court, the other party may have recourse to the Security Council, which may, if it deems necessary, make recommendations or decide upon measures to be taken to give to the judgment.

Article 95

Nothing in the present Charter shall prevent Members of the United Nations from entrusting the solution of their differences to other tribunals by virtue of agreements already in existence or which may be concluded in the future.

Article 96

1. The General Assembly or the Security Council may request the International Court of Justice to give an advisory opinion on any legal question.

2. Other organs of the United Nations and specialized agencies, which may at any time be so authorized by the General Assembly, may also request advisory opinions of the Court on legal questions arising within the scope of their activities.

CHAPTER XV
THE SECRETARIAT
Article 97

The Secretariat shall comprise a Secretary- General and such staff as the Organization may require. The Secretary-General shall be appointed by the General Assembly upon the recommendation of the Security Council. He shall be the chief administrative officer of the Organization.

Article 98

The Secretary-General shall act in that capacity in all meetings of the General Assembly, of the Security Council, of the Economic and Social Council, and of the Trusteeship Council, and shall perform such other functions as are entrusted to him by these organs. The Secretary-General shall make an annual report to the General Assembly on the work of the Organization.

Article 99

The Secretary-General may bring to the attention of the Security Council any matter which in his opinion may threaten the maintenance of international peace and security.

Article 100

1. In the performance of their duties the Secretary-General and the staff shall not seek or receive instructions from any government or from any other authority externa to the Organization. They shall refrain from any action which might on their position as international officials responsible only to the Organization.

2. Each Member of the United Nations undertakes to respect the

exclusively inter- national character of the responsibilities of the Secretary-General and the staff and not to seek to influence them in the discharge of their responsibilities.

Article 101

1. The staff shall be appointed by the Secretary-General under regulations established by the General Assembly.

2. Appropriate staffs shall be permanently assigned to the Economic and Social Council, the Trusteeship Council, and, as required, to other organs of the United Nations. These staffs shall form a part of the Secretariat.

3. The paramount consideration in the employment of the staff and in the determination of the conditions of service shall be the necessity of securing the highest standards of efficiency, competence, and integrity. Due regard shall be paid to the importance of recruiting the staff on as wide a geographical basis as possible.

CHAPTER XVI
MISCELLANEOUS PROVISIONS
Article 102

1. Every treaty and every international agreement entered into by any Member of the United Nations after the present Charter comes into force shall as soon as possible be registered with the Secretariat and published by it.

2. No party to any such treaty or international agreement which has not been registered in accordance with the provisions of paragraph I of this Article may invoke that treaty or agreement before any organ of the United Nations.

Article 103

In the event of a conflict between the obligations of the Members of the United Nations under the present Charter and their obligations under any other international agreement, their obligations under the present Charter shall prevail.

Article 104

The Organization shall enjoy in the territory of each of its Members such legal capacity as may be necessary for the exercise of its functions and the fulfilment of its purposes.

Article 105

1. The Organization shall enjoy in the territory of each of its Members such privileges and immunities as are necessary for the fulfilment of its purposes.

2. Representatives of the Members of the United Nations and officials of the Organization shall similarly enjoy such privileges and immunities as are necessary for the independent exercise of their functions in connexion with the Organization.

3. The General Assembly may make recommendations with a view to determining the details of the application of paragraphs 1 and 2 of this Article or may propose conventions to the Members of the United Nations for this purpose.

CHAPTER XVII
TRANSITIONAL SECURITY ARRANGEMENTS
Article 106

Pending the coming into force of such special agreements referred to in **Article 43** as in the opinion of the Security Council enable it to begin the exercise of its responsibilities under **Article 42**, the parties to the Four-Nation Declaration, signed at **Moscow, 30 October 1943** and France, shall, in accordance with the provisions of **paragraph 5** of that Declaration, consult with one another and as occasion requires with other Members of the United Nations with a view to such joint action on behalf of the Organization as may be necessary for the purpose of maintaining international peace and security.

Article 107

Nothing in the present Charter shall invalidate or preclude action, in relation to any state which during the Second World War has been an enemy of any signatory to the present Charter, taken or authorized as a result of that war by the Governments having responsibility for such action.

CHAPTER XVIII
AMENDMENTS
Article 108

Amendments to the present Charter shall come into force for all Members of the United Nations when they have been adopted by a vote of two thirds of the members of the General Assembly and ratified in accordance with their respective constitutional processes by two thirds of the Members of the United Nations, including all the permanent members of the Security Council.

Article 109

1. A General Conference of the Members of the United Nations for the purpose of reviewing the present Charter may be held at a date and place to be fixed by a two-thirds vote of the members of the General Assembly and by a vote of any nine members of the Security Council. Each Member of the United Nations shall have one vote in the conference.

2. Any alteration of the present Charter recommended by a two-thirds vote of the conference shall take effect when ratified in accordance with their respective constitutional processes by two thirds of the Members of the United Nations including the permanent members of the Security Council.

3. If such a conference has not been held before the tenth annual session of the General Assembly following the coming into force of the present Charter, the proposal to call such a conference shall be placed on the agenda of that session of the General Assembly, and the conference shall be held if so decided by a majority vote of the members of the General Assembly and by a vote of any seven members of the Security Council.

CHAPTER XIX
RATIFICATION AND SIGNATURE
Article 110

1. The present Charter shall be ratified by the signatory states in accordance with their respective constitutional processes.

2. The shall be deposited with the Government of the Unite States of America, which shall notify a the signatory states of each deposit as well as the Secretary-General of the Organization when he has been appointed.

3. The present Charter shall come into force upon the deposit of by the Republic of China, France, the Union of Soviet Socialist, the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, and the United States of

America, and by a majority of the other signatory states. A protocol of the deposited shall thereupon be drawn up by the Government of the United States of America which shall communicate copies thereof to all the signatory states.

4. The states signatory to the present Charter which ratify it after it has come into force will become original Members of the United Nations on the date of the deposit of their respective ratifications.

Article 111

The present Charter, of which the Chinese, French, Russian, English, and Spanish texts are equally authentic, shall remain deposited in the archives of the Government of -the United States of America. Duly certified copies thereof shall be transmitted by that Government to the Governments of the other signatory states.

IN FAITH WHEREOF the representatives of the Governments of the United Nations have signed the present Charter.

DONE at the city of San Francisco the twenty-sixth day of June, one thousand nine hundred and forty-five.

ضمیمه شماره ۵

متن کامل فارسی منشور ملل‌متحد

(منشور ملل متحد در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو در پایان کنفرانس ملل متحد درباره تشکیل یک سازمان بین المللی به امضا رسید و در ۲۴ اکتبر همان سال لازم‌الاجرا شد. اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری جزء لاینفک منشور ملل متحد است. ترجمه فوق از متنی که از سوی جمعیت ایرانی طرفدار ملل متحد براساس ترجمه آقایان محمد علی طالقانی و هوشنگ زندی منتشر شده و مورد قبول دولت ایران قرار گرفته، اخذ شده است.)

ما مردم ملل‌متحد با تصمیم

به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دوبار در مدت یک عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان کرده و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ و ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین‌المللی و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر،

و برای نیل به این هدف‌ها

به رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یکدیگر با یک روحیه حسن همجواری

و به متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین المللی و به قبول اصـول و ایجاد روش‌هایی که استفاده نکردن از نیروهای مسلح را جز در راه منافع مـشترک تـضمین نماید و به توسل به وسایل و مجاری بین‌المللی برای پیـشبرد ترقـی اجتمـاعی و اقتـصادی تمام ملل مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی نماییم.

و در نتیجه دولت‌های متبوع ما از سوی نمایندگان خود که در شهر سانفرانسیسکو گـرد آمده اند و اختیارات تامه آنان ابراز و صحت و اعتبار آن محرز شناخته شده است نسبت بـه این منشور ملل متحد موافقت حاصل نموده‌اند و بدین‌وسیله یـک سـازمان بـین‌المللـی کـه موسوم به ملل‌متحد خواهد بود، تأسیس می‌نمایند.

فصل اول: مقاصد و اصول

ماده ۱

مقاصد ملل‌متحد به قرار زیر است:

۱- حفظ صلح و امنیت بین المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات جمعـی مـوثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حـل و فـصل اختلافات بین المللی یا وضعیت هایی که ممکن است منجر به نقض صـلح گـردد بـا شیوه‌های مسالمت‌آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل؛

۲- توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تـساوی حقـوق و خـود مختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی؛

۳- حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی یا بشردوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بـشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بـدون تمـایز از حیـث نـژاد - جـنس - زبـان یـا مذهب؛

۴- بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی کـه ملـل جهـت حـصول ایـن اهـداف

مشترک معمول می‌دارند.

ماده ۲

سازمان و اعضای آن در تعقیب مقاصد مذکور در ماده اول بر طبق اصول زیر عمل خواهند کرد:

۱- سازمان برمبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضای آن قرار دارد.

۲- کلیه اعضای به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت، تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته‌اند، با حسن نیت انجام خواهند داد.

۳- کلیه اعضای اختلافات بین المللی خود را به وسایل مسالمت آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل خواهند کرد.

۴- کلیه اعضا در روابط بین المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل‌متحد مباینت داشته باشد، خودداری خواهند نمود.

۵- کلیه اعضا در هر اقدامی که سازمان برطبق این منشور به عمل آورد، به سازمان همه گونه مساعدت خواهند کرد و از کمک به هر کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل می‌آورد، خودداری خواهند نمود.

۶- سازمان مراقبت خواهد کرد کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، بر طبق این اصول عمل نمایند.

۷- هیچیک از مقررات مندرج در این منشور، ملل‌متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند، لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد.

فصل دوم: عضویت

ماده ۳

اعضای اصلی ملل‌متحد کشورهایی هستند که در کنفرانس ملل‌متحد راجع به سازمان بین‌المللی در سانفرانسیسکو شرکت نموده یا قبلا اعلامیه ملل متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ را امضا کرده و این منشور را امضا و بر طبق ماده ۱۱۰ تصویب نمایند.

ماده ۴

۱- سایر کشورهای شیفته صلح که تعهدات مندرج در این منشور را بپذیرند و به نظر و تشخیص سازمان قادر و مایل به اجرای آن باشند، می‌توانند به عضویت ملل متحد درآیند.
۲- قبول هر کشوری که واجد شرایط مذکور باشد به عضویت ملل متحد منوط به تصمیمی است که مجمع عمومی بنابر توصیه شورای امنیت اتخاذ می‌نماید.

ماده ۵

هر عضو ملل‌متحد که از طرف شورای امنیت بر علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل آمده است ممکن است به وسیله مجمع عمومی و بنابر توصیه شورای امنیت از اعمال حقوق و مزایای عضویت معلق گردد. اعمال حقوق و مزایای مزبور ممکن است به وسیله شورای امنیت مجدداً برقرار شود.

ماده ۶

هر عضو ملل متحد که در تخطی از اصول مندرج در این منشور اصرار ورزد ممکن است به وسیله مجمع عمومی بنابر توصیه شورای امنیت از سازمان اخراج گردد.

فصل سوم: ارکان

ماده ۷

۱- ارکان اصلی ملل‌متحد عبارت است از: یک مجمع عمومی، یک شورای امنیت، یک شورای اجتماعی و اقتصادی، یک شورای قیمومت، یک دیوان بین‌المللی دادگستری و یک دبیرخانه.
۲- ارکان فرعی که ضروری تشخیص داده شود، ممکن است بر طبق این منشور تأسیس گردد.

ماده ۸

سازمان ملل متحد برای تصدی هر شغلی به هر عنوان تحت شرایط مساوی در ارکان اصلی و فرعی خود هیچ‌گونه محدودیتی در استخدام مردان و زنان بر قرار نخواهد کرد.

فصل چهارم: مجمع عمومی

ترکیب

ماده ۹

۱- مجمع عمومی مرکب از کلیه اعضای ملل‌متحد خواهد بود.
۲- هر عضو بیش از پنج نماینده در مجمع عمومی نخواهد داشت.

وظایف و اختیارات

ماده ۱۰

مجمع عمومی می تواند هر مسئله یا امری را که در حدود این منشور یا مربوط به اختیارات و وظایف هر یک از رکن های مقرر در این منشور باشد، مورد بحث قرار دهد و

جز در مورد مذکور در ماده ۱۲ ممکن است به اعضای سازمان ملل متحد یا به شورای امنیت یا به هر دو درباره هر یک از این مسائل و امور توصیه‌هایی بنماید.

ماده ۱۱

۱- مجمع عمومی می تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین المللی منجمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مورد رسیدگی قرار دهد و ممکن است در مورد اصول مذکور به اعضا، یا به شورای امنیت یا به هر دو توصیه‌هایی بنماید.

۲- مجمع عمومی می تواند هر مسئله مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی را که از سوی هر یک از اعضای یا شورای امنیت یا بر طبق بند دوم از ماده ۳۵ از سوی کشوری که عضو ملل‌متحد نیست، بدان رجوع شده باشد، مورد بحث قرار دهد و جز در مورد مقرر در ماده ۱۲ می تواند در مورد چنین مسائلی به کشور یا کشورهای مربوط یا به شورای امنیت یا به هردو توصیه‌هایی بنماید. هر مسئله‌ای از این قبیل که اقدام در مورد آن ضروری باشد، از سوی مجمع عمومی قبل یا بعد از بحث به شورای امنیت ارجاع خواهد گردید.

۳- مجمع عمومی می‌تواند توجه شورای امنیت را به وضعیت‌هایی که محتمل است صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره‌اندازد، جلب نماید.

۴- اختیارات مجمع عمومی که در این ماده ذکر شده است، حد کلی شمول ماده ۱۰ را محدود نخواهد کرد.

ماده ۱۲

۱- تازمانی که شورای امنیت در مورد هر اختلاف یا وضعیت، در حال انجام وظایفی است که در این منشور بدان محول شده است، مجمع عمومی در مورد آن اختلاف یا وضعیت هیچ‌گونه توصیه ای نخواهد کرد، مگر اینکه شورای امنیت چنین تقاضایی کند.

۲- دبیرکل ملل متحد با موافقت شورای امنیت، مجمع عمومی را در هر دوره اجلاس از

امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که در شورای امنیت مطرح است مطلع خواهد ساخت و به همین نحو بلافاصله پس از ختم رسیدگی شورای امنیت نسبت به امور مربوط مراتب را به مجمع عمومی و در صورتی که مجمع عمومی در حال اجلاس نباشد، به اعضا اطلاع خواهد داد.

ماده۱۳

۱- مجمع عمومی نسبت به امور زیر موجبات انجام مطالعات و صدور توصیه‌هایی را فراهم می‌کند:

الف- ترویج همکاری بین المللی در امور سیاسی و تشویق توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل وتدوین آن.

ب - ترویج همکاری بین‌المللی در رشته‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب.

۲- سایر مسئولیت ها: وظایف و اختیارات مجمع عمومی در مورد امور مذکور در شق ب بند یک این ماده در فصول نهم و دهم بیان شده است.

ماده ۱۴

مجمع عمومی با رعایت مقررات ماده ۱۲ می‌تواند برای حل مسالمت‌آمیز هر وضعیتی که به نظر می‌رسد احتمالاً به رفاه عمومی یا به روابط دوستانه بین الملل لطمه زند و منشا آن هرچه باشد ازجمله وضعیت‌هایی که ناشی از نقض مقاصد و اصول ملل‌متحد به شرح مذکور در این منشور است اقداماتی را توصیه نماید.

ماده ۱۵

۱- مجمع عمومی گزارش‌های سالانه و گزارش‌های مخصوص شورای امنیت را دریافت می‌کند و مورد بررسی قرار می‌دهد. گزارش‌های مذکور شامل مشروح اقدامات و تصمیماتی خواهد بود که شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت

بین‌المللی به عمل آورده یا اتخاذ کرده است.

۲- مجمع عمومی گزارش‌های سایر ارکان ملل‌متحد را دریافت می‌کند و مورد بررسی قرار می‌دهد.

ماده ۱۶

مجمع عمومی وظایفی را که تحت فصول ۱۲ و ۱۳ منشور بدان محول شده، منجمله تصویب قراردادهای قیمومت مناطقی را که سوق الجیشی قلمداد نشده است، با توجه به نظام قیمومت بین‌المللی انجام خواهد داد.

ماده ۱۷

۱- مجمع عمومی بودجه سازمان را بررسی و تصویب خواهد کرد.

۲- مخارج سازمان برحسب سهمیه بندی مقرر از طرف مجمع عمومی بر عهده اعضا خواهد بود.

۳- مجمع عمومی هرگونه ترتیبات مالی و بودجه‌ای را که به موسسات تخصصی منظور در ماده ۵۷ داده شود، مورد بررسی و تصویب قرار خواهد داد و بودجه اداری موسسات مذکور را به منظور صدور توصیه به آنها بررسی خواهد نمود.

ماده ۱۸

۱- هر عضو مجمع عمومی دارای یک رأی خواهد بود.

۲- تصمیمات مجمع عمومی در مورد مسائل مهم با اکثریت دوسوم از اعضای حاضر و رأی دهنده اتخاذ خواهد شد. موارد زیر از مسائل مهم محسوب می‌شود: توصیه‌های مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی - انتخاب اعضای غیردایم شورای امنیت - انتخاب اعضای شورای اجتماعی و اقتصادی - انتخاب اعضای شورای قیمومت بر طبق شق ((ج)) از بند یک ماده ۸۶ - قبول اعضای جدید در سازمان ملل‌متحد - تعلیق حقوق و مزایای عضویت - اخراج اعضا - مسائل راجع به اجرای نظام قیمومت و مسائل مربوط به بودجه.

۳- تصمیمات راجع به سایر امور، منجمله تعیین انواع مسائل دیگری که اکثریت دوسوم باید در آنها رعایت شود با اکثریت اعضای حاضر و رأی دهنده اتخاذ خواهد گردید.

ماده ۱۹

هر عضو ملل‌متحد که پرداخت سهمیه مالی آن به سازمان به تاخیر افتاده باشد، درصورتی که سهمیه عقب افتاده عضو مزبور معادل یا بیشتر از مبلغ سهمیه مربوط برای دو سال قبل به‌طور کامل باشد، در مجمع عمومی حق رأی نخواهد داشت. با این وجود اگر مجمع عمومی تشخیص دهد که قصور در پرداخت ناشی از شرایطی است که از حیطه اختیار عضو مزبور خارج است می‌تواند به چنین عضوی اجازه دهد که در رأی‌گیری شرکت کند.

آیین کار

ماده ۲۰

مجمع عمومی به صورت منظم دوره‌های اجلاس سالانه و در صورت اقتضا اجلاس‌های فوق‌العاده خواهد داشت. اجلاس‌های فوق‌العاده به دعوت دبیرکل بنا به درخواست شورای امنیت یا اکثریت اعضای ملل خواهد بود.

ماده ۲۱

مجمع عمومی آیین‌نامه داخلی خود را تنظیم می‌کند. مجمع مزبور برای هر دوره اجلاس رئیس خود را انتخاب می‌کند.

ماده ۲۲

مجمع عمومی برای اجرای وظایف خود می‌تواند آن ارکان فرعی را که ضروری تشخیص دهد تأسیس نماید.

فصل پنجم: شورای امنیت

ترکیب

ماده ۲۳

۱- شورای امنیت مرکب است از پانزده عضو سازمان ملل متحد. جمهوری چین، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (فدراسیون روسیه)، بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا اعضای دائم شورای امنیت هستند. مجمع عمومی ده عضو دیگر سازمان را بالاخص باتوجه به شرکت اعضای سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و سایر هدف‌های سازمان در درجه اول و همچنین با توجه به تقسیم عادلانه جغرافیایی به عنوان اعضای غیردایم شورای امنیت انتخاب می‌نماید.

۲- اعضای غیردایم شورای امنیت برای یک دوره دوساله انتخاب می‌گردند. با این وجود در نخستین انتخاب اعضای غیردایم پس از افزایش عده اعضای شورای امنیت از یازده به پانزده، دو عضو از چهار عضو اضافه شده برای یک دوره یک ساله انتخاب می‌شوند.

عضوی که خارج می‌گردد، بلافاصله قابل تجدید انتخاب نخواهد بود.

۳- هر عضو شورای امنیت یک نماینده در آن شورا خواهد داشت.

وظایف و اختیارات

ماده ۲۴

۱- به منظور تامین اقدام سریع و موثر از طرف ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نمایند و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد، از طرف آنها اقدام نماید.

۲- شورای امنیت در اجرای این وظایف بر طبق مقاصد و اصول ملل‌متحد عمل می‌کند. اختیارات مخصوصی که برای انجام وظایف مذکور به شورای امنیت واگذار گردیده در فصول ۶، ۷، ۸ و ۱۲ بیان شده است.

۳- شورای امنیت گزارش های سالانه و در صورت اقتضا گزارش های مخصوص برای بررسی به مجمع عمومی تقدیم می‌دارد.

ماده ۲۵

اعضای ملل‌متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند.

ماده ۲۶

به منظور کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین المللی به وسیله به کار بردن تدابیری جهت صرف حداقل منابع انسانی و اقتصادی جهان برای تسلیحات، شورای امنیت مکلف است با کمک کمیته ستاد نظامی مذکور در ماده ۴۷ طرح هایی برای وضع اصول تنظیم تسلیحات تهیه و به اعضای ملل‌متحد تقدیم نماید.

ماده ۲۷

۱- هر عضو شورای امنیت دارای یک رأی است.

۲- تصمیمات شورای امنیت راجع به مسائل مربوط به آیین‌کار با رأی نه (۹) عضو اتخاذ می‌شود.

۳- تصمیمات شورای امنیت راجع به سایر مسائل با رأی مثبت نه (۹) عضو که شامل آرا تمام اعضای دائم باشد اتخاذ می‌گردد؛ به این شرط که در مورد تصمیماتی که به موجب مندرجات فصل ششم و بند سوم از ماده ۵۲ اتخاذ می‌شود، طرف دعوی از دادن رأی خودداری نماید.

آیین کار

ماده ۲۸

۱- شورای امنیت به نحوی تشکیل خواهد شد که بتواند دایماً قادر بـه انجـام وظـایف خود باشد و بدین منظور هر یک از اعضای شورای امنیت در کلیه اوقات نماینـده‌ای در مقر سازمان خواهد داشت.
۲- شورای امنیت جلساتی به فواصل معین خواهد داشت و هر یک از اعضای شورا در صورتی که مایل باشد می‌تواند از سوی یکی از اعضای دولت خود یا نماینده‌ای کـه مخصوصاً بدین منظور تعیین گردیده است، در آن جلسات شرکت جوید.
۳- شورای امنیت می‌تواند جلسات خود را در جاهایی غیـر از مقـر سـازمان کـه بـرای تسهیل انجام وظایف خود مناسب بداند، تشکیل دهد.

ماده ۲۹

شورای امنیت می‌تواند آن از ارکان فرعی را که برای انجام وظـایف خـود لازم بدانـد، تأسیس نماید.

ماده ۳۰

شورای امنیت آیین‌نامه داخلی خود را که ازجمله مشتمل بر ترتیب انتخاب شورا باشد، تنظیم می‌کند.

ماده ۳۱

هر عضو ملل‌متحد که عضو شورای امنیت نیست می‌تواند بدون حق رأی در مـذاکرات مربوط به هر مسئله ای که در شورای امنیت مطرح است، در هر مـورد کـه شـورای امنیـت مسائل مزبور را در منافع آن عضو مخصوصاً موثر بداند، شرکت کند.

ماده ۳۲

هر عضو ملل‌متحد که عضو شورای امنیت نیست یا هر کشوری که در ملل‌متحد عضویت ندارد هرگاه طرف اختلافی باشد که در شورای امنیت تحت رسیدگی است، دعوت خواهد شد که بدون حق رأی در مذاکرات مربوط به اختلاف مزبور شرکت نماید. شورای امنیت شرایطی را که برای شرکت کشوری که عضو ملل‌متحد نیست عادلانه می‌داند، وضع خواهد نمود.

فصل ششم: حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات

ماده ۳۳

۱- طرفین هر اختلاف که ادامه آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بین المللی را به‌خطر اندازد، باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به موسسات یا ترتیبات منطقه ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بنابه انتخاب خود راه حل آن را جستجو نمایند.

۲- شورای امنیت در صورت اقتضا از طرفین اختلاف خواهد خواست که اختلافات خود را با شیوه‌های مزبور حل و فصل نمایند.

ماده ۳۴

شورای امنیت می‌تواند هر اختلاف یا وضعیتی را که ممکن است منجر به یک اصطکاک بین المللی گردد یا اختلافی ایجاد نماید، مورد رسیدگی قرار دهد؛ بدین منظور که تعیین نماید آیا محتمل است ادامه اختلاف یا وضعیت مزبور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد.

ماده ۳۵

۱- هر عضو ملل‌متحد می‌تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را به هر اختلاف

یا وضعیتی از آن‌گونه که در ماده ۳۴ بدان اشاره شده است، جلب نماید.

۲- هر کشوری که عضو ملل‌متحد نیست می‌تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را به اختلافی که خود در آن درگیر است جلب نماید، مشروط بر اینکه در مورد اختلاف مزبور قبلاً تعهدات مربوط به حل و فصل مسالمت آمیز مقرر در این منشور را قبول نماید.

۳- اقدامات مجمع عمومی درخصوص اموری که به موجب این ماده توجه مجمع بدان معطوف می‌گردد، تابع مقررات مواد ۱۱ و ۱۲ است.

ماده ۳۶

۱- شورای امنیت می‌تواند در هر مرحله از اختلافی از آن‌گونه که در ماده ۳۳ بدان اشاره شده است یا در هر وضعیت شبیه به آن، روش‌ها یا ترتیب‌های حل و فصل مناسب توصیه نماید.

۲- شورای امنیت ملزم است روش‌هایی را که طرفین دعوی خود قبلاً برای حل و فصل اختلاف قبول کرده‌اند، مورد توجه قرار دهد.

۳- شورای امنیت در توصیه‌هایی که به موجب این ماده می‌کند باید همچنین در نظر داشته باشد که اختلافات قضایی باید به‌طور کلی از سوی طرفین دعوی بر طبق مقررات اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به دیوان مزبور رجوع گردد.

ماده ۳۷

۱- در صورتی که طرف‌های اختلافی از آن‌گونه که در ماده ۳۳ بدان اشاره شده است، نتوانند آن را به وسایل مذکور در ماده مزبور حل و فصل کنند، باید آن را به شورای امنیت ارجاع نمایند.

۲- هرگاه شورای امنیت تشخیص دهد که دوام یک اختلاف در واقع محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطراندازد باید تصمیم بگیرد که بر طبق ماده ۳۶ عمل کند یا شرایطی را که برای حل و فصل مناسب تشخیص می‌دهد توصیه نماید.

ماده ۳۸

در صورتی که کلیه طرف‌های هر اختلاف درخواست نمایند، شورای امنیت می تواند به منظور حل مسالمت‌آمیز اختلاف مزبور به طرف‌های اختلاف توصیه‌هایی بنماید بدون اینکه به این ترتیب به مقررات مواد ۳۳ الی ۳۷ لطمه‌ای وارد آید.

فصل هفتم: اقدام در موارد تهدید علیه صلح - نقض صلح و اعمال تجاوز

ماده ۳۹

شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح - نقض صلح - یا عمل تجاوز را احـراز کند، توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت کـه بـرای حفـظ یـا اعـاده صـلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی برطبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود.

ماده ۴۰

به منظور جلوگیری از وخامت وضعیت، شورای امنیت می‌تواند قبـل از آنکـه بـر طبـق ماده ۳۹ توصیه هایی بنماید یا درباره اقـداماتی کـه بایـد معمـول گـردد تـصمیم بگیـرد، از طرف‌های ذی‌نفع بخواهد اقدامات موقتی را که شورای امنیت ضروری یا مطلوب تشخیص می دهد انجام دهند. اقدامات موقتی مذکور به حقوق یا ادعاها یا موقعیت طرف‌های ذی‌نفع لطمه‌ای وارد نخواهد کرد، شورای امنیت تخلف در اجرای اقدامات موقتی را چنانکه باید و شاید در نظر خواهد گرفت.

ماده ۴۱

شورای امنیت می تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا چـه اقـداماتی که متضمن به کارگیری نیروی نظامی نباشد لازم است و مـی توانـد از اعـضای ملـل متحـد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکـن اسـت شـامل متوقـف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتـصادی و ارتباطـات راه آهـن، دریـایی، هـوایی، پـستی،

تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد.

ماده ۴۲

در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست می تواند به وسیله نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی ضروری است، مبادرت کند. این اقدام ممکن است مشتمل بر تظاهرات و محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی اعضای ملل‌متحد باشد.

ماده ۴۳

۱- کلیه اعضای ملل متحد به منظور شرکت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی متعهد می‌شوند که نیروهای مسلح و تسهیلات، از جمله حق عبور لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بنا به درخواست شورای امنیت و بر طبق موافقتنامه یا موافقت‌های خاص در اختیار آن شورا قرار دهند.

۲- موافقتنامه یا موافقتنامه‌های مذکور تعداد و نوع نیروها، درجه آمادگی و قرارگاه عمومی آنها و ماهیت تسهیلات و کمک‌هایی را که باید ارائه گردد، معین می‌نماید.

۳- مذاکرات مربوط به موافقتنامه یا موافقتنامه‌های مزبور به ابتکار شورای امنیت هرچه زودتر صورت خواهد گرفت. این موافقتنامه‌ها بین‌شورای امنیت و اعضا یا بین شورای امنیت و گروه هایی از اعضا منعقد خواهد گردید و کشورهای امضا کننده باید آن را بر طبق مقررات قوانین اساسی خود تصویب نمایند.

ماده ۴۴

هرگاه شورای امنیت تصمیم به استفاده از نیرو بگیرد قبل از آنکه از عضوی که در شورا نماینده ندارد درخواست تدارک نیروهای مسلح برای انجام تعهدات متقبله به موجب ماده ۴۳ بنماید، باید عضو مزبور را در صورت تمایل خود آن عضو به شرکت در تصمیمات شورای امنیت مربوط به استفاده از قسمت‌هایی از نیروهای مسلح آن عضو دعوت نماید.

ماده ۴۵

برای اینکه سازمان ملل متحد قادر به انجام اقدامات فوری نظامی باشد، اعضا باید قسمت‌هایی از نیروی هوایی خود را به‌طوری‌که قابل استفاده فوری برای عملیات اجرایی جمعی بین المللی باشد، آماده نگه دارند. مقدار و درجه آمادگی این قسمت‌ها و طرح‌های عملیات جمعی آنان در حدود مقرر در موافقتنامه یا موافقتنامه‌های مخصوص مورد اشاره در ماده ۴۳ از سوی شورای امنیت و با کمیته ستاد نظامی تعیین خواهد شد.

ماده ۴۶

طرح‌های به کارگیری نیروی مسلح را شورای امنیت با کمک کمیته ستاد نظامی تنظیم می‌کند.

ماده ۴۷

۱- برای راهنمایی و کمک به شورای امنیت درباره کلیه مسائل مربوط به نیازمندی‌های نظامی شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین برای به کارگیری و فرماندهی نیروهای مسلحی که در اختیار شورا قرارداده شده و تنظیم تسلیحات و خلع سلاح احتمالی، یک کمیته ستاد نظامی تأسیس می‌شود.

۲- کمیته ستاد نظامی مرکب خواهد بود از روسای ستاد اعضای دائم شورای امنیت یا نمایندگان آنها. هرگاه حسن اجرای وظایف کمیته ستاد نظامی شرکت عضوی از اعضای ملل‌متحد را که در کمیته نماینده دائم ندارد ایجاب نماید، آن عضو از طرف کمیته ستاد نظامی برای شرکت در کارها دعوت خواهد شد.

۳- کمیته ستاد نظامی تحت نظر شورای امنیت مسئول هدایت سوق الجیشی هر یک از نیروهای مسلحی که در اختیار شورا قرار داده شده، خواهد بود. موضوعات مربوط به فرماندهی این‌گونه نیروها بعداً ترتیب داده خواهد شد.

۴- کمیته ستاد نظامی می تواند با اجازه شورای امنیت و پس از مشورت با سازمان‌های منطقه‌ای مناسب کمیته‌های فرعی منطقه‌ای تأسیس نماید.

ماده ۴۸

۱- برای اجرای تصمیمات شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین المللی همه یا بعضی از اعضای ملل متحد به تشخیص شورای امنیت اقدام لازم معمول خواهند داشت.

۲- اعضای ملل متحد مستقیماً و به وسیله اقدامات خود در سازمان‌های بین‌المللی مربوط که عضو آن هستند، تصمیمات مذکور را اجرا خواهند کرد.

ماده ۴۹

اعضای ملل متحد در کمک متقابل به یکدیگر برای اجرای تصمیمات متخذه از طرف شورای امنیت تشریک مساعی خواهند کرد.

ماده ۵۰

هرگاه شورای امنیت اقدامات احتیاطی یا قهری علیه کشوری معمول دارد، هر کشور دیگر که خود را مواجه با مشکلات اقتصادی خاصی ناشی از اجرای آن اقدامات بیابد، اعم از اینکه عضو ملل متحد باشد یا نه، حق خواهد داشت در مورد حل آن مشکلات با شورای امنیت مشورت نماید.

ماده ۵۱

در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی‌که شورای امنیت اقدام لازم برا ی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچیک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود-خواه فردی یا جمعی- لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.

فصل هشتم: قراردادهای منطقه‌ای

ماده ۵۲

۱- هیچیک از مقررات این منشور مانع وجود قرارداد ها یا موسسات منطقه ای برای انجام امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی که متناسب برای اقدامات منطقه ای باشد نیست مشروط بر اینکه این‌گونه قراردادها یا موسسات و فعالیت‌های آنها با مقاصد و اصول ملل‌متحد سازگار باشد.

۲- اعضای ملل‌متحد که چنین قراردادهایی را منعقد می‌نمایند یا چنین موسساتی را تأسیس می کنند، هرگونه کوششی را برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات محلی از طریق این قراردادها یا موسسات منطقه ای قبل از مراجعه به شورای امنیت به کار خواهند برد.

۳- شورای امنیت توسعه حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات محلی را از طریق چنین قراردادها یا موسسات منطقه ای چه به ابتکار کشورهای ذی‌نفع و چه با ارجاع از طرف شورای امنیت تشویق می‌نماید.

۴- این ماده به هیچ وجه لطمه‌ای به اجرای مواد ۳۴ و ۳۵ نخواهد زد.

ماده ۵۳

۱- شورای امنیت در موارد مقتضی از چنین قراردادها یا موسسات منطقه ای برای عملیات اجرایی تحت اختیار خود استفاده خواهد کرد، ولی هیچ‌گونه عملیات اجرایی به موجب قراردادهای منطقه ای یا ازسوی موسسات منطقه ای بدون اجازه شورای امنیت صورت نخواهد گرفت. اقداماتی که در اجرای ماده ۱۰۷ یا به موجب قراردادهای منطقه ای بر علیه هر کشور دشمن به شرحی که در بند دوم این ماده تعریف شده است یا علیه تجدید سیاست تجاوزکارانه از طرف چنین کشوری انجام می شود تا زمانی‌که سازمان ملل‌متحد بنابر درخواست کشورهای ذی‌نفع مسئولیت جلوگیری از تجاوزات بیشتر چنین کشوری را به عهده گیرد، از این قاعده مستثنی

است.

۲- عبارت "کشور دشمن" که در بند اول این ماده استفاده شده است، شامل هر کشوری می‌شود که در طی جنگ جهانی دوم دشمن هر یک از امضا کنندگان این منشور بوده است.

ماده ۵۴

فعالیت‌هایی که به موجب قراردادهای منطقه‌ای یا به وسیله موسسات منطقه‌ای برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام می‌گیرد یا مورد نظر است، باید در همه مواقع به‌طور کامل به اطلاع شورای امنیت برسد.

فصل نهم: همکاری اجتماعی و اقتصادی بین‌المللی

ماده ۵۵

باتوجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تامین روابط مسالمت آمیز و دوستانه بین‌الملل براساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل‌متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد.

الف- بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اجتماعی و اقتصادی؛

ب- حل مسائل بین الملل اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و مسائل مربوط به آنها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزشی؛

ج- احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب.

ماده ۵۶

کلیه اعضا متعهد می‌شوند که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ درهمکاری با

سازمان ملل‌متحد اقدامات فردی یا جمعی معمول دارند.

ماده ۵۷

۱- موسسات تخصصی مختلف که به موجب موافقتنامه بین کشورها تأسیس [می‌شوند] و بر طبق اساسنامه‌های خود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر رشته‌های مرتبط دارای مسئولیت‌های وسیع بین‌المللی هستند، بر طبق مقررات ماده ۶۳ وابسته به سازمان ملل‌متحدخواهند شد.

۲- موسساتی که این‌گونه وابسته به ملل متحد می‌شوند، از این پس به عنوان موسسات تخصصی ذکر خواهند شد.

ماده ۵۸

سازمان برای هماهنگ کردن برنامه‌ها و فعالیت‌های موسسات تخصصی توصیه‌هایی خواهد کرد.

ماده ۵۹

سازمان در صورت اقتضا، موجبات مذاکرات بین کشورهای ذی‌نفع را برای ایجاد هرگونه موسسات تخصصی جدیدی که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ ضروری باشد، فراهم می‌کند.

ماده ۶۰

مسئولیت اجرای وظایف سازمان که در این فصل مقرر است، بر عهده مجمع عمومی و تحت نظر مجمع عمومی به عهده شورای اجتماعی و اقتصادی است که بدین منظور دارای اختیارات مذکور در فصل ده است.

فصل دهم: شورای اجتماعی و اقتصادی

ماده ۶۱

۱- شورای اجتماعی و اقتصادی مرکب از ۵۴ عضو ملل‌متحد خواهد بود که از سوی مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.

۲- با رعایت مقررات بند سوم همه ساله هیجده (۱۸) عضو شورای اجتماعی و اقتصادی برای مدت سه سال انتخاب می شوند. عضوی که خارج می گردد قابل انتخاب مجدد است.

۳- در نخستین انتخاب پس از افزایش اعضای شورای اجتماعی و اقتصادی از ۲۷ به ۵۴ علاوه بر اعضایی که به جای نه عضوی که دوره خدمتشان پایان یافته انتخاب می شوند، ۲۷ عضو جدید انتخاب خواهند شد. دوره خدمت نه عضو از این ۲۷ عضو اضافی پس از یک سال و نه عضو دیگر در پایان سال دوم به نحوی که از طرف مجمع ملی مقرر می‌شود، خاتمه می‌یابد.

وظایف و اختیارات

ماده ۶۲

۱- شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند مطالعات و گزارش‌هایی درباره مسائل بین‌المللی مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و سایر امور مربوط انجام دهد یا تهیه نماید یا موجبات انجام یا تهیه آن را فراهم آورد و در مورد این‌گونه امور به مجمع عمومی و اعضای ملل متحد و موسسات تخصصی مربوط توصیه‌هایی بنماید.

۲- شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند به منظور تشویق احترام واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه توصیه‌هایی بنماید.

۳- شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند درخصوص اموری که در صلاحیت آن قرار دارد، پیش‌نویس مقاوله نامه‌هایی برای تقدیم به مجمع عمومی تهیه نماید.

۴- شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند درخصوص مسائلی که در صلاحیت آن قرار دارد، کنفرانس‌های بین‌المللی بر طبق قواعد مقرر از طرف ملل‌متحد ترتیب دهد.

ماده ۶۳

۱- شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند با هریک از موسسات تخصصی مذکور در ماده ۵۷ قراردادهایی منعقد کند و شرایطی را که به موجب آن، موسسه مربوطه، وابسته به ملل‌متحد خواهد گردید، معین نماید. این‌گونه قراردادها باید به تصویب مجمع عمومی برسد.

۲- شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند از طریق مشاوره با موسسات تخصصی و توصیه به آنها و توصیه به مجمع عمومی و اعضای ملل‌متحد فعالیت‌های موسسات تخصصی را هماهنگ سازد.

ماده ۶۴

۱- شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند برای به‌دست آوردن گزارش‌های منظم موسسات تخصصی اقدامات مقتضی به عمل آورد. شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند برای به‌دست آوردن گزارش‌هایی درخصوص اقداماتی که برای اجرای توصیه‌های خود و توصیه‌هایی که از سوی مجمع عمومی در مورد امور داخلی در صلاحیت شورا به عمل آمده است، با اعضای ملل متحد و موسسات تخصصی ترتیباتی بدهد.

۲- شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند ملاحظات خود را درباره این گزارش‌ها به مجمع عمومی بفرستد.

ماده ۶۵

شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند اطلاعاتی در اختیار شورای امنیت قرار دهد و به درخواست شورای امنیت به آن شورا کمک کند.

ماده ۶۶

۱- شورای اجتماعی و اقتصادی در اجرای توصیه‌های مجمع عمومی وظایفی را که در حیطه صلاحیت آن شوراست، انجام می‌دهد.

۲- شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند با تصویب مجمع عمومی خدماتی را که اعضای ملل‌متحد و موسسات تخصصی از آن شورا بخواهند، انجام دهد.

۳- شورای اجتماعی و اقتصادی وظایف دیگری را که در قسمت‌های دیگر این منشور به عهده آن واگذار شده است یا ممکن است از سوی مجمع عمومی بدان محول شود، انجام می‌دهد.

ماده ۶۷

۱- هر عضو شورای اجتماعی و اقتصادی دارای یک رأی خواهد بود.

۲- تصویب شورای اجتماعی و اقتصادی با اکثریت آرا اعضای حاضر و رأی دهنده گرفته می‌شود.

آیین کار

ماده ۶۸

شورای اجتماعی و اقتصادی کمیسیون‌هایی برای مسائل اجتماعی و اقتصادی و ترویج حقوق بشر همچنین هرگونه کمیسیون های دیگری که برای اجرای وظایفش ضروری باشد، تأسیس می‌کند.

ماده ۶۹

شورای اجتماعی و اقتصادی از هر یک از اعضای ملل‌متحد برای شرکت در مذاکرات مربوط به هر موضوعی که آن عضو به نحو خاصی در آن ذی‌نفع است، دعوت خواهد کرد، بدون آنکه عضو مزبور حق رأی داشته باشد.

ماده ۷۰

شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند ترتیباتی بدهد که نمایندگان موسسات تخصصی بدون حق رأی در مذاکرات شورا و کمیسیون‌هایی که از سوی آن تأسیس می‌گردند و همچنین نمایندگان خود شورا در مذاکرات موسسات تخصصی شرکت جویند.

ماده ۷۱

شورای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند برای مشاوره با سازمان‌های غیردولتی که به امور در حیطه صلاحیت شورا اشتغال دارند، هرگونه تدابیر مناسب اتخاذ نماید. این ترتیبات ممکن است درباره سازمان‌های بین‌المللی در جایی که اقتضا نماید و درباره سازمان‌های ملی پس از مشورت با عضو ذی‌نفع ملل‌متحد اعمال گردد.

ماده ۷۲

۱- شورای اجتماعی و اقتصادی آیین‌نامه داخلی خود را تنظیم می‌نماید و در آن طرز انتخاب رئیس شورا را معین می‌کند.

۲- شورای اجتماعی و اقتصادی در مواقع لازم بر طبق آیین‌نامه داخلی خود تشکیل جلسه می‌دهد. آیین‌نامه مزبور شامل مقررات مربوط به تشکیل جلسات به درخواست اکثریت اعضای شورا خواهد بود.

فصل یازدهم: اعلامیه راجع به سرزمین‌های غیر خودمختار

ماده ۷۳

اعضای ملل‌متحد که مسئولیت اداره سرزمین‌هایی را که مردم آن هنوز به درجه کامل حکومت خودمختاری نایل نشده‌اند بر عهده‌دارند یا به‌عهده می‌گیرند، اصل اولویت منافع سکنه این سرزمین‌ها را به رسمیت می‌شناسند و تعهد پیشبرد رفاه سکنه این سرزمین‌ها را به منتها درجه و در حدود اصول مربوط به صلح و امنیت بین المللی به شرح مقرر در این

منشور به عنوان یک ماموریت مقدس قبول نموده است و برای این منظور متقبل می‌شوند که:

الف- با توجه به فرهنگ سکنه مربوطه پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی آنان را تامین نمایند. رفتارشان با سکنه مزبور عادلانه بوده و از آنان در مقابل اجحافات حمایت نمایند؛

ب- حکومت خودمختاری را توسعه دهند، آمال سیاسی سکنه را رعایت نمایند و برطبق اوضاع و احوال خاص هر سرزمین و مردم آن و بنا بر مدارج مختلف پیشرفتشان آنان را در توسعه تدریجی موسسات سیاسی آزاد یاری کنند؛

ج- در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی بکوشند؛

د- اقدامات سازنده توسعه‌ای را ترویج نمایند و به منظور آنکه در عمل به مقاصد اجتماعی، اقتصادی و علمی مذکور در این ماده نایل شوند، پژوهش‌های علمی را تشویق نمایند و با یکدیگر در مواقع و موارد مقتضی با سازمان‌های بین‌المللی تخصصی همکاری کنند؛

ه- جز در مواردی که مقتضیات امنیت و ملاحظات ناشی از قوانین اساسی ایجاب نماید، آمار و سایر اطلاعاتی را که دارای جنبه فنی و مربوط به شرایط اجتماعی — اقتصادی و آموزشی سرزمین‌هایی است که هر یک مسئول آن هستند، غیر از سرزمین‌های مشمول مقررات فصول ۱۲ و ۱۳، جهت اطلاع مرتباً برای دبیرکل ملل‌متحد بفرستند.

ماده ۷۴

اعضای سازمان ملل‌متحد همچنین موافقت می‌کنند که خط مشی آنها چه در سرزمین‌های مشمول مقررات این فصل و چه در قلمرو خاک اصلی خود آنها در امور اجتماعی، اقتصادی و تجاری با رعایت ملاحظات لازم از حیث منافع و رفاه سایر نقاط جهان بر اساس اصل کلی حسن همجواری استوار باشد.

فصل دوازدهم: نظام قیمومت بین‌المللی

ماده ۷۵

سازمان ملل متحد تحت نظر خود یک نظام بین المللی قیمومت برای اداره و سرپرستی سرزمین‌هایی که ممکن است به موجب موافقتنامه های خاص بعداً تحت اداره آن قرار گیرد، برقرار می نماید، این سرزمین‌ها از این پس به نام "سرزمین‌های تحت قیمومت" خوانده خواهد شد.

ماده ۷۶

اهداف اساسی نظام قیمومت بر طبق مقاصد ملل متحد به شرح مندرج در ماده یک این منشور عبارت است از:

الف- پیشبرد تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی؛

ب - کمک به پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی سکنه سرزمین‌های تحت قیمومت و پیشبرد تدریجی آنان به‌سوی حکومت خودمختاری یا استقلال بر حسب اقتضا با توجه به اوضاع و احوال خاص هر سرزمین، مردم آن و تمایلات مردم مزبور که به نحو آزادانه ابراز شده باشد و برطبق مقرراتی که ممکن است در هر قرارداد قیمومت پیش‌بینی شده باشد؛

ج - تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و تشویق شناسایی این معنی که ملل جهان به یکدیگر نیازمند هستند؛

د- تامین رفتار یکسان در امور اجتماعی، اقتصادی و تجاری برای تمام اعضای ملل متحد و اتباع آنها و همچنین رفتار یکسان در اجرای عدالت برای اتباع مزبور بدون آنکه به حصول هدف‌های مذکور خللی وارد شود و با رعایت مقررات ماده ۸۰

ماده ۷۷

۱- نظام قیمومت شامل سرزمین‌هایی می‌شود که در ردیف‌های ذیل قرار دارند و ممکن است به موجب قراردادهای قیمومت تحت این نظام درآیند:
الف- سرزمین‌هایی که اکنون تحت وصایت هستند.
ب- سرزمین‌هایی که ممکن است در نتیجه جنگ جهانی دوم از کشورهای دشمن مجزا گردد.
۲- سرزمین‌هایی که به میل و اراده کشورهای مسئول، اداره آنها تحت این نظام قرار داده شود.
۳- به موجب یک موافقتنامه بعدی تعیین خواهد شد که چه سرزمین‌هایی از ردیف‌های سابق‌الذکر با چه شرایطی تحت نظام قیمومت درخواهد آمد.

ماده ۷۸

نظام قیمومت شامل سرزمین‌هایی که به عضویت ملل‌متحد درآمده‌اند نخواهد شد و روابط بین آنها براساس احترام به اصل تساوی حاکمیت است.

ماده ۷۹

شرایط قیمومت برای هر سرزمینی که تحت نظام قیمومت قرار می‌گیرد و همچنین تغییر و اصلاح شرایط مذکور، موضوع موافقتنامه های منعقده بین کشورهایی که مستقیماً ذی‌نفع هستند از جمله کشورهای وصی در مورد سرزمینهای تحت وصایت، یکی از اعضای ملل‌متحد خواهد بود و به ترتیب مقرر در مواد ۸۳ و ۸۵ به تصویب خواهد رسید.

ماده ۸۰

۱- به استثنای آنچه در هریک از قراردادهای خاص قیمومت که بر طبق مواد ۷۷، ۷۹ و ۸۱ منعقد می‌شود و سرزمینی را تحت نظام قیمومت درمی‌آورد، ممکن است مورد موافقت قرار گیرد و تا زمان انعقاد چنین قراردادهایی هیچیک از مقررات این فصل نباید طوری تعبیر شود که به نحوی در حقوق هیچ کشور یا مردمی یا در مقررات

اسناد موجود بین‌المللی که اعضای ملل‌متحد ممکن است طرف آن باشند، تغییری بدهد.

۲- بند اول این ماده نباید طوری تفسیر گردد که موجبات تاخیر و تعویق مذاکره و عقد قراردادهای ناظر به تحت نظام قیمومت قرار دادن سرزمین‌های تحت وصایت و سایر سرزمین‌ها به شرح مقرر در ماده ۷۷ را فراهم کند.

ماده ۸۱

قرارداد قیمومت در هر مورد شامل شرایطی خواهد بود که بر طبق آن سرزمین تحت قیمومت اداره خواهد شد و مقامی را که اداره سرزمین تحت قیمومت را به عهده خواهد داشت، تعیین می‌نماید. این مقام که از این پس مقام اداره کننده نامیده می‌شود، ممکن است یک یا چند دولت یا خود سازمان باشد.

ماده ۸۲

در هر قرارداد قیمومت ممکن است یک یا چند منطقه سوق‌الجیشی تعیین شود که شامل تمام یا قسمتی از سرزمین تحت قیمومت موضوع آن قرارداد باشد بدون اینکه به قرارداد یا قراردادهای خاص منعقده در اجرای ماده ۴۳ لطمه‌ای وارد شود.

ماده ۸۳

۱- کلیه وظایف ملل‌متحد مربوط به مناطق سوق‌الجیشی از جمله تصویب شرایط قرارداد قیمومت و تغییر و اصلاح احتمالی آن از سوی شورای امنیت انجام می‌شود.

۲- هدف‌های اساسی مذکور در ماده ۷۶ درباره مردم هر منطقه سوق‌الجیشی باید رعایت گردد.

۳- شورای امنیت با رعایت قراردادهای قیمومت و بدون اینکه به مقتضیات امنیت لطمه‌ای وارد آید، در اجرای وظایفی که ملل‌متحد برطبق نظام قیمومت در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی مناطق سوق‌الجیشی عهده‌دار است، از کمک‌های شورای قیمومت استفاده خواهد کرد.

ماده ۸۴

مقام اداره کننده مکلف است مراقبت نماید که سرزمین تحت قیمومت سهم خود را در حفظ صلح و امنیت بین المللی ایفای نماید. به این منظور مقام اداره کننده ممکن است در اجرای تعهداتی که در مقابل شورای امنیت برعهده گرفته است و همچنین برای دفاع محلی و حفظ نظم و قانون در داخل سرزمین تحت قیمومت از آن استفاده نماید.

ماده ۸۵

۱- وظایف ملل متحد در مورد قراردادهای قیمومت کلیه مناطقی که سوق الجیشی قلمداد نشده اند منجمله تصویب شرایط قرارداد قیمومت و تغییر و اصلاح آن، از سوی مجمع عمومی انجام می‌شود.

۲- شورای قیمومت که تحت نظر مجمع عمومی عمل می‌نماید، در اجرای این وظایف به مجمع عمومی کمک خواهد کرد.

فصل سیزدهم: شورای قیمومت

ترکیب

ماده ۸۶

۱- شورای قیمومت مرکب از اعضای ملل‌متحد به شرح ذیل خواهد بود.

الف- اعضای اداره کننده سرزمین‌های تحت قیمومت.

ب- آن عده از اعضایی که نامشان در ماده ۲۳ ذکر شده و اداره سرزمین تحت قیمومتی را عهده‌دار نیستند؛

ج- اعضای دیگری که به تعداد لازم از طرف مجمع عمومی برای یک دوره سه ساله انتخاب می شوند به تعدادی که لازم است برای اینکه مجموع عده اعضای شورای قیمومت به‌طور تساوی بین اعضای اداره‌کننده سرزمین‌های تحت قیمومت و سایر

اعضا تقسیم گردد.

۲- هر یک از اعضای شورای قیمومت شخص واجد صلاحیت خاصی را به سمت نماینده خود در شورای قیمومت تعیین می‌نماید.

وظایف و اختیارات

ماده ۸۷

مجمع عمومی و تحت نظر آن شورای قیمومت در انجام وظایف خود می‌توانند:

الف- گزارش‌هایی را که مقام اداره کننده تسلیم می‌دارد، مورد بررسی قرار دهند.

ب- شکایات را قبول و آنها را با مشورت مقام اداره کننده رسیدگی نمایند.

ج- ترتیبی دهند که از سرزمین‌های تحت قیمومت در اوقاتی که مورد موافقت مقام اداره کننده مربوطه است، به‌طور متناوب بازدید به عمل آید.

د- این اقدامات و اقدامات دیگر را بر طبق شرایط قرارداد قیمومت انجام دهند.

ماده ۸۸

شورای قیمومت پرسشنامه‌ای درباره پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی سکنه هر سرزمین تحت قیمومت تهیه خواهد کرد و مقام اداره کننده هر سرزمین تحت قیمومت در حیطه صلاحیت مجمع عمومی براساس پرسشنامه ای از نوع مذکور گزارش سالانه به مجمع عمومی تقدیم خواهد کرد.

ماده ۸۹

۱- هر عضو شورای قیمومت دارای یک رأی خواهد بود.

۲- تصمیمات شورای قیمومت با رأی اکثریت اعضای حاضر و رأی‌دهنده اتخاذ خواهد شد.

آیین کار

ماده ۹۰

۱- شورای قیمومت آیین‌نامه داخلی خود را تنظیم می‌نماید که ضمن آن ترتیب انتخاب رئیس شورا تعیین می‌شود.

۲- شورای قیمومت بر حسب ضرورت بر طبق آیین‌نامه داخلی خود تشکیل جلسه می‌دهد. آیین نامه مزبور شامل مقررات مربوط به تشکیل جلسات به درخواست اکثریت اعضای شورا خواهد بود.

ماده ۹۱

شورای قیمومت برحسب مورد از کمک شورای اجتماعی و اقتصادی و موسسات تخصصی در مورد اموری که مربوط به هر یک از آنهاست، استفاده خواهد کرد.

فصل چهاردهم: دیوان بین‌المللی دادگستری

ماده ۹۲

دیوان بین‌المللی دادگستری رکن قضایی اصلی ملل‌متحد خواهد بود. دیوان مزبور برطبق اساسنامه پیوست که بر مبنای اساسنامه دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی تنظیم شده و جزء لاینفک این منشور است، انجام وظیفه می‌کند.

ماده ۹۳

۱- تمام اعضای ملل‌متحد به خودی خود قبول‌کنندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری هستند.

۲- هر کشوری که عضو ملل‌متحد نیست می‌تواند با قبول شرایطی که در هر مورد برحسب توصیه شورای امنیت از سوی مجمع عمومی معین می‌گردد، اساسنامه دیوان

بین‌المللی دادگستری را قبول نماید.

ماده ۹۴

۱- هر عضو ملل متحد متعهد است در هر دعوایی که او طرف آن است، از تصمیم دیوان تبعیت نماید.
۲- هرگاه طرف دعوایی از انجام تعهداتی که بر حسب رأی دیوان برعهده او گذارده شده است، تخلف کند، طرف دیگر می تواند به شورای امنیت رجوع نماید و شورای مزبور ممکن است در صورتی که ضروری تشخیص دهد، توصیه هایی نموده یا برای اجرای رأی دیوان تصمیم به اقداماتی بگیرد.

ماده ۹۵

هیچیک از مقررات این منشور مانع اعضای ملل‌متحد نخواهد شد که حل اختلافات خود را به موجب قراردادهای موجود یا قراردادهایی که در آینده منعقد خواهد گردید، به سایر دادگاه‌ها واگذار نمایند.

ماده ۹۶

۱- مجمع عمومی یا شورای امنیت می‌تواند درباره هر مسئله حقوقی از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نظر مشورتی بنماید.
۲- سایر ارکان ملل متحد و موسسات تخصصی که ممکن است احیاناً چنین اجازه‌ای از مجمع عمومی تحصیل کرده باشند نیز می‌توانند نظر مشورتی دادگاه را در مورد مسائل حقوقی مطروحه در حدود فعالیت‌هایشان بخواهند.

فصل پانزدهم: دبیرخانه

ماده ۹۷

دبیرخانه مرکب خواهد بود از یک دبیرکل و کارمندان مورد احتیاج سازمان. دبیرکل از

سوی مجمع عمومی بنابر توصیه شورای امنیت تعیین می گردد. دبیرکل عالی ترین مقام اداری سازمان است.

ماده ۹۸

دبیرکل در این سمت در تمام جلسات مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اجتماعی و اقتصادی و شورای قیمومت انجام وظیفه خواهد کرد و کلیه وظایف دیگری را که ارکان مذکور به او محول نمایند، انجام خواهد داد. دبیرکل گزارش سالانه‌ای درباره کار سازمان به مجمع عمومی خواهد داد.

ماده ۹۹

دبیرکل می تواند نظر شورای امنیت را به هر موضوعی که به عقیده او ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید نماید، جلب کند.

ماده ۱۰۰

۱- دبیرکل و کارمندان ملل متحد در انجام وظایف خود از هیچ دولت یا مقام خارج از سازمان کسب دستور نخواهند کرد و دستوراتی نخواهد پذیرفت. آنان فقط مسئول سازمان هستند و از هر عملی که منافی موقعیتشان به عنوان مامورین رسمی بین‌المللی باشد، خودداری خواهند کرد.

۲- هر عضو ملل متحد متعهد می شود که جنبه منحصراً بین المللی مسئولیت‌های دبیرکل و کارمندان سازمان را محترم شمارد و درصدد برنیاید که آنان را در اجرای وظایفشان تحت نفوذ قرار دهد.

ماده ۱۰۱

۱-کارمندان سازمان به وسیله دبیرکل بر طبق مقرراتی که از سوی مجمع عمومی وضع می گردد، انتخاب می‌شوند.

۲- کارمندان شایسته‌ای به‌طور دائم در شورای اقتصادی واجتماعی، شورای قیمومت و

در صورت لزوم در سایر ارکان ملل‌متحد به کار گمارده خواهند شد. این کارمندان بخشی از اعضای دبیرخانه را تشکیل خواهند داد.

۳- در استخدام کارمندان و تعیین شرایط خدمت آنان منظوری که بیش از هر چیز ملحوظ خواهد شد، تامین عالی‌ترین درجه کارآیی و صلاحیت و درستی است. به اهمیت استخدام کارمندان براساس تقسیمات جغرافیایی هرچه وسیع‌تر توجه لازم مبذول خواهد گردید.

فصل شانزدهم: مقررات مختلف

ماده ۱۰۲

۱- هر عهدنامه و هر موافقتنامه بین‌المللی که پس از لازم‌الاجرا شدن این منشور ازسوی هر یک از اعضای ملل متحد منعقد گردد، باید هر چه زودتر در دبیرخانه ثبت و ازسوی آن منتشر گردد.

۲- هیچیک از طرف‌های هر عهدنامه یا موافقتنامه بین المللی که برطبق مقررات بند اول این ماده به ثبت نرسیده باشد، نمی توانند در مقابل ارکان ملل متحد به آن عهدنامه یا موافقتنامه استناد جویند.

ماده ۱۰۳

در صورت تعارض بین تعهدات اعضای ملل‌متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها بر طبق هر موافقتنامه بین المللی دیگر تعهدات آنها به موجب این منشور مقدم خواهد بود.

ماده ۱۰۴

سازمان در خاک هر یک از اعضا، از اهلیت حقوقی که برای انجام وظایف و رسیدن به مقاصد آن ضروری است، متمتع می‌گردد.

ماده ۱۰۵

۱- سازمان در خاک هر یک از اعضای خود از امتیازات و مصونیت‌هایی که برای رسیدن به مقاصد آن ضروری است، برخوردار خواهد بود.
۲- نمایندگان اعضای ملل متحد و مامورین سازمان نیز به همین نحو از امتیازات و مصونیت‌های لازم برای اینکه بتوانند وظایفشان را که مربوط به سازمان است، مستقلاً انجام دهند، برخوردار خواهند بود.
۳- مجمع عمومی می‌تواند برای تعیین جزییات اجرای بندهای اول و دوم این ماده توصیه‌هایی بنماید یا مقاوله‌نامه‌هایی بدین منظور به اعضای پیشنهاد کند.

فصل هفدهم: ترتیبات موقتی راجع به امنیت

ماده ۱۰۶

تا زمان لازم الاجرا شدن قراردادهای خاص مذکور در ماده ۴۳ که شورای امنیت به تشخیص خود قادر باشد مسئولیت های مذکور در ماده ۴۲ را به عهده بگیرد، امضا کنندگان "اعلامیه چهار ملت" که در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ در مسکو به امضا رسید، به انضمام فرانسه، بر طبق مقررات بند پنجم اعلامیه مذکور به منظور اقدام مشترک به نام ملل متحد به هر عملی که برای حفظ صلح و امنیت بین المللی ضروری باشد، با یکدیگر و در صورت لزوم با سایر اعضای ملل‌متحد مشورت و توافق خواهند کرد.

ماده ۱۰۷

هیچیک از مقررات این منشور نباید ناقض تصمیمات یا اقدامات اعمال شده قبلی درباره کشوری که طی جنگ جهانی دوم دشمن یکی از امضاکنندگان این منشور بوده است، باشد.

فصل هیجدهم: اصلاحات

ماده ۱۰۸

اصلاحاتی که در این منشور به عمل آید، زمانی برای تمام اعضای ملل‌متحد لازم‌الاجرا خواهد شد که به موجب رأی دو سوم اعضای مجمع عمومی مورد قبول قرار گیرد و ازسوی دو سوم اعضای ملل‌متحد که شامل کلیه اعضای دائم شورای امنیت باشد، بر طبق قوانین اساسی آنها به تصویب رسیده باشد.

ماده ۱۰۹

۱- به منظور تجدید نظر در این منشور ممکن است در تاریخ و محلی که با دو سوم از اعضای مجمع عمومی و آرا نه (۹) عضو شورای امنیت معین خواهد شد، یک کنفرانس عمومی از اعضای ملل متحد تشکیل گردد. در کنفرانس مزبور هرعضو ملل‌متحد یک رأی خواهد داشت.

۲- هر تغییری در این منشور که به موجب آرا دو سوم از اعضای کنفرانس توصیه شده باشد، زمانی لازم‌الاجرا خواهد گردید که از سوی دو سوم از اعضای ملل‌متحد که شامل تمام اعضای دائم شورای امنیت باشد، بر طبق مقررات قوانین اساسی آنها به تصویب رسیده باشد.

۳- هرگاه چنین کنفرانسی قبل از دهمین دوره اجلاس سالانه مجمع عمومی پس از لازم الاجرا شدن این منشور تشکیل نشده باشد، پیشنهاد دعوت این کنفرانس باید در دستور جلسه دوره اجلاس مذکور مجمع عمومی قرار گیرد و در صورتی که اعضای مجمع عمومی یا اکثریت آرا و رأی هر هفت عضو شورای امنیت تصمیم به تشکیل آن بگیرد، کنفرانس مزبور تشکیل خواهد شد.

فصل نوزدهم: تصویب و امضا

ماده ۱۱۰

۱- این منشور به وسیله کشورهای امضا کننده بر طبق قواعد قانون اساسی هر یک از آنها به تصویب خواهد رسید.

۲- اسناد تصویب باید به دولت ایالات متحده آمریکا تسلیم گردد و دولت مذکور کلیه کشورهای امضا کننده و دبیرکل را وقتی که انتخاب شد، از وصول هر سند تصویبی مطلع خواهد ساخت.

۳- این منشور پس از آنکه اسناد تصویب آن را جمهوری چین، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (فدراسیون روسیه)، دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، و ایالات متحده آمریکا و اکثریت سایر کشورهای امضا کننده تسلیم کردند، لازم‌الاجرا خواهد شد. صورت مجلسی از اسناد تصویب که تسلیم شده است از سوی دولت ایالات متحده آمریکا تنظیم و نسخ آن برای کلیه کشورهای امضا کننده فرستاده خواهد شد.

۴- کشورهای امضا کننده این منشور که آن را پس از لازم الاجرا شدن تصویب نمایند، از تاریخ تسلیم سند تصویب، خود اعضای اصلی ملل‌متحد خواهند شد.

ماده ۱۱۱

این منشور که متن‌های چینی، فرانسوی، روسی، انگلیسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی دولت ایالات متحده آمریکا تودیع شده و رونوشت مصدق آن به‌موقع از سوی دولت مزبور برای دولت‌های سایر کشورهای امضا کننده فرستاده خواهد شد. بنابه مراتب مذکور نمایندگان دولت‌های ملل‌متحد، این منشور را امضا نمودند. در شهر سانفرانسیسکو در روز بیست و ششم ژوئن یکهزار و نهصد و چهل و پنج به امضا رسید.

ضمیمه شماره ۶

متن فارسی اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری

ماده ۱

دیوان بین المللی دادگستری که به موجب منشور ملل متحد به عنوان رکن مهم قضایی سازمان تأسیس شده، طبق مقررات این اساسنامه تشکیل یافته و انجام وظیفه خواهد نمود.

فصل اول: تشکیلات دیوان

ماده ۲

دیوان بین المللی دادگستری عبارت است از یک هیئت قضات مستقل که بدون توجه به ملیت آنها از میان کسانی انتخاب می‌گردند که عالی ترین مقام اخلاقی را دارا بوده و هریک واجد شرایطی باشند که برای انجام مشاغل عالی قضایی در کشور خود لازم است یا ازجمله متبحرین در علم حقوق باشند که تخصص آنها در حقوق بین‌المللی شهرت به سزایی دارد.

ماده ۳

۱- دیوان مزبور مرکب است از پانزده عضو بدون اینکه در میان آنها بیش از یک‌نفر تبعه یک دولت باشد.

۲- در این مورد کسی که ممکن است تبعه بیش از یک دولت محسوب گردد تبعه کشوری محسوب خواهد شد که معمولاً در آنجا حقوق مدنی و سیاسی خود را اعمال می‌کند.

ماده ۴

۱- اعضای دیوان بین المللی دادگستری را مجمع عمومی و شورای امنیت از میان اشخاصی که اسامی آنها به وسیله گروه‌های ملی مربوط به دیوان دایمی داوری پیشنهاد می‌گردند، طبق مقررات زیر انتخاب می‌نمایند:

۲- در مورد اعضای ملل‌متحد که در دیوان دایمی داوری نماینده ندارند. داوطلبان به‌وسیله گروه‌های ملی پیشنهاد خواهند شد که دولت‌های آنها برای این منظور و طبق شرایطی که به موجب ماده ۴۴ مقاوله‌نامه لاهه مورخ ۱۹۰۷ راجع به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی برای اعضای دیوان دایمی داوری مقرر است، معین می‌گردند.

۳- شرایطی که به موجب آن کشوری که طرف این اساسنامه است ولی عضو سازمان ملل متحد نیست می‌تواند در انتخاب اعضای دیوان شرکت کند، در صورتی که موافقتنامه مخصوص وجود نداشته باشد، از سوی مجمع عمومی به توصیه شورای امنیت تعیین می‌شود.

ماده ۵

۱- سه ماه قبل از تاریخ انتخابات، دبیرکل سازمان ملل متحد اعضای دیوان دایمی داوری را که تبعه دولت‌های امضا کننده این اساسنامه هستند، همچنین اعضای گروه‌های ملی را که طبق فقره دوم ماده ۴ معین شده‌اند، کتباً دعوت می‌نماید تا در مدت معینی به معرفی اشخاصی که موقعیت اشغال مقام عضویت دیوان بین‌المللی دادگستری را احراز می‌کنند، مبادرت نمایند.

۲- هیچ گروهی نمی‌تواند در هیچ مورد بیش از چهار نفر که حداکثر دونفر آنها از ملیت خود آن دسته باشد معرفی کند و در هیچ مورد ممکن نیست بیش از دوبرابر

تعداد کرسی‌های خالی نامزد نمود.

ماده ۶

به هر گروه ملی توصیه می‌شود که قبل از اقدام به تعیین داوطلبان با عالی‌ترین دیوان قضایی، دستگاه‌های قضایی و از دانشکده های حقوق و فرهنگستان های ملی و شعبات ملی فرهنگستان‌های بین‌المللی که مخصوص مطالعات در علم حقوق هستند، مشورت کنند.

ماده ۷

۱- دبیرکل صورتی از اسامی کسانی را که به این طریق معرفی شده اند، به ترتیب حروف الفبا تنظیم می نماید. فقط این اشخاص قابل انتخاب خواهند بود، مگر در موردی که به موجب فقره دوم از ماده ۱۲ پیش‌بینی شده است.
۲- دبیرکل این صورت را به اطلاع مجمع عمومی و شورای امنیت می‌رساند.

ماده ۸

مجمع عمومی و شورای امنیت هر یک به‌طور مستقل اعضای دیوان را انتخاب می‌نمایند.

ماده ۹

در هر انتخاب، انتخاب کنندگان باید در مد نظر داشته باشند اشخاصی که برای عضویت دیوان بین المللی دادگستری معین می شوند نه فقط باید شخصاً دارای شرایط مقرر باشند بلکه مجموعاً بتوانند نماینده اقسام بزرگ تمدن‌ها و مهم‌ترین نظام‌های قضایی جهان نیز باشند.

ماده ۱۰

۱- کسانی منتخب محسوب می گردند که هم در مجمع عمومی و هم در شورای امنیت دارای اکثریت تام بوده‌اند.

۲- در رأی شورای امنیت خواه برای انتخاب قضات و خواه برای تعیین اعضای کمیسیون مقرر در ماده ۱۲ هیچ فرقی بین‌اعضای دائم و غیردایم شورای امنیت گذاشته نخواهد شد.
۳- هرگاه آرا مجمع عمومی و شورای امنیت به بیش از یک‌نفر از اتباع یک دولت داده شود، فقط مسن‌ترین آنها انتخاب می‌گردد.

ماده ۱۱

هرگاه پس از جلسه اول انتخابات باز کرسی‌ها خالی باقی بماند به طریق مذکور به انتخابات دوم و در صورت لزوم به انتخابات سوم نیز مبادرت می‌گردد.

ماده ۱۲

۱- هرگاه پس از سومین جلسه انتخابات، بازکرسی هایی خالی بماند ممکن است در هر موقع خواه به درخواست مجمع عمومی و خواه به درخواست شورای امنیت کمیسیون مشترکی مرکب از شش عضو که سه نفر از آنها را مجمع عمومی و سه نفر دیگر را شورای امنیت معین می‌کند، تشکیل شود تا برای هر کرسی خالی اسم یک‌نفر را به اکثریت تام معین و آن را به منظور انتخاب جداگانه به مجمع عمومی و به شورای امنیت پیشنهاد کنند.
۲- کمیسیون مشترک می تواند اسم هر شخصی را که دارای شرایط مقرر بوده و حائز اتفاق آرا کمیسیون باشد، در صورت اسامی منظور دارد ولو اینکه اسم آن شخص در صورت اسامی اشخاصی که به موجب ماده هفت معرفی شده‌اند، موجود نباشد.
۳- هرگاه کمیسیون مشترک تشخیص دهد که نمی تواند به تامین انتخاب موفق گردد، اعضای دیوان بین‌المللی دادگستری که قبلاً معین شده‌اند، کرسی‌های خالی را در مدتی که از طرف شورای امنیت معین می‌شود و از میان اشخاصی که در مجمع عمومی و در شورای امنیت دارای رأی بوده‌اند، پر می‌کنند.
۴- هرگاه آرا قضات به‌طور مساوی تقسیم شود، رأی مسن‌ترین آنها قاطع خواهد بود.

ماده ۱۳

۱- اعضای دیوان بین‌المللی دادگستری برای مدت نُه سال انتخاب شده و قابل انتخاب مجدد نیز خواهند بود با این وجود در مورد قضاتی که در انتخابات اول اعضای دیوان معین می‌گردند ماموریت پنج نفر از آنها در انقضای سه سال و ماموریت پنج نفر دیگر در آخر شش سال خاتمه پذیر می‌شود.

۲- قضاتی را که ماموریت آنها باید در دوره مقدماتی سه سال و شش سال خاتمه یابد، دبیرکل ملل‌متحد فوراً پس از ختم اولین انتخابات به وسیله قرعه معین می‌کند.

۳- اعضای دیوان مادام که جانشین آنها معین نشده است در شغل خود باقی خواهند بود و پس از تعیین جانشین نیز به کارهایی که قبلاً به آنها رجوع شده است، رسیدگی خواهند کرد.

۴- در صورت استعفای یکی از اعضای دیوان بین المللی دادگستری آن استعفا به رئیس دیوان مزبور داده می‌شود تا به دبیرکل ملل‌متحد ابلاغ گردد، به محض این ابلاغ کرسی عضو مستعفی خالی محسوب می‌شود.

ماده ۱۴

پرکردن کرسی‌های خالی با قید رعایت ترتیب ذیل به همان طریقی به عمل می‌آید که برای انتخاب اولی مقرر است. دبیرکل ملل متحد باید در ظرف یک‌ماه از تاریخ خالی شدن کرسی، دعوتی را که به موجب ماده ۵ مقرر شده به عمل آورد و تاریخ انتخابات به وسیله شورای امنیت معین خواهد شد.

ماده ۱۵

مدت ماموریت عضو منتخب به جای عضو دیگری که هنوز مدت ماموریت او تمام نشده است، همان بقیه مدت سلف او خواهد بود.

ماده ۱۶

۱- اعضای دیوان نمی توانند هیچ ماموریت سیاسی یا اداری به عهده بگیرند یا به شغلی

بپردازند که جنبه حرفه‌ای داشته باشد.

۲- در صورت تردید در این مورد حکم دیوان قطعی است.

ماده ۱۷

۱- اعضای دیوان نمی‌توانند در هیچ کاری سمت نمایندگی یا مشاوره‌ای یا وکالت داشته باشند.

۲- آنها نمی توانند در تسویه هیچ کاری که سابقاً در آن کار به سمت نمایندگی یا مشاورت یا وکالت یکی از طرفین یا به سمت عضویت یک محکمه ملی یا بین‌المللی یا یک هیات تحقیقی یا به هر عنوان دیگری مداخله داشته‌اند، شرکت کنند.

۳- در صورت تردید حکم دیوان قاطع خواهد بود.

ماده ۱۸

۱- اعضای دیوان را نمی توان از شغل خود منفصل نمود، مگر در صورتی که سایر اعضا متفقاً رأی دهند که دیگر آن عضو واجد شرایط مقرر نیست:

۲- دفتردار دیوان مراتب را رسماً به دبیرکل ملل‌متحد اطلاع می‌دهد.

۳- به محض این ابلاغ کرسی عضو منفصل، خالی محسوب می‌شود.

ماده ۱۹

اعضای دیوان در اجرای وظایف خود دارای مزایا و مصونیت‌های سیاسی خواهند بود.

ماده ۲۰

هر عضو دیوان باید قبل از تصدی شغل خود در جلسه علنی رسماً تعهد نماید که مشاغل خود را در کمال بی‌طرفی و از روی نهایت وجدان انجام خواهد داد.

ماده ۲۱

۱- دیوان بین المللی دادگستری رئیس و نایب رئیس خود را برای مدت سه سال معین می‌نماید. تجدید انتخاب آنها جایز است.
۲- دیوان، دفتردار و هر کارمند دیگری را که لازم باشد، معین می‌نماید.

ماده ۲۲

۱- مقر دیوان مزبور می تواند در صورتی که لازم بداند در جای دیگری مستقر گردد و اجرای وظیفه نماید.
۲- رئیس و دفتردار دیوان بین‌المللی در مقر دیوان مقیم خواهند بود.

ماده ۲۳

۱- دیوان بین المللی دادگستری همیشه در حال اشتغال خواهد بود مگر هنگام تعطیلات قضایی که اوقات و مدت آن را خود دیوان معین می‌نماید.
۲- اعضای دیوان حق گرفتن مرخصی‌های مرتب را دارند. تاریخ و مدت این مرخصی‌ها را خود دیوان با در نظر گرفتن مسافت بین لاهه و خانه اصلی اعضا معین خواهد نمود.
۳- جز در موارد مرخصی یا عدم امکان حضوربه علت ناخوشی یا به هر علت مهم دیگری که صحت آن را رئیس دیوان تشخیص می دهد، اعضای دیوان بین‌المللی دادگستری باید همیشه تحت اختیار دیوان مزبور باشند.

ماده ۲۴

۱- هرگاه نظر به علت خاصی یکی از اعضای دیوان تشخیص دهد که نباید در رسیدگی به یک کار معینی شرکت نماید، مراتب را به اطلاع رئیس می‌رساند.
۲- هرگاه در چنین مواردی بین رئیس و عضو دیوان اختلاف نظر باشد، رأی خود دیوان قاطع خواهد بود.
۳- در صورت عدم توافق میان اعضای دیوان و رئیس آن، حکم دادگاه قطعی است.

ماده ۲۵

۱- دیوان بین‌المللی دادگستری باید اختیارات خود را در جلسه علنی انجام دهد، مگر اینکه به موجب این اساسنامه غیر از این تصریح شده باشد.
۲- با قید اینکه عده قضات حاضر برای تشکیل دیوان بین المللی دادگستری به کمتر از دوازده نرسد، نظامنامه دیوان مزبور می تواند مقرر دارد که یک یا چند نفر از قضات به‌نوبت و برحسب اوضاع ممکن است از شرکت در جلسات معاف گردند.
۳- برای اینکه دیوان بتواند تشکیل گردد حد نصاب نه نفر کافی خواهد بود.

ماده ۲۶

۱- دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند در هر موقع بنابه تشخیص خود یک یا چند شعبه که لااقل مرکب از سه نفر باشد تشکیل دهد تا به دعاوی از یک طبقه معین مثلاً به دعاوی راجع به کار و یا راجع به ترانزیت و ارتباطات رسیدگی نماید.
۲- دیوان مزبور می‌تواند در هر موقع برای رسیدگی به یک کار معین شعبه‌ای تشکیل دهد. عده قضات این شعبه را خود دیوان با رضایت طرفین دعوی معین می‌نماید.
۳- شعبه‌های مذکور در این ماده در صورتی که طرفین تقاضا نمایند، حکم خواهند داد.

ماده ۲۷

هر حکمی که به وسیله شعبه های مذکور در ماده ۲۶ و ۲۹ داده شود، به منزله حکمی خواهد بود که خود دیوان داده باشد.

ماده ۲۸

شعبه های مذکور در ماده ۲۶ و ۲۹ می توانند با رضایت طرفین در خارج از لاهه منعقد گشته و اجرای وظیفه نمایند.

ماده ۲۹

به منظور پیشرفت سریع امور، همه ساله دیوان بین المللی دادگستری یک شعبه مرکب

از پنج قاضی تشکیل خواهد داد تا در صورت درخواست طرفین رسیدگی اختصاری نماید. به‌علاوه دونفر قاضی نیز معین خواهند شد تا جای هر قاضی را که نتواند در محاکمه شرکت کند، بگیرند.

ماده ۳۰

۱- دیوان بین المللی دادگستری به موجب آیین نامه طرف انجام وظایف و اختیارات و مخصوصاً آیین دادرسی خود را معین می‌نماید.
۲- آیین‌نامه دیوان مزبور می‌تواند وجود معاونینی را پیش‌بینی نماید که در خود دیوان یا در شعبه‌های آن بدون داشتن حق رأی حضور به هم رسانند.

ماده ۳۱

۱- قضاتی که ملیت هر یک از طرفین دعوی را دارند حق خواهند داشت در رسیدگی به دعوایی که در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح است، شرکت نمایند.
۲- اگر در دیوان مزبور یک قاضی از ملیت یکی از طرفین دعوی باشد طرف دیگر می تواند شخصی را به انتخاب خود معین نماید تا به عنوان قاضی در محاکمه شرکت کند. این شخص باید حتی الامکان از میان کسانی انتخاب گردد که طبق ماده ۴ و ۵ معرفی شده‌اند.
۳- هرگاه در میان قضات دیوان هیچ کس از ملیت طرفین دعوی وجود نداشته باشد هریک از آنها می‌تواند یک نفر قاضی به‌طریقی که در بند پیش مذکور است، معین کند.
۴- مفاد این ماده در مورد ماده ۲۶ و ۲۹ نیز رعایت خواهد شد. در این موارد رئیس دیوان از یک و در صورت لزوم از دو نفر از اعضای دیوان که شعبه را تشکیل می دهند، تقاضا خواهد کرد که جای خود را به اعضایی که ملیت طرفین ذی‌نفع را دارند، واگذار کنند و اگر در میان اعضا، عضوی از ملیت طرفین دعوی نباشد یا در صورت بودن آن عضو نتواند در محاکمه شرکت کند، جای خود را به قضاتی که طرفین دعوی مخصوصاً معین کرده‌اند، خواهند داد.
۵- هرگاه در یک محاکمه چندین طرف منافع مشترک داشته باشند، تمام آنها از حیث

اجرای مقررات فوق در حکم یک طرف خواهند بود. در صورت تردید حکم دیوان قاطع است.

۶- قضاتی که به نحو مذکور در فقره ۲ و ۳ و ۴ این ماده معین می شوند، باید مقررات ماده ۲ و بند دوم از ماده ۱۷ همچنین مقررات ماده ۲۰ و ۲۴ این اساسنامه درباره آنها رعایت گردد. قضات مزبور بر پایه تساوی کامل با همقطاران خود در رأی گیری شرکت خواهند کرد.

ماده ۳۲

۱- اعضای دیوان مقرری سالیانه دریافت خواهند نمود.

۲- به رئیس دیوان فوق‌العاده مخصوص سالیانه پرداخت می‌شود.

۳- نایب رئیس دیوان برای هر روزی که شغل ریاست را انجام می دهد، فوق العاده مخصوص دریافت خواهد داشت.

۴- قضات غیراز اعضای دیوان که به موجب ماده ۳۱ معین می‌شوند، برای هر روز که انجام وظیفه می‌نمایند، حق‌الزحمه‌ای دریافت خواهند نمود.

۵- مقرری و فوق‌العاده و حق‌الزحمه‌های مذکور را مجمع عمومی معین می‌نماید. میزان آنها را نمی‌توان در مدت ماموریت قضات پایین آورد.

۶- مقرری دفتردار را مجمع عمومی بنا به پیشنهاد دیوان تعیین خواهد کرد.

۷- شرایطی را که به موجب آن درباره قضات دیوان بین المللی دادگستری و دفتردار آن مبلغی به عنوان وظیفه برقرار می گردد و همچنین شرایطی را که طبق آن باید مخارج سفر قضات و دفترداری به آنها مسترد گردد، آیین نامه ای معین خواهد نمود که به تصویب مجمع عمومی رسیده است.

۸- مقرری و فوق‌العاده و حق‌الزحمه‌ها از هرگونه مالیات معاف است.

ماده ۳۳

مخارج دیوان بین‌المللی دادگستری به نحوی که از طرف مجمع عمومی معین می شود، به عهده سازمان ملل‌متحد خواهد بود.

فصل دوم: صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری

ماده ۳۴

۱- فقط دولت‌ها می‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند.
۲- دیوان مزبور می تواند طبق شرایط مقرر در آیین نامه خود در مورد دعاویی که به دیوان رجوع شده است از موسسه‌های بین‌المللی عمومی اطلاعات بخواهد و نیز اطلاعاتی را که این موسسات با ابتکار خود به دیوان می‌دهند، دریافت خواهد کرد.
۳- هرگاه در ضمن دعوایی که به دیوان رجوع گردیده تفسیر سند تأسیس یک موسسه بین المللی عمومی یا تفسیر قرارداد بین المللی که به موجب آن سند قبول شده است مطرح گردد، دفتر دیوان باید صورت جلسات کتبی محاکمه را به اطلاع آن موسسه برساند.

ماده ۳۵

۱- دولت های امضا کننده این اساسنامه حق رجوع به دیوان بین المللی دادگستری را دارند.
۲- شرایطی که به موجب آن سایر دولت‌ها می‌توانند با رعایت مقررات خاص عهدنامه های جاری به دیوان مزبور رجوع کنند از طرف شورای امنیت معین خواهد شد بدون اینکه در هیچ مورد در آن شرایط برای طرفین دعوی یک عدم تساوی در مقابل دیوان تولید گردد.
۳- هرگاه دولتی که عضو ملل متحد نیست، طرف دعوی واقع گردد، دیوان بین المللی دادگستری سهمیه ای را که باید آن دولت در مخارج دیوان متحمل گردد معین خواهد نمود، با این وجود اگر آن دولت در مخارج دیوان شرکت داشته باشد، دیگر اجرای این حکم مورد نخواهد داشت.

ماده ۳۶

۱- دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به کلیه اموری که طرفین دعوی به آن رجوع می‌کنند و همچنین نسبت به موارد خاصی که به موجب منشور ملل‌متحد یا به موجب عهدنامه و قراردادهای جاری پیش‌بینی شده است، صلاحیت رسیدگی دارد.

۲- دولت های امضاکنندهٔ این اساسنامه می توانند در هر موقع اعلام دارند که قضاوت اجباری دیوان بین المللی دادگستری را نسبت به تمام اختلافاتی که جنبه قضایی داشته و مربوط به موضوعات ذیل باشد، در مقابل هر دولت دیگری که این تعهد را متقبل گردد به خودی خود و بدون قرارداد خاصی قبول می‌نمایند.

الف- تفسیر یک عهدنامه؛

ب- هر مسئله که موضوع حقوقی بین‌المللی باشد؛

ج- حقیقت هر امری که در صورت ثبوت، نقض یک تعهد بین المللی محسوب می گردد؛

د- نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی داده شود.

۳- اعلامیه های مذکور ممکن است بدون هیچ قید یا به شرط معامله متقابل با چند دولت یا با بعضی از آنها برای مدت معینی به عمل آید.

۴- این اعلامیه ها به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم می گردند و ایشان رونوشت آن را به امضا کنندگان این اساسنامه و همچنین به دفتر دیوان بین المللی دادگستری ارسال می‌دارد.

۵- اعلامیه هایی که به موجب ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دایمی دادگستری بین المللی صادر شده و هنوز معتبر است، در روابط بین امضا کنندگان این اساسنامه در حکم آن خواهد بود که قضاوت اجباری بین المللی دادگستری برای بقیه مدت مذکور در آن اعلامیه‌ها و بر طبق مقررات آنها قبول شده است.

۶) در صورت اختلاف راجع به صلاحیت دیوان، حکم دیوان قاطع است.

ماده ۳۷

هرگاه به موجب یک عهدنامه یا قراردادی که هنوز معتبر است، ارجاع اختلاف به هیئت قضاتی پیش‌بینی شده باشد که بایستی از طرف جامعه ملل یا دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی تشکیل گردد، نسبت به امضاکنندگان این اساسنامه آن هیات قضات عبارت خواهد بود از دیوان بین‌المللی دادگستری.

ماده ۳۸

۱- دیوان بین المللی دادگستری که ماموریت دارد اختلافاتی را که به آن رجوع می شود، بر طبق حقوق بین‌المللی حل و فصل نماید، موازین زیر را اجرا خواهد کرد:

الف- عهدنامه های بین المللی اعم از عمومی و خصوصی که به موجب آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف آن قواعد را به رسمیت شناخته‌اند؛

ب- عرف بین‌المللی به عنوان رویه‌ای کلی که به صورت قانون پذیرفته شده است؛

ج- اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است؛

د- با رعایت حکم ماده ۵۹، تصمیمات قضایی و عقاید برجسته‌ترین مبلغین ملل مختلف به منزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی.

۲- مقررات این ماده، بر حقی که دیوان دادگستری بین المللی دارد و به موجب آن می تواند در صورت تقاضای طرفین درباره آنها به نحو تساوی طبق قانون حکم دهد، خللی وارد نمی‌آورد.

فصل سوم: آیین دادرسی

ماده ۳۹

۱- زبان‌های رسمی دیوان بین المللی دادگستری فرانسه و انگلیسی است. هرگاه طرفین دعوی موافقت نمایند که تمام جریان کار به زبان فرانسه به عمل آید، حکم نیز به زبان فرانسه امضا خواهد شد. هرگاه طرفین دعوی توافق نمایند که تمام جریان کار

به زبان انگلیسی به عمل آید، حکم نیز به زبان انگلیسی داده می‌شود.

۲- در صورت نبودن موافقتی برای تعیین زبانی که باید به کار گرفته شود، طرفین دعوی می‌توانند در تقریرات خود هر یک از این دو زبان را که ترجیح می‌دهند به کار برند و حکم دیوان نیز به فرانسه و انگلیسی داده خواهد شد. در این صورت خود دیوان معین می‌کند که کدام یک از این دو نص معتبر خواهد بود.

۳- دیوان به درخواست هرطرفی اجازه خواهد داد که آن طرف زبانی غیر از فرانسه یا انگلیسی به کار برد.

ماده ۴۰

۱- دعاوی به اقتضای مورد یا به وسیله ابلاغ توافق طرفین دعوی یا به وسیله دادخواستی که به دفتردار داده می‌شود، به دیوان رجوع می‌گردد. در هر صورت باید موضوع اختلاف و طرفین دعوی معین گردند.

۲- دفتردار فوراً عرض حال را به هر ذی‌نفعی ابلاغ می‌کند.

۳- و نیز نامبرده موضوع را به وسیله دبیرکل سازمان ملل متحد به اطلاع اعضای ملل‌متحد و همچنین به اطلاع دولت‌هایی که حق رجوع به دیوان دارند، می‌رساند.

ماده ۴۱

۱- دیوان بین المللی دادگستری اختیار دارد در صورتی که تشخیص دهد که اوضاع و احوال ایجاب می‌کند اقداماتی را که باید برای حفظ حقوق طرفین موقتاً به عمل آید، انجام دهد.

۲- تا صدور حکم قطعی تعیین این اقدامات باید فوراً به طرفین اختلاف و به شورای امنیت ابلاغ گردد.

ماده ۴۲

۱- نمایندگی طرفین در دیوان بین‌المللی دادگستری به عهده کسانی است که از طرف آنها معین می‌شود.

۲- طرفین می‌توانند در محضر دیوان از مشاورین حقوقی یا وکلای دادگستری کمک بگیرند.
۳- نمایندگان و مشاوران و وکلای طرفین در محضر دیوان دارای مزایا و مصونیت‌هایی خواهند بود که برای انجام آزادانه وظایف آنها لازم است.

ماده ۴۳

۱- آیین رسیدگی دو مرحله دارد یک کتبی و دیگری شفاهی.
۲- آیین کتبی عبارت است از ابلاغ لوایح متقابل و بنابر اقتضا، جواب آنها به قاضی و به طرف وهمچنین ابلاغ اوراق و مدارک مربوط به دعوی.
۳- ابلاغ به وسیله دفتردار و به ترتیب مدتی که از طرف دیوان معین می‌شود به عمل می‌آید.
۴- رونوشت مصدق هرگونه اوراق که یکی از طرفین می دهد، باید به طرف دیگر ابلاغ شود.
۵- آیین شفاهی عبارت است از استماع به اظهارات شهود و کارشناسان و نمایندگان و مشاورین حقوقی وکلای دعوی.

ماده ۴۴

۱- برای ابلاغ به هر شخصی غیر از نمایندگان و مشاوران و وکلای طرفین دیوان بین المللی دادگستری مستقیماً به دولتی مراجعه خواهد کرد که ابلاغ در خاک آن دولت می‌بایستی تسلیم شود.
۲- همین ترتیب در مواردی که بایستی مدارکی در محل جمع آوری شود نیز صدق می‌کند.

ماده ۴۵

رسیدگی تحت ریاست رئیس و در صورت غیبت او تحت ریاست نایب رئیس به عمل می‌آید. در صورت غیبت هر دو، ریاست به عهده قدیمی‌ترین قاضی از میان قضات حاضر

خواهد بود.

ماده ۴۶

جلسه رسیدگی علنی است مگر اینکه خود دیوان تصمیم دیگری بگیرد یا اینکه طرفین درخواست نمایند که جلسه بدون حضور تماشاچی تشکیل شود.

ماده ۴۷

۱- در هر جلسه صورت جلسه ای تهیه خواهد شد که به امضای رئیس و دفتردار می‌رسد.
۲- فقط این صورت جلسه اعتبار سند رسمی خواهد داشت.

ماده ۴۸

دیوان بین المللی دادگستری برای اداره کردن جریان دعوی و تعیین ترتیبات و مهلت هایی که باید هر یک از طرفین بر طبق آن آخرین تقاضای خود را از دیوان بنمایند، قرارهایی صادر و هر اقدامی را که برای اقامه ادله مقتضی باشد، به عمل می‌آورد.

ماده ۴۹

دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند حتی قبل از شروع جلسه از نمایندگان طرفین بخواهد که تمام مدارک را تقدیم و کلیه توضیحات خود را بدهند. در صورت امتناع این نکته را دیوان منظور نظر خواهد داشت.

ماده ۵۰

دیوان می‌تواند هرگاه لازم باشد یک تحقیق یا یک امر مشورتی را به هر شخص یا هیات یا دفتر یا کمیسیون و یا موسسه‌ای که خود دیوان انتخاب می‌کند، رجوع نماید.

ماده ۵۱

در جریان محاکمه کلیه سوالات مقتضی از شهود و کارشناسان بر طبق ترتیباتی به عمل

می‌آید که دیوان بین‌المللی دادگستری در آیین‌نامه مذکور در ماده ۳۰ مقرر خواهد داشت.

ماده ۵۲

پس از آنکه در تاریخ های مقرر اسناد و مدارک دریافت و اظهارات شهود استماع گردید، دیوان می‌تواند هر شهادت یا مدارک جدیدی را که یکی از طرفین بخواهد بدون رضایت طرف دیگر به او بدهد، رد نماید.

ماده ۵۳

۱- اگر یکی از طرفین در جلسه رسیدگی حاضر نشود یا از ابراز دلایل خودداری نماید، طرف دیگر می‌تواند از دیوان تقاضا نماید که بر طبق درخواست‌های او حکم بدهد.
۲- قبل از اینکه دیوان این تقاضا را بپذیرد باید مطمئن گردد که نه فقط طبق ماده ۳۶ و ۳۷ صلاحیت رسیدگی دارد بلکه درخواست‌های مزبور هم از نقطه نظر حقوقی و هم از نقطه نظر عملی صحیح و با اساس است.

ماده ۵۴

۱- وقتی نمایندگان و مشاورین و وکلای طرفین تمام وسایلی را که مکفی می‌دانند تحت نظر دیوان به کار بردند، رئیس ختم محاکمه را اعلام می‌نماید.
۲- سپس هیئت داوران برای مشورت به اتاق مشاوره می روند. مشاوره داوران باید محرمانه به عمل آمده و سری بماند.

ماده ۵۵

۱- احکام داوران با اکثریت قضات حاضر صادر می‌شود.
۲- در صورت تساوی آرا، رأی رئیس یا کسی که جانشین اوست، قاطع خواهد بود.

ماده ۵۶

۱- حکم باید موجه باشد.
۲- اسامی قضاتی که در صدور حکم شرکت کرده‌اند باید در حکم قید گردد.

ماده ۵۷

هرگاه حکم کلاً یا جزأ به اتفاق آرا قضات صادر نشده باشد، هر قاضی حق خواهد داشت شرح عقیده شخصی خود را ضمیمه حکم کند.

ماده ۵۸

حکم باید به امضای رئیس و دفتردار برسد و در جلسه علنی که نمایندگان طرف حسب‌المقرر به آنجا دعوت شده باشند، خوانده شود.

ماده ۵۹

احکام دیوان فقط درباره طرفین اختلاف و در موردی که موضوع حکم بوده، الزام‌آور است.

ماده ۶۰

احکام دیوان قطعی و غیرقابل استیناف است. در صورت اختلاف در مورد معنی و حدود حکم، دیوان می‌تواند به درخواست هر طرفی آن را تفسیر نماید.

ماده ۶۱

۱- تجدید نظر در حکم را نمی‌توان از دیوان تقاضا نمود مگر در صورت کشف یک امری که در قضیه اثر قطعی داشته و قبل از صدور حکم، خود دیوان و طرفی که تقاضای تجدید نظر می‌نماید از وجود آن امر اطلاع نداشته‌اند و از ناحیه طرف مزبور هم تقصیری برای این عدم اطلاع نبوده است.
۲- آیین تجدید نظر بر طبق حکمی شروع می شود که از طرف دیوان صادر شده و به

موجب آن صراحتاً وجود امر جدیدی را که دارای کیفیات لازم برای امکـان تجدیـد نظر است اشهاد کرده و از این حیث درخواست تجدیـد نظـر را قابـل قبـول اعـلام می‌دارد.

۳- دیوان می‌تواند شروع آیین تجدید نظر را به اجرای قبلی حکم متوقف سازد.

۴- درخواست تجدید نظر باید حداکثر در ظرف ۶ ماده از تاریخ کشف امـر جدیـد بـه عمل آید.

۵- پس از انقضای ده سال از تاریخ حکم هـیچ درخواسـت تجدیـد نظـر امکـان پـذیر نخواهد بود.

ماده ۶۲

۱- هرگاه دولتی تشخیص دهد که قضاوتی که به عمل آمده به یکی از علایـق حقـوقی آن مربوط می‌شود می‌توان برای دخالت در قضیه به دیوان عرض حال بدهد.

۲- در مورد این تقاضا رأی دیوان قاطع است.

ماده ۶۳

۱- هرگاه امر مربوط به تفسیر قراردادی باشد که در آن قرارداد دولت های دیگر غیـر از طرفین اختلاف شرکت داشته اند، دفتردار باید بدون درنـگ مراتـب را بـه اطـلاع آن دولت‌ها برساند.

۲- هر یک از این دولت ها حق دارد که وارد محاکمه شود و در صورت اعمال این حق تفسیری که به موجب حکم دیوان به عمل می‌آید، درباره او نیز الزام‌آور خواهد بود.

ماده ۶۴

هریک از طرفین دعوی مخارج محاکمه مربوط به خود را متحمل خواهد شد مگر اینکه دیوان ترتیب دیگری مقرر دارد.

فصل چهارم: آرا مشورتی

ماده ۶۵

۱- دیوان می‌تواند در هر مسئله قضایی به تقاضای هر سازمان یا موسسه‌ای کـه منـشور ملل متحد به او اجازه چنین تقاضا را می‌دهد یا برطبق مقررات آن منـشور مـی‌توانـد این اقدام را به عمل آورد، رأی مشورتی بدهد.

۲- مسائلی که در مورد آن رأی مشورتی دیوان خواسته می‌شود، باید ضمن عرض حال کتبی بیان و در عرض حال مزبور آن مسائل باید با عبارات صریح شـرح داده شـود. هر نوع مدارکی که ممکن است موجب روشن کردن مسئله باشد باید به عرض حال ضمیمه گردد.

ماده ۶۶

۱- دفتر دار فوراً عرض حالی را که به موجب آن درخواسـت رأی مـشورتی بـه عمـل آمده، به تمام دولت‌هایی که حق اقامه دعوی در دیوان دارند ابلاغ می‌نماید.

۲- بعلاوه دفتردار باید به موجب ابلاغ مخصوص و مستقیم به هر دولتی که حق اقامه دعـوی در دیوان یا یک سازمان بین المللی که به تـشخیص دیـوان یـا در صـورتی کـه دیـوان بـه تشخیص فردی که توانایی دادن اطلاعات لازم را داشته باشد اطلاع دهد که دیوان حاضـر است در مورد موعدی که رئیس معین می‌نماید، اظهاریـه‌هـای کتبـی دریافـت یـا بیانـات شفاهی آنها را در جلسه علنی که برای این منظور تشکیل می‌یابد، استماع کند.

۳- هرگاه یکی از این دولت ها که ابلاغ مخصوص منظور در بند دوم این ماده نسبت به او به عمل نیامده است، به دادن اظهاریه کتبی یا به بیان توضیحات شفاهی اظهار میل کند، در مورد این تقاضا رأی دیوان قاطع خواهد بود.

۴- به دولت‌ها یا موسسه‌هایی که لوایح کتبی یا توضیحات شفاهی داده‌انـد، اجـازه داده می‌شود که لوایح و توضیحات دولت‌ها یا سازمان‌های دیگر را به طریـق و در مـدتی

که در هر مورد به‌خصوص از طرف دیوان در صورت دایر نبودن آن از طرف رئـیس معین می شود، مورد بحث و اظهار نظر قرار دهند و برای این منظور دفتردار در مورد مقتضی اظهاریه‌های کتبی را به دولت‌ها و موسساتی که خود آنها نیـز اظهاریـه‌هـایی تقدیم داشته‌اند، ارسال می‌دارند.

ماده ۶۷

دیوان رأی مشورتی خود را در جلسه علنی اعلام می دارد و مراتب قـبلاً بـه دبیرکـل و نمایندگان اعضای سازمان ملل متحد و دولت های دیگر و به نمایندگان موسسات بین المللی که مستقیماً ذی‌نفع هستند، اطلاع داده می‌شود.

ماده ۶۸

دیوان باید در حین اجرای وظایف مشورتی خـود مقـررات ایـن اساسـنامه را در مـورد اختلافات مطروحه‌ای که قابل اعمال می‌داند، تا سرحد امکان مراعات کند.

فصل پنجم: اصلاحات

ماده ۶۹

اصلاحات این اساسنامه به همان طریقی به عمل می آیـد کـه بـرای اصـلاحات منـشور ملل متحد مقرر است، ولی مشروط و منوط به تصمیماتی خواهد بود که مجمع عمومی بنابه توصیه شورای امنیت برای شرکت دولت هایی اتخاذ می نمایـد کـه ایـن اساسـنامه را امـضا کرده‌اند ولی عضو سازمان ملل‌متحد نیستند.

ماده ۷۰

دیوان می‌تواند اصلاحاتی را که به تشخیص او لازم است تا در این اساسـنامه بـه عمـل آید به وسیله ابلاغ کتبی دبیرکل سازمان ملل متحد پیشنهاد نماید تا طبـق مقـررات مـاده ۶۹ مورد رسیدگی واقع شود.

ضمیمه شماره ۷

متن کامل انگلیسی اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸

Universal Declaration of Human Rights

Adopted and proclaimed by General Assembly Resolution 217 A (III) of 10 December 1948

Preamble

Whereas recognition of the inherent dignity and of the equal and inalienable rights of all members of the human family is the foundation of freedom, justice and peace in the world, Whereas disregard and contempt for human rights have resulted in barbarous acts which have outraged the conscience of mankind, and the advent of a world in which human beings shall enjoy freedom of speech and belief and freedom from fear and want has been proclaimed as the highest aspiration of the common people, Whereas it is essential, if man is not to be compelled to have recourse, as a last resort, to rebellion against tyranny and oppression, that human rights should be protected by the rule of law, Whereas it is essential to promote the development of friendly relations between nations, Whereas the peoples of the United Nations have in the Charter reaffirmed their faith in fundamental human rights, in the dignity and worth of the human person and in the equal rights of men and

women and have determined to promote social progress and better standards of life in larger freedoms, Whereas member States have pledged themselves to achieve, in co-operation with the United Nations, the promotion of universal respect for and observance of human rights and fundamental freedoms, Whereas a common understanding of these rights and freedoms is of the greatest importance for the full realization of this pledge,

Now therefore, The General Assembly Proclaims this Universal Declaration of Human Rights as a common standard of achievement for all peoples and all nations, to the end that every individual and every organ of society, keeping this Declaration constantly in mind, shall strive by teaching and education to promote respect for these rights and freedoms and by progressive measures, national and international, to secure their universal and effective recognition and observance, both among the peoples of member States themselves and among the peoples of territories under their jurisdiction.

Article 1

All human beings are born free and equal in dignity and rights. They are endowed with reason and conscience and should act towards one another in a spirit of brotherhood.

Article 2

1. Everyone is entitled to all the rights and freedoms set forth in this Declaration, without distinction of any kind, such as race, colour, sex, language, religion, political or other opinion, national or social origin, property, birth or other status.

2. Furthermore, no distinction shall be made on the basis of the political, jurisdictional or international status of the country or territory to which a person belongs, whether it be independent, trust, non-self-governing or under any other limitation of sovereignty.

Article 3

Everyone has the right to life, liberty and security of person.

Article 4

No one shall be held in slavery or servitude; slavery and the slave trade shall be prohibited in all their forms.

Article 5

No one shall be subjected to torture or to cruel, inhuman or degrading treatment or punishment.

Article 6

Everyone has the right to recognition everywhere as a person before the law.

Article 7

All are equal before the law and are entitled without any discrimination to equal protection of the law. All are entitled to equal protection against any discrimination in violation of this Declaration and against any incitement to such discrimination.

Article 8

Everyone has the right to an effective remedy by the competent national tribunals for acts violating the fundamental rights granted him by the constitution or by law.

Article 9

No one shall be subjected to arbitrary arrest, detention or exile.

Article 10

Everyone is entitled in full equality to a fair and public hearing by an independent and impartial tribunal, in the determination of his rights and obligations and of any criminal charge against him.

Article 11

1. Everyone charged with a penal offence has the right to be presumed innocent until proved guilty according to law in a public trial at which he has had all the guarantees necessary for his defence.

2. No one shall be held guilty of any penal offence on account of any act or omission which did not constitute a penal offence, under national or international law, at the time when it was committed. Nor shall a heavier penalty be imposed than the one that was applicable at the time the penal offence was committed.

Article 12

No one shall be subjected to arbitrary interference with his privacy, family, home or correspondence, nor to attacks upon his honour and reputation. Everyone has the right to the protection of the law against such interference or attacks.

Article 13

1. Everyone has the right to freedom of movement and residence within

the borders of each State.

2. Everyone has the right to leave any country, including his own, and to return to his country.

Article 14

1. Everyone has the right to seek and to enjoy in other countries asylum from persecution.

2. This right may not be invoked in the case of prosecutions genuinely arising from non-political crimes or from acts contrary to the purposes and principles of the United Nations.

Article 15

1. Everyone has the right to a nationality.

2. No one shall be arbitrarily deprived of his nationality nor denied the right to change his nationality.

Article 16

1. Men and women of full age, without any limitation due to race, nationality or religion, have the right to marry and to found a family. They are entitled to equal rights as to marriage, during marriage and at its dissolution.

2. Marriage shall be entered into only with free and full consent of the intending spouses.

3. The family is the natural and fundamental group unit of society and is entitled to protection by society and the State.

Article 17

1. Everyone has the right to own property alone as well as in association with others.

2. No one shall be arbitrarily deprived of his property.

Article 18

Everyone has the right to freedom of thought, conscience and religion; this right includes freedom to change his religion or belief, and freedom, either alone or in community with others and in public or private, to manifest his religion or belief in teaching, practice, worship and observance.

Article 19

Everyone has the right to freedom of opinion and expression; this right includes freedom to hold opinions without interference and to seek, receive and impart information and ideas through any media and regardless of frontiers.

Article 20

1. Everyone has the right to freedom of peaceful assembly and association.

2. No one may be compelled to belong to an association.

Article 21

1. Everyone has the right to take part in the government of his country,

directly or through freely chosen representatives.

2. Everyone has the right to equal access to public service in his country.

3. The will of the people shall be the basis of the authority of government; this will shall be expressed in periodic and genuine elections which shall be by universal and equal suffrage and shall be held by secret vote or by equivalent free voting procedures.

Article 22

Everyone, as a member of society, has the right to social security and is entitled to realization, through national effort and international co-operation and in accordance with the organization and resources of each State, of the economic, social and cultural rights indispensable for his dignity and the free development of his personality.

Article 23

1. Everyone has the right to work, to free choice of employment, to just and favourable conditions of work and to protection against unemployment.

2. Everyone, without any discrimination, has the right to equal pay for equal work.

3. Everyone who works has the right to just and favourable remuneration ensuring for himself and his family an existence worthy of human dignity, and supplemented, if necessary, by other means of social protection.

4. Everyone has the right to form and to join trade unions for the protection of his interests.

Article 24

Everyone has the right to rest and leisure, including reasonable limitation of working hours and periodic holidays with pay.

Article 25

1. Everyone has the right to a standard of living adequate for the health and well-being of himself and of his family, including food, clothing, housing and medical care and necessary social services, and the right to security in the event of unemployment, sickness, disability, widowhood, old age or other lack of livelihood in circumstances beyond his control.

2. Motherhood and childhood are entitled to special care and assistance. All children, whether born in or out of wedlock, shall enjoy the same social protection.

Article 26

1. Everyone has the right to education. Education shall be free, at least in the elementary and fundamental stages. Elementary education shall be compulsory. Technical and professional education shall be made generally available and higher education shall be equally accessible to all on the basis of merit.

2. Education shall be directed to the full development of the human personality and to the strengthening of respect for human rights and fundamental freedoms. It shall promote understanding, tolerance and friendship among all nations, racial or religious groups, and shall further the activities of the United Nations for the maintenance of peace.

3. Parents have a prior right to choose the kind of education that shall be given to their children.

Article 27

1. Everyone has the right freely to participate in the cultural life of the community, to enjoy the arts and to share in scientific advancement and its benefits.

2. Everyone has the right to the protection of the moral and material interests resulting from any scientific, literary or artistic production of which he is the author.

Article 28

Everyone is entitled to a social and international order in which the rights and freedoms set forth in this Declaration can be fully realized.

Article 29

1. Everyone has duties to the community in which alone the free and full development of his personality is possible.

2. In the exercise of his rights and freedoms, everyone shall be subject only to such limitations as are determined by law solely for the purpose of securing due recognition and respect for the rights and freedoms of others and of meeting the just requirements of morality, public order and the general welfare in a democratic society.

3. These rights and freedoms may in no case be exercised contrary to the purposes and principles of the United Nations.

Article 30

Nothing in this Declaration may be interpreted as implying for any State, group or person any right to engage in any activity or to perform any act

aimed at the destruction of any of the rights and freedoms set forth herein.

ضمیمه شماره ۸

تصویر متن انگلیسی قطعنامه شورای امنیت درخصوص شکایت ایران از اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۶

Decisions

At its 27th meeting, on 27 March 1946, the Council adopted a proposal that the Iranian representative should be asked to "... appear at the Council so that we may hear his point of view concerning the question of postponement requested by the representative of the Union of Soviet Socialist Republics ..." and invited the representative of Iran to take a place at the Council table.

Adopted by 8 votes in favour (no further voting took place).

At its 28th meeting, on 29 March 1946, the Council decided to request the Secretary-General to ascertain at once from the Governments of the Union of Soviet Socialist Republics and Iran, through their representatives, the existing status of the negotiations between them, and particularly whether or not the reported withdrawal of troops was conditional upon the conclusion of agreements between the two Governments on other subjects, and to report to the Council on 3 April 1946.

3 (1946). Resolution of 4 April 1946

The Security Council,

Taking note of the statements by the Iranian representative that the Iranian appeal to the Council arises from the presence of USSR troops in Iran and their continued presence there beyond the date stipulated for their withdrawal in the Tri-partite Treaty of 29 January 1942,[1]

Taking note of the replies dated 3 April of the Government of the Union of Soviet Socialist Republics[2] and the Iranian Government[3] pursuant to the request of the Secretary-General for information as to the state of the negotiations between the two Governments and as to whether the withdrawal of USSR troops from Iran is conditional upon agreement on other subjects,

And in particular taking note of and relying upon the assurances of the USSR Government that the withdrawal of USSR troops from Iran has already commenced; that it is the intention of the USSR Government to proceed with the withdrawal of its troops as rapidly as possible; that the USSR Government expects the withdrawal of all USSR troops from the whole of Iran to be completed within five or six weeks; and that the proposals under negotiation between the Iranian Government and the USSR Government "are not connected with the withdrawal of USSR troops",

Being solicitous to avoid any possibility of the presence of USSR troops in Iran being used to influence the course of the negotiations between the Governments of Iran and the USSR,

---

[1] *Official Records of the Security Council, First Year, First Series, Supplement* [illegible] annex 2B, pp. 43-46.

[2] *Ibid., First Year, First Series,* [illegible] 29th meeting, p. 81 (document S/24).

[3] *Ibid.*, pp. 85-86 (document S/25).

Recognising that the withdrawal of all USSR troops from the whole of Iran cannot be completed in a substantially shorter period of time than that within which the USSR Government has declared it to be its intention to complete such withdrawal,

Resolves that the Council defer further proceedings on the Iranian appeal until 6 May, at which time the USSR Government and the Iranian Government are requested to report to the Council whether the withdrawal of all USSR troops from the whole of Iran has been completed and at which time the Council shall consider what, if any, further proceedings on the Iranian appeal are required,

Provided, however, that if in the meantime either the USSR Government or the Iranian Government or any member of the Security Council reports to the Secretary-General any developments which may retard or threaten to retard the prompt withdrawal of USSR troops from Iran, in accordance with the assurances of the USSR to the Council, the Secretary-General shall immediately call to the attention of the Council such reports, which shall be considered as the first item on the agenda.

Adopted at the 30th meeting by 9 votes (Australia, present and not voting; Union of Soviet Socialist Republics, absent).

Decision

At its 33rd meeting, on 16 April 1946, the Council decided to refer to the Committee of Experts for examination and report the letter dated 16 April 1946 from the Secretary-General to the President of the Security Council concerning the retention of the Iranian question on the Council's agenda.[4]

5 (1946). Resolution of 8 May 1946

The Security Council,

Having considered the statement made by the Iranian Government in its preliminary report of 6 May,[5] submitted in compliance with the resolution of 4 April 1946 [*resolution 3 (1946)*], that it was not able as of 6 May to state whether the withdrawal of all USSR troops from the whole of Iran had been completed,

Resolves:

To defer further proceedings on the Iranian matter in order that the Government of Iran may have time in which to ascertain through its official representatives whether all USSR troops have been withdrawn from the whole of Iran;

To request the Iranian Government to submit a complete report on the subject to the Security Council immediately upon the receipt of the information which will enable it so to do; and, in case it is unable to

[4] *Ibid.*, 33rd meeting, pp. 143-145 (document S/39).

[5] *Ibid., First Year, First Series, Supplement No. 2*, annex 2b.

obtain such information by 20 May 1946, to report on that day such information as is available to it at that time;

To consider, immediately following the receipt from the Iranian Government of the report requested, what further proceedings may be required.

Adopted at the 40th meeting by 10 votes (Union of Soviet Socialist Republics, absent).

Decision

At its 43rd meeting, on 22 May 1946, the Council decided to "adjourn the discussion of the Iranian question until a date in the near future, the Council to be called together at the request of any member".

Adopted by 9 votes to 1 (Union of Soviet Socialist Republics, absent).[6]

THE GREEK QUESTION

A. LETTER FROM THE ACTING HEAD OF THE DELEGATION OF THE UNION OF SOVIET SOCIALIST REPUBLICS TO THE PRESIDENT OF THE SECURITY COUNCIL DATED 21 JANUARY 1946[7]

Decisions

At the 6th meeting, on 1 February 1946, the President reminded the Council that, following the decision taken at the 2nd meeting,[8] it had been agreed that when the Greek question was being discussed a representative of Greece should be invited to participate, without vote, in the discussion of the question; accordingly, the Council invited the representative of Greece to take a seat at the Council table.

At its 10th meeting, on 6 February 1946, the Council accepted the following statement made by the President:

"I feel we should take note of the declarations made before the Security Council by the representatives of the Union of Soviet Socialist Republics, the United Kingdom and Greece, and also the views

[6] No further details of the vote are given in the official records.

[7] See *Official Records of the Security Council, First Year, First Series, Supplement No. 1*, annex 3.

[8] See page 1 above.

ضمیمه شماره ۹

متن انگلیسی قطعنامه‌ها، و مکاتبات سازمان ملل‌متحد درخصوص جنگ ایران و عراق و نیز جنگ دوم خلیج فارس (حمله عراق به کویت)

RESOLUTION 348, S/RES/348 (1974) Iran & Iraq,05-28-1974
Adopted by the Security Council at its 1770th meeting on 28 May 1974
The Security Council,

Recalling its consensus

1. Takes note with appreciation was circulated to the Security Council on 20 May 1974 (S/11291);

2. Welcomes the reported determination on de-escalate the prevailing situation and to improve their relations and, in particular, the fact that both countries have agreed through the Secretary-General's Special Representative, acting in the exercise of the Secretary-General's good offices, to the following points:

(a) A strict observance of the 7 March 1974 cease-fire agreement; along the entire border, in accordance with an arrangement to be agreed upon between the appropriate authorities of the two countries;

(c) The creation of purpose stated in the following subparagraph, by refraining totally from any hostile actions against each other;

(d) An early resumption, without any preconditions, at the appropriate level and place, of conversations with a view to a comprehensive settlement of all bilateral issues;

3. Expresses the hope that the parties necessary steps to implement the agreement reached;

4. Invites the Secretary-General to lend whatever assistance may be requested by both countries in connection with the said agreement.

S/RES/479 (1980) 28 September 1980 RESOLUTION 479 (1980)
Adopted by the Security Council at its 2244th meeting on 28 September 1980
The Security Council,

Having begun consideration of the item entitled, "The Situation between Iran and Iraq", Mindful that all Member States have undertaken the Charter obligations to settle their international disputes by peaceful means and in such a manner that international peace and security and justice are not endangered, Mindful as well that all Members are obliged to refrain in their international relations from the threat of or use of force against the territorial integrity or political independence of any State, Recalling that under Article 24 of the Charter the Security Council has primary responsibility for the maintenance of international peace and security, Deeply concerned about the developing situation between Iran and Iraq,

1. Calls upon Iran and Iraq to refrain immediately from any further use of force and to settle their dispute by peaceful means and in conformity with principles of justice and international law;

2. Urges them to accept any appropriate offer of mediation or conciliation or to resort to regional agencies or arrangements or other peaceful means of their own choice that would facilitate the fulfilment of their Charter obligations;

3. Calls upon all other States to exercise the utmost restraint and to refrain from any act which may lead to a further escalation and widening of the conflict;

4. Supports the efforts of the Secretary-General and the offer of his good offices for the resolution of this situation;

5. Requests the Secretary-General to report to the Security Council within forty-eight hours.

RESOLUTION 514 (1982) S/RES/514 (1982) 12 July 1982
Adopted by the Security Council at its 2383rd meeting
held on 12 July 1982
The Security Council,

Having considered again the question entitled "The situation between Iran and Iraq" Deeply concerned about the prolongation of the conflict between the two countries, resulting in heavy losses of human lives and considerable material damage, and endangering peace and security, Recalling the provisions of Article 2 of the Charter of the United Nations, and that the establishment of peace and security in the region requires strict adherence to these provisions, Recalling that by virtue of Article 24 of the Charter the Security Council has the primary responsibility for maintenance of international peace and security, Recalling its resolution 479 (1980), adopted unanimously on 28 September 1980, as well as the statement of its president of 5 November 1980 (S/14244), Taking note of the efforts of mediation pursued notably by the Secretary-General of the United Nations and his representative, as well as by the Movement of Non-Aligned Countries and the Organization of the Islamic Conference,

1. Calls for a cease-fire and an immediate end to all military operations;

2. Calls further for a withdrawal of forces to internationally recognised boundaries;

3. Decides to dispatch a team of United Nations observers to verify, confirm and supervise the cease-fire and withdrawal, and requests the Secretary-General to submit to the Council a report on the arrangements required for that purpose;

4. Urges that the mediation efforts be continued in a co-ordinated manner through the Secretary-General with a view to achieving a comprehensive, just and honourable settlement acceptable to both sides of all the outstanding issues, on the basis of the principles of the Charter of the United Nations, including respect for sovereignty, independence, territorial integrity and non-interference in the internal affairs of States;

5. Requests all other States to abstain from all actions which could contribute to the continuation of the conflict and to facilitate the implementation of the present resolution;

6. Requests the Secretary-General to report to the Security Council within three months on the implementation of this resolution.

RESOLUTION 522 (1982) S/RES/522 (1982)
Adopted by the Security Council at its 2399th meeting
held on 4 October 1982
The Security Council,

Having considered again the question entitled "The situation between Iran and Iraq", Deploring the prolongation and the escalation of the conflict between the two countries, resulting in heavy losses of human lives and considerable material damage, and endangering peace and security, Reaffirming that the restoration of peace and security in the

region requires all member States strictly to comply with their obligations under the Charter of the United Nations, Recalling its resolution 479 (1980), adopted unanimously on 28 September 1980, as well as the statement of the President of the Council of 5 November 1980 (S/14244), Further recalling its resolution 514 (1982) adopted unanimously on 28 September 1980, as well as the statement of the President of the Council of 15 July 1982 (S/15296), Taking note of the report of the Secretary-General (S/15293) of 15 July 1982,

1. Urgently calls again for an immediate cease-fire and an end to all military operations;

2. Reaffirms its call for a withdrawal of forces to internationally recognized boundaries;

3. Welcomes the fact that one of the parties has already expressed its readiness to co-operate in the implementation of resolution 514 (1982) and calls upon the other to do likewise;

4. Affirms the necessity of implementing without further delay its decision to dispatch United Nations observers to verify, confirm and supervise the cease-fire and withdrawal;

5. Reaffirms the urgency of the continuation of the current mediation efforts;

6. Reaffirms its request to all other States to abstain from all actions which could contribute to the continuation of the conflict and to facilitate the implementation of the present resolution;

7. Further requests the Secretary-General to report to the Council on the implementation of this resolution within 72 hours.

RESOLUTION 540, S/RES/540 (1983) 31 October 1983
Adopted by the Security Council at its 2493rd meeting on 31 October 1983
The Security Council,

Having considered again the question entitled "The situation between Iran and Iraq", Recalling its relevant resolutions and statements which, inter alia, call for a comprehensive cease-fire and an end to all military operations between the parties, Recalling the report of the Secretary-General of 20 June 1983 (S/15834) on the mission appointed by him to inspect civilian areas in Iran and Iraq which have been subject to military attacks, and expressing its appreciation to the Secretary- General for presenting a factual, balanced and objective account, Also noting with appreciation and encouragement the assistance and co-operation given to the Secretary-General's mission by the Governments of Iran and Iraq, Deploring once again the conflict between the two countries, resulting in heavy losses of civilian lives and extensive damage caused to cities, property and economic infrastructures, Affirming the desirability of an objective examination of the causes of the war,

1. Requests the Secretary-General to continue his mediation efforts with the parties concerned, with a view to achieving a comprehensive, just and honourable settlement acceptable to both sides;

2. Condemns all violations of international humanitarian law, in particular, the provisions of the Geneva Conventions of 1949 in all their aspects, and calls for the immediate cessation of all military operations against civilian targets, including city and residential areas;

3. Affirms the right of free navigation and commerce in international waters, calls on all States to respect this right and also calls upon the belligerents to cease immediately all hostilities in the region of the Gulf, including all sea-lanes, navigable waterways, harbour works, terminals, offshore installations and all ports with direct or indirect access to the sea, and to respect the integrity of the other littoral States;

4. Requests the Secretary-General to consult with the parties concerning

ways to sustain and verify the cessation of hostilities, including the possible dispatch of United Nations observers, and to submit a report to the Council on the results of these consultations;

5. Calls upon both parties to refrain from any action that may endanger peace and security as well as marine life in the region of the Gulf;

6. Calls once more upon all other States to exercise the utmost restraint and to refrain from any act which may lead to a further escalation and widening of the conflict and, thus, to facilitate the implementation of the present resolution;

7. Requests the Secretary-General to consult with the parties regarding immediate and effective implementation of this resolution.

RESOLUTION 552 (1984), S/RES/552, 1 June 1984
Adopted by the Security Council at its 2546th meeting on 1 June 1984
The Security Council,

Having considered the letter dated 21 May 1984 from the representatives of Bahrain, Kuwait, Oman, Qatar, Saudi Arabia and the United Arab Emirates (S/16574) complaining against Iranian attacks on commercial ships en route to and from the ports of Kuwait and Saudi Arabia, Noting that Member States pledged to live together in peace with one another as good neighbours in accordance with the United Nations Charter, Reaffirming the obligations of Member States to the principles and purposes of the United Nations Charter, Reaffirming also that all Member States are obligated to refrain in their international relations from threat or use of force against the territorial integrity or political independence of any State, Taking into consideration the importance of the Gulf region to international peace and security and its vital role to the stability of world economy, Deeply concerned over the recent attacks on commercial ships en route to and from the ports of Kuwait and Saudi Arabia, Convinced that these attacks constitute a threat to the safety and

stability of the area and have serious implications for international peace and security,

1. Calls upon all States to respect, in accordance with international law, the right of free navigation,

2. Reaffirms the right of free navigation in international waters and sea lanes for shipping en route to and from all ports and installations of the littoral States that are not parties to the hostilities;

3. Calls upon all States to respect the territorial integrity of the States that are not parties to the hostilities and to exercise the utmost restraint and to refrain from any act which may lead to a further escalation and widening of the conflict;

4. Condemns these recent attacks on commercial ships en route to and from the ports of Kuwait and Saudi Arabia;

5. Demands that such attacks should cease forthwith and that there should be no interference with ships en route to and from States that are not parties to the hostilities;

6. Decides, in the event of non-compliance with the present resolution, to meet again to consider effective measures that are commensurate with the gravity of the situation in order to ensure the freedom of navigation in the area;

7. Requests the Secretary-General to report on the progress of the implementation of the present resolution;

8. Decides to remain seized of the matter.

RESOLUTION 582 (1986), S/RES/582 (1986) 24 February 1986
Adopted by the Security Council at its 2666th meeting on 24 February 1986
The Security Council,

Having considered the question entitled "The situation between Iran and Iraq", Recalling that the Security Council has been seized with the question of the situation between Iran and Iraq for almost six years and that decisions have been taken thereon, Deeply concerned about the prolongation of the conflict between the two countries resulting in heavy losses of human lives and considerable material damage and endangering peace and security, Recalling the provisions of the Charter and in particular the obligation of all members to settle their international disputes by peaceful means in such a manner that international peace and security and justice are not endangered, Noting that both Iran and Iraq are parties to the Protocol for the prohibition of the use in war of axphyxiating, poisonous or other gases, and of bacteriological methods of warfare done at Geneva on 17 June 1925, Emphasizing the principle of the inadmissibility of the acquisition of territory by force, Taking note of the efforts of mediation pursued by the Secretary-General,

1. Deplores the initial acts which gave rise to the conflict between Iran and Iraq and deplores the continuation of the conflict;

2. Also deplores the escalation of the conflict, especially territorial incursions, the bombing of purely civilian centres, attacks on neutral shipping or civilian aircraft, the violation of international humanitarian law and other laws of armed conflict and, in particular, the use of chemical weapons contrary to obligations under the 1925 Geneva Protocol;

3. Calls upon Iran and Iraq to observe an immediate cease-fire, a cessation of all hostilities on land, at sea and in the air and withdrawal of all forces to the internationally recognized boundaries without delay;

4. Urges that a comprehensive exchange of prisoners-of-war be completed within a short period after the cessation of hostilities in co-

operation with the International Committee of the Red Cross;

5. Calls upon both parties to submit immediately all aspects of the conflict to mediation or to any other means of peaceful settlement of disputes;

6. Requests the Secretary-General to continue his ongoing efforts, to assist the two parties to give effect to this resolution and to keep the Council informed;

7. Calls upon all other States to exercise the utmost restraint and to refrain from any act which may lead to a further escalation and widening of the conflict and, thus, to facilitate the implementation of the present resolution;

8. Decides to remain seized of the matter.

RESOLUTION 588 (1986), S/RES/588 (1986) 8 October 1986
Adopted by the Security Council at its 2713th meeting
on 8 October 1986
The Security Council,

Having considered the question entitled "The situation between Iran and Iraq", Noting that the Council has been seized with this question for over six years and that decisions have been taken thereon, Deeply alarmed about the prolongation and intensification of the conflict resulting in heavy losses of human lives and considerable material damage and endangering international peace and security, Noting the obligations of Member States to refrain in their international relations from the threat or use of force against the territorial integrity or political independence of any State, or in any other manner inconsistent with the purposes of the United Nations, Recalling the provisions of the Charter of the United Nations and in particular the obligation of all Members to settle their international disputes by peaceful means in such a manner that

international peace and security and justice are not endangered, Recalling further that under the Charter, Member States have conferred on the Security Council primary responsibility for the maintenance of international peace and security and to this end have agreed to accept the role of the Security Council in the settlement of disputes, Commending the efforts of the Secretary-General in the search for a peaceful settlement of the conflict,

1. Calls upon Iran and Iraq to implement fully and without delay resolution 582 (1986) adopted unanimously on 24 February 1986;

2. Requests the Secretary-General to intensify his efforts with the parties to give effect to the above-mentioned resolution and to report to the Council no later than 30 November 1986;

3. Decides to meet again to consider the report of the Secretary-General and the conditions for the establishment of a durable peace between the two countries in conformity with the Charter of the United Nations and the principles of justice and international law.

RESOLUTION 598 (1987), S/RES/598 (1987) 20 July 1987
Adopted by the Security Council at its 2750th meeting on 20 July 1987
The Security Council, Reaffirming its resolution 582 (1986)

Deeply concerned that, despite its calls for a cease-fire, the conflict between Iran and Iraq continues unabated, with further heavy loss of human life and material destruction, Deploring the initiation and continuation of the conflict, Deploring also the bombing of purely civilian population centers, attacks on neutral shipping or civilian aircraft, the violation of international humanitarian law and other laws of armed conflict, and, in particular, the use of chemical weapons contrary to obligations under the 1925 Geneva Protocol, Deeply concerned that

further escalation and widening of the conflict may take place, Determined to bring to an end all military actions between Iran and Iraq, Convinced that a comprehensive, just, honourable and durable settlement should be achieved between Iran and Iraq, Recalling the provisions of the Charter of the United Nations and in particular the obligation of all member states to settle their international disputes by peaceful means in such a manner that international peace and security and justice are not endangered, Determining that there exists a breach of the peace as regards the conflict between Iran and Iraq, Acting under Articles 39 and 40 of the Charter of the United Nations,

1. Demands that, as a first step towards a negotiated settlement, Iran and Iraq observe an immediate cease-fire, discontinue all military actions on land, at sea and in the air, and withdraw all forces to the internationally recognized boundaries without delay;

2. Requests the Secretary-General to dispatch a team of United Nations Observers to verify, confirm and supervise the cease-fire and withdrawal and further requests the Secretary-General to make the necessary arrangements in consultation with the Parties and to submit a report thereon to the Security Council;

3. Urges that prisoners of war be released and repatriated without delay after the cessation of active hostilities in accordance with the Third Geneva Convention of 12 August 1949;

4. Calls upon Iran and Iraq to cooperate with the Secretary-General in implementing this resolution and in mediation efforts to achieve a comprehensive, just and honourable settlement, acceptable to both sides, of all outstanding issues in accordance with the principles contained in the Charter of the United Nations;

5. Calls upon all other States to exercise the utmost restraint and to refrain from any act which may lead to further escalation and widening of the conflict and thus to facilitate the implementation of the present resolution;

6. Requests the Secretary-General to explore, in consultation with Iran and Iraq, the question of entrusting an impartial body with inquiring into responsibility for the conflict and to report to the Security Council as soon as possible;

7. Recognizes the magnitude of the damage inflicted during the conflict and the need for reconstruction efforts, with appropriate international assistance, once the conflict is ended and, in this regard, requests the Secretary-General to assign a team of experts to study the question of reconstruction and to report to the Security Council;

8. Further requests the Secretary-General to examine in consultation with Iran and Iraq and with other states of the region measures to enhance the security and stability of the region;

9. Requests the Secretary-General to keep the Security Council informed on the implementation of this resolution;

10. Decides to meet again as necessary to consider further steps to insure compliance with this resolution.

Resolution 612 (1988), S/RES/612, 9 May 1988
Adopted by the Security Council at its 2812th meeting on 9 May 1988
The Security Council,

Having considered the report of 25 April 1988 (S/19823) of the Mission dispatched by the Secretary-General to investigate allegations of the use of chemical weapons in the conflict between the Islamic Republic of Iran and Iraq, Dismayed by the Mission's conclusions that chemical weapons continue to be used in the conflict and that their use has been on an even more intensive scale than before,

1. Affirms the urgent necessity of strict observance of the Protocol for the

Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare signed at Geneva on 17 June 1925;

2. Condemns vigorously the continued use of chemical weapons in the conflict between Iran and Iraq contrary to the obligations under the Geneva Protocol;

3. Expects both sides to refrain from the future use of chemical weapons in accordance with their obligations under the Geneva Protocol;

4. Calls upon all States to continue to apply or to establish strict control of the export to the parties to the conflict of chemical products serving for the production of chemical weapons;

5. Decides to remain seized of the matter and expresses its determination to review the implementation of this resolution.

Resolution 616 (1988) S/RES/616 (1988) 20 July 1988
Adopted by the Security Council at its 2821st meeting on 20 July 1988
The Security Council,

Having considered the letter dated 5 July 1988 from the Acting Permanent Representative of the Islamic Republic of Iran addressed to the President of the Security Council (S/19981), Having heard the statement of the representative of the Islamic Republic of Iran, Foreign Minister Ali-Akbar Velayati and the statement of the representative of the United States of America, Vice-President George Bush (see S/PV.2818), Deeply distressed that a civil aircraft of Iran Air - scheduled international flight 655 - was destroyed in flight over the Straits of Hormuz by a missile fired from the United States warship USS Vincennes, Stressing the need for a full explanation of the facts of the incident based upon impartial investigation, Gravely disturbed at the

increasing exacerbation of tension in the Gulf region,

1. Expresses its deep distress at the downing of an Iranian civil aircraft by a missile fired from a United States warship and profound regret over the tragic loss of innocent lives;

2. Expresses its sincere condolences to the families of the victims of the tragic incident and to the peoples and Governments of their countries of origin;

3. Welcomes the decision of the International Civil Aviation Organization, in response to the request of the Islamic Republic of Iran, "to institute an immediate fact-finding investigation to determine all relevant facts and technical aspects of the chain of events relating to the flight and destruction of the aircraft" and welcomes the announcements by the United States of America and by the Islamic Republic of Iran of their decisions to co-operate with the International Civil Aviation Organization investigation;

4. Urges all parties to the Chicago Convention of 1944 on International Civil Aviation to observe to the fullest extent, in all circumstances, the international rules and practices concerning the safety of civil aviation, in particular those of the annexes to that Convention, in order to prevent the recurrence of incidents of the same nature;

5. Stresses the need for a full and rapid implementation of its resolution 598 (1987), as the only basis for a comprehensive, just, honourable and durable settlement of the conflict between Iran and Iraq, and reaffirms its support to the efforts of the Secretary-General to implement that resolution, committing itself to work with him in the development of his implementation plan.

Resolution 619 (1988), S/RES/619 (1988) 9 August 1988
Adopted by the Security Council at its 2824th meeting on 9 August 1988
The Security Council,

Recalling its resolution 598 (1987),

1. Approves the report of the Secretary-General contained in document S/20093 on the implementation of operative paragraph 2 of resolutioon 598 (1987);

2. Decides to set up immediately, under its authority, a United Nations Iran-Iraq Military Observer Group (UNIIMOG) and requests the Secretary-General to take the necessary steps to this effect in accordance with his above-mentioned report;

3. Further decides that UNIIMOG shall be established for a period of six months, unless the Council declares otherwise;

4. Requests the Secretary-General to keep the Security Council fully informed of further developments.

The Security Council's Resolution Regarding the Kuwait Crisis (2 August 1990)

RESOLUTION 660 (1990), S/RES/660 (1990), 2 August 1990
Adopted by the Security Council at its 2932nd meeting, on 2 August 1990
The Security Council,

Alarmed by the invasion of Kuwait on 2 August 1990 by the military forces of Iraq, Determining that there exists a breach of international peace and security as regards the Iraqi invasion of Kuwait, Acting under

Articles 39 and 40 of the Charter of the United Nations,

1. Condemns the Iraqi invasion of Kuwait;

2. Demands that Iraq withdraw immediately and unconditionally all s its forces to the positions in which they were located on 1 August 1990;r

3. Calls upon Iraq and Kuwait to begin immediately intensive negotiations for the resolution of their differences and supports all efforts in this regard, and especially those of the League of Arab States;

4. Decides to meet again as necessary to consider further steps with to ensure compliance with the present resolution.

RESOLUTION 661 (1990), S/RES/661 (1990), 6 August 1990
Adopted by the Security Council at its 2933rd meeting on 6 August 1990
The Security Council,

Reaffirming its resolution 660 (1990) of 2 August 1990, Deeply concerned that that resolution has not been implemented and that the invasion by Iraq of Kuwait continues with further loss of human life and material destruction, Determined to bring the invasion and occupation of Kuwait by Iraq to an end and to restore the sovereignty, independence and territorial integrity of Kuwait, Noting that the legitimate Government of Kuwait has expressed its readiness to comply with resolution 660 (1990), Mindful of its responsibilities under the Charter of the United Nations for the maintenance of international peace and security, Affirming the inherent right of individual or collective self-defence, in response to the armed attack by Iraq against Kuwait, in accordance with Article 51 of the Charter, Acting under Chapter VII of the Charter of the United Nations,

1. Determines that Iraq so far has failed to comply with paragraph 2 of

resolution 660 (1990) and has usurped the authority of the legitimate Government of Kuwait;

2. Decides, as a consequence, to take the following measures to secure compliance of Iraq with paragraph 2 of resolution 660 (1990) and to restore the authority of the legitimate Government of Kuwait;

3. Decides that all States shall prevent:

(a) The import into their territories of all commodities and products originating in Iraq or Kuwait exported therefrom after the date of the present resolution;

(b) Any activities by their nationals or in their territories which would promote or are calculated to promote the export or trans-shipment of any commodities or products from Iraq or Kuwait; and any dealings by their nationals or their flag vessels or in their territories in any commodities or products originating in Iraq or Kuwait and exported therefrom after the date of the present resolution, including in particular any transfer of funds to Iraq or Kuwait for the purposes of such activities or dealings;

(c) The sale or supply by their nationals or from their territories or using their flag vessels of any commodities or products, including weapons or any other military equipment, whether or not originating in their territories but not including supplies intended strictly for medical purposes, and, in humanitarian circumstances, foodstuffs, to any person or body in Iraq or Kuwait or to any person or body for the purposes of any business carried on in or operated from Iraq or Kuwait, and any activities by their nationals or in their territories which promote or are calculated to promote such sale or supply of such commodities or products;

4. Decides that all States shall not make available to the Government of Iraq or to any commercial, industrial or public utility undertaking in Iraq or Kuwait, any funds or any other financial or economic resources and shall prevent their nationals and any persons within their territories from removing from their territories or otherwise making available to that

Government or to any such undertaking any such funds or resources and from remitting any other funds to persons or bodies within Iraq or Kuwait, except payments exclusively for strictly medical or humanitarian purposes and, in humanitarian circumstances, foodstuffs;

5. Calls upon all States, including States non-members of the United Nations, to act strictly in accordance with the provisions of the present resolution notwithstanding any contract entered into or licence granted before the date of the present resolution;

6. Decides to establish, in accordance with rule 28 of the provisional rules of procedure of the Security Council, a Committee of the Security Council consisting of all the members of the Council, to undertake the following tasks and to report on its work to the Council with its observations and recommendations:

(a) To examine the reports on the progress of the implementation of the present resolution which will be submitted by the Secretary-General;

(b) To seek from all States further information regarding the action taken by them concerning the effective implementation of the provisions laid down in the present resolution;

7. Calls upon all States to co-operate fully with the Committee in the fulfilment of its task, including supplying such information as may be sought by the Committee in pursuance of the present resolution;

8. Requests the Secretary-General to provide all necessary assistance to the Committee and to make the necessary arrangements in the Secretariat for the purpose;

9. Decides that, notwithstanding paragraphs 4 through 8 above, nothing in the present resolution shall prohibit assistance to the legitimate Government of Kuwait, and calls upon all States:

(a) To take appropriate measures to protect assets of the legitimate Government of Kuwait and its agencies;

(b) Not to recognize any regime set up by the occupying Power;

10. Requests the Secretary-General to report to the Council on the progress of the implementation of the present resolution, the first report to be submitted within thirty days;

11. Decides to keep this item on its agenda and to continue its efforts to put an early end to the invasion by Iraq.

RESOLUTION 662 (1990), S/RES/662 (1990) 9 August 1990
Adopted by the Security Council at its 2934th meeting on
9 August 1990
The Security Council,

Recalling its resolutions 660 (1990) and 661 (1990), Gravely alarmed by the declaration by Iraq of a "comprehensive and eternal merger" with Kuwait, Demanding, once again, that Iraq withdraw immediately and unconditionally all its forces to the positions in which they were located on 1 August 1990, Determined to bring the occupation of Kuwait by Iraq to an end and to restore the sovereignty, independence and territorial integrity of Kuwait, Determined also to restore the authority of the legitimate Government of Kuwait,

1. Decides that annexation of Kuwait by Iraq under any form and whatever pretext has no legal validity, and is considered null and void;

2. Calls upon all States, international organizations and specialized agencies not to recognize that annexation, and to refrain from any action or dealing that might be interpreted as an indirect recognition of the annexation;

3. Further demands that Iraq rescind its actions purporting to annex Kuwait;

4. Decides to keep this item on its agenda and to continue its efforts to put an early end to the occupation.

RESOLUTION 664 (1990), S/RES/664 (1990), 18 August 1990
Adopted by the Security Council at its 2937th meeting on 18 August 1990
The Security Council,

Recalling the Iraqi invasion and purported annexation of Kuwait and resolutions 660, 661 and 662, Deeply concerned for the safety and well being of third state nationals in Iraq and Kuwait, Recalling the obligations of Iraq in this regard under international law, Welcoming the efforts of the Secretary-General to pursue urgent consultations with the Government of Iraq following the concern and anxiety expressed by the members of the Council on 17 August, 1990, Acting under Chapter VII of the United Nations Charter:

1. Demands that Iraq permit and facilitate the immediate departure from Kuwait and Iraq of the nationals of third countries and grant immediate and continuing access of consular officials to such nationals;

2. Further demands that Iraq take no action to jeopardize the safety, security or health of such nationals;

3. Reaffirms its decision in resolution 662 (1990) that annexation of Kuwait by Iraq is null and void, and therefore demands that the Government of Iraq rescind its orders for the closure of diplomatic and consular missions in Kuwait and the withdrawal of the immunity of their personnel, and refrain from any such actions in the future;

4. Requests the Secretary-General to report to the Council on compliance with this resolution at the earliest possible time.

RESOLUTION 1441 (2002), S/RES/1441 (2002)
The Security Council,

Recalling all its previous relevant resolutions, in particular its resolutions 661 (1990) of 6 August 1990, 678 (1990) of 29 November 1990, 686 (1991) of 2 March 1991, 687 (1991) of 3 April 1991, 688 (1991) of 5 April 1991, 707 (1991) of 15 August 1991, 715 (1991) of 11 October 1991, 986 (1995) of 14 April 1995, and 1284 (1999) of 17 December 1999, and all the relevant statements of its President, Recalling also its resolution 1382 (2001) of 29 November 2001 and its intention to implement it fully, Recognizing the threat Iraq's noncompliance with Council resolutions and proliferation of weapons of mass destruction and long-range missiles poses to international peace and security, Recalling that its resolution 678 (1990) authorized Member States to use all necessary means to uphold and implement its resolution 660 (1990) of 2 August 1990 and all relevant resolutions subsequent to Resolution 660 (1990) and to restore international peace and security in the area, Further recalling that its resolution 687 (1991) imposed obligations on Iraq as a necessary step for achievement of its stated objective of restoring international peace and security in the area,

Deploring the fact that Iraq has not provided an accurate, full, final, and complete disclosure, as required by resolution 687 (1991), of all aspects of its programmes to develop weapons of mass destruction and ballistic missiles with a range greater than one hundred and fifty kilometres, and of all holdings of such weapons, their components and production facilities and locations, as well as all other nuclear programmes, including any which it claims are for purposes not related to nuclear-weapons-usable material,

Deploring further that Iraq repeatedly obstructed immediate, unconditional, and unrestricted access to sites designated by the United Nations Special Commission (UNSCOM) and the International Atomic Energy Agency (IAEA), failed to cooperate fully and unconditionally with UNSCOM and IAEA weapons inspectors, as required by resolution 687 (1991), and ultimately ceased all cooperation with UNSCOM and the

IAEA in 1998,

Deploring the absence, since December 1998, in Iraq of international monitoring, inspection, and verification, as required by relevant resolutions, of weapons of mass destruction and ballistic missiles, in spite of the Council's repeated demandsthat Iraq provide immediate, unconditional, and unrestricted access to the United Nations Monitoring, Verification and Inspection Commission (UNMOVIC), established in resolution 1284 (1999) as the successor organization to UNSCOM, and the IAEA; and regretting the consequent prolonging of the crisis in the region and the suffering of the Iraqi people,

Deploring also that the Government of Iraq has failed to comply with its commitments pursuant to resolution 687 (1991) with regard to terrorism, pursuant to resolution 688 (1991) to end repression of its civilian population and to provide access by international humanitarian organizations to all those in need of assistance in Iraq, and pursuant to resolutions 686 (1991), 687 (1991), and 1284 (1999) to return or cooperate in accounting for Kuwaiti and third country nationals wrongfully detained by Iraq, or to return Kuwaiti property wrongfully seized by Iraq,

Recalling that in its resolution 687 (1991) the Council declared that a ceasefire would be based on acceptance by Iraq of the provisions of that resolution, including the obligations on Iraq contained therein,

Determined to ensure full and immediate compliance by Iraq without conditions or restrictions with its obligations under resolution 687 (1991) and other relevant resolutions and recalling that the resolutions of the Council constitute the governing standard of Iraqi compliance,

Recalling that the effective operation of UNMOVIC, as the successor organization to the Special Commission, and the IAEA, is essential for the implementation of resolution 687 (1991) and other relevant resolutions,

Noting the letter dated 16 September 2002 from the Minister for Foreign

Affairs of Iraq addressed to the Secretary-General is a necessary first step toward rectifying Iraq's continued failure tocomply with relevant Council resolutions,

Noting further the letter dated 8 October 2002 from the Executive Chairman of UNMOVIC and the Director-General of the IAEA to General Al-Saadi of the Government of Iraq laying out the practical arrangements, as a follow-up to their meeting in Vienna, that are prerequisites for the resumption of inspections in Iraq by UNMOVIC and the IAEA, and expressing the gravest concern at the continued failure by the Government of Iraq to provide confirmation of the arrangements as laid out in that letter,

Reaffirming the commitment of all Member States to the sovereignty and territorial integrity of Iraq, Kuwait, and the neighbouring States, Commending the Secretary General and members of the League of Arab States and its Secretary General for their efforts in this regard, Determined to secure full compliance with its decisions, Acting under Chapter VII of the Charter of the United Nations,

1. Decides that Iraq has been and remains in material breach of its obligations under relevant resolutions, including resolution 687 (1991), in particular through Iraq's failure to cooperate with United Nations inspectors and the IAEA, and to complete the actions required under paragraphs 8 to 13 of resolution 687 (1991);

2. Decides, while acknowledging paragraph 1 above, to afford Iraq, by this resolution, a final opportunity to comply with its disarmament obligations under relevant resolutions of the Council; and accordingly decides to set up an enhanced inspection regime with the aim of bringing to full and verified completion the disarmament process established by resolution 687 (1991) and subsequent resolutions of the Council;

3. Decides that, in order to begin to comply with its disarmament obligations, in addition to submitting the required biannual declarations, the Government of Iraq shall provide to UNMOVIC, the IAEA, and the Council, not later than 30 days from the date of this resolution, a

currently accurate, full, and complete declaration of all aspects of its programmes to develop chemical, biological, and nuclear weapons, ballistic missiles, and other delivery systems such as unmanned aerial vehicles and dispersal systems designed for use on aircraft, including any holdings and precise locations of such weapons, components, sub-components, stocks of agents, and related material and equipment, the locations and work of its research, development and production facilities, as well as all other chemical, biological, and nuclearprogrammes, including any which it claims are for purposes not related to weapon production or material;

4. Decides that false statements or omissions in the declarations submitted by Iraq pursuant to this resolution and failure by Iraq at any time to comply with, and cooperate fully in the implementation of, this resolution shall constitute a further material breach of Iraq's obligations and will be reported to the Council for assessment in accordance with paragraph 11 and 12 below;

5. Decides that Iraq shall provide UNMOVIC and the IAEA immediate, unimpeded, unconditional, and unrestricted access to any and all, including underground, areas, facilities, buildings, equipment, records, and means of transport which they wish to inspect, as well as immediate, unimpeded, unrestricted, and private access to all officials and other persons whom UNMOVIC or the IAEA wish to interview in the mode or location of UNMOVIC's or the IAEA's choice pursuant to any aspect of their mandates; further decides that UNMOVIC and the IAEA may at their discretion conduct interviews inside or outside of Iraq, may facilitate the travel of those interviewed and family members outside of Iraq, and that, at the sole discretion of UNMOVIC and the IAEA, such interviews may occur without the presence of observers from the Iraqi government; and instructs UNMOVIC and requests the IAEA to resume inspections no later than 45 days following adoption of this resolution and to update the Council 60 days thereafter;

6. Endorses the 8 October 2002 letter from the Executive Chairman of UNMOVIC and the Director-General of the IAEA to General Al-Saadi of the Government of Iraq, which is annexed hereto, and decides that the

contents of the letter shall be binding upon Iraq;

7. Decides further that, in view of the prolonged interruption by Iraq of the presence of UNMOVIC and the IAEA and in order for them to accomplish the tasks set forth in this resolution and all previous relevant resolutions and notwithstanding prior understandings, the Council hereby establishes the following revised or additional authorities, which shall be binding upon Iraq, to facilitate their work in Iraq:

-- UNMOVIC and the IAEA shall determine the composition of their inspection teams and ensure that these teams are composed of the most qualified and experienced experts available;

-- All UNMOVIC and IAEA personnel shall enjoy the privileges and immunities, corresponding to those of experts on mission, provided in the Convention on Privileges and Immunities of the United Nations and the Agreement on the Privileges and Immunities of the IAEA;

-- UNMOVIC and the IAEA shall have unrestricted rights of entry into and out of Iraq, the right to free, unrestricted, and immediate movement to and from inspection sites, and the right to inspect any sites and buildings, including immediate, unimpeded, unconditional, and unrestricted access to Presidential Sites equal to that at other sites, notwithstanding the provisions of resolution 1154 (1998);

-- UNMOVIC and the IAEA shall have the right to be provided by Iraq the names of all personnel currently and formerly associated with Iraq's chemical, biological, nuclear, and ballistic missile programmes and the associated research, development, and production facilities;

-- Security of UNMOVIC and IAEA facilities shall be ensured by sufficient UN security guards;

-- UNMOVIC and the IAEA shall have the right to declare, for the purposes of freezing a site to be inspected, exclusion zones, including surrounding areas and transit corridors, in which Iraq will suspend ground and aerial movement so that nothing is changed in or taken out of

a site being inspected;

-- UNMOVIC and the IAEA shall have the free and unrestricted use and landing of fixed- and rotary-winged aircraft, including manned and unmanned reconnaissance vehicles;

-- UNMOVIC and the IAEA shall have the right at their sole discretion verifiably to remove, destroy, or render harmless all prohibited weapons, subsystems, components, records, materials, and other related items, and the right to impound or close any facilities or equipment for the production thereof; and

-- UNMOVIC and the IAEA shall have the right to free import anduse of equipment or materials for inspections and to seize and export any equipment, materials, or documents taken during inspections, without search of UNMOVIC or IAEA personnel or official or personal baggage;

8. Decides further that Iraq shall not take or threaten hostile acts directed against any representative or personnel of the United Nations or the IAEA or of any Member State taking action to uphold any Council resolution;

9. Requests the Secretary General immediately to notify Iraq of this resolution, which is binding on Iraq; demands that Iraq confirm within seven days of that notification its intention to comply fully with this resolution; and demands further that Iraq cooperate immediately, unconditionally, and actively with UNMOVIC and the IAEA;

10. Requests all Member States to give full support to UNMOVIC and the IAEA in the discharge of their mandates, including by providing any information related to prohibited programmes or other aspects of their mandates, including on Iraqi attempts since1998 to acquire prohibited items, and by recommending sites to be inspected, persons to be interviewed, conditions of such interviews, and data to be collected, the results of which shall be reported to the Council by UNMOVIC and the IAEA;

11. Directs the Executive Chairman of UNMOVIC and the Director-General of the IAEA to report immediately to the Council any interference by Iraq with inspection activities, as well as any failure by Iraq to comply with its disarmament obligations, including its obligations regarding inspections under this resolution;

12. Decides to convene immediately upon receipt of a report in accordance with paragraphs 4 or 11 above, in order to consider the situation and the need for full compliance with all of the relevant Council resolutions in order to secure international peace and security;

13. Recalls, in that context, that the Council has repeatedly warned Iraq that it will face serious consequences as a result of its continued violations of its obligations;

14. Decides to remain seized of the matter.

متن انگلیسی نامه نماینده آمریکا در سازمان ملل به شورای امنیت درخصوص حمله عراق به کویت

The Letter of the US Representative to the UN to the President of the Security Council

Representative of the United States
of America to the United Nations
August 1, 1990

Dear president,

In light of the invasion of Kuwait by Iraqi forces and the request of the Permanent Representative of Kuwait, the United States urgently requests an immediate meeting of the Security Council.

Sincerely
Thomas R. Pickering

متن انگلیسی گزارش دبیر کل سازمان ملل به شورای امنیت درخصوص مسوولیت آغاز جنگ ایران و عراق

FURTHER REPORT OF THE SECRETARY GENERAL ON THE IMPLEMENTATION OF SECURITY COUNCIL RESOLLITION 598 (1987)

1. In paragraph 6 of resolution 598 (1987), adopted on 20 July 1987, The Security Council requested the Secretary-General to explore, in consultation with Iran and Iraq, the question of entrusting an impartial body with inquiring into responsibility for the conflict and to report to the Security Council as soon as possible in implementation of that request.

2. In the course of the negotiations during the past three years, I have had several opportunities to consult with the parties on paragraph 6. While those consultations enabled me to get a certain under standing of the divergent views held by both sides, they did not come to a stage where it was felt possible to submit a meaningful report to the Security Council.

3. Following the completion of the implementation of paragraphs I and 2 of resolution 598 (1987), a renewed effort to fulfill the requirements of all other provisions of that resolution was called for in order to ensure the re-establishment of peace between Iran and Iraq in accordance with the comprehensive peace plan provided for by resolution 598 (1987) and thus to contribute substantially to the current requirements of peace and security in the region. Many of the steps I took in order to intensify all efforts in the implementation of resolution 598 (1987) have been outlined

in my report to the Security Council on that subject (S/23246).

4. For the purpose of paragraph 6, although elements of the positions of the two parties on that paragraph were known to me, I requested the Governments of Iran and Iraq, in identical letters dated 14 August 1991, to provide me in the most comprehensive manner possible with their detailed views on the subject-matter of that paragraph. At the same time, in order to obtain the fullest understanding of the subject-matter, I decided to consult separately some independent experts. On the basis of the replies provided by the parties dated 26 August 1991 for Iraq and 15 September 1991 for Iran, the consultations held with the parties in the past, all relevant information contained in the official documents of the United Nations since the beginning of the conflict and the information obtained from independent experts, I would now like, in the light of paragraph 6 of Security Council resolution 598 (1987), to report to the Security Council.

5. It is evident that the war between Iran and Iraq, which was going to be waged for so many years, was started in contravention of international law, and violations of international law give rise to responsibility for the conflict, which question is at the centre of paragraph 6. The area of violation of international law that should be of specific concern to the international community in the context of paragraph 6 is the illegal use of force and the disregard for the territorial integrity of a Member State. There were of course in the course of the conflict massive violations of various rules of international humanitarian law.

6. The Iraqi reply to my letter of 14 August 1991 is not a substantial one; therefore I am bound to rely on explanations given by Iraq earlier. That these explanations do not appear sufficient or acceptable to the international community is a fact. Accordingly, the outstanding event under the violations referred to in paragraph 5 above is the attack of 22 September 1980 against Iran, which cannot be justified under the Charter of the United Nations, any recognized rules and principles of international law or any principles of international morality and entails the responsibility for the conflict.

7. Even if before the outbreak of the conflict there had been some encroachment by Iran on Iraqi territory, such encroachment did not justify Iraq's aggression against Iran-which was followed by Iraq's continuous occupation of Iranian territory during the conflict-in violation of the prohibition of the use of force, which is regarded as one of the rules of jus cogens.

8. Of the numerous violations of humanitarian law which were committed during the Iran-Iraq war, many have already been documented by the United Nations and by the International Committee of the Red Cross. At the request of one or both of the parties I have for instance on several occasions dispatched expert missions to the theater of war to investigate such violations as the use of chemical weapons, attacks on civilian areas and the bad treatment of prisoners of war. The results of those investigations were all reported to the Security Council and issued as Security Council documents. They referred, sadly enough, to the existence of evidence that serious violations of humanitarian law had indeed taken place. On one occasion I had to note with deep regret the experts' conclusion that "chemical weapons ha[d] been used against Iranian civilians in an area adjacent to an urban center lacking any protection against that kind of attack" (S/ 20134, annex). The Council expressed its dismay on the matter and its condemnation in resolution 620 (1988), adopted on 26 August 1988.

9. The events of the Iran-Iraq war, which for many years provided the news headlines in the world media, are well known to the international community. The position of the parties, expressed on many occasions in official documents, are also public knowledge. In my opinion it would not seem to serve any useful purpose to pursue paragraph 6 of resolution 598 (1987). In the interest of peace and in line with the implementation of resolution 598 (1987) as a comprehensive peace plan, it is now imperative to move on with the settlement process. It is the careful construction of peaceful relations between the parties and of peace and security in the whole region that urgently needs to be tended to. The Security Council, in 1987, already offered the right approach, including in paragraph 8 of that resolution, which, if it had been timely implemented, might have spared the region from the further tragedy that

followed. A system of good neighborly relations based on the respect of international law, as was envisaged by the Security Council, is essential in securing peace and stability in the region in the future. It is to be hoped that the Council's call will be heeded.

Source: U.N. SCOR, 46th Sess., U.N. Doc. S/23273 (1991)

ضمیمه شماره ۱۰

متن انگلیسی کامل قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درخصوص اعلام سال ۲۰۰۱ میلادی به‌عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها

UNITED NATIONS
General Assembly
A/RES/53/22
16 November 1998
Fifty-third session
Agenda item 168
RESOLUTION ADOPTED BY THE GENERAL ASSEMBLY
[***without reference to a Main Committee (A/53/L.23/Rev.1 and Rev.1/Add.1)***]
53/22. United Nations Year of Dialogue among Civilizations

The General Assembly,

Reaffirming the purposes and principles embodied in the Charter of the United Nations, which, *inter alia*, call for collective effort to strengthen friendly relations among nations, remove threats to peace and foster international cooperation in resolving international issues of an economic, social, cultural and humanitarian character and in promoting and encouraging universal respect for human rights and fundamental freedoms for all, *Recognizing* the diverse civilizational achievements of mankind, crystallizing cultural pluralism and creative human diversity, *Aware* that

positive and mutually beneficial interaction among civilizations has continued throughout human history despite impediments arising from intolerance, disputes and wars, *Emphasizing* the importance of tolerance in international relations and the significant role of dialogue as a means to reach understanding, remove threats to peace and strengthen interaction and exchange among civilizations, *Noting* the designation of 1995 as the United Nations Year for Tolerance, and recognizing that tolerance and respect for diversity facilitate universal promotion and protection of human rights and constitute sound foundations for civil society, social harmony and peace, *Reaffirming* that civilizational achievements constitute the collective heritage of mankind, providing a source of inspiration and progress for humanity at large, *Welcoming* the collective endeavour of the international community to enhance understanding through constructive dialogue among civilizations on the threshold of the third millennium,

1. *Expresses its firm determination* to facilitate and promote dialogue among civilizations;

2. *Decides* to proclaim the year 2001 as the United Nations Year of Dialogue among Civilizations;

3. *Invites* Governments, the United Nations system, including the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, and other relevant international and non-governmental organizations, to plan and implement appropriate cultural, educational and social programmes to promote the concept of dialogue among civilizations, including through organizing conferences and seminars and disseminating information and scholarly material on the subject, and to inform the Secretary-General of their activities;

4. *Requests* the Secretary-General to present a provisional report on activities in this regard to the General Assembly at its fifty-fourth session, and a final report to the General Assembly at its fifty-fifth session.

53rd plenary meeting
4 November 1998

UNU/WIDER UNU World Institute for Development Economic Research

انسیتوی دانشگاه ملل‌متحد برای توسعهٔ تحقیقات اقتصادی

UNVP United Nations Volunteer Program

برنامهٔ داوطلبان ملل‌متحد

UPU Universal Postal Union

اتحادیهٔ جهانی پست

WFP World Food Program

برنامه‌ریزی‌های غذایی جهانی

WHO World Health Organization

سازمان بهداشت جهانی

WIPO World Intellectual Property Organization

سازمان جهانی مالکیت‌های فکری(معنوی)

WMO World Meteorological Organization

سازمان هواشناسی جهانی

WTO World Trade Organization

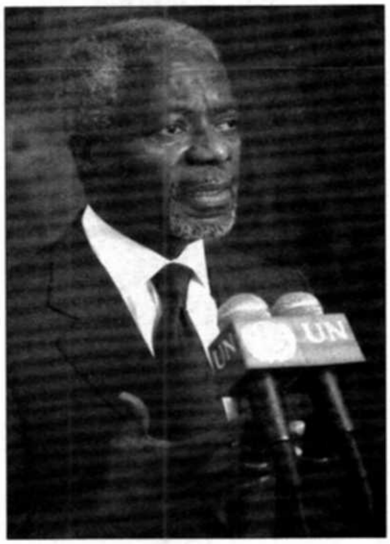
سازمان تجارت جهانی

ضمیمه شماره ۱۲

عکس‌های اشخاص و تصاویر امکنه دارای اهمیت تاریخی مربوط به جامعه ملل و سازمان ملل‌متحد



بن کی مون



کوفی عنان



پطروس غالی



خاویر پرز دکوئیار



کورت والد هایم



داگ هامر شولد



اوتانت



تریگ وه لی



وودرو ویلسون



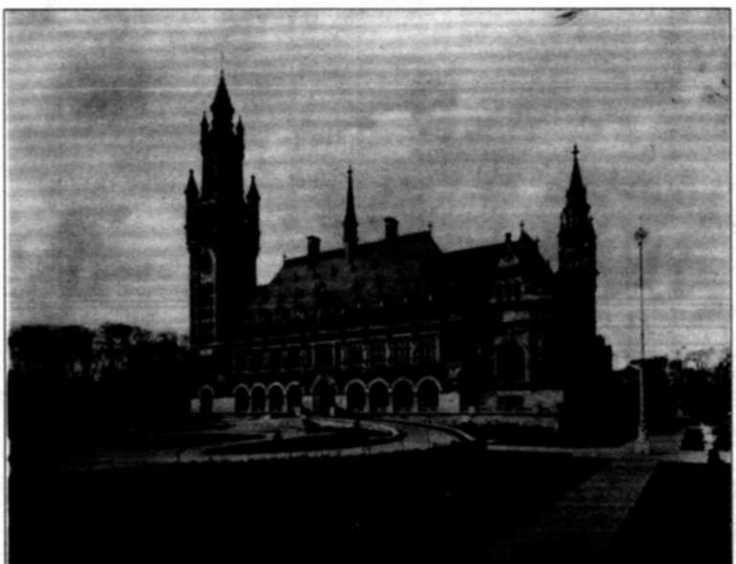
اولین نشست شورای جامعه ملل در پاریس در سال ۱۹۲۰



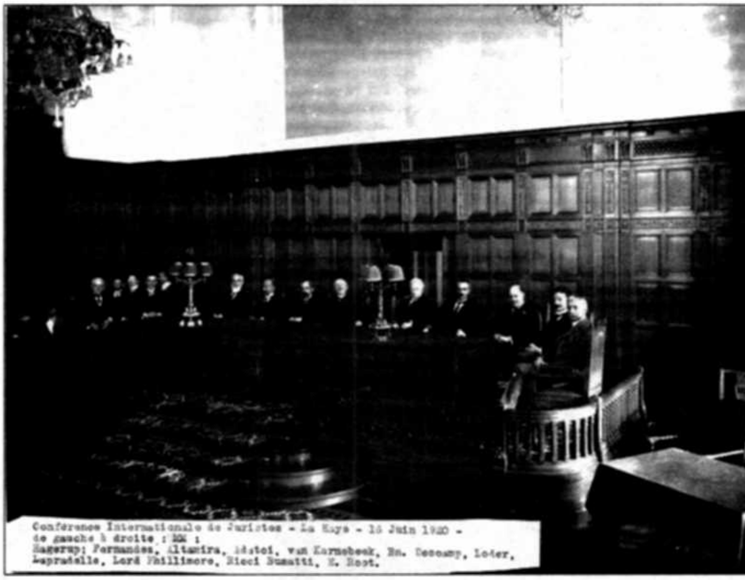
نمایی از نشست دوم شورای جامعه ملل در پاریس



نمایی از یکی از نشستهای دیوان دایمی دادگستری در لاهه



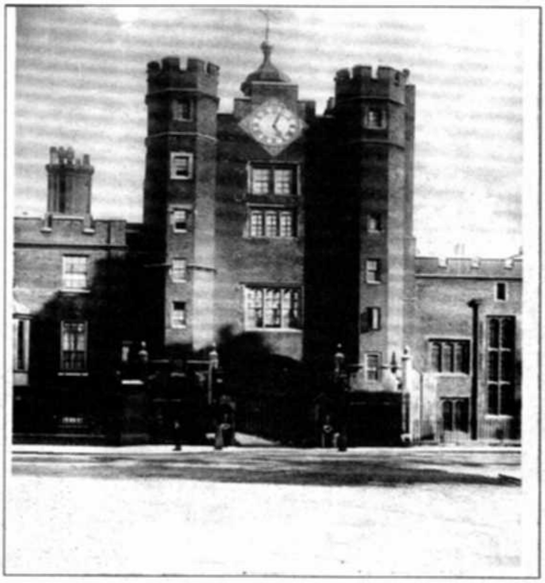
نمای بیرونی مقر دیوان دایمی دادگستری در لاهه



نمایی دیگر از یکی از نشستهای دیوان دایمی دادگستری در لاهه



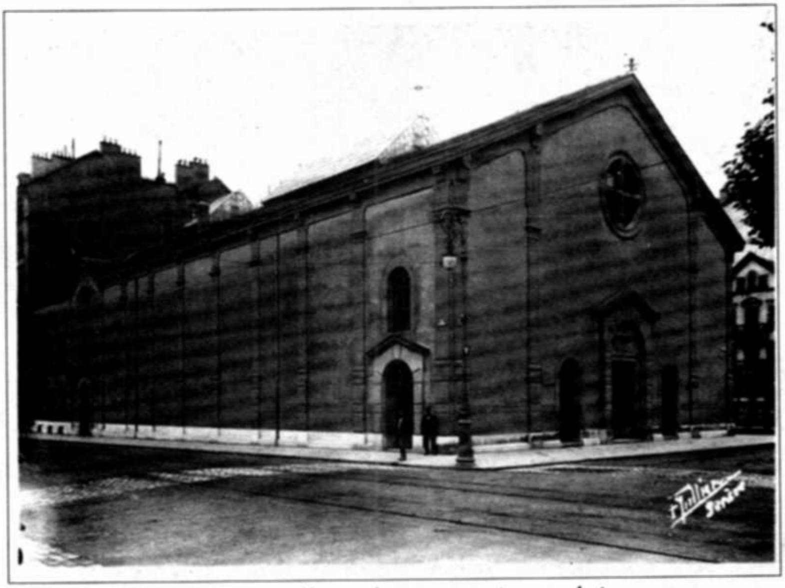
نمای بیرونی یکی از بناهای جامعه ملل دربروکسل



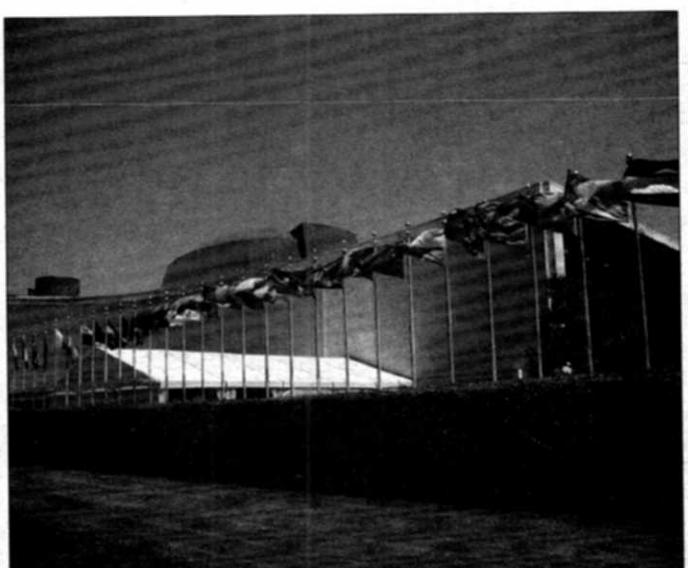
نمای بیرونی یکی از بناهای جامعه ملل درلندن



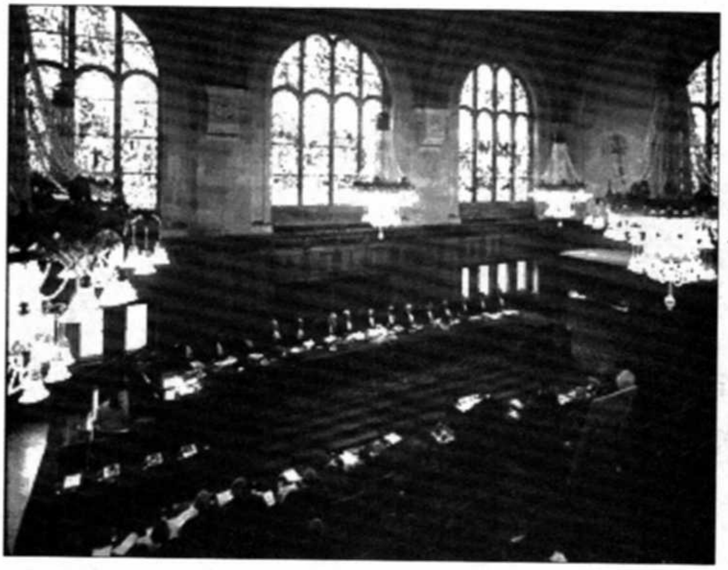
نمایی از نشست مجمع جامعه ملل در ژنو



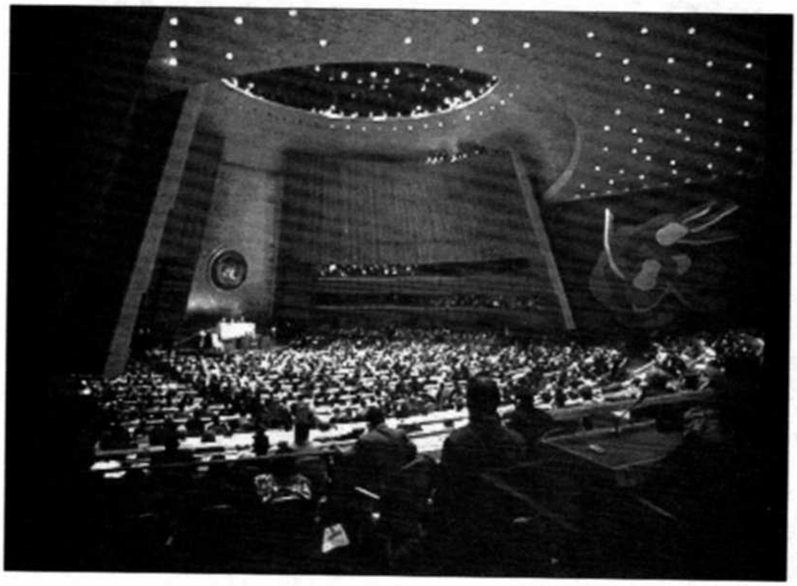
نمای بیرونی مجمع جامعه ملل در ژنو



نمای بیرونی مقر سازمان ملل‌متحد در نیویورک



نمایی از یکی از نشستهای دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه



نمایی از یکی از نشستهای مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد در نیویورک



نمایی از یکی از نشستهای شورای امنیت سازمان ملل‌متحد در نیویورک



نمای بیرونی مقر اروپایی سازمان ملل‌متحد در ژنو



تصویری تاریخی از روسای نمایندگی‌های چهار کشور خواهان کرسی دائم در شورای امنیت سازمان ملل (۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴)

افراد حاضر در عکس به ترتیب از راست به چپ: یوشکا فیشر (آلمان) لوئیس سیلوا (برزیل)، ژونیچیرو کویزومی (ژاپن) و مانموهان سینگ (هند)



جواهر لعل نهرو، جمال عبدالناصر و مارشال تیتو در یکی از نشست‌های جنبش عدم تعهد

i.s.u. press

International Organizations from Theory to Practice

Past, Present, and Future

Dr. Mohmmad hassan Khani

...مبانی نظری و ضرورت نهادِ "سازمان های بین المللی" در نظام بین الملل، تاریخچهٔ تاسیس و روند تکاملی این سازمان ها در طول تاریخ و بویژه در قرون هجدهم، نوزدهم، و بیستم میلادی و بالاخره ارزیابی جایگاه و نقش آنها در نظام بین الملل در عصر حاضر با تأکید بر جامعه ملل و سازمان ملل متحد از مهمترین محورهای مباحث مربوط به سازمان های بین المللی هستندکه دراین کتاب مورد بحث و بررسی قرار می گیرند. نگرش و دیدگاه غالب در تحقیقات، گردآوری، و تحریر فصول مختلف این اثر، نگرشی سیاسی- تاریخی با تاکید بر نقش این نهاد در روابط بین الملل بوده است و بالطبع مخاطبان اصلی این کتاب دانشجویان و پژوهشگران رشته های علوم سیاسی، روابط بین الملل، و حقوق بین الملل خواهند بود....

قیمت : ۳۵۰۰۰ ریال
شابک: ۴-۳۳-۷۷۴۶-۹۶۴